

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۹۷ احمدی، عاطفه، ۱۳۶۱ -

تنها راه: چهارده گفتار پیرامون شناخت امام عصر (ع) / نویسندگان عاطفه

۴۶۲

ت ۲۸۴ الف احمدی، سمیه فرزادفرد - شیراز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

- فارس، ۱۳۸۵.

۲۶۶ ص.

IBSN: 964-06-8576-3

کتابنامه: ص. ۲۶۳ - ۲۶۶.

۱. مهدویت. ۲. مهدویت - انتظار. الف. فرزادفرد، سمیه. ب. عنوان.

ج. عنوان: چهارده گفتار پیرامون شناخت امام عصر (ع).

نام کتاب:	تنها راه
نویسندگان:	عاطفه احمدی و سمیه فرزادفرد
ویراستار:	حسینی میرآبادی
حروف نگار:	فاطمه کرباسی، آمنه شناوری
صفحه آرا:	فاطمه کرباسی
طرح جلد:	محمد مهدی علیشاهی
ناشر:	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس
چاپ:	فرهنگ
تاریخ نشر:	بهار ۱۳۸۵
نوبت چاپ:	اول
شمارگان:	۵۰۰۰ نسخه
قیمت:	۲۰۰۰۰ ریال

تنها راه

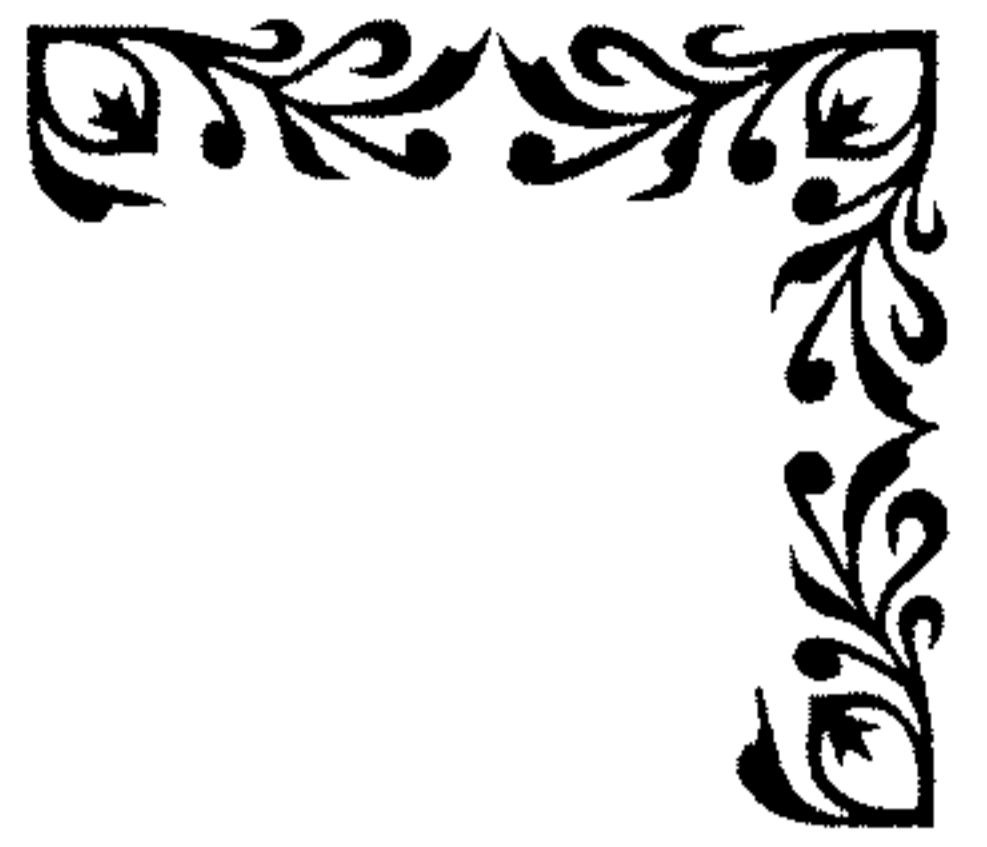
چهارده گفتار پیرامون شناخت امام عصر علیه السلام

نویسندگان:

عاطفه احمدی سعدی

و

سمیه فرزادفرد



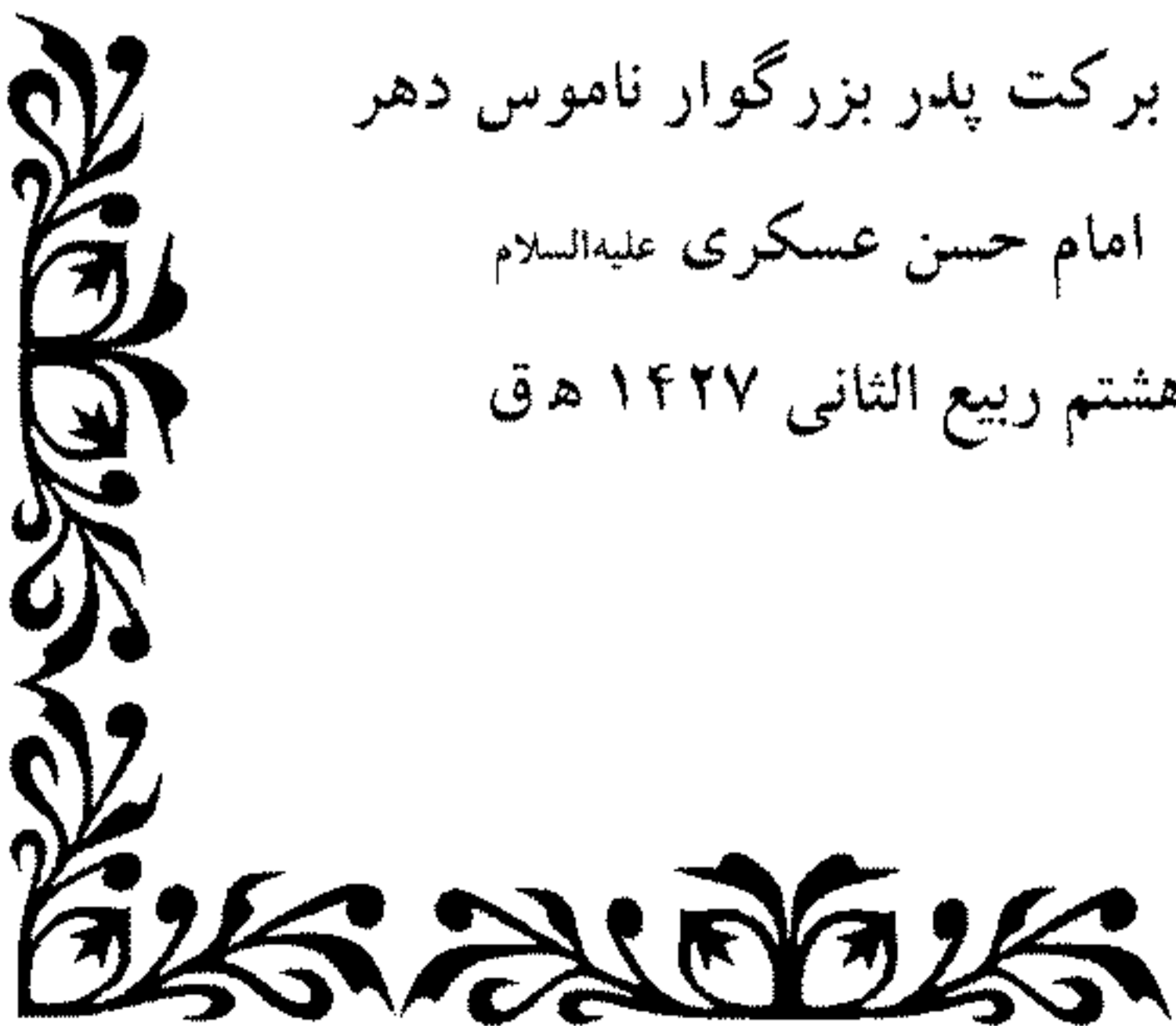
این تلاش ناپیز را به پیشگاه مقدس
امام حسن عسکری علیه السلام
ولی و پرورنده‌ی نور پرورگار
و امانت‌دار امان زمین
تقدیم می‌کنیم.

تاریخ پایان نوشتار

میلاد با برکت پدر بزرگوار ناموس دهر

امام حسن عسکری علیه السلام

هشتم ربیع الثانی ۱۴۲۷ هـ ق



فهرست

۱۱	طلیعه
۱۳	درس ۱: ضرورت طرح مباحث مهدویت
۱۵	لزوم معرفت امام
۲۰	توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویت
۲۱	به روز بودن موضوع مهدویت
۲۶	پرسش
۲۷	عرصه‌های پژوهش
۲۷	معرفی منابع
۲۹	درس ۲: آسیب‌شناسی معارف مهدویت
۳۱	مفهوم آسیب‌شناسی
۳۲	اهمیت موضوع آسیب‌شناسی مهدویت
۳۲	مهم‌ترین آسیب‌های مهدویت
۴۱	راه‌های مبارزه با آسیب‌های فرهنگ مهدویت
۴۱	پرسش
۴۲	عرصه‌های پژوهش
۴۲	معرفی منابع

۴۳	درس ۳: نگاهی کوتاه به زندگانی امام دوازدهم علیه السلام
۴۶	نام و القاب
۴۸	میلااد
۴۹	مادر
۵۰	چگونگی ولادت
۵۲	سیرت امام
۵۴	دوره‌های زندگی حضرت
۵۵	پرسش
۵۶	عرصه‌های پژوهش
۵۶	معرفی منابع
۵۷	درس ۴: امام مهدی علیه السلام در قرآن
۶۰	جامعیت قرآن
۶۰	تفسیر و تأویل
۶۱	جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام
۶۳	آیا نام امام مهدی علیه السلام در قرآن آمده است؟
۶۴	گلچینی از آیات مهدویت
۷۱	پرسش
۷۲	عرصه‌های پژوهش
۷۲	معرفی منابع
۷۳	درس ۵: امام مهدی علیه السلام در روایات
۷۶	کتاب‌های ویژه‌ی امام عصر علیه السلام
۷۷	تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام
۷۹	امام مهدی علیه السلام در پرتو احادیث
۸۳	عرصه‌های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویت
۹۰	پرسش

- ۹۱ عرصه‌های پژوهش
- ۹۱ معرفی منابع
- درس ۶: موعود در ادیان** ۹۳
- ۹۶ موعود در آیین یهود
- ۹۸ موعود در آیین مسیحیت
- ۱۰۱ موعود در آیین زرتشت
- ۱۰۳ موعود در آیین هندو
- ۱۰۵ موعود آیین بودا
- ۱۰۶ ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی
- ۱۰۹ اسامی مقدس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان
- ۱۰۹ پرسش
- ۱۱۰ عرصه‌های پژوهش
- ۱۱۰ معرفی منابع
- درس ۷: غیبت امام** ۱۱۱
- ۱۱۶ پیشینه‌ی غیبت
- ۱۲۰ انواع غیبت
- ۱۲۲ غیبت امام علیه‌السلام در قرآن
- ۱۲۴ علل غیبت
- ۱۲۹ پرسش
- ۱۳۰ عرصه‌های پژوهش
- ۱۳۰ معرفی منابع
- درس ۸: برکات وجودی امام غایب علیه‌السلام** ۱۳۱
- ۱۳۴ واسطه‌ی فیض
- ۱۳۷ هدایت تکوینی
- ۱۳۹ امید بخشی

- ۱۴۰ امنیت بخشی
- ۱۴۲ تهذیب نفس
- ۱۴۳ حفظ کیان شیعه
- ۱۴۵ پاسخ‌گویی به سؤالات
- ۱۴۶ بهره‌مندی از دعا و استغفار حضرت علیه‌السلام
- ۱۴۷ پرسش
- ۱۴۸ عرصه‌های پژوهش
- ۱۴۸ معرفی منابع
- ۱۴۹ درس ۹: دیدار با امام عصر علیه‌السلام
- ۱۵۲ انکار دیدار
- ۱۵۵ امکان دیدار
- ۱۶۰ اقسام دیدار
- ۱۶۲ فواید تشرفات و دیدارها
- ۱۶۴ موانع دیدار
- ۱۶۵ آسیب‌های بحث دیدار
- ۱۶۸ پرسش
- ۱۶۹ عرصه‌های پژوهش
- ۱۶۹ معرفی منابع
- ۱۷۱ درس ۱۰: انتظار
- ۱۷۴ مفهوم انتظار
- ۱۷۵ وجوب انتظار موعود
- ۱۷۷ فضیلت انتظار
- ۱۷۸ آثار انتظار
- ۱۸۲ مناجات منتظران
- ۱۸۵ پرسش

۱۸۶	عرصه‌های پژوهش
۱۸۶	معرفی منابع
۱۸۷	درس ۱۱: مهدی یاوران
۱۸۹	اهمیت موضوع
۱۹۱	اوصاف و ویژگی‌های یاوران امام مهدی علیه‌السلام در قرآن
۱۹۵	ویژگی‌های یاوران حضرت در آئینه‌ی روایات
۲۰۳	پرسش
۲۰۴	عرصه‌های پژوهش
۲۰۴	معرفی منابع
۲۰۵	درس ۱۲: شرایط قیام و نشانه‌های ظهور
۲۰۸	شرایط و علایم
۲۰۹	شرایط ظهور
۲۱۳	نشانه‌های ظهور
۲۱۸	پرسش
۲۱۹	عرصه‌های پژوهش
۲۱۹	معرفی منابع
۲۲۱	درس ۱۳: حکومت
۲۲۳	هدف تشکیل حکومت
۲۲۵	برنامه‌های حکومت
۲۲۹	دستاوردهای حکومت
۲۳۴	ویژگی‌های حکومت
۲۳۹	پرسش
۲۴۰	عرصه‌های پژوهش
۲۴۰	معرفی منابع

۲۴۱	درس ۱۴: رجعت
۲۴۳	معنای رجعت
۲۴۴	ویژگی‌های رجعت
۲۴۶	تاریخچه‌ی رجعت
۲۴۹	اهمیت رجعت
۲۵۰	معاد و رجعت
۲۵۱	ادله‌ی وقوع رجعت
۲۵۸	تصریح ادعیه و زیارات به عقیده‌ی رجعت
۲۵۹	آثار رجعت در زندگی معتقدان
۲۶۱	پرسش
۲۶۲	عرصه‌های پژوهش
۲۶۲	معرفی منابع
۲۶۳	چهل حدیث از حضرت مهدی علیه‌السلام
۲۷۷	فهرست منابع و مآخذ

طلیح

دیرگاهی است که بشریت از ظهور امام معصوم، بی بهره است. مردمی که نه پیامبر خود را دیده و نه حجت را درک کرده‌اند، دل در گرو ظهور آبر مردی سپرده‌اند که می‌آید و رحمت محمدی‌اش با صولت حیدری و نهضت حسینی، اسلام ناب را به ارمغان می‌آورد. امام محور هستی و ید طولای الهی در چهره‌ی بشر است؛ «بِیْمَنِهِ رِزْقُ الْوَرِيِّ وَ بوجوده‌ی ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»^۱.

شیعه‌ی مهجور مانده از امام، در صدد جویای نام نشانی از مقصود خویش است تا شناختش، او را از مرگ کفر و جاهلی برهاند و عبادتش، در سایه‌ی آن مثال بی‌همتا مورد قبول حضرت حق قرار گیرد چرا که فرموده‌اند: «لَوْ لَا نَا مَا عُبِدَ اللَّهُ»^۲ «اگر ما نبودیم، خداوند عبادت نمی‌شد».

^۱ - مفاتیح الجنان، دعای عدیله

^۲ - اصول کافی، کتاب الحجّه، ح ۲

و اکنون که ...

یازده ستاره‌ی عصمت، در طی ۱۴۰۰ سال، رسالت خویش را در قبال انسان انجام داده‌اند و سنت خداست که زمین از حجتی که راهنمای بندگان است، خالی نباشد، ما در انتظار رؤیت خورشیدیم.^۱ همان خورشید عدالتی که بشر تشنه‌ی عدالت و محروم از امام و حجت را نور حیات ببخشد و دل‌های سرد و خزان‌زده‌ی انسان معاصر را با تبلور محمدی‌اش جلایی دوباره بخشد و بهار و شادابی ایام را پیشکش دل‌های خسته از نامردمی‌ها و ناجوانمردی‌ها سازد.

بشارت باد بر شیعیان مهدی ارواحنفا، چرا که اسوه‌ی حلم و عبادت، امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرمایند: «خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت ما به رشته‌ی ولایت ما چنگ زده و در راه دوستی ما استوار مانده و از دشمنان ما بیزارند. آن‌ها از ما هستند و ما از آن‌هاییم. آن‌ها، ما را به امامت پسندیدند و ما هم آن‌ها را به شیعه بودن پسندیده‌ایم. خوشا به حال شیعیان و باز هم خوشا به حالشان، به خدا قسم که ایشان در روز قیامت در درجات ما خواهند بود.»^۲

مجموعه‌ای که در پیش رو دارید، گفتارهایی است در شناخت آخرین ذخیره‌ی هستی، ارواحنفا، با امید به این که این بضاعت مُزجات مورد قبول حضرتش قرار گیرد.

اللهم عجل لولیک الفرج

و من الله التوفیق

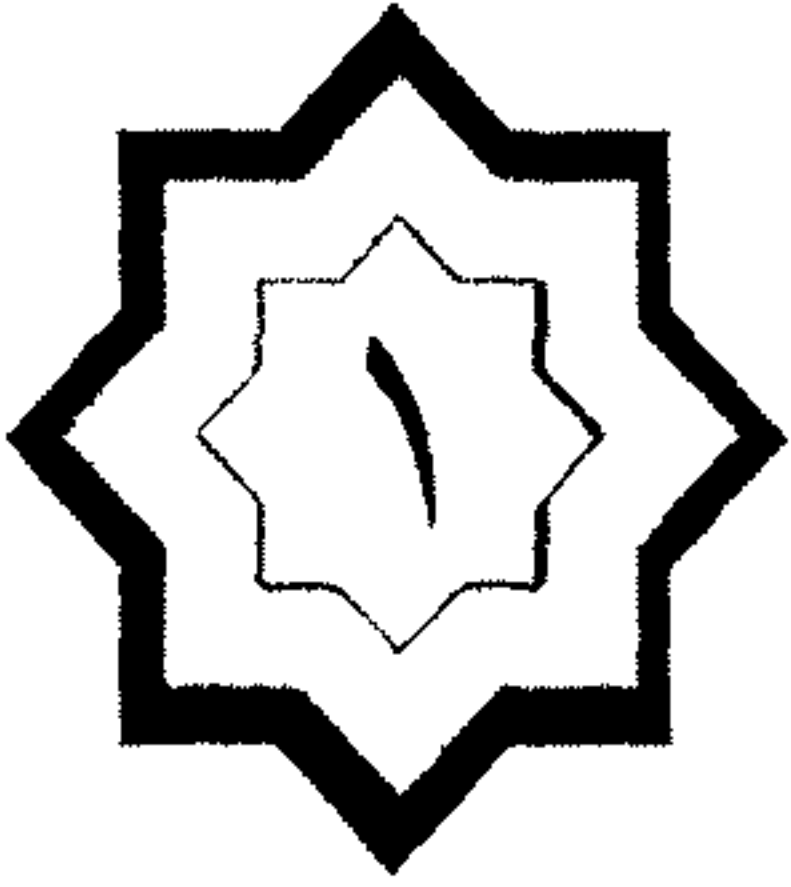
بنیاد فرهنگی حضرت

مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فارس

بهار ۱۳۸۵

^۱ - امام خمینی (ره)

^۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۰، ج ۵



ضرورت طرح مباحث مهدویت

لزوم معرفت امام

به روز بودن موضوع مهدویت

توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویت

پیش از پرداختن به هر کاری، اگر ضرورت و بایستگی آن معلوم باشد، انسان برای انجام آن، انگیزه و نشاط لازم را پیدا می‌کند. وقتی سخن از مباحث «مهدویت» به میان می‌آید، ممکن است سؤال شود: با وجود موضوعات بسیار گوناگون که در جهان علم و دانش وجود دارد، چرا باید به مباحث مهدویت پرداخت؟ در پاسخ باید گفت که، «اندیشه‌ی مهدویت» پاسخ‌گویی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان‌ها در اصلاح وضعیت نابسامان بشری است و «دولت مهدوی» پاسخ‌گویی تمام‌گامی‌ها و ناراستی‌ها - براساس محوریت دین، اخلاق و معنویت - است.

بنابراین اثبات لزوم طرح این معارف و ارائه‌ی تصویری روشن از آینده‌ی موعود، نیاز به پژوهش و تحقیقات گسترده‌ای دارد که در این بحث به چند مورد از ابعاد گوناگون آن اشاره می‌شود:

۱- لزوم معرفت امام

در فرهنگ دینی - قرآن و روایات - بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ به گونه‌ای که در ردیف اصول اعتقادی یعنی؛ توحید، نبوت و معاد قرار گرفته است. در واقع اعتقاد به وجود امام، در هر عصر و

زمانی واجب است و به موجب دلایل عقلی و نقلی، ایمان بدون شناخت امام هر زمان تحقق نمی‌پذیرد، زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد. در منابع روایی موجود احادیث بسیاری وجود دارد که بیانگر اهمیت شناخت امام است. در این جا به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) شناخت امام، شرط اسلام واقعی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

بر اساس این حدیث شریف که متواتر بین شیعه و سنی است،^۲ شناخت امام شرط اسلام است و اگر کسی بی شناخت امام بمیرد، گویا از اسلام بی بهره بوده است، هر چند مناسک و اعمال اسلامی را انجام داده باشد.

معرفت امام زمان علیه السلام آن گاه می‌تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود از هدایت‌های او بهره‌مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم. و گر نه صرف این که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی آن که این امام تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی‌تواند مایه‌ی نجات و رستگاری ما باشد.

بیان آیت الله جوادی آملی در مورد حدیث فوق این است که: «مرگ محصول زندگی است و اگر مرگ، مرگ جاهلی است، برای این است که زندگی، زندگی جاهلی است و کسی که با امام زمان رابطه ندارد و او را نمی‌شناسد مرده، و کسی که او را می‌شناسد زنده است.

یعنی کسی که هشتاد سال زندگی کرده، مثل یک درخت هشتاد ساله است، او عصاره‌ی درخت زندگی را در یک کاسه و در یک لیوان می‌ریزد و موقع مردن سر

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰

^۲ - او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور، صص ۹۴-۱۱۷

می‌کشد. حال اگر مرگ، مرگ جاهلیت است، معلوم می‌شود این کاسه عصاره‌ی جاهلیت ماست.^۱

ب) شناخت امام، عامل هدایت

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند که بهترین دعا برای دوران غیبت حجت الهی و همچنین برای حفظ دین در فتنه‌های آخر الزمان این دعا است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَأَنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفَنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَأَنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفَنِي حُجَّتَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَأَنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفَنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۲

«بارخداایا! خود را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. بارخداایا! رسالت را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شناخت. پروردگارا! حجّت خودت را به من بشناسان که اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد.»

معرفت و شناخت امام زمان علیه‌السلام چراغ هدایت و رمز دین‌داری در دوران غیبت است و بدیهی است که این شناخت در مراحل چند قابل تصور است. البته در جامعه‌ی کنونی ما، همه‌ی افراد بشر در ضمیر ناخودآگاه خودشان کم و بیش با آن حضرت آشنا هستند، آنچه حایز اهمیت است باور و ایمان قلبی به آن حضرت است که تأثیر عملی در وجود انسان دارد. یعنی اگر فردی بتواند در وجود خود یک باور حقیقی و ایمان واقعی نسبت به آن حضرت داشته باشد، به سوی هدایت راه یافته و از پرتو نور پرفروغ آن مشعل هدایت بهره‌مند شده است.

^۱ - فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۳، مهدویت و عدل الهی، ص ۴۶

^۲ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۴۳

ج) شناخت امام و ثواب یاری ایشان در زمان ظهور

امام صادق علیه السلام در پاسخ یکی از شاگردان خود به نام فضیل بن یسار که در مورد آیهی «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»^۱ «روزی که هر مردمی را با امامشان می خوانیم.» سؤال کرده بود، فرمودند:

«يَا فَضِيلُ! اِعْرِفْ اِمَامَكَ فَاِنَّكَ اِذَا عَرَفْتَ اِمَامَكَ لَمْ يَضُرْكُ تَقَدُّمَ هَذَا الْاَمْرِ اَوْ تَاَخُّرًا. وَ مَنْ عَرَفَ اِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ اَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْاَمْرِ، كَانَ بِمَثَلِهِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ، لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ»^۲

«ای فضیل امام خود را بشناس، زیرا اگر معرفت امام خود را داشته باشی، جلو افتادن یا به تأخیر افتادن این امر زیانی به تو نمی رساند و کسی که امام خود را بشناسد، سپس (با معرفت) قبل از آن که صاحب این امر قیام کند از دنیا برود، همچون کسی است که در لشکر آن حضرت بوده باشد. نه، بلکه (بالاتر) مانند کسی است که زیر پرچم ایشان (در میدان جنگ) نشسته باشد.»

آن چه در این روایت مورد تأکید واقع شده، این است که انسان باید پیش از پیش و در همه حال به معرفت امام عصر علیه السلام اهمیت دهد.

د) شناخت امام، راه معرفت خدا

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «خَرَجَ الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَيَّ اصْحَابِهِ فَقَالَ بَعْدَ الْحَمْدِ لِلَّهِ جَلًّا وَعَزًّا وَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ - وَ اللَّهُ - مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.»^۳

«روزی امام حسین علیه السلام نزد اصحاب خود آمدند و بعد از حمد خدای عزوجل و صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: ای مردم، قسم به خدا،

^۱ - اسراء / ۷۱

^۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱

^۳ - بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۳

پروردگار بندگان را نیافرید مگر برای این که به او معرفت پیدا کنند، پس وقتی معرفت او را یافتند، به عبادت او پردازند، پس با بندگی او، از بندگی غیر او بی نیاز شوند. آن گاه مردی از ایشان پرسید: پدر و مادرم فدای شما، ای پسر رسول خدا، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: یعنی مردم هر زمان، امام خودشان را که اطاعت او برایشان واجب است، بشناسند.»

از این روایت فهمیده می شود که کمال انسان و هدف خلقت او، رسیدن به مقام عبودیت و بندگی خداست. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ «و خلق نکردیم جن و انس را مگر این که مرا عبادت کنند.»

مقدمه‌ی عبودیت و بندگی، شناخت و معرفت خداوند است، که اگر انسان عظمت حق تعالی را دریابد، در مقابل او بندگی خواهد نمود و راه شناخت خداوند متعال، شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام است.

شیخ صدوق (ره) در تبیین حدیث یاد شده می گوید: «مراد این است که مردم هر زمان بدانند خداوند کسی است که آن‌ها را در هر زمان از امام معصوم خالی نگذاشته است، پس کسی که عبادت کند خدایی را که برای آنان حجت قرار نداده، پس غیر خدا را عبادت کرده است.»^۲

آری، فلسفه‌ی آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست. و این معرفت حاصل نمی شود مگر با معرفت امام و حجت عصر علیه السلام؛ چرا که امام آینده‌ی تمام نمای حق و واسطه‌ی شناخت خداست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... نَحْنُ الْعَالَمُونَ (الْقَائِمُونَ) بِأَمْرِهِ وَ الدَّاعُونَ إِلَى سَبِيلِهِ، بِنَا عُرْفِ اللَّهِ وَ بِنَا عِبَادَةِ اللَّهِ، نَحْنُ الْأَدْلَاءُ عَلَى اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَا مَا عُبِدَ اللَّهُ.»^۳ «ما دانایان (برپادارندگان) به امر خدا و دعوت کنندگان به راه او هستیم. به واسطه‌ی ما خدا شناخته و پرستیده می شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد.»

^۱ - ذاریات / ۵۶

^۲ - علل الشرایع، ج ۱، ص ۹

^۳ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰

۲- توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویت

عقیده به ظهور یک نجات دهنده‌ی بزرگ آسمانی و امید به یک آینده‌ی روشن که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و با ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه‌ی تاریکی‌ها از پهنه‌ی گیتی برچیده شود و ریشه‌ی ظلم و جهل و تباهی از روی کره‌ی زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، همه جا، و در همه‌ی زمان‌ها بین تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است، و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه، نویدهایی داده‌اند.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسان‌ها پیوسته در میان همه‌ی ملت‌ها و پیروان ادیان بزرگ همانند زرتشت، یهود و مسیحیت موجود بوده، و حتی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمن‌ها، اسن‌ها و سلت‌ها نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزمان ظهور کند و بی‌عدالتی‌ها را از بین ببرد و حکومت واحد جهانی تشکیل داده و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

آن‌چه از تاریخ امت‌ها استفاده می‌شود این است که: مسأله‌ی عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل همه‌ی ملت‌ها و پیروان همه‌ی ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان‌ها در فراز و نشیب‌های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدري، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می‌کنند.

با این همه، تذکر این نکته لازم است که گر چه همه‌ی مذاهب و ملل خبر از مصلح کل در آخر الزمان داده‌اند، ولی در هیچ یک از آن‌ها به اندازه‌ی دین اسلام درباره‌ی آن مصلح موعود سخن گفته نشده است. وجود بیش از ۲۰۰ آیه از آیات قرآن که به وجود، ظهور و دوران حکومت آن حضرت تفسیر و تأویل شده‌اند، و

همچنین حدود ۶۰۰۰ روایات گوناگون از پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام درباره‌ی امام زمان علیه السلام مؤید اهمیت این مطلب است. چرا که آن مهدی موعود علیه السلام از مسلمان‌ها و از نسل پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله وسلم است که برای گسترش و تجدید حیات اسلام قدم بر می‌دارد و در دوران او حکومت و حاکمیت اسلام تحقق پیدا می‌کند.

۳- به روز بودن موضوع مهدویت

اعتقاد به مهدویت و انتظار منجی مصلح، پیامدهای مثبتی برای بشر دارد؛ زیرا ایمان به امام زمان علیه السلام مانع از تسلیم شدن است. ملت‌های با ایمان که حضور آن حضرت را در میان خود احساس می‌کنند، از حضورش امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می‌کنند. حال کسانی که منافعشان به خطر می‌افتد، چه می‌کنند؟ آیا ساکت می‌نشینند تا همه‌ی بافته‌های آنان به راحتی رشته شود؟ قطعاً چنین نخواهند کرد؛ بلکه با روش‌های مختلف، به مبارزه با افکار و اندیشه‌های موعودگرایی و مهدویت می‌پردازند.^۱ بنابراین مهدویت مسأله‌ای مهم برای جامعه‌ی امروز بوده و ستیز با این تفکر برای دشمن امری حیاتی محسوب می‌گردد که دو عنوان زیر اهمیت این امر را محسوس‌تر بیان می‌کند:

اول - روش‌های مبارزه‌ی مهدی ستیزان

رسالت امروز اندیشمندان در مباحث مهدویت، تعمیق ایمان مردم به امام زمان علیه السلام است. چرا که اگر مهدویت خوب تبیین شود، حرکت‌های اصلاحی در سراسر جهان به بهترین وجه می‌تواند از آن روح حیات بگیرد. تبیین آثار و پیامدهای مهدی باوری و انتظار، انسان را متقاعد می‌کند که مبارزه و ستیز با این تفکر برای دشمن، راهبردی و ضروری است و ذکر نمونه‌های عینی، به وضوح می‌رساند که دشمن به ضرورت مطلب پی برده و از این رو از هیچ کاری دریغ نمی‌ورزد.

^۱ - فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۵، صص ۲۷۱ - ۲۷۶

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «دشمن، هر امر صحیح و مفیدی را تا آن جا که مقدور باشد انکار می‌کند و اگر نتوانست، به تحریف و تخریب آن می‌پردازد یا در مقابل آن اقدام به جایگزینی می‌کند.»

در موضوع مهدویت به عنوان یکی از مسایل به روز جهان، نیز دشمن چنین می‌کند، نمونه‌های بسیاری از انکار، تحریف، تخریب و جایگزینی در این زمینه وجود دارد که هدف ما از بیان آن‌ها، اعلام جدی بودن مبارزه‌ی دشمنان با مسأله‌ی مهدویت است تا در پرتو آن، به شیوه‌ها و روش‌ها دقیق‌تر بیندیشیم و «در مقابل تلاش دشمن، در جهت اعتماد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت، حرکت کنیم»^۱.

الف) انکار مهدویت

منظور از انکار مقوله‌ی مهدویت و انتظار، این است که آن را مبحثی وارداتی و برگرفته از دیگران و پیامد نا بسامانی‌ها و مشکلات معرفی کنند. بسیاری از دایرة المعارف‌ها که بایستی مرجعی قابل اعتماد در موضوعات متفاوت باشد، گویی رسالت خود را فراموش کرده و اهداف دیگری دنبال می‌کنند. مثلاً در دایرة المعارف بریتانیکا، در واژه‌ی مهدی و اسلام و زرتشت آمده است:

«اسلام، دینی نیست که در آن ظهوری انتظار برود و جایی برای مسیح نجات‌بخش در آن وجود ندارد و این همه، به طور تدریجی و شاید تحت تأثیر مسیحیت مطرح گردیده است. قرآن، اشاره‌ای به آن ندارد. به هیچ حدیث - گفته‌ی منسوب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - قابل اعتمادی نیز درباره‌ی مهدی علیه‌السلام نمی‌توان استناد کرد. و به نظر می‌رسد که عقیده به مهدی علیه‌السلام در دوره‌های اغتشاش و عدم امنیت مذهبی، بر تحولات سیاسی اوایل اسلام (قرن‌های هفتم و هشتم میلادی) رواج یافته باشد.»^۲

^۱ - مقام معظم رهبری، فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۷

^۲ - مجله‌ی موعود، ش ۱۹، صص ۲۶ - ۲۸

ب) تحریف

معنای تحریف در کلام مقام معظم رهبری به روشنی بیان شده است: «مطالبی که اگر به حقیقت آن‌ها توجه کنیم، تبدیل به یک موتور حرکت دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی می‌شود، وقتی دشمن روی آن کار کرد، آن را خراب و معنای آن را عوض کرده و در ذهن ما به صورت دیگری جا می‌اندازد، همین موتور متحرک، به یک داروی مخرب و خواب‌آور تبدیل می‌شود.»^۱

تبدیل موضوع انتظار امام مهدی علیه‌السلام که آثار و پیامدهای بسیار شگرف و معجزه‌آسا و مثبتی دارد، به انتظار منفی و تلخ و ناگوار و این نگرش به انتظار که امر به معروف و نهی از منکر نکردن و سر در جیب خود فرو بردن و هیچ تکلیفی در مقابل دیگران و جامعه برای خود قائل نبودن و یا حتی امر به معروف و نهی از منکر را مخالف انتظار قلمداد کردن و حتی، وظیفه‌ی منتظر را دامن زدن به فساد و تباهی‌ها دانستن و هر گونه قیام و حرکتی را قبل از ظهور حضرت باطل و مخالف دوران انتظار گفتن، دست‌آوردهایی است که برگرفته از غرض‌ورزی‌های سیاسی دشمنان است.

آری، به دنبال چنین تحریف‌هایی، افرادی چون ابن تیمیّه، در گذشته و افرادی مانند دونالدسن، شریعت سنگلجی، کسروی و بالأخره سلمان رشدی و احمد الکاتب و ... و جریان‌ات و افرادی دیگر که به هر بهانه، به دین و شیعه می‌تازند و آن را مورد تردید قرار داده و در آن ایجاد شبهه می‌کنند، مورد حمایت جدی دشمن قرار گرفته و نظرشان علمی قلمداد می‌شود.

به عنوان مثال ابن تیمیّه گوید: «انتظار، در زمان غیبت امام عصر علیه‌السلام، ضعف و سستی در امور و بی‌تفاوتی در برابر مفسد اجتماعی و همه چیز را به امید آینده واگذار کردن و اصلاح امور را به عهده‌ی امام زمان علیه‌السلام گذاردن است.»^۲

^۱ - مقام معظم رهبری، فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۲

^۲ - به نقل از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۵، ص ۲۷۵

ج) تخریب

شگرد دیگر دشمن، حمله‌ای ناجوانمردانه با ژست‌های علمی و هنری در مقابل فرهنگ مهدوی است. دشمن هدف‌های کوتاه مدت و طولانی مدت زیادی دارد:

- ۱- نیرو سازی با استفاده از خطرناک جلوه دادن جریان مهدویت؛
 - ۲- ایجاد شک و تردید و تنفر در افراد به ویژه معتقدان به مهدویت؛
 - ۳- برنامه‌ریزی برای نسل آینده برای ایجاد تنفر نسبت به فرهنگ مهدوی.
- به عنوان مثال فیلم «پیش‌گویی‌های نوسترا داموس» یا «مردی که آینده را دید»، نمونه‌ای است که هر سه هدف، و بیشتر دو هدف نخست را دنبال می‌کند. در این فیلم که توسط کمپانی صد در صد صهیونیستی «گلدن مایر» ساخته شده است، با تحریف و برداشت خاصی از پیش‌گویی‌های نوسترا داموس که در قالب اشعاری رمزآمیز بیان شده است، چهره‌ی امام زمان علیه‌السلام را چهره‌ای بسیار خشن و بسیار مخرب و وحشتناک معرفی، و پیامد حضور ایشان را جنگ‌ها؛ جنایت‌ها و ناامنی‌ها قلمداد کرده است.^۱

فیلم پیش‌گویی‌های نوسترا داموس، نمونه‌ی کوچکی است از صدها فیلم و سریال که هالیوودها عهده‌دار ساخت و پخش هنرمندانه‌ی آن هستند تا حقیقت را به گونه‌ای که خود می‌خواهند تفسیر کنند و آینده را آن چنان که با امیالشان سازگار است، تغییر دهند.

و اما نمونه‌ی دیگر بازی کامپیوتری «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی» است. این بازی، عهده‌دار هدف سوم است، یعنی برنامه‌ریزی برای نسل آینده و ایجاد تنفر در میان آنان، بدین صورت که کودک، به جای قهرمان بازی که فردی است آمریکایی، قرار می‌گیرد و با کشتن مسلمانان که با صدای نفرت‌آوری «الله اکبر» و «یا مهدی» می‌گویند، امتیاز به دست آورده و در نهایت، به مراحل بالاتری می‌رود

^۱ - فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۵، صص ۲۷۶-۲۹۴

و در غیر این صورت، با غفلت از آنان کشته شده و امتیاز را از دست داده و یا از بازی اخراج می‌گردد. بنابراین کودک، چنان شرطی می‌شود که با شنیدن «الله اکبر» و «یا مهدی» تیراندازی می‌کند و ... بالأخره در روح او، بذر نفرت از این دو واژه کاشته می‌شود تا روزی استکبار بتواند از محصول آن فایده برد.

د) جایگزین‌سازی

حربه‌ی چهارم دشمن، شخصیت‌پردازی و مدعی‌سازی و حمایت از مدعیان و فرقه‌هاست. ساختن شخصیت‌هایی مانند سید علی محمد باب، حسینعلی بهاء و سید محمد نوربخشی در ایران، میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان و سید محمد جونیوری در هند و ... نمونه‌هایی از مقابله‌ی دشمن از طریق جایگزینی است.

دوم - ارائه‌ی راهبرد جهانی مهدوی

منظور از راهبرد یا استراتژی، علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرح‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در سطح دولت یا بین چند دولت و به کار گرفتن تمامی امکانات برای دستیابی به اهدافی خاص است.^۱

دولت‌های فعال همواره به دنبال نگرش و دریافت خود از هستی، جهان و حکومت، سعی در تدوین یک راهبرد کلان برای اداره‌ی کشور، هدایت در دراز مدت و گذر از فراز و نشیب‌های احتمالی دارند. و دولت‌های منفعل یا تابع، حکومت‌هایی تابع و تأثیرپذیرند که ناگزیر سر در پی فرمان‌ها و راهبردهای دولت‌های قوی و فعال دارند.

در این میان جهان جدید غرب به خاطر ناامیدی از احیای فضایل انسانی و تکیه بر سرمایه‌های معنوی او می‌گوید: اکنون که انسان، با اخلاق برخاسته از ویژگی‌های خویش و گسسته از دین قابل نظام یافتن نیست، پس باید با احزاب و تشکل‌ها، و تراکم قانون‌ها کنترل شود. لذا بر اساس چند نظریه، نظام‌های جهان خویش را سامان داده و آینده‌ی جهان را تحلیل می‌کند. نظریه‌هایی همچون اومانیزم

^۱ - استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، ص ۶۳

یا انسان محوری، پلورالیزم، سکولاریزم و لیبرالیزم هستند که زیربنای تئوری غرب را بنا نهاده‌اند.^۱

در پایان توجه به این نکته ضروری است که در مقابل چنین راهبردهای فعالی که به بشر پیشنهاد می‌شود و پیوسته او را می‌فریبند، باید، مهدی‌یاوران برای زمینه‌سازی ظهور و آماده کردن جهانی برای پذیرش امام عصر علیه‌السلام راهبرد یا استراتژی محکمی ارائه دهند. باید برنامه‌های جهانی مهدویت را تبیین کرد و طرح و برنامه‌ای ارائه داد تا جهانیان حقیقت را از افسانه‌سرایی‌ها جدا کنند و با جان و دل، منتظر واقعی آن امام همام باشند. *إن شاء الله*

پرسش

- ۱- چرا باید امام علیه‌السلام را شناخت؟
- ۲- شناخت امام چگونه عامل هدایت انسان می‌گردد؟
- ۳- ارتباط هدف آفرینش انسان با شناخت امام علیه‌السلام در چیست؟
- ۴- طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، دشمن از چه شیوه‌هایی با فرهنگ مهدویت مقابله می‌کند؟
- ۵- منظور از «راهبرد جهانی مهدوی» چیست؟

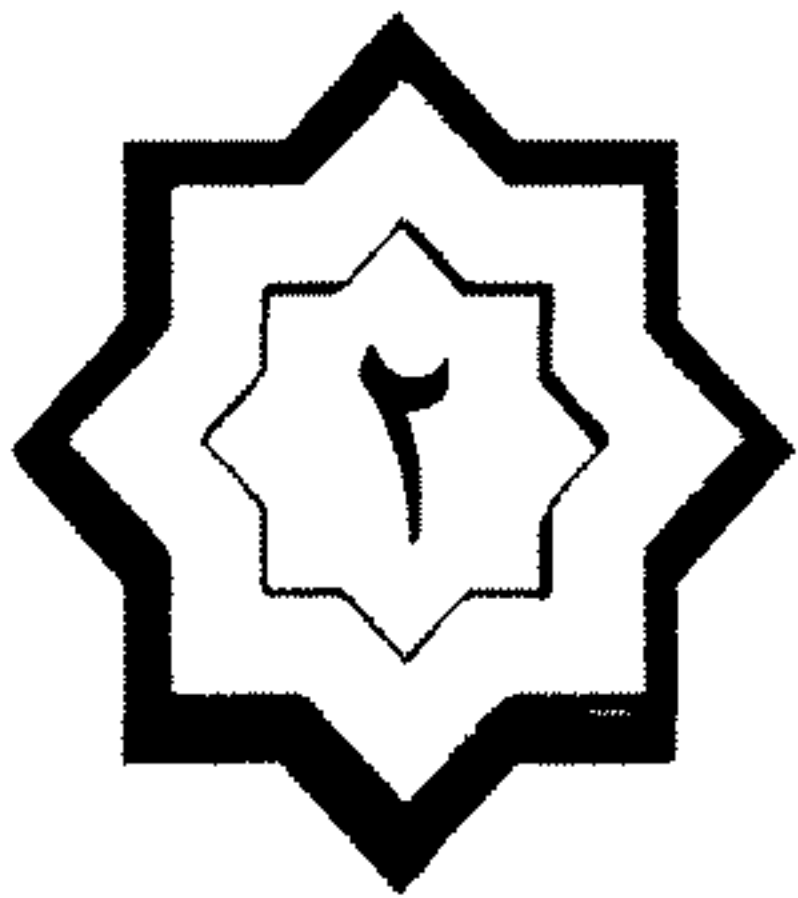
^۱ - مهدی علیه‌السلام تجسم امید و نجات، عزیز اله حیدری، صص ۷۰ - ۷۵

عرصه‌های پژوهش

- ۱- معرفت و انکار امام، معیار ایمان و کفر.
- ۲- امام مهدی علیه‌السلام و تمدن جدید.
- ۳- غرب و آمادگی‌های پیش از ظهور.
- ۴- دهکده‌ی جهانی در تفکر غربی.
- ۵- تصریح قرآن کریم بر شناخت حجت خداوند.
- ۶- تحقیق پیرامون روش‌های مقابله با مهدی‌ستیزان.
- ۷- راه‌های تخریب فرهنگ مهدویت از طریق منکران و مقابله با آن.
- ۸- در مورد جایگزین سازی به عنوان یکی از شیوه‌های مهدی‌ستیزان، چه مصادیقی می‌توان یافت.

منابع پژوهش

- ۱- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۳، (نگاهی دوباره به انتظار)، مجید حیدری نیک، ص ۹۳.
- ۲- فصل‌نامه‌ی انتظار، شماره‌های ۸ و ۹، ص ۷.
- ۳- نینوا و انتظار تأملی نو، (ضرورت طرح مباحث مهدویت)، محمد صابر جعفری، صص ۲۵ - ۳۰.
- ۴- استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، ج ۱ و ۲.
- ۵- مهدی تجسم امید و نجات، عزیز اله حیدری.
- ۶- مجله‌ی موعود، ش ۱۹.
- ۷- او خواهد آمد، علی اکبر مهدی‌پور.
- ۸- پیش‌گویی‌ها و آخرالزمان، اسماعیل شفیعی سروستانی، مجید شاه حسینی، حسن بلخاری و ...



آسیب شناسی معارف مهدویت

مفهوم آسیب شناسی

اهمیت موضوع آسیب شناسی مهدویت

مهم ترین آسیب های مهدویت

راه های مبارزه با آسیب های فرهنگ مهدویت

هر امر مهمی به نسبت اهمیتش، در معرض خطرها و آسیب‌هایی است، معارف مهم مهدویت نیز از این قاعده مستثنی نیست، و اندیشه‌ی مهدوی نیز چون هر اندیشه و فرهنگی آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که اگر به آن‌ها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آن‌ها اقدام نگردد، آثار منفی و مخربی به دنبال خواهد داشت.

مفهوم آسیب‌شناسی

آسیب، عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می‌شود و آسیب‌شناسی به معنای بازشناسی اختلال‌های مفهومی و مصداقی بحث است. این اختلال‌ها ممکن است در اثر ناکارآمد بودن و ضعف روش‌های پیام‌رسانی یا محتوایی پیام باشد.

در معارف مهدوی نیز هر گاه مفاهیم و آموزه‌ها، با بدفهمی روبه‌رو یا به صورت نابه‌جا القا شود، آسیب‌های چشم‌گیری آشکار خواهد شد. و باید کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌هایی که تاکنون در این موضوع صورت گرفته است، بازشناسی شده و دیدگاه‌های مهدوی به دور از اختلال‌های مفهومی و مصداقی، بیان شوند.^۱

^۱ - بر گرفته از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۲۱۷ - ۲۴۹

اهمیت موضوع آسیب‌شناسی مهدویت

آسیب‌های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد آدمی به اصل وجود امام علیه‌السلام یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می‌شود و گاهی نیز گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف را در پی دارد. از این رو باید برای شناختن این کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌ها اقدام جدی شود. به بیان دیگر باید به پیرایش و تهذیب مفاهیم و مصادیقی که تاکنون وارد این فرهنگ شده است، پرداخت. در غیر این صورت هر گونه برنامه‌ریزی برای نهادینه‌سازی این فرهنگ، بی‌نتیجه خواهد بود. کسانی که بدون توجه به بحث آسیب‌ها وارد عمل می‌شوند، همچون باغبانی می‌مانند که بدون توجه به آفت‌ها، مشغول کشت و کار شود که قطعاً در این صورت این کشت و کار ثمره‌ای برای او نخواهد داشت.

مهم‌ترین آسیب‌های مهدویت

پس از روشن شدن مفهوم آسیب‌شناسی و اهمیت آن در مباحث مهدوی، به چند نمونه از مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ مهدویت که پیش از ظهور و در دوران غیبت رخ می‌نمایند، اشاره می‌کنیم:

۱- برداشت‌های انحرافی از مفهوم انتظار

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از مـرـضـوـءات این فرهنگ اسلامی است. درک و دریافت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فساد به دست امام عصر علیه‌السلام خواهد بود، در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداشته و باید بی‌تفاوت بود و دست روی دست گذاشت چرا که همه چیز بر عهده‌ی ایشان است. این نوع انتظار، انتظار منفی یا ویران‌گر است که امام خمینی (ره) در این باره دسته‌های مختلفی را برشمرده‌اند:

- ۱- افرادی که انتظار فرج را به نشستن در مسجد، حسینیه، منزل و دعا کردن برای فرج می‌دانند، این‌ها مردم صالحی هستند که به تکالیف شرعی خود عمل می‌کنند لکن به فکر این نیستند که برای فرج کاری باید کرد.
- ۲- بعضی دیگر انتظار فرج را این گونه معنا می‌کنند که ما به این که در جهان و بر ملت چه می‌گذرد، کار نداشته باشیم. تنها تکالیف خود را ادا کنیم تا حضرت بیایند و این شاء الله همه چیز را دنبال کنند.
- ۳- عده‌ای نیز می‌گویند عالم باید پر از معصیت بشود تا حضرت بیایند، ما نباید امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا گناه زیاد و فرج نزدیک شود.
- ۴- یک دسته هم از این فراتر رفته و می‌گویند: باید به گناه دامن زد، باید مردم را دعوت به گناه کرد تا دنیا پر از ظلم و جور بشود و حضرت تشریف بیاورند.
- ۵- افرادی نیز معتقدند که اصلاً هر حکومتی که در زمان غیبت محقق شود، حکومتی باطل و برخلاف اسلام است. این دسته از افراد به بعضی از روایات موجود در این زمینه استناد کرده‌اند، مانند روایت زیر که ابن‌اعین از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده است: «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَاغُوتٌ»^۱ «هر پرچمی که قبل از پرچم حضرت قائم علیه‌السلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.» در صورتی که منظور از عَلم در آن روایات، عَلم مهدوی است نه حکومت اسلامی.^۲
- در این روایت، پرچم‌هایی که به خاطر دعوت به خویشتن برافراشته شود، محکوم به بطلان و غیر قابل اطاعت می‌باشند. این‌ها قیام‌هایی است که در مقابل حضرت ولی عصر علیه‌السلام واقع شده‌اند و رهبر چنین قیام‌هایی طاغوت است. ولی پرچم‌هایی که در مسیر و جهت اهداف امام زمان علیه‌السلام باشند، مورد انکار قرار نگرفته‌اند و دعوت آن‌ها به قیام برای در هم شکستن باطل و به دست گرفتن اداره‌ی کشور و واگذاری آن به کسانی است که در حقیقت، حکومت، حق آنان می‌باشد،

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۸

^۲ - برگرفته از صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۳، به نقل از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱، ص ۱۷

همانند قیام زید که از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام مورد تمجید و تعریف قرار گرفته است.^۱

سستی، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی‌ها و ستم‌ها، بازیچه‌ی سیاست‌بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. از طرفی این تفکر تنها شامل آن دسته از افراد نمی‌شود، بلکه خود ما نیز با اعمال به ظاهر دینی خود شامل این انتظار منفی می‌شویم، شناخت صحیح از دین نداشتن، امر به معروف و نهی از منکر نکردن و نسبت به مسائل پیرامون خود بی‌تفاوت بودن، ما را از منتظر واقعی بودن دور کرده است.

در حالی که انتظار سازنده یا مثبت، تلاش و حرکت منتظر و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت است.

انتظار واقعی، آماده باش و تحصیل آمادگی‌های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد نظر است. انتظار، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را «افضل الاعمال» یا «احب الاعمال» می‌دانند، یک حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته‌ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می‌انجامد.

۲- نشان دادن چهره‌ای خشن از امام عصر علیه‌السلام

برخی از افراد به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آن‌ها، به شنیده‌ها اکتفا کرده و چهره‌ای خشن از امام عصر علیه‌السلام ارائه می‌دهند. در حالی که باید مهر و قهر در کنار هم مطرح شوند و در چهره‌ای که از ظهور و حکومت حضرت و شخصیت بی‌مانند آن امام علیه‌السلام ترسیم می‌گردد، مهر و قهر در کنار هم بیایند. چون تنها از قهر سخن گفتن و مهر را از یاد بردن، امام را در ذهن برخی افراد، خشونت‌طلب معرفی می‌کند.

^۱ - فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۷، صص ۳۷۷ - ۳۹۱

درباره‌ی مهر حضرت سخن بسیار می‌توان گفت؛ چه روایاتی که مهر امامان را به طور عموم بازگو می‌کند و چه روایاتی که در ارتباط با مهر امام مهدی علیه‌السلام به طور خاص رسیده است. امامان علیه‌السلام طبق فرموده‌ی خودشان جلوه‌ی رحمت و واسعة‌ی إله هستند. امام رضا علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند: «الإمام الانیس الرفیق و الوالد الشفیق و الأخ الشفیق و الأم البرة بالوالد الصغیر و مفرع العباد فی الداهیة الناد»^۱ «امام همدمی سازگار، پدری مهربان، برادری تنی، مادری خوش‌رفتار با کودک خردسال و پناه مردم در پیش‌آمدها و کارهای بزرگ است.»

همچنین امام علیه‌السلام به یکی از یارانشان می‌فرمایند: «یا ابا ابراهیم هو المفرج للکرب عن شیعتہ بعد ظنک شدید و بلاء طویل و جور فطوی لمن أدرك ذلک الزمان»^۲ «ای ابا ابراهیم! حضرت مهدی علیه‌السلام رنج و غم شیعه را پس از یک دوره‌ی سخت و بلایی طولانی و سستی دراز می‌زداید و گشایش می‌آفریند. خوشا آنان که آن زمان را درک کنند ...»

مهربانی امام، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است، بدین معنا که قهر او نیز جلوه‌ی محبت اوست. چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت، باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گردن نمی‌گذارند و در زمین فساد می‌کنند و این یعنی خارها را از سر راه انسان و انسانیت برداشتن، یعنی مهر در چهره‌ی قهر.^۳

در ضمن گروهی دیگر امام را شخصیتی تصور کرده‌اند که گویا دست به هیچ مبارزه و جهادی نمی‌زند و همه‌ی امور را با معجزه حل می‌کند، که این تفکر نیز نادرست است؛ چرا که با هر دوی این مهر و قهر است که مبنای حکومت امام پا می‌گیرد و زمینه‌های عدالت‌گستری فراهم می‌آید.^۴

^۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹

^۳ - فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۵، ص ۱۳۳

^۴ - همان، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۵۱۰

۳- طرح مباحث غیر ضروری

گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب‌های گفتاری و نوشتاری، به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ثمری ندارد و ضرورتی برای طرح آن‌ها احساس نمی‌شود. پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و مانند آن از نمونه بحث‌های غیر ضروری است. مثلاً در رابطه با ازدواج ایشان بسیار دیده شده است که گروهی با بیان مطالبی غیر مستند ازدواج حضرت را اثبات کرده و بعضی دیگر آن را رد کرده‌اند، در حالی که هیچ دلیل قطعی بر اثبات یا رد آن وجود ندارد و مهم‌تر این که توجه به چنین مباحثی فایده‌ای نداشته و ما را از پرداختن به مباحث اصلی و ضروری باز می‌دارد.

در مورد محل زندگی حضرت نیز که به جزیره‌ی خضرا معروف شده است دو نظر مخالف هم وجود دارد: برخی آن را صحیح و معتبر و قابل استناد دانسته‌اند و بعضی دیگر آن را مجعول و شبیه به افسانه می‌دانند و می‌گویند که استناد به آن درست نیست.^۱ با این همه تکلیف ما آگاهی از محل زندگی امام نیست و آنچه در روایات به آن تأکید شده است معرفت امام، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه‌السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار و زمینه‌سازی برای ظهور ایشان است.

۴- تعجیل و شتابزدگی

یکی دیگر از آسیب‌ها، عجله داشتن در تحقق امر ظهور است. شتابزدگی یا استعجال به معنی خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و قبل از تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. منشأ تعجیل در ظهور این است که شخص عجلول نمی‌داند ظهور از سنت‌های الهی است و مانند همه‌ی سنت‌ها باید پس از تحقق همه‌ی شرایط و زمینه‌ها، صورت گیرد بنابراین برای وقوع آن عجله می‌کند. در حالی که شتابزدگی در این امر در روایات ما بسیار نکوهش شده است:

۱- سیمای آفتاب، حبیب‌اله طاهری، صص ۳۵۶ - ۳۶۵

امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: «... يُهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُوا فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»^۱ «[در دوره‌ی غیبت]، شتاب‌زدگان در امر ظهور هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابند.»

گرچه نزدیک شمردن ظهور، مہیای ظهور بودن و کوشش برای زمینه‌سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است، اما نباید در این راه شتاب‌زده بود. شتاب‌زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است و پیامدهای گوناگونی دارد که به چند مورد اشاره می‌گردد:

- ۱- ناشکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی،
- ۲- روی‌کرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت،
- ۳- یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور،
- ۴- استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور،
- ۵- شک و تردید.

تعجیل یکی از آفت‌ها و آسیب‌هایی است که فراروی منتظر قرار دارد، اما برخی در نقطه‌ی مقابل نیز دچار آسیب شده‌اند که آن دور شمردن وقت ظهور است و نتیجه‌ی آن، بی‌اعتنایی و قساوت قلب است. در روایتی آمده است که:

«لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بَلُوغِهِ فَتَنْدِمُوا وَ لَا يَطْوُلَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمْرَ فَتَقْسُوا قُلُوبَكُمْ»^۲
 «پیش از رسیدن این امر شتاب نکنید که پشیمان می‌شوید و آن را دور شمارید که دلتان دچار قساوت می‌شود.»

۵- تعیین وقت برای ظهور

یکی دیگر از آسیب‌ها تعیین وقت برای ظهور است؛ اگر چه گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه‌السلام پدیده‌ی مبارکی است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین منجر گردد، جای تأمل بسیار دارد زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمه

^۱ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۸

^۲ - الخصال، ج ۲، ص ۶۲۲

علیه‌السلام هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست و حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند، لذا احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند.

فضیل بن یسار از امام باقر علیه‌السلام پرسید: «هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ»^۱ «آیا برای این امر وقتی معین است؟ آن حضرت ۳ مرتبه فرمودند: آنان که وقتی برای آن تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.» همچنین در روایتی دیگر امام باقر علیه‌السلام خطاب به محمد بن مسلم فرموده‌اند: «یا محمد، مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيَةً فَلَا تَهَابُنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ، فَإِنَّا لَا نُوَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا»^۲ «ای محمد، هر کس برای تو خبری از ما درباره‌ی تعیین وقت ظهور نقل کرد در تکذیب او درنگ نکن؛ زیرا ما (اهل بیت) برای هیچ کس وقت (ظهور) را تعیین نکرده‌ایم.»

و نیز در توقیعی که از ناحیه‌ی مقدسه‌ی صاحب‌الزمان علیه‌السلام در پاسخ به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب صادر شده، چنین می‌خوانیم: «وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ»^۳ «و اما آشکار شدن فرج، به اراده‌ی خداوند است و آنان که (برای ظهور) وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند.» با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور وقت تعیین می‌کنند که کم‌ترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده‌های دروغین را باور کرده‌اند ولی خلاف آن را دیده‌اند.

بنابراین منتظران واقعی باید خود را از دام شیادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره‌ی زمان ظهور تنها منتظر اراده‌ی پروردگار باشند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در مورد زمان ظهور که همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره است، فرموده‌اند:

^۱ - غیبت طوسی، ص ۴۲۵

^۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۸۹

^۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳

«مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»^۱ «ظهور او (قائم علیه السلام) مانند قیامت است. تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد، آشکارش می‌سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است و جز به ناگهان بر شما نیاید.»

این دسته از روایات از یک سو هشدار می‌دهد که شیعیان در هر لحظه آماده‌ی ظهور حجت حق باشند و از سویی دیگر تذکری به همه‌ی کسانی است که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

۶- تطبیق نشانه‌های ظهور بر مصادیق خاص

آسیبی که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته است، مطابقت دادن نشانه‌های ظهور بر وضعیت هر زمان بوده است، به این معنا که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن‌ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می‌دهند. اما آنچه آسیب و آفت است، مطالب و ادعاهایی است که این افراد با خواندن یک یا دو روایت، بدون تشخیص صحیح بودن آن‌ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، مطرح می‌کنند، یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می‌پردازند. گاهی انسان در جلساتی شرکت می‌کند که ساعت‌ها پیرامون حضرت صحبت می‌کنند اما سرگرم تطبیق شرایط بوده‌اند. برای مثال شخصیت سفیانی که از علایم حتمی ظهور است را به مردی خاص در فلان منطقه تفسیر کرده‌اند و یا درباره‌ی سید حسنی (نفس زکیه) یکی دیگر از علایم حتمی ظهور، تحلیل‌های بی‌دلیلی مطرح شده است و افراد خاصی را بر آن تطبیق داده‌اند و بسیاری نمونه‌های دیگر که تطبیق نادرست علایم غیر حتمی بر جریان‌ات موجود در جامعه‌ی کنونی است.

به هر حال در روایات رسیده از ائمه‌ی اطهار علیه السلام مطالبی در مورد نشانه‌های ظهور مطرح شده که بر فرض صحت آن‌ها، تطبیقشان بر حوادث و

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۳

جریاناتی که در هر زمان رخ می‌دهد صحیح نیست چون پیامدهای ناگوار زیادی در پی دارد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- ناامیدی و یأس در اثر عدم اتفاق ظهور

۲- بی‌اعتقادی افراد نسبت به اصل ظهور به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های

مطرح شده

۳- استهزا و تکذیب باور مهدویت در نتیجه‌ی محقق نشدن ظهور

۴- شک و تردید در اصل ظهور و روایات پیرامون آن

تبیین و روشن‌گری، تکذیب انحرافات و کار کارشناسی توسط علایم و

ویژگی‌ها در مورد علما از راه‌های مبارزه با این آسیب جدی است.

۷- ملاقات‌گرایی

از آسیب‌هایی که در عصر غیبت برای منتظران رخ می‌نماید، مدعیانی هستند که بی‌دلیل یا به بهانه‌ی ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند یا کسانی که تمام وظیفه‌ی خویش را دیدار حضرت می‌پندارند و از وظایف اصلی خود غافل شده و افراد را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه‌ی منتظر، فرا می‌خوانند، در صورتی که آن‌چه در عصر غیبت مهم است توجه به دغدغه امام و عمل کردن به وظایف یک منتظر واقعی است. بنابراین باید دانست که رسالت حضرت چیست و از منتظران خود چه انتظاری دارند. با استناد به روایات معتبر، مسلم است که؛ امام از لحظه‌ی تولد برای ظهور خود دعا می‌کرده‌اند و رسالت ایشان در همه حال برنامه‌ریزی برای ظهور است و در هیچ جا ملاقات را از ما نخواسته‌اند، لذا دغدغه‌ی ما نیز باید ظهور و مهیا کردن زمینه‌های آن باشد.

اگر چه دیدار امر مطلوبی است اما ویژگی منتظران واقعی امام برای دستیابی به رضایت ایشان، ادای وظایفی است که برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند و تأکید زیاد بر دیدار حضرت، (در اثر موفق نشدن به دیدار) باعث یأس و ناامیدی و تکذیب باور مهدویت می‌گردد.

جناب آقای قرائتی نقل می‌کنند که:

در حرم امام رضا علیه السلام مشغول زیارت بودم، یکی از بزرگان دست بر شانه‌ام گذاشت و گفت: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هر گاه سلمان را می‌دیدند، لذت می‌بردند، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز مالک را که می‌دیدند لبخند بر لبانشان نقش می‌بست، آیا شما هم به گونه‌ای شده‌اید که امام زمان علیه السلام شما را می‌بینند، لبخند بزنند و راضی باشند؟...»

راه‌های مبارزه با آسیب‌های فرهنگ مهدویت

- ۱- مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه مبارزه، حساسیت علما و اندیشمندان در برابر ورود خرافات و مبارزه‌ی جدی، به موقع و مؤثر با این آسیب‌هاست.
- ۲- آشنایی با دین و سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام، در بسیاری از انحرافات انسان را بیمه می‌کند.
- ۳- یافتن علم و بصیرت در حوزه‌ی سیاست، دشمن‌شناسی و باخبری از آنچه در عرصه‌ی سیاست و جامعه رخ می‌نماید، دست پنهان استکبار و سیاست‌بازان را در ایجاد فرقه‌ها و گروه‌های منحرف و ... در جامعه‌ی اسلامی آشکار می‌کند.
- ۴- گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار.
- ۵- زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست با ژرف‌اندیشی و احاطه‌ی کافی بر معارف مهدوی.

پرسش

- ۱- پیامدهای منفی برداشت انحرافی از مفهوم انتظار چیست؟
- ۲- چه تفاوتی میان تعجیل و شتابزدگی در امر فرج و نزدیک دانستن فرج، وجود دارد؟
- ۳- آیا می‌توان برای ظهور وقتی تعیین کرد؟
- ۴- منظور از تطبیق به عنوان یکی از آسیب‌های بحث مهدویت چیست؟

عرصه‌های پژوهش

- ۱- آسیب‌شناسی تربیت دینی در عصر غیبت.
- ۲- بررسی فرقه‌های انحرافی در موضوع مهدویت و شیوه‌های مبارزه با آن‌ها.
- ۳- آسیب‌شناسی روان‌شناسی، تربیتی و اخلاقی مهدویت.
- ۴- دشواری‌های حفظ دین و آسیب‌شناسی آن در عصر غیبت.

منابع پژوهش

- ۱- سیمای آفتاب، دکتر حبیب اله طاهری، صص ۲۰۵ - ۲۰۹.
- ۲- نگین آفرینش، حائری پور - یوسفیان - بالا دستیان، صص ۲۳۱ - ۲۴۰.
- ۳- صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، صص ۱۲ - ۱۸.
- ۴- فصل‌نامه‌ی انتظار، شماره‌های ۱ و ۲، آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت، دکتر خسرو باقری.
- ۵- فصل‌نامه‌ی انتظار، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، چشم‌اندازی به برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت، مریم معین‌الاسلام.
- ۶- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، اندیشه‌ی مهدویت و آسیب‌ها، محمد صابر جعفری.



نگاهی کوتاه به زندگانی امام دوازدهم علیه السلام

نام و القاب

میلاد

مادر

سیرت امام

دوره های زندگی حضرت

امام به معنی پیشوا و مقتداست و در اصطلاح شیعه‌ی امامیه، پیشوای معصوم و منصوب از طرف خداست که مقام ریاست عامّه را دارا می‌باشد. امام نگاهبان میراث به جا مانده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز مبین و مفسر حقیقی قرآن کریم است، تا دین خداوند دست‌خوش تحریف غرض‌ورزان و دشمنان قرار نگیرد.

سرچشمه‌ی زلال امامت تا قیامت باقی می‌ماند، چرا که امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحِجَّةٍ...»^۱ «زمین، از کسی که حجت خداست خالی نمی‌ماند.» و در روایتی از امام رضا علیه‌السلام آمده است: «لَوْ لَا الْحِجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۲ «اگر حجت خدا روی زمین نباشد، زمین اهلش را فرو می‌برد.»

امام زمان علیه‌السلام در میان امامان شیعه، از ویژگی‌ها و امتیازهای خاصی برخوردار هستند. ایشان تنها کسی هستند که تمامی جهان را از عدل و داد سرشار می‌کنند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است، ایشان کسی هستند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد ایشان می‌فرمایند: «جَعَلَ مِنَ صَلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَ يَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي

^۱ - نهج البلاغه، قصار، ص ۱۴۷

^۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۳

شَمَائِلِهِ وَ أَعْمَالِهِ يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَةِ طَوِيلَةٍ وَ حَيْرَةٍ مَظْلُومَةٍ^۱ «خداوند از نسل حسین علیه السلام، پیشوایانی قرار داده است که امر مرا به پا می‌دارند و وصیت مرا حفظ می‌کنند. نهمین آن‌ها قیام کننده از اهل بیت من و مهدی این امت است که در شمایل و سخنان و افعالش شبیه‌ترین مردم به من می‌باشد. او پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراکننده ظهور خواهد کرد.»

حال به بیان نکاتی چند درباره‌ی آن وجود نورانی می‌پردازیم:

نام و القاب

نام آن حضرت «محمّد» همان نام جدّ بزرگوارشان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است.^۲ و تمامی مورّخان و محدّثان معتقدند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود این نام را بر ایشان نهاده بودند.^۳

القاب آن حضرت بسیار است، از جمله:

- ۱- «مهدی»: که مشهورترین لقب آن حضرت است و به معنی هدایت شده از سوی خداست. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند: «آن حضرت را مهدی گویند: زیرا او مردم را به امری که گم کرده‌اند، هدایت می‌کند.»^۴
- ۲- «القائم»: به معنی قیام کننده به حق، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «از این جهت، قائم را قائم نامیده‌اند که پس از فراموش شدن نامش قیام می‌کند.»^۵
- ۳- «بقیة الله»: یعنی بازمانده‌ی الهی. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «امام زمان علیه السلام هنگامی که ظهور می‌کند می‌فرمایند: من بقیة الله در زمین و خلیفه‌ی

^۱ - کمال الدین، ب ۲۴، ج ۲

^۲ - ر.ک منتخب الأثر، صافی گلپایگانی، ص ۱۸۴-۱۸۲/ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۸، ۱۵، ۵، ۲

^۳ - حیاة الإمام، محمّد المهدی علیه السلام، باقر شریف القریشی، ص ۵۲۷

^۴ - اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۱۰

^۵ - معانی الأخبار، ص ۶۵

خدا و حجّت او بر شما هستم. پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی‌کند، مگر این‌که چنین می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».^۱ امام عصر علیه‌السلام به این دلیل به این لقب مشهور شدند که: ایشان آخرین حجّت خدا و ذخیره‌ی الهی برای عالم هستند.

۴- «منتقم»: یعنی انتقام گیرنده. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «... هرگاه، قائم قیام کند، برای خدا و رسول او و همه‌ی ما خاندان پیغمبر، انتقام خواهد گرفت.»^۲ همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خطبه‌ی غدیر فرمودند: «اوست که خون‌بهای تمام اولیای حق را می‌گیرد.»^۳

۵- «منصور»: به معنی یاری شده. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «پسر نهمین از فرزندان حسین که قائم اهل بیت من و مهدی امت من است و ... و با نصرت خدا مؤید و با یاری ملائکه منصور می‌گردد.»^۴ در دعای ندبه نیز آمده است: «أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلِيٍّ مَنِ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى» «کجاست آن یاری شده و پیروز بر تجاوزگران و لاف‌زنان؟» همچنین در زیارت عاشورا دعا می‌کنیم که «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ أَمَامٍ مَنْصُورٍ» «روزیمان کن تا با امام منصور از اهل بیت علیهم‌السلام خون‌خواه تو باشیم.»

۶- «منتظر»: از امام جواد علیه‌السلام پرسیدند: چرا وی را منتظر گویند؟ فرمودند: «زیرا وی برای مدتی طولانی غیبت می‌نماید و علاقه‌مندان به وی منتظر ظهورش خواهند بود؛ و آن‌ها که تردید دارند انکار می‌کنند.»^۵

۷- «حجة الله»: در زیارت آل یاسین این گونه به امام سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ» «سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل و راهنمای افراد

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۵۶ برگرفته از کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، ح ۱۷۷

۳- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۷۶ برگرفته از احتجاج طوسی، ج ۱، ص ۸۰

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۷ برگرفته از کفایه الأثر

۵- کمال الدین، ص ۳۷۸

به سوی او.» حجت، در لغت به معنی دلیل، برهان و راهنما است.^۱ راغب اصفهانی نیز حجت را این گونه معنا کرده است: راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه که به وسیله‌ی آن می‌توان به درستی یکی از دو مخالف پی برد.^۲

امامان معصوم علیهم السلام هر کدام، حجت و راهنمای زمان خود بوده‌اند، امام زمان علیه السلام نیز حجت خداوند بر خلق هستند چنانچه در توقیعی در جواب اسحاق بن یعقوب، ایشان خودشان را این گونه معرفی می‌کنند: «أَمَّا الْحَوَادِثُ وَاقِعَةٌ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» «در حوادث و مشکلاتی که برایتان رخ می‌دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر ایشانم.»

می‌لاد

دوازدهمین امام شیعیان، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سپیده دم^۳ جمعه‌ی نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هـ / ۸۶۹ م^۴ در «سامرا» چشم به جهان گشودند، سال تولد امام، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸ هـ. ق نیز گفته شده است.^۵ این اختلاف می‌تواند به دلیل پنهان نگاه داشتن تولد آن حضرت بوده باشد. امام رضا علیه السلام نیز یکی از ویژگی‌های آن حضرت را ولادت پنهانی ایشان ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: «حَتَّى يَبْعَثُ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِنَّا، خَفِيَ الْوِلَادَةَ وَالْمَنْشَأَ غَيْرُ خَفِي فِي نَسَبِهِ» «تا این که خداوند پسری از ما را برای این امر برانگیزد که ولادتش پنهانی است ولی نسبش پنهانی نیست.»

علت پنهان نگه داشتن ولادت ایشان این بود که اگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام کوچک‌ترین ردپایی از فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و جانشین ایشان

۱ - لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ص ۵۳

۲ - مفردات راغب، ص ۱۰۷

۳ - کمال الدین، ص ۴۲۸-۴۲۷

۴ - الإرشاد شیخ مفید، ص ۳۴۶ / کافی، ج ۱، ص ۵۱۴ / الغیبت طوسی، صص ۱۴۱ و ۱۴۳

۵ - تاریخ عصر غیبت، به نقل از تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص ۱۱۵ و ۱۲۲

پیدا می کردند، قطعاً در پی نابودی ایشان برمی آمدند و اجازه نمی دادند سلسله‌ی امامت استمرار پیدا کند.

اصل ولادت امام مهدی علیه السلام جزء مسلمات تاریخ است و بجز ائمه، عالمان، مورخان و محدثان شیعه، بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز بدان تصریح کرده‌اند؛ در برخی کتاب‌های پژوهشی بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتاب‌های آنان آمده است.^۱

مادر

مادر بزرگوار ایشان، بانویی شایسته به نام «نرجس» علیها السلام است که به نام‌های دیگری چون سوسن، صیقل، ملیکه نیز نامیده شده است. مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام، از طرف پدر دختر «یشوعا» فرزند امپراتور روم شرقی و از طرف مادر، نوهی شمعون، وصی بلا فصل حضرت مسیح علیه السلام است.^۲

آنچه اهمیت دارد این نکته است که آن بانوی بزرگوار در عظمت و برتری به آن جا رسید که مادر امام زمان علیه السلام شد و حکیمه خاتون، عمه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام که خود از بزرگ بانوان خاندان امامت است، او را بانوی خانواده‌ی خویش می خواند و خود را خدمتگذار او می دانست: «أنتِ سَيِّدَتِي وَ سَيِّدَةُ أَهْلِي»^۳ «تو بانوی من و بانوی خانواده‌ام هستی.» و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد ایشان فرمودند: «بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ»^۴ «پدر و مادرم به فدای فرزند بهترین کنیزان.» همچنین در روایتی دیگر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، ایشان به عنوان بهترین کنیزان و سرور و سیده یاد شده‌اند.^۵

۱- ر.ک خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، صص ۲۰-۱۸

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸۳

۳- کمال الدین، ص ۴۲۴

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶

۵- بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۶

چگونگی ولادت

در دوران امامت عسکریین علیهما السلام در میان حاکمان «بنی عباس» نگرانی عمیقی به وجود آمده بود. این نگرانی مربوط به اخبار و احادیث فراوانی بود که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام تولد فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام را بشارت می داد. فرزندی که بر هم زنده ی اساس حکومت های باطل و واژگون کننده ی تاج و تخت ها خواهد بود و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. از این رو، آن دو بزرگوار به ویژه امام حسن عسکری علیه السلام سخت تحت نظر بودند و دستگاه خلافت تلاش می کرد تا از تولد چنین فرزندی جلوگیری کند.

در این جا ارائه ی روایتی درباره ی ولادت امام زمان علیه السلام از زبان «حکیمه» عمه ی امام عسکری علیه السلام که گزارش نسبتاً دقیقی از تولد امام را در بر دارد، بسیار مناسب است:

«ابو محمد حسن بن علی علیه السلام با پیکی مرا به نزد خود خواند و گفت: «ای عمه، امشب افطار را نزد ما بگذران؛ زیرا پانزدهم شعبان است. امشب خدای متعال (حجت) خود را در زمین ظاهر خواهد کرد.» از او پرسیدم: «مادرش کیست؟» فرمود: «نرجس.» گفتم: «جانم فدایت! ولی آثار حاملگی در او وجود ندارد.» فرمود: «آن چه گفتم، همان خواهد شد.» بنابراین، وارد شدم و سلام کردم. «نرجس» پیش آمد و به من گفت: «بانوی من! حال شما چطور است؟» به او گفتم: «تو بانوی من و بانوی خاندان منی.» اما او از پذیرفتن سخن من خودداری ورزید و پاسخ داد: «ای عمه! چه می فرمایید؟» به او گفتم: «دخترم! امشب خداوند متعال پسری به تو عطا می فرماید که مولای این جهان و آن جهان خواهد بود.» پس از آن که نماز مغرب را به جای آوردم، افطار کردم و به خواب رفتم. نیمه شب از خواب برخاستم تا نماز به جای آورم. نماز خواندم در حالی که «نرجس» در خواب بود، بدون آن که اثری از وضع حمل در او دیده شود. از این رو، از انتظار امام حسن عسکری علیه السلام (در این باره) مردد شدم. درست در همان لحظه، امام از جای خود صدا زد، ای عمه! عجله نکن، امر نزدیک است! من نشستم و سوره های فصلت و یس را تلاوت کردم. در همان

لحظه او (نرجس) با هوشیاری از خواب برخاست. من به سوی او روان شدم و گفتم: «سلام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس می‌کنی؟» او پاسخ داد: «ای عمه، آری!» آن‌گاه به او گفتم: «نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان موضوعی است که اول شب به تو گفتم. مضطرب مباش و دلت را آرام کن.» در این هنگام حجایی از نور میان من و او کشیده شد. ناگاه متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. پس او را دیدم که به حال سجده بر زمین افتاده بود، «ابو محمد» مرا صدا زد و گفت: «ای عمه! پسرم را برایم بیاور.» چنین کردم ...، امام حسن عسکری علیه‌السلام زبان بر کامش گذاشت و با آرامی دستش را بر چشم‌ها، گوش‌ها و آرنج‌هایش کشید. سپس گفت: «ای پسر! سخن بگو.» کودک لب به سخن گشود و پاسخ داد: «شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، او یکتاست و شریکی ندارد، شهادت می‌دهم، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیامبر خداست. سپس بر امیرالمؤمنین علیه‌السلام سلام کرد و بر امامان به ترتیب، تا در نام پدرش توقف کرد. آن‌گاه از ادامه‌ی سخن باز ایستاد.»

روز بعد آمدم، پرده را بالا زدم تا مولایم را ببینم، ولی او را ندیدم. از امام پرسیدم: «جانم به فدایت! برای مولای من چه اتفاقی افتاده؟»، حضرت پاسخ فرمود: «ای عمه! او را به همان کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را بدو سپرد.» روز هفتم آمدم. سلام کردم و نشستم. «ابو محمد» فرمود: «پسرم را نزد من بیاور.» او را نزد ایشان بردم ...، امام آن‌چه را که روز نخست هنگام تولد فرزند به انجام رسانده بود، تکرار کرد و کودک، آن‌چه را که پیش از این گفته بود، تکرار کرد. آن‌گاه این آیه‌ی شریفه را تلاوت کرد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ
 أئمةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱ «و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین، منت نهاده و آن‌ها را
 پیشوایان و وارثان خلق در زمین قرار دهیم.»^۲

^۱ - قصص / ۵۱

^۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۴۲۶

سیرت امام

- ۱- زهد: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در این باره می فرمایند: «لَا يَضَعُ حَجَرًا عَلَي حَجَرٍ»^۱ «سنگی بر سنگی بنا نمی دهد. (از مقام دنیا چیزی بر نمی گیرد)»
- امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: «مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ»^۲ «به خدا سوگند، لباس مهدی علیه السلام جز پوشاکی درشت و خوراک او جز غذایی بی خورش نیست.»
- ۲- تقوا: امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «يَكُونُ ... أَتَقِي النَّاسَ»^۳ «او پرهیزگارتترین مردم است.»
- ۳- عبادت: امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «يَعْتَادُهُ مَعَ سَمَرَتِهِ صُفْرَةً مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ، بِأَيِّ مِنْ لَيْلَةٍ يَرَعِي التُّجُومَ سَاجِدًا وَ رَاكِعًا»^۴ «مهدی علیه السلام بر اثر تهجد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل است، پدرم فدای کسی باد که شبها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را نظاره می کند.»
- ۴- سخت کوشی و جهاد: امام رضا علیه السلام می فرمایند: «الْجَحْجَاحُ الْمُجَاهِدُ الْمُجْتَهِدُ»^۵ «او شتابنده به سوی نیکی ها و بزرگواری هاست، او مبارز و سخت کوش است.»
- ۵- عدالت: یکی از سلام هایی که در زیارت صاحب الامر به امام می دهیم این است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَدْلَ الْمُشْتَهَرِ»^۶ «سلام بر تو ای عدل شناخته شده و مشهور.»

۱- ملاحم و الفتن، ص ۱۰۸

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۲۲

۳- الزام الناصب، ص ۹

۴- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱

۵- جمال الأسبوع، ص ۳۱۰

۶- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ»^۱ «با بندگان خدا - چه نیکوکار و چه بدکار - عدالت می ورزد.»

۶- سخاوت: امام صادق علیه السلام می فرمایند: «المهدي سَمَّحٌ بِالْمَالِ»^۲ «مهدی علیه السلام بخشنده‌ای است که مال را به وفور می بخشد.» همچنین امام رضا علیه السلام در مورد سخاوت ایشان می فرمایند: «يَكُونُ ... أَسْخِي النَّاسِ»^۳ «با سخاوت‌ترین مردمان است.»

۷- خشوع: امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ النَّسْرِ لِجَنَاحِهِ» «مهدی علیه السلام در برابر خداوند فروتن است، همچون عقاب در برابر بالش»^۴

ایشان در حدیثی دیگر می فرمایند: «يَكُونُ ... أَشَدُّ النَّاسِ تَوَاضِعاً لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» «مهدی علیه السلام در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است.»^۵

۸- موضع‌گیری در برابر بدعت‌ها: «لَا يَدْعُ بِدَعَاةٍ إِلَّا أَزَاهَا»^۶ «بدعتی نمی ماند جز آن که از بین می رود.»

در دعای ندبه چنین می گوئیم: «أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ» «کجاست آن مورد انتظار برای اصلاح نقایص و برقراری راستی و درستی؟»

۹- نصیحت و خیرخواهی: در زیارت صاحب الامر علیه السلام آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحِ» «سلام بر تو ای ولی نصیحت کننده.»

۱- منتخب الأثر، صافی گلپایگانی، ص ۳۱۰

۲- الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷

۳- الزام الناصب، ص ۹

۴- عقد الدرر، ص ۱۵۸

۵- الزام الناصب، ص ۱۰

۶- الزام الناصب، ص ۲۳۳

۱۰- صبر و بردباری: امام صادق علیه السلام می فرمایند: «عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ هَمَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوب»^۱ «او دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است.»

و در حدیثی دیگر از امام حسین علیه السلام آمده است: «تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ»^۲ «مهدی را با سکینه و وقار، خواهید شناخت.»
آن حضرت سرآمد همه در علم و دانش و وجود نازنینشان چشمه سار برکت و پاکی است. ایشان اهل قیام و جهادند. رهبر جهانی انقلابی بزرگ، منجی نهایی و مصلح موعود بشریت است. به هنگام ظهور بر کعبه تکیه زده، پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در دست گرفته و با قیام خود، دین خدا را زنده و احکام خداوند در سراسر گیتی جاری می کند. جهان را پر از عدل و داد می گرداند، پس از آن که از جور و بیداد پر شده باشد.

دوره های زندگی حضرت

زندگی امام مهدی علیه السلام شامل سه دوره ی پر فراز و نشیب است:

۱- دوره ی اختفا: این دوره از هنگام تولد حضرت (۲۵۵ هـ ق) تا رحلت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ هـ ق) است. در مدت این پنج سال، حضرت در دوران پدر بزرگوار خود زندگی می کردند.

امام عسکری علیه السلام در این دوره، دو وظیفه ی اساسی و حساس را عهده دار بودند؛ یکی حفظ فرزندشان از گزند خلفای عباسی، و دیگری اثبات وجود ایشان و اعلام امامتشان به عنوان امام دوازدهم. آن حضرت از عهده ی هر دو کار به بهترین شکل برآمدند؛ هم فرزندشان را حفظ کردند و هم در فرصت های مناسب ایشان را به یاران و دوستان خود معرفی نمودند، اما به علت وجود اختناق شدید حکومت «عباسیان» تنها تعداد اندکی از یاران صدیق امام عسکری علیه السلام مانند «ابوهاشم

۱- عیون أخبار رضا، ج ۱، ص ۳۶

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۲۷

جعفری»، «احمد بن اسحاق» و «حکیمه» و «خدیجه» و عمه‌های امام یازدهم علیه‌السلام از ولادت آن حضرت آگاه بودند.

معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری نقل می‌کنند: چهل تن از شیعیان نزد امام عسکری علیه‌السلام گرد آمدیم، آن حضرت فرزندشان را به ما نشان دادند و فرمودند: «این امام شما پس از من و جانشین من است، از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می‌شوید و دینتان تباه می‌گردد، این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید.»^۱

۲- دوران غیبت: این دوران شامل غیبت صغری و غیبت کبری است و از هنگام شهادت امام یازدهم علیه‌السلام شروع می‌شود و تا هر زمان که به اراده‌ی خداوند ظهور کنند، ادامه خواهد یافت.

۳- عصر ظهور: پس از طی شدن دوران غیبت و به خواست پروردگار جهان، امام دوازدهم علیه‌السلام ظهور خواهد فرمود و دنیا را سرشار از خوبی‌ها و زیبایی‌ها خواهد کرد. هیچ‌کس زمان ظهور آن موعود منتظر را نمی‌داند و از امام عصر علیه‌السلام روایت شده است: «کسانی که برای ظهور، زمانی تعیین کنند، دروغ‌گو هستند.»

درباره‌ی دوران غیبت و عصر ظهور در درس‌های آینده توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

پرسش

۱- علت نام‌گذاری امام زمان علیه‌السلام به مهدی، قائم، منتقم و حجت الله چیست؟

۲- علت پنهان نگه داشتن ولادت امام زمان علیه‌السلام چه بوده است؟

^۱ - کمال الدین، ص ۴۳۵ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵

عرصه‌های پژوهش

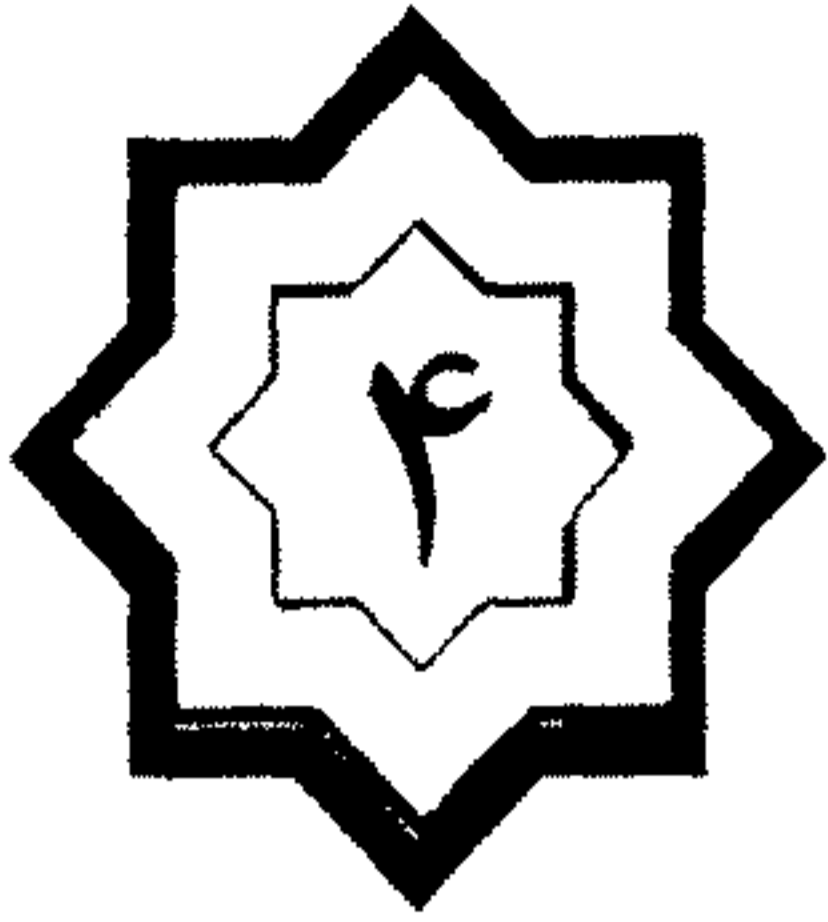
- ۱- وضعیت ادیان مختلف در حکومت امام زمان علیه‌السلام.
- ۲- وجوه مشترک موعود در اسلام و دیگر ادیان.
- ۳- چهل گفتار درباره‌ی موعود از انجیل و تورات.
- ۴- اثبات تولد امام زمان علیه‌السلام.
- ۵- بررسی القاب حضرت علیه‌السلام در قرآن و ادعیه.
- ۶- بررسی ابعاد عدالت مهدوی.
- ۷- موضع‌گیری امام مهدی علیه‌السلام در برابر بدعت‌ها از دیدگاه ادعیه و

روایات.

- ۸- پژوهشی پیرامون مادر امام زمان علیه‌السلام.

معرفی منابع

- ۱- حضرت مهدی علیه‌السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان، سید اسد... هاشمی شهیدی.
- ۲- مهدی علیه‌السلام تجسم امید و نجات، عزیز اله حیدری.
- ۳- یاد مهدی علیه‌السلام، محمد خادمی شیرازی، صص ۴۳ - ۵۳.
- ۴- حضرت مهدی علیه‌السلام در بشارت‌های آسمانی، محمد فقیه نیا.
- ۵- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، باور شناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف، سید حسن حسینی آصف.
- ۶- اتفاق در مهدی موعود، سید علی اکبر قریشی.
- ۷- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.
- ۸- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه‌ی مهدی علیزاده.
- ۹- تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی - عاشوری - حکیم - جباری.
- ۱۰- حدیث شب میلاد، سید مجتبی بحرینی.



امام مهدي عليه السلام در قرآن

جامعیت قرآن

تفسیر و تأویل

جایگاه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)

آیا نام امام مهدي (ع) در قرآن آمده است؟

گلچینی از آیات مهدویت

معرفت و شناخت، از موضوعات اساسی حیات بشری است و پس از معرفت خداوند به عنوان مبدأ همه‌ی موجودات، معرفت به حجّت‌های پروردگار که مظهر اسماء و صفات و آیین‌های جمال و جلال الهی هستند، بر همه‌ی معارف مقدم است و حیات معنوی بشر به همین معرفت وابسته است.

برای معرفت امام منابع گوناگونی وجود دارد که قرآن اساسی‌ترین آن‌هاست. قرآن منبع مطمئنی است که چون از وحی سرچشمه گرفته، هیچ‌گونه انحراف و کجی در آن راه ندارد و مورد اتفاق همه‌ی فرق مسلمین است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «إِعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ أَحَدٌ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غَنِيٍّ، فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَيَّ لَأَوَائِكُمْ»^۱ «بدانید که هیچ‌کس را پس از آموختن قرآن، نیازمندی نیست و هیچ‌کس را پیش از آموختن قرآن توانگری و بی‌نیازی نیست، پس شفای دردهای خود را از قرآن بخواهید و در گرفتاری‌هایتان، از آن کمک بخواهید.»

بنابراین بایسته است مسأله‌ی معرفت امام از نگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. پیش از پرداختن به بحث امام مهدی علیه السلام در قرآن، به نکاتی چند اشاره می‌کنیم:

الف) جامعیت قرآن

این نکته بسیار روشن است که اگر بنا باشد دینی جاودانه باقی بماند، باید کتاب قانون آن برای همه‌ی عصرها، جامع و کامل باشد تا بتواند حضور خود را در تمام دوره‌های حیات بشری حفظ کند. لذا با توجه به این که دین اسلام جاودانه و همیشگی است، باید کتاب وحی و قانون از جامعیتی بی‌نظیر برخوردار باشد:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾^۱ «و بر تو (ای پیامبر) نازل کردیم کتابی را که در آن تبیان هر چیزی که در هدایت انسان نقش دارد، صورت گرفته است.»

قرآن خود را این گونه معرفی می‌کند که کتاب «تبیان» و «هدایت» است. «تبیان» صفت عام و فراگیر قرآن است و کتابی که برای هدایت همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها نازل شده، شأنش این است که بیان «کُلُّ شَيْءٍ» را عهده‌دار باشد. البته واضح است که مراد از «کُلُّ شَيْءٍ» همه‌ی چیزهایی است که به امر هدایت بشری که رسالت قرآن است بر می‌گردد و قرآن مسأله‌ای را در حوزه‌ی هدایت بشری فروگذار نکرده است.

ب) تفسیر و تأویل

۱- تفسیر

یکی از راه‌هایی که می‌توان به واسطه‌ی آن به درک واقعی و عمیق مضامین و مفاهیم آیات الهی نایل شد و از معارف ارزشمند آن بهره‌مند گردید، تفسیر است. تفسیر در کتب علوم قرآنی چنین معنی شده است:

«التفسيرُ كَشَفُ الْقِنَاعِ عَنِ الْمَشْكِلِ»^۱ «تفسیر نقاب برداشتن از چهره‌ی الفاظ مشکل است.» به عبارت دیگر مراد از تفسیر، مطالبی است که از الفاظ و ظواهر کلام الهی و با اندیشه و ژرف‌نگری در آنها به دست می‌آید و نشانگر مراد و منظور آیات قرآنی است.

۲- تأویل

گاهی آیات الهی حاوی حقایقی ورای الفاظ و ظواهر آن است که در مطالعه‌ی ابتدایی و اولیه به دست نمی‌آید و تأمل و دقت آدمی در آنها نیز کارساز نیست؛ بلکه تنها روایات و گفتار معصومین علیهم‌السلام است که از آنها پرده برمی‌دارد و اسرار آنها را آشکار می‌سازد. به این مرحله از فهم آیات که دلالت به باطن قرآن دارد، تأویل می‌گویند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرمایند: «ما فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ»^۲ «هیچ آیه‌ای در قرآن نیست جز این که دارای ظاهر و باطن است.» بنابراین برای بهره‌مندی جامع و شایسته، هم باید به ظاهر قرآن «تفسیر» آن توجه کرد و هم از باطن آن «تأویل» استمداد جست.

ج) جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام

شکی نیست که کلام وحی و معارف بی‌کران الهی، اقیانوسی است که عقل و دانش ناقص و محدود بشری، توانایی درک و تحلیل تعالیم و مفاهیم بلند و آسمانی آن را به تنهایی، و به صورت کامل و صحیح ندارد و ناگزیر از یاری افرادی است که خود از سرچشمه وحی و علم الهی بهره‌مند شده و توانایی لازم برای بیان حقایق آن را داشته باشند. این فضیلت در وجود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت معصومین علیهم‌السلام جلوه‌گر و متبلور شده است.

۱- علوم قرآنی، ص ۲۷۴

۲- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۴

خداوند در این رابطه خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می-فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»^۱ «و ما ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آن چه را که به سوی مردم نازل شده است برای آن ها تبیین کنی.» نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز پس از خود، خاندان و اهل بیت عصمت خویش را عهده دار این وظیفه سنگین و امر خطیر معرفی می فرمایند؛ چنان که در حدیث معروف ثقلین آمده است:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي...»^۲ «من در میان شما دو چیز گران بها و ارزشمند باقی می گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. و اگر به این دو ثقل چنگ بزنید و تمسک بجوید هرگز گمراه نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»
راز و رمز حیات و جامعیت قرآن، در هم گامی و همراهی آن، با عترت است. قرآن در کنار معصوم، عامل هدایت و مانع از گمراهی است. این کتاب الهی در کنار تبیین معصوم، برای همیشه «هادی» است.

بنابراین توجه به دیدگاه و بیانات امامان معصوم علیهم السلام در فهم و کشف مقصود آیات نقش کلیدی ایفا می کند.

این مطلب از آیات دیگر قرآن نیز قابل استفاده است:

«فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۳ «اگر چیزی را نمی دانید از اهل ذکر

بپرسید.»

در تفسیر این آیه آمده است: «نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ»^۴ «منظور از

اهل ذکر ماییم و ما کسانی هستیم که مورد سؤال قرار می گیریم.»

۱- نحل / ۴۴

۲- ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۱؛ شیخ صدوق، امالی، ص

۴۱۵، ح ۱۵

۳- نحل / ۴۳

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳

همچنین در تفاسیر اهل سنت از ابن عباس نقل شده است: «هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ هُمُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ الْعَقْلِ وَ الْبَيَانِ»^۱ «مراد از اهل ذکر، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. ایشان اهل ذکر و عقل و بیان می باشند.»

(د) آیا نام امام مهدی علیه السلام در قرآن آمده است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: قرآن برای معرفی شخصیت‌ها از دو راه استفاده کرده است:

۱- معرفی با اسم: نخستین راه این است که شخصیت مورد نظر را با اسم معرفی و مطرح می کند مانند: «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ»^۲

۲- معرفی با صفت و ویژگی: شیوه‌ی دوم، معرفی با صفت و ویژگی است که در قرآن نمونه‌هایی دارد، از جمله این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به این شیوه نیز معرفی کرده است:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ ...»^۳ «کسانی که از پیامبر تبعیت می کنند ... که پیامبر، ایشان را به کارهای پسندیده دستور می دهد و از کارهای زشت و ناپسند، باز می دارد و به ایشان امور پاکیزه را حلال و امور ناپسند را حرام کرده است.»

در معرفی ولی مؤمنان علیه السلام نیز از این شیوه استفاده کرده است:

«أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمُ رَاكِعُونَ»^۴ «صاحب امر شما خدا و رسول او و کسانی اند که نماز را بر پا می دارند و زکات می پردازند در حالی که در رکوع باشند.»

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۴

۲- آل عمران / ۱۴۴

۳- اعراف / ۱۵۷

۴- مائده / ۵۵

شناساندن با صفت بهترین راه معرفی است. این نوع معرفی راه را بر سودجویان می‌بندد؛ در معرفی با اسم می‌توان نام جعلی درست کرد؛ اما بهره‌برداری از صفات کار آسانی نبوده و قابل جعل نیست. از این رو می‌بینیم در جریان حضرت طالوت علیه‌السلام، خداوند متعال در آیه‌ی ۲۴۸ سوره‌ی بقره، بعد از آن که ایشان را به اسم معرفی می‌کند، بلافاصله ایشان را با صفت و نشانه‌ی «تَابُوتٌ فِيهِ سَكِينَةٌ» «صندوقی که دارای آرامش است»، معرفی می‌کند تا جلوی هرگونه اشتباه احتمالی گرفته شود.

پس روشن شد که:

۱- تنها راه معرفی، ذکر نام امام مهدی علیه‌السلام نیست، و حضرت از راه‌های دیگر (صفات) معرفی شده‌اند و قرآن به طرق دیگر به وجود ایشان و حکومت جهانی‌شان اشاره کرده است.

۲- مصالحی در کار بوده که نام اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن ذکر نشود که مهم‌ترین آن‌ها محفوظ ماندن قرآن از تحریف است.

گلچینی از آیات مهدویت

۱- غلبه بر جمیع ادیان

مسأله‌ی مهدویت و قیام و حکومت جهانی یک منجی عدالت‌گستر و مصلح عدالت‌پرور از جمله مسائلی است که نه تنها با فطرت ظلم‌ستیز و عدالت‌طلب انسان‌ها آمیخته و نهادینه شده است، که همه‌ی مسلمانان اعم از شیعه و سنی و بلکه تمامی ادیان آسمانی و حتی مکاتب دیگر آن را باور داشته و پیروان آیین خود را به ظهور آن مژده داده‌اند. در آیه‌ای که بحث می‌شود، دین حق که همان دین اسلام است بر همه‌ی مکاتب و آیین‌های زمان پیروز می‌شود:

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ يُأْبِي اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ
 ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ

المُشْرِكُونَ»^۱ «می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد تا این که نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.»

بحث روایتی:

۱- محمد بن فضیل می‌گوید: از امام کاظم علیه‌السلام درباره‌ی قول خداوند «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» پرسیدم. ایشان فرمودند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۲ «پیروز کند خداوند دین اسلام را بر همه‌ی دین‌ها هنگام قیام قائم علیه‌السلام.»

۲- ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ...» پرسیدم، ایشان فرمودند: «وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ، وَ لَا يَزُولُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ...» «قسم به خداوند! هنوز تأویل آن نیامده و تأویل آن نیاید تا این که قائم خروج کند، پس هنگامی که قائم خروج کند کافری به خدا و مشرکی به امام باقی نمی‌ماند مگر این که خروج او را کراهت دارد...»^۳

۳- از امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ...» نقل شده است: «... لَا يَبْقَى قَرِيَّةٌ إِلَّا وَ تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَ عَشِيًّا»^۴ «آبادی و شهری باقی نمی‌ماند مگر این که در آن جا صبح و شب شهادت به توحید و رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داده می‌شود.»

۴- شیخ صدوق در روایتی از امام حسین علیه‌السلام نقل می‌کند: «مِنَّا اثْنِي عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ

۱- توبه/ ۲۳ و ۲۴

۲- کافی، ج ۱، ح ۹، ص ۴۳۲

۳- کمال الدین، ج ۲، ب ۵۸، ح ۷

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰

القائم بالحق يحيي الله به الأرض بعد موتها و يظهر بهي دين الحق علي الدين كله و لو كره المشركين»^۱ «از میان ما، ۱۲ نفر مهدی است، اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین آنها نهمین نفر از فرزندان من است. او امامی است که به حق قیام می کند. خداوند به واسطه‌ی او زمین را زنده می کند بعد از آن که مرده شده باشد و به واسطه‌ی او دین حق را به همه‌ی ادیان پیروز می کند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.»

۲- خلافت مؤمنان، وعده‌ی الهی

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد. و آن دینی که برایشان پسندیده است؛ به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.»

در این آیه‌ی شریفه سخن از وعده‌ی الهی به میان آمده است. وعده‌ی الهی در هر زمان که شرایط و لوازم تحقق آن فراهم شود، ظهور پیدا می کند و خداوند فراهم شدن شرایط را به عهده‌ی انسان‌ها گذاشته است چرا که: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۳ «همانا خداوند قومی را دگرگون نمی کند مگر این که آن قوم خودشان را تغییر دهند.»

پس هر زمان که انسان‌ها بخواهند، وعده‌ی خداوند محقق می شود و هر زمان که انسان‌ها حاکمیت امام مهدی علیه السلام را بخواهند، خداوند آن را رقم می زند. تا

۱- کمال الدین، ج ۱، ح ۳

۲- نور / ۵۵

۳- رعد / ۱۱

طلب در کار نباشد مطلوبی هم نخواهد بود. در زیارت جوشن کبیره می‌خوانیم: «یا هادی من استهدی» «ای هدایت کننده‌ی کسی که طالب هدایت است.»
نکته‌ها و پیام‌های آیه:

۱- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخرین جمع خود در مسیر بازگشت از مکه، در غدیر خم، به فرمان خداوند حضرت علی علیه‌السلام را جانشین خود قرار دادند. در این هنگام آیه نازل شد که امروز خداوند دین اسلام را برای شما پسندید. ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱ در این آیه ﴿وَعَدَا اللَّهُ...﴾ نیز مورد وعده‌ی خداوند پیروزی آن دینی است که خداوند پسندیده است: ﴿دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾ در نتیجه دینی را که خداوند پسندیده، ادامه‌ی همان مکتب غدیر خم است. بنابراین دین بدون ولایت مورد رضایت خداوند نیست.

۲- وعده‌های خداوند شامل کسانی می‌شود که ایمان همه‌ی وجودشان را پر کرده و اعضا و جوارحشان در مسیر بندگی خداست.
۳- وعده‌های خداوند به مؤمنان چهار است:

الف) برای آنان جامعه‌ای صالح مخصوص خود درست کرده و حاکمیت زمین را در اختیار آنان قرار می‌دهد. این خلافت به معنی مسلط شدن بر کل زمین و استفاده از موهبت‌های آن است.

ب) دین‌شان را در زمین برتر می‌سازد، دینی که خدا آن را پسندیده است همانا دین مقدس اسلام است: ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ «و اسلام را برای شما به عنوان دین پسندیدم».

ج) امنیت را جایگزین ترسشان می‌کند. در این دوران هیچ عاملی باعث نگرانی و ترس مؤمنان نخواهد شد: ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲ «نه ترسی دارند و نه حزن و اندوهی».

۱- مائده/ ۳

۲- یونس/ ۶۲

د) فقط خداوند را عبادت کرده و هیچ چیز را شریک او قرار نمی‌دهند.

بحث روایتی:

۱- امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «إِنَّهُ لَمْ يَجِيءُ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا، سَيَّرِي مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيْسَلُغْنَ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ مُشْرِكًا عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱ «تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم قیام کند کسی که او را درک می‌کند، تأویل این آیه را می‌بیند. هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله وسلم به هر جایی که شب برسد، می‌رسد (همه‌ی کره‌ی زمین)؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان‌گونه که خداوند فرمود: مرا پرستش کنید و چیزی را شریک من نگردانید.»

۲- در حدیثی از امام سجّاد علیه السلام نقل شده که ایشان در مورد ﴿ءَامِنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ می‌فرماید: «به خدا سوگند، آنان دوستداران و پیروان ما خاندان پیامبرند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است نویده‌های جان‌بخش آیه را درباره‌ی آنان تحقق می‌بخشد.»^۲

۳- بندگان صالح، وارثان زمین

﴿وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳ «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد.»

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱

۲- اثبات الهداة، ب ۳۲، ح ۴۲۲

۳- انبیاء / ۱۰۵

نکته‌ها و پیام‌های آیه:

- ۱- «کَتَبَ» در اصطلاح از امری حتمی و قطعی خبر می‌دهد.
 - ۲- کلمه‌ی «أَرْض» به خاطر داشتن «ال» استغراق همه‌ی زمین را شامل می‌شود. در نتیجه، دولت کریمه‌ی امام مهدی علیه‌السلام نیز در کل کره‌ی زمین، بر پا خواهد شد.
 - ۳- مراد از وراثت زمین این است که سلطه بر منافع و استفاده از آن از دیگران به بندگان صالح منتقل شده و برکات زمین نصیب ایشان خواهد شد.
 - ۴- وراثت زمین به انسان‌هایی خواهد رسید که:
- الف) بنده خداوند بوده و همه‌ی وجودشان را برای خداوند قرار داده باشند.
- (عِبَادِي)

ب) صالح و شایسته بوده و لیاقت بهره‌برداری را دارا باشند. (الصَّالِحُونَ)

بحث روایتی:

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «وَقَوْلُهُ ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ﴾ قَالَ: الْكُتُبُ كُلُّهَا ذِكْرٌ وَ ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ قَالَ: الْقَائِمُ وَ أَصْحَابُهُ»^۱

«مراد از کلمه‌ی ذکر در ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ﴾ همه‌ی کتاب‌های پیامبران است و مراد از ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ قائم و یاران او می‌باشد.»

از روایات بالا استفاده می‌شود که این وعده‌ی الهی در همه‌ی کتاب‌های آسمانی بیان شده است. با نگاهی کوتاه به زندگی و آرمان‌های انسان‌ها از آغاز تا کنون، به روشنی درمی‌یابیم که یکی از بزرگ‌ترین آرزوها و خواسته‌های همه‌ی پیامبران و اولیا برپایی جامعه‌ی توحیدی و حکومتی بر پایه‌ی فرمان‌های آسمانی و عدالت‌گستر الهی است. روشن است که این امید و آرزو زمانی محقق می‌گردد که حاکمی عادل، کاردان و توانا در رأس آن قرار گیرد. اینک ما در عصری هستیم که تنها و تنها این امید، از آخرین وجود نورانی خورشید هدایت و امامت انتظار می‌رود.

۴- وراثت و پیشوایی مستضعفان، خواست خدا

«وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ «و اراده کردیم که بر کسانی که به استضعاف کشیده شدند، منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم.»

این آیه مربوط به داستان حضرت موسی علیه السلام است خداوند می فرماید: «موسی علیه السلام در عصری به دنیا آمد و بزرگ شد که فرعون طغیان کرده و ادعای ربوبیت داشت. او بنی اسرائیل را به استضعاف کشانده و دستور قتل فرزندان آنان را داده بود و می خواست آن ها را نابود کند، در حالی که اراده خداوند چیز دیگری بود. او می خواست بر آنان منت گذارد و آنان را پیشوا قرار دهد تا پس از سال ها، پیشوا و وارث در زمین باشند، پس از آن که زمین در دست دیگران بود، و آنان را در زمین مکنت دهد و حکومت قوی و پا بر جا به آنان ارزانی دارد تا بتوانند از آن استفاده کنند.» هر چند ظاهر آیه بیان یک قسمت از حوادث روزگار قوم بنی اسرائیل است. ولی در این جا از فعل مضارع استفاده شده که دلالت به استمرار دارد و می گوید: «اراده‌ی دائمی ما و سنت ما چنین است که مستضعفان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

نکته‌ها و پیام‌های آیه:

- ۱- خداوند در این آیه، تعبیر «منت» را آورده است و منت بر دو نوع است: فعلی و قولی، منت فعلی به معنی لطف عظیم است و منت قولی به معنی به رخ کشیدن نعمت است. در آیه‌ی شریفه مراد از منت همان لطف عظیم است.
- ۲- این آیه بشارتی است برای همه‌ی حق پرستان و عدالت خواهان که حکومت ظلم و جور دائمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنج دیدگان خواهد بود.
- ۳- این آیه مربوط به حکومت جهانی و انقلاب نورانی حضرت مهدی علیه السلام است.

۴- با توجه به آیهی «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا» «همانا خداوند بر مؤمنان منت نهاد که در میان آنان رسولانی برانگیخت.»^۱ از کلمه‌ی «مَنَّ» در آیه می‌توان شباهت‌هایی بین حکومت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام زمان علیه‌السلام ذکر کرد.

امام علی علیه‌السلام درباره‌ی این آیه فرمودند: «هُم آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يَذِلُّ عَدُوَّهُمْ» «این افراد خاندان پیامبرند که خداوند مهدی آنان را بعد از فشار و زحمتی که بر آنان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به آنان عزت می‌دهد و دشمنان‌شان را خوار و ذلیل می‌سازد.»^۲

پرسش

- ۱- جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قرآن چگونه بیان شده است؟
- ۲- شیوه‌های قرآن کریم برای معرفی شخصیت‌ها چیست؟
- ۳- عوامل ظهور دین خداوند چیست؟
- ۴- با توجه به آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مبارکه‌ی نور، خداوند به مؤمنان صالح چه وعده‌هایی می‌دهد؟
- ۵- مراد خداوند از منت بر بندگان چیست؟

۱- آل عمران / ۱۶۴

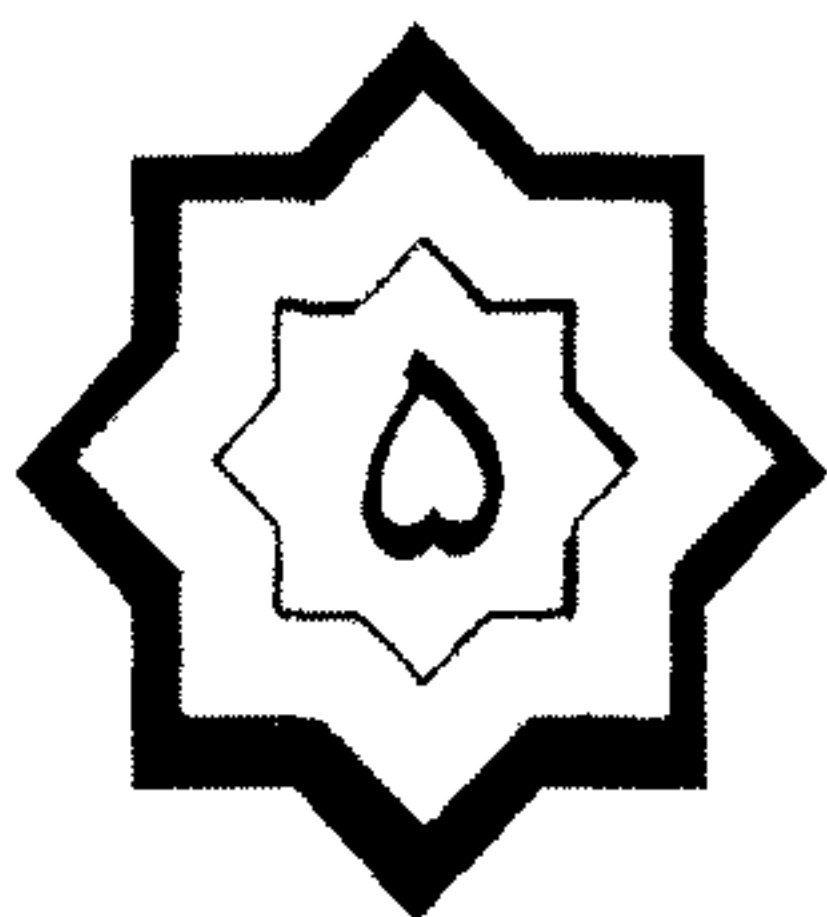
۲- غیبت طوسی، ص ۱۸۴

عرصه‌های پژوهش

- ۱- بررسی صفات قرآنی امام مهدی علیه‌السلام.
- ۲- مجموع آیات تفسیری از مباحث مهدویت.
- ۳- مجموع آیات تأویلی از مباحث مهدویت.
- ۴- با توجه به روایات ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام امام زمان علیه‌السلام در قرآن به چه صفاتی ملقب شده‌اند.
- ۵- بررسی ویژگی‌های حکومت امام زمان علیه‌السلام در قرآن.
- ۶- بررسی ویژگی‌های یاوران امام زمان علیه‌السلام در قرآن.
- ۷- موضوع غیبت امام زمان علیه‌السلام در قرآن.
- ۸- رجعت در قرآن.

معرفی منابع

- ۱- معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۵، زیر نظر استاد علی کورانی.
- ۲- سیمای حضرت مهدی علیه‌السلام در قرآن، سید جواد رضوی.
- ۳- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، صص ۱۱۳ - ۱۲۲.
- ۴- مقاله آیت الله معرفت، گفتمان ۱ و ۲.
- ۵- سیمای مهدویت در قرآن، محمد جواد مولوی نیا.
- ۶- سیمای حضرت مهدی علیه‌السلام در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی.
- ۷- سیمای نورانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری، صص ۱۷ - ۶۷.
- ۸- اختر فروزان یا کوکب درّی، محمد مدنی.
- ۹- موعود در قرآن، سید صادق حسینی شیرازی.
- ۱۰- اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفایی کاشانی.
- ۱۱- پور نهران در افق قرآن، جعفر شیخ الاسلامی.



امام مهدي عليه السلام در روایات

کتاب های ویژه امام عصر (ع)

تواتر احادیث امام مهدي (ع)

امام مهدي (ع) در پرتو احادیث

عرضه های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویت

حدیث، منبع مهم دین مبین اسلام است. به گونه‌ای که مادر تمام علوم اسلامی به شمار می‌آید و بدون مراجعه به احادیث، هیچ یک از معارف اسلام کامل نمی‌شود. در حوزه‌ی فقه، نقش اساسی با حدیث است. در علم کلام، تبیین جزئیات با حدیث صورت می‌گیرد و حتی در تفسیر، بدون حدیث نمی‌توان معنای دقیق آیات را درک کرد. عقل فقط می‌تواند مسائل کلی را تبیین و اثبات کند، اما مسائل جزئی و تعیین مصداق و مورد، از عهده‌ی عقل خارج است و این نقل است که در این زمینه گره‌گشایی می‌کند.

در مسائل مربوط به امامت نیز حدیث نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در جوامع روایی، راویان مختلف بیش از شش هزار حدیث درباره‌ی مهدویت روایت کرده‌اند. در واقع در بحث مهدویت و موضوع امام مهدی علیه‌السلام، احادیث، منبع اصلی هستند و برای نتیجه‌گیری در یک موضوع باید تمام احادیث مرتبط با آن موضوع بررسی شود و نباید به صرف دیدن یک روایت در یک موضوع، چنین نتیجه گرفت که نظر اسلام و روایات درباره‌ی آن مسأله همان است که در آن یک روایت آمده است. به ویژه در بعضی مباحث مربوط به مهدویت، روایات بسیار گوناگون و متفاوتی نقل شده است که به بحث و بررسی سندی و نحوی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی نیاز دارد.

الف) کتاب‌های ویژه‌ی امام عصر علیه السلام

با توجه به این که نوید ظهور حضرت مهدی علیه السلام را شخص رسول خدا صلی الله و علیه و آله وسلم داده‌اند و از همان ابتدا نام «مهدی» بر سر زبان‌ها بوده، ده‌ها کتاب قبل از تولد ایشان در میان شیعه و غیر شیعه تدوین یافته و در طول این چند قرن نیز صدها کتاب به همت علمای شیعه و اهل سنت نوشته شده است، که از آن میان به معرفی چند مورد از کتب علمای شیعه اکتفا می‌کنیم:

۱- کمال الدین و تمام النعمة: اثر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (ت ۳۰۵ هـ) است که به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت^۱، که از قدیمی‌ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می‌شود.

۲- الغیبة: اثر ابو عبد اله، محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی مشهور به ابن ابی زینب از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳- الفصول العشرة في الغیبة: اثر ابو عبد اله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید است. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم‌ترین شبهاتی است که درباره‌ی وجود مبارک امام زمان علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام‌های دیگر این کتاب «الاجوبة عن المسائل العشرة» و «المسائل العشرة في الغیبة» است.

۴- اربع رسالات في الغیبة: اثر شیخ مفید است. این کتاب به روش پرسش و پاسخ بوده و شامل مباحث غیبت، قیام و شبهات مربوط به امامت حضرت مهدی علیه السلام است.

۵- کتاب الغیبة للحجة: تألیف شیخ طوسی است. و از بهترین، مهم‌ترین و کامل‌ترین منابع شیعه در مسأله‌ی غیبت امام زمان علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام زمان علیه السلام، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و

^۱ - کمال الدین و تمام النعمة، مقدمه

سیره‌ی امام مهدی علیه‌السلام می‌باشد. این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه‌ی بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است، اهمیت فراوانی دارد.

۶- المعجم الأحادیث الامام المهدي عليه السلام: این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش برخی از محققان^۱ به انجام رسیده است. این گروه بر آن شدند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه‌السلام را از کتاب‌های فریقین، جمع‌آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره‌ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومین علیهم‌السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا آخرین معصوم فرا روی خوانندگان قرار می‌دهد.

۷- بحار الانوار (جلدهای ۵۱، ۵۲، ۵۳): اثر علامه محمد باقر مجلسی.

۸- منتخب الاثر: تألیف آیت الله لطف اله صافی گلپایگانی.

ب) تواتر احادیث امام مهدی علیه‌السلام

از ویژگی‌ها و امتیازات بسیار مهم در یک موضوع روایی، تواتر احادیثی است که در مورد آن نقل شده است. متواتر بودن روایات آن موضوع، باعث می‌شود که توجه درست و خاصی به آن شود و مطالب و محتوای آن، مورد قبول واقع شده و علاوه بر اعتقاد به آن، در کارها و رفتار و برنامه‌ریزی‌ها به آن توجه گردد و به مفاد آن عمل شود. تواتر احادیث در موضوع مهدویت، امری مورد قبول و مسلم در نزد شیعه و عامه است؛ یعنی، نه تنها شیعیان تواتر احادیث مربوط به امام مهدی علیه‌السلام را پذیرفته‌اند؛ بلکه علمای عامه نیز بر این مهم اعتراف کرده‌اند. در این قسمت به ذکر نام برخی از علما و دانشمندان عامه که به این ویژگی اشاره کرده‌اند می‌پردازیم.^۲

^۱ - اساتید معظم: علی کورانی و نجم‌الدین طبسی و ...

^۲ - ر.ک. در انتظار ققنوس، صص ۷۶ - ۹۰

- ۱- محمد بن حسین آبری شافعی (م ۳۶۳ هـ)؛ وی در کتاب مناقب الشافعی چنین می گوید:
«اخبار بشارت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به آمدن مهدی علیه السلام به دلیل کثرت مخبران و راویان به حد تواتر رسیده است.»^۱
- ۲- محمد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ هـ)؛ وی تصریح می کند:
«احادیثی که بر وجود مهدی علیه السلام و قیام او در آخر الزمان و از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و فرزند فاطمه علیها السلام بودن وی دلالت دارند، به حد تواتر رسیده و جایی برای انکار آن ها وجود ندارد.»^۲
- ۳- ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ هـ)؛ وی بارها از اعتقاد مسلمان ها به ظهور امام مهدی علیه السلام دفاع کرده و به تواتر آن تصریح کرده است.^۳
- ۴- قرطبی مالکی (م ۷۶۱ هـ)؛^۴
- ۵- ابن قیم (م ۷۵۱ هـ)؛^۵
- ۶- ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ)؛
- ۷- سیوطی (م ۹۱۱ هـ)؛^۶
- ۸- شیخ محمد بن علی صبان (م ۱۰۲۶ هـ).^۷

^۱ - التذكرة، ج ۱، ص ۷۰۱

^۲ - الاشاعة الاشراف الساعة، برزنجی، ص ۸۷

^۳ - الصواعق المحرقة، فصل ۱، باب ۱۱، صص ۱۶۲ - ۱۶۷

^۴ - التذكرة، ج ۱، ص ۷۰۱

^۵ - امنار امنيف، ابن قیم، ص ۱۳۵

^۶ - ابراز الوهم المکنون، غماری، ص ۴۳۶

^۷ - اسعاف الراغبين، صبان، صص ۱۴۵ - ۱۵۲

ج) امام مهدی علیه السلام در پرتو احادیث

در این بخش به تبیین برخی روایات عام امامت می‌پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می‌کنیم.

۱- حدیث «ثقلین»

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ...»^۱ «من دو چیز گرانبها را میان شما باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم؛ اگر به این دو تمسک جویند هرگز گمراه نخواهید شد و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند...»

حدود ۳۴ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این حدیث را نقل کرده‌اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت (مانند مسلم، ترمذی و احمد بن حنبل) در کتاب‌های خود آورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این حدیث را در موقعیت‌های مختلف بیان کرده است.^۲

بر اساس این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دست‌آورد رسالت خود را دو چیز گران‌مایه می‌داند: «کتاب خدا» و «عترت آن حضرت» که از هم جدایی‌ناپذیر و عامل راه‌یابی و رستگاری انسان‌ها تا روز قیامت هستند. این حدیث شریف و زیبا حاوی نکات ارزشمندی است:

یکم: همان‌گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود. این نکته از واژه‌ی «لَنْ يَفْتَرِقَا» به خوبی روشن می‌شود. چنان که ابن حجر در صواعق می‌گوید:

«احادیثی که مردمان را به تمسک به اهل بیت فرا می‌خواند، به این اشاره دارد که از اهل بیت تا روز قیامت کسی که برای تمسک شایسته است، همواره وجود

^۱ - کمال الدین، ج ۱، صص ۲۶۵ - ۲۸۱

^۲ - عبقات الانوار، ص ۸۲۴

دارد؛ چنان که کتاب خدا چنین است و از این رو آنان سبب ایمنی و بقا برای اهل زمین هستند ... سزاوارترین از میان ایشان برای تمسک، امام و عالم آنها علی بن ابیطالب است که علم فراوان و استنباطهای دقیق و موشکافانه دارد، و به همین جهت ابوبکر گفته است: «علی علیه السلام عترت رسول خدا است»؛ یعنی، از کسانی است که پیامبر خواسته و ترغیب کرده مردمان به آنان تمسک جویند.^۱

دوم: همچنان که قرآن حجت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل بیت علیهم السلام نیز پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت تنها کسانی اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو ثقل اکبر و اصغر نیز این است.

سوم: در قرآن هیچ خطا و اشتباهی نیست و پیروان واقعی قرآن در هیچ زمانی دچار اشتباه نشده و دچار گمراهی و ضلالت نمی گردند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن قرار داده و می فرماید: «اگر به هر دو تمسک بجوید هرگز دچار گمراهی نمی شوید.» از این فهمیده می شود که اهل بیت علیهم السلام نیز هرگز دچار خطا نمی شوند (یعنی دارای ملکه‌ی عصمت بوده و معصوم می باشند)، زیرا اگر به خطا دچار شوند، حتماً دچار گمراهی و ضلالت می گردند.

چهارم: تنها اهل بیت علیهم السلام هستند که می توانند محتوای آیات و دقایق لطیف آنها را به صورت درست و کامل در اختیار مردم قرار دهند؛ از این رو برای استفاده‌ی صحیح از قرآن باید از رهنمودها و هدایت‌های آنان بهره برد.

پنجم: قرآن دریای بی کران معرفت است. اتصال اهل بیت علیهم السلام به قرآن، نشانه‌ی وسعت علم و ژرفای معرفت آنان است.

از مباحث گذشته روشن شد که طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. بر اساس احادیث، حضرت مهدی علیه السلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

۲- حدیث «مَنْ مَاتَ»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ»^۱ «هر کس بمیرد و امام زمان

خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

علامه مجلسی این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه در بحارالانوار آورده است.^۲ و علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده اند که بعضی از آنها عبارت است از: ۱- سنن ابو داود؛ ۲- مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛ ۳- سنن سعید بن منصور خراسانی؛ ۴- طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب واقدی؛ ۵- مسند حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛ ۶- مصنف ابن شیبه؛ ۷- صحیح بخاری؛ ۸- صحیح مسلم و ...^۳ بر اساس این روایت امامی که نشناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امام واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است، نه امام کفر صفت و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور. در نتیجه چنین امامی قبل از هر چیز باید:

اولاً: دارای بالاترین مقام علمی و شایستگی همه جانبه ای باشد که بتواند در قلمروی وسیع و پهناور، امامت و رهبری اسلامی را بر عهده گیرد تا مسلمانان در صورت شناخت او و پیروی از دستوراتش، از جهل رهایی یابند.

ثانیاً: از پاکی همه جانبه و مصونیت از هوا و خطا، برخوردار باشد تا نه تنها خود دچار کج روی های عقیدتی، علمی و عملی نگردد؛ بلکه گروه ها و افراد را نیز به

^۱ - صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۱۳ صحیح مسلم، ج ۶، صص ۲۱، ۲۲

^۲ - بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۷۶ - ۹۵

^۳ - فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام، صص ۳۰ - ۴۰

حق رهنمون شود. چنین امامی است که شناخت یا عدم شناخت او، سرنوشت‌ساز است و بهشت یا جهنم را برای آدمی رقم می‌زند.

با دقت در حدیث «مَنْ مَاتَ ...» و آنچه گفته شد نکات زیر به دست می‌آید:^۱

- ۱- ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛
- ۲- ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛
- ۳- تعداد امام بر حسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛
- ۴- نشناختن امام زمان در هر عصری، انسان را به مرگ جاهلیت می‌میراند؛
- ۵- با توجه به قطعی بودن حدیث، تنها شیعه‌ی دوازده امامی در پرتو عقیده‌ی راستین به امامت ائمه‌ی اثنی عشر - که آخرین آن‌ها حضرت مهدی موعود علیه‌السلام است - مصداق بی‌چون و چرای این حدیث است (شرایطی که امام باید داشته باشد، تنها در امامان دوازده‌گانه یافت می‌شود)؛
- ۶- بر اساس این حدیث و احادیث دیگر درباره‌ی تعداد خلفا، شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه‌ی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حضرت مهدی موعود علیه‌السلام است.

۳- حدیث «اثنی عشر خلیفه»

جابر بن سمره می‌گوید:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ فَقَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^۲ «پیامبر گرامی در دوران حیات خود تصریح فرمود: پس از ایشان دوازده نفر به خلافت خواهند رسید که همگی از قریش‌اند و عزت اسلام در سایه‌ی خلافت آنان خواهد بود. سپس کلمه‌ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه‌ی آنان از قریش هستند.»

^۱ - فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه‌السلام، صص ۷۸ - ۸۰

^۲ - صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۰۲

این حدیث را شیعه و سنی^۱ در کتاب‌های حدیثی خود نقل کرده‌اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه کسانی‌اند. از دو طریق می‌توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

بنابراین با استناد به روایات معتبر و شواهد تاریخی صحیح، مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعابیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱- وجود امامان دوازده تن است.

۲- امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله‌ی «لایزالُ الإسلام»).^۲

۳- همگی آنان از قریش هستند.

پس آن ثقل همدوش قرآن که باید به آن تمسک نمود و خلیفه‌ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می‌گردد و شناختن او باعث خروج از اسلام می‌شود، همان حضرت مهدی علیه‌السلام است.

د) عرصه‌های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویت

۱- اصل قضیه‌ی مهدویت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنت در قضیه‌ی مهدویت، اتفاق بر اصل آن است. امت اسلامی - به غیر از گروهی اندک از غربزدگان و روشنفکر نمایان مانند احمد امین مصری - بر این مسأله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی علیه‌السلام از فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

^۱ - صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۱۷۹ / صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵ / غیبت طوسی، ص ۸۸ / غیبت

نعمانی، ص ۲۵

علت اصلی تأکید بر این اعتقاد، وجود تعداد بسیار و در حد تواتر روایات، درباره‌ی این قضیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است. معلوم است که هر قضیه‌ای که به حد «تواتر» برسد، از دایره‌ی شک و تردید خارج شده و انسان را به یقین می‌رساند. شهید صدر (ره) در این باره می‌گوید:

«به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام آمده است.

تنها از طرق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام شمارش شده است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی نظیری برای آن وجود ندارد.^۱

حافظ ابن حجر عسقلانی نیز می‌گوید: «تواتر الاخبار بان المهدي من هذه الامة»^۲ «اخبار در حد تواتر دلالت دارد بر این که مهدی علیه السلام از این امت (اسلام) است.»

۲- وجوب اعتقاد به امر ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام

جابر بن عبد الله از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نقل می‌کند: «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۳ «کسی که منکر خروج مهدی علیه السلام است به آن چه بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم نازل شده، کافر گردیده است.»

در میان اهل سنت، احمد بن محمد بن صدیق در این باره می‌گوید: «الإيمان بِخُرُوجِهِ وَاجِبٌ وَاعْتِقَادُ ظُهُورِهِ تَصْدِيقًا لِخَبَرِ الرَّسُولِ مُحْتَمٌ»^۴ «ایمان به خروج مهدی

^۱ - بحوث حول المهدي، ص ۶۲ و ۶۳

^۲ - فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲

^۳ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳

^۴ - ابراز الوهم المکنون، صص ۴۳۳ - ۴۳۶

علیه السلام واجب و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حتمی و ثابت است.»

۳- جهانی بودن دعوت و حکومت امام مهدی علیه السلام

حاکم نیشابوری از ابو سعید خدری در این باره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«تَمَلَأُ الْأَرْضَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ عِتْرَتِي يَمْلِكُ الْأَرْضَ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»^۱ «زمین از ستم و ظلم پر می شود. در این هنگام شخصی از عترتم خروج کرده، مدت هفت یا نه سال مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد می کند.»

۴- نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به امام زمان علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج امام مهدی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و در نماز به آن امام اقتدا می کند. ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند: «كَيْفَ أَنْتُمْ ابْنِ مَرْيَمَ فَيْكُمُ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ»^۲ «چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود می آید، در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟»

ابوبصیر نیز گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «و يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ...»^۳ «نازل می شود روح الله عیسی بن مریم علیه السلام، پس نماز می خواند پشت سر او (امام زمان علیه السلام).»

۵- اتفاق بر لقب مهدی علیه السلام

یکی دیگر از اموری که مسلمانان درباره ی امام مهدی علیه السلام بر آن اتفاق دارند، لقب شریفی است که به آن وجود مقدس اطلاق شده و آن «مهدی» است. از ابو سعید خراسانی نقل شده است:

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸

^۲ - صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵

^۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵

«قُلْتُ لِأبي عبد الله عليه السلام: المهدي والقائم واحد؟ فقال: نعم. فقلتُ: لأي شيء سُمِّي المهدي؟ قال: لأنه يهدي إلى كل امر خفي»^۱ «به امام صادق عليه السلام گفتم: مهدی و قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس پرسیدم: چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود: چون هدایت می شود به هر امر مخفی.»

۶- امام مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه این است که حضرت مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

ام سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند: «المهدي من عترتي من ولد فاطمة»^۲ «مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»

۷- امداد الهی

از جمله اموری که نزد فریقین درباره ی وجود مقدس امام مهدی علیه السلام مشترک است، مسأله ی امدادهای خاص الهی است. این امدادها به صورت های گوناگون در احادیث به تصویر کشیده شده اند که به یکی از آنها اشاره می شود. ابوهریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند:

«لَتَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُقَاتِلُوا الْيَهُودَ حَتَّى يَقُولَ الْحَجْرُ وَرَاءَهُ الْيَهُودِي يَا مُسْلِمُ هَذَا يَهُودِي وَرَائِي فَأَقْتُلْهُ»^۳ «ساعت بر پا نمی شود تا این که با یهود جنگ و مقاتله خواهد شد. حتی سنگی که در پشت او یهودی مخفی شده، می گوید: ای مسلمان! پشت من یک یهودی است او را بکش.»

۸- خسف بیداء به عنوان یکی از علایم ظهور

از دیگر امور اتفاقی در مورد امام مهدی علیه السلام بیان علایم ظهور است. عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است: «يَغْزُو جِيشُ الْكَعْبَةِ فَإِذَا كَانُوا بِيَدَاءِ

^۱ - غیبت طوسی، ص ۴۷۱

^۲ - همان، ص ۱۸۵ و سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۰۷

^۳ - صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۷۰

من الأرض يخسف بأولهم و آخرهم»^۱ «لشگری آهنگ کعبه می کنند، پس هنگامی به زمین بیدا در آمدند، [زمین] همه‌ی آن‌ها را فرو می‌برد.»

همچنین در این باره جابر گوید که امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «فَينزلُ أمير جيش السفياي البيداء فينادي مناد من السماء يا بیداء أیدي القوم فيسحف بهم ...»^۲ «پس فرود می‌آید امیر لشکر سفیانی [همراه با لشگرش] به [زمین] بیداء، پس منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای [زمین] بیداء! نابود کن قوم (لشکر) را. پس آن‌ها را در خود فرو می‌برد.»

۹- مشخصات ظاهری امام علیه‌السلام

با توجه به این که امام مهدی علیه‌السلام پس از غیبتی ظهور خواهد کرد و مردم ایشان را قبلاً نمی‌شناسند، لذا در روایات به مشخصات ظاهری آن بزرگوار اشاره شده است و فریقین این گونه روایات را در کتاب‌های روایی خود ذکر کرده‌اند.

ابو سعید خدری از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند:

«المهدي مني أجلي الجبهة أفني الأنف يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»^۳ «مهدی علیه‌السلام از من است، پیشانی او آشکار و هویداست، بینی بلند و کشیده دارد، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

۱۰- فراوانی نعمت در زمان امام علیه‌السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه، ویژگی دوران ظهور و خیر و برکت فراوان و نعمت‌های بی‌پایان الهی است که در اختیار مردمان زمان او قرار می‌گیرد.

ابو سعید خدری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِي ان قَصْر فَسَبْع و أَلَا فَتَسَع فَتَنَعِم فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَط ... وَ الْمَال يَوْمئذٍ

^۱ - صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲

^۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۷۹

^۳ - سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷

کدوس فَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيْ اَعْطِنِيْ فَيَقُولُ خُذْ»^۱ «در امت من مهدی علیه السلام، اگر مدت او کوتاه باشد هفت سال و گرنه نه سال حکومت می کند پس متنعم می شوند در زمان او امت من به نعمت‌هایی که هرگز مثل آن متنعم نشده بودند ... و مال در این هنگام نزد او متراکم و جمع است. پس مردی برمی خیزد و می گوید: ای مهدی! عطا کن. پس می گوید: بگیر.»

۱۱- بیعت بین رکن و مقام

یکی دیگر از ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام، مکان بیعت ایشان (کنار حُناهی کعبه) است. این ویژگی در کتاب‌های عامه و شیعه ذکر شده است.

احمد حنبل در روایتی از وجود مقدس پیامبر نقل می کند: «يَبِيعُ لِرَجُلٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ»^۲ «با مردی بین رکن و مقام بیعت می کنند.»

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «يَبِيعُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نِيفَ عِدَّةِ اَهْلِ بَدْرٍ ...»^۳ «بیعت می کند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر ...»

۱۲- عدالت فراگیر

از ویژگی بارز امام مهدی علیه السلام حکومت عدالت‌گستر ایشان است. فراگیری عدل و داد در بسیاری از روایات مربوط به حضرت بیان شده است. ابو سعید خدری در ضمن روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند:

«الْمَهْدِيُّ مِنِّي ... يَمَلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»^۴ «مهدی علیه السلام از من است ... زمین را از عدل و داد پر می کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است.»

^۱ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶

^۲ - مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷

^۳ - غیبت طوسی، ص ۴۷۶

^۴ - سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷

۱۳- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

یکی دیگر از مواردی که عامه و خاصه درباره‌ی امام زمان علیه السلام در آن اشتراک نظر دارند، نام مبارک آن حضرت است. عبد الله از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می‌کند:

«لا تذهب أو لا تنقضي الدنيا حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي»^۱ «دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از اهل بیتم - که هم نام من است - بر عرب حاکم می‌شود.»

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «القائم من ولدي اسمه و كنيته كنيتي و شمائله شمائلي و سننه سنتي ...»^۲ «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه‌ی او کنیه‌ی من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است.»

همان گونه که گذشت دو مذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره‌ی مهدویت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود اعتقاد گروهی از اهل سنت درباره‌ی مهدویت از نوع «مهدی نوعی» است، یعنی او فردی است که در آخر الزمان متولد خواهد شد و پس از آن قیام خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت. در حالی که اعتقاد شیعه به مهدویت از نوع «مهدی شخصی» است. به این معنا که حضرتش فردی معین، زنده، موجود و شناخته شده از نظر تبار و خاندان و شخص است.

^۱ - سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲

^۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶

عرصه‌های پژوهش

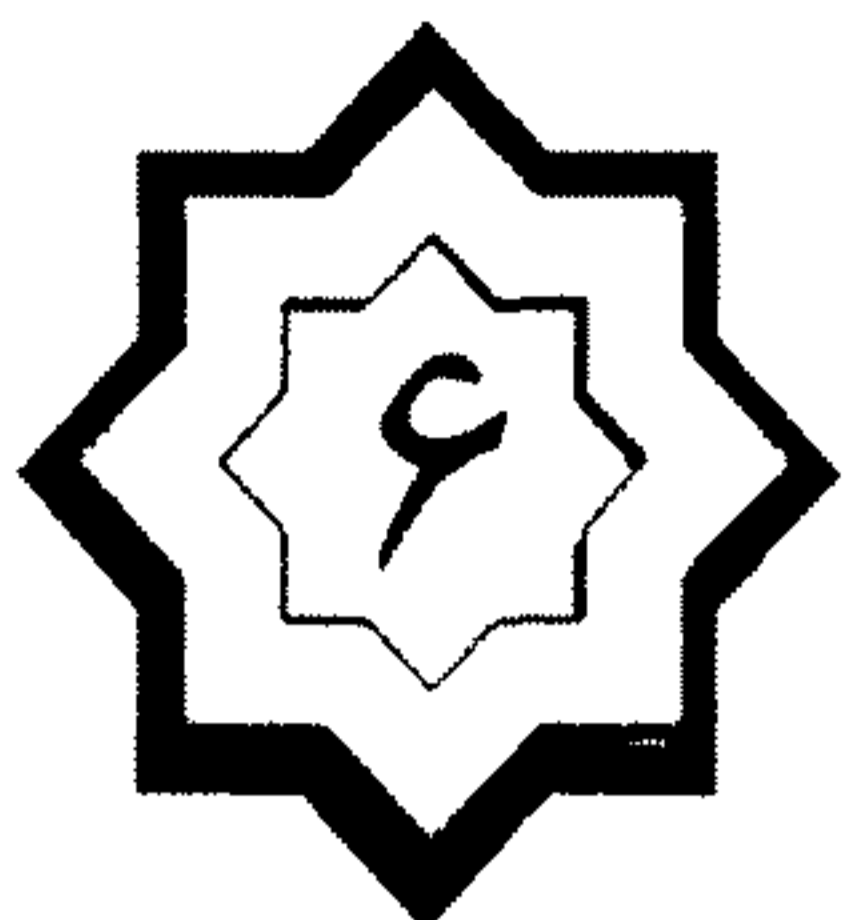
- ۱- بررسی احادیث مهدوی از حیث سندی و محتوایی.
- ۲- بررسی روایات اختلافی بین شیعه و سنی.
- ۳- تدوین و تحلیل موضوعی روایات.
- ۴- بررسی صحت احادیث مهدوی از لحاظ سندی و محتوایی.
- ۵- بررسی روایات اختلافی بین شیعه و اهل سنت.
- ۶- روایات عام امامت (مشترک بین شیعه و سنی).
- ۷- روایات خاص امام مهدی علیه‌السلام (مشترک بین فریقین).

معرفی منابع

- ۱- غیبت نعمانی.
- ۲- غیبت طوسی.
- ۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱ و ۲.
- ۴- اصول کافی، ج ۱، باب الحجّه.
- ۵- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، (دفاع از روایات مهدویت)، مهدی حسینیان قمی، ص ۲۲۷.
- ۶- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۶، (مهدی در روایات)، سید علی حسینی میلانی، ترجمه‌ی بهروز محمدی، ص ۱۱۱.
- ۷- منتخب الأثر، آیت الله صافی گلپایگانی.
- ۸- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه‌ی مهدی علیزاده، صص ۹۲-۱۸۸.
- ۹- معجم الأحادیث الامام المهدی علیه‌السلام.
- ۱۰- امام مهدی علیه‌السلام در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

پرسش

- ۱- تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام را شرح دهید؟
- ۲- چگونه می توان از حدیث ثقلین وجود امام زمان علیه السلام را اثبات کرد؟
- ۳- بر اساس حدیث «من مات» ویژگی امامی که انسان را از مرگ جاهلیت می رهاند، چیست؟
- ۴- نکات حدیث «اثنی عشر خلیفه» را بیان کنید؟
- ۵- روایات مشترک بین شیعه و سنی در مورد موضوع مهدویت را نام ببرید؟
(علاوه بر روایاتی که در متن آورده شده اند)



موعود در ادیان

موعود در آیین یهود

موعود در آیین مسیحیت

موعود در آیین زرتشت

موعود در آیین هندو

موعود در آیین بودا

ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

اسامی مقدس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان

فتوریسم (futurism) یعنی اعتقاد به آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و مصلح جهانی، عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی یهودیت، مسیحیت، زردشتی و به طور کلی همه‌ی ادیان، به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده است.

آری، اعتقاد به آمدن شخصی نجات‌بخش در پایان دنیا، موضوعی است که بیشتر ملت‌ها و اقوام و قبایل به آن معتقد بوده و هستند. سرچشمه‌ی این باور کهن علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی انسان، نویدهای بسیار زیاد پیامبران الهی در طول تاریخ به مردم مؤمن و آزادی‌خواه جهان است. ایشان به عنوان جزئی از رسالت خویش به مردم وعده داده‌اند که در پایان روزگار، مصلح بزرگ جهانی ظهور می‌کند و مردمان جهان را از ستم ستمگران نجات داده، فساد و بی‌عدالتی را از جهان ریشه‌کن و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

این نوید خوش را نه تنها در کتاب‌هایی مانند تورات، انجیل، زند و پازند و جاماسب‌نامه که از کتاب‌های مقدس زرتشتیان هستند، می‌توان پیدا کرد، بلکه در کتاب‌های مقدس براهمه و بوداییان نیز کم و بیش دیده می‌شود.

بنابراین این حقیقت به خوبی روشن و مسلم است که همه‌ی اقوام گوناگون جهان با آن همه اختلاف عقیده و اندیشه‌های متضادی که با هم دارند، در انتظار مصلح موعود جهانی به سر می‌برند. البته هر ملتی را با لقبی مخصوص می‌شناسد و

آن را نجات دهنده‌ی غیبی خودش می‌داند؛ مثلاً مسلمانان او را از دودمان بنی‌هاشم و فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شمارند، که در اسلام به طور کامل معرفی شده‌اند، زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند و یهودیان، از بنی‌اسرائیل و پیروان موسی می‌شمرند، عیسویان او را هم‌کیش خودشان می‌دانند.

اصولاً عشق به صلح و عدالت در فطرت هر کسی وجود دارد. همه از صلح و عدالت لذت می‌برند و با تمام وجود خواهان جهانی مملو از صلح و عدالت هستند، منجی موعود نیز با آمدن خود این دو را در جهان گسترش می‌دهد.

اینک به معرفی آن نجات دهنده‌ی جهانی در برخی از ادیان بزرگ به غیر از دین اسلام، می‌پردازیم:

۱- موعود در آیین یهود

پیامبر دین یهود - یا بنی اسرائیل - حضرت موسی علیه‌السلام می‌باشد. یهود یکی از سه دین بزرگ توحیدی جهان است و اسم خاص خداوند در این دین «یَهُوَه» می‌باشد.^۱

عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید خود به کتاب یهودیان داده‌اند که البته به هر دو عقیده دارند. عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد که از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می‌شوند:

۱- تورات و بخش تاریخی عهد عتیق؛

۲- حکمت، مناجات و شعر مانند کتاب ایوب و کتاب مزامیر؛

۳- پیش‌گویی‌های انبیا مانند کتاب یونس، کتاب زکریا و کتاب حَبَقُوق؛

کتاب مقدس یهودیان یعنی تورات در آغاز عهد عتیق قرار دارد و هر بخش آن به نام «سفر» و هر سفر به چند باب و آیاتی چند تقسیم شده است، و تفسیری که علمای یهود بر آن نوشته‌اند «تلمود» نام دارد.

^۱ - ادیان زنده‌ی جهان، ص ۲۴۵

یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده‌اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برگرداند. آنان معتقدند نجات دهنده‌ی آخرالزمان، مسیح (ماشیح) به معنای مسح شده‌ی خداوند است که جهان مطلوب و درخشان آینده را می‌سازد. به اعتقاد همه‌ی یهودیان، نجات‌دهنده (مسیح) انسانی است همانند دیگران؛ اما برخوردار از جلوه و جبروت خدایی. او جهان را با نور خویش که جلوه‌ای از نور خداست روشن خواهد کرد.

در زبور داوود که تحت عنوان مزامیر در عهد عتیق آمده، تقریباً در هر بخش از آن، اشاره به ظهور منجی آخرالزمان و نوید پیروزی صالحان بر شریران، و بالأخره تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب گوناگون به دینی واحد و جهان شمول دیده می‌شود:

«زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد ... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند روزهای کاملان را می‌داند و میراث آن‌ها خواهد بود، تا ابدالابد.»^۱

دورنمایی از جهان نوین و ظهور مسیحا که در آثار نویسندگان یهودی آمده‌است، بیان کننده‌ی این معناست که خداوند متعال در آخرالزمان جهان را دگرگون خواهد فرمود و صالحان و ابرار از ظالمان و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید. هر چند این پیروزی در آثار یهود به رهبری مسیح با القابی مانند «فرشته‌ی منتخب داوود» حاصل می‌گردد.^۲

در کتاب حبقوق نبی نیز از دیگر بخش‌های مجموعه‌ی عهد عتیق آمده است:

^۱ - مزامیر، مزمور ۳۷، آیه‌های ۹-۱۸، به نقل از کتاب یاد مهدی علیه‌السلام، ص ۴۶

^۲ - تاریخ ادیان، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، ص ۳۶۵

«اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد ... بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.»^۱

شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز یهودیت موج می‌زند. یهودیان در طول تاریخ، هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج برهاند و فرمانروای جهان گرداند. در عصر ما هم که یهودیان صهیونیست به پا خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد برآمده‌اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است. درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دل‌بستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولتی صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده‌اند، ولی اکثر یهودیان آن را با جان و دل پذیرفته و آن را ره‌گشای عصر مسیحا دانسته‌اند. هم‌اکنون صهیونیست‌های اشغال‌گر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحایی روزانه، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسراییل غاصی، پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می‌کنند:

«اراده‌ی خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده‌دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.»^۲

۲- موعود در آیین مسیحیت

پیامبر دین مسیحیت حضرت عیسی علیه‌السلام با تولدی معجزه‌آسا پا به جهان گذارد.^۳ با آن که مسیحیت مثل سایر ادیان زنده‌ی جهان از آسیا نشأت گرفت،

^۱ - حبقوق نبی، فصل ۲، آیه‌های ۳-۵، به نقل از کتاب او خواهد آمد، ص ۱۲۲

^۲ - آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۱۰۲

^۳ - مریم / ۱۶ - ۳۴

اما از جهت گسترش تاریخی و دایره‌ی نفوذ، این دین به طور عمده، در مغرب زمین شیوع یافت.

کتاب مقدس مسیحیان دو بخش دارد: عهد جدید و عهد عتیق. علت این نامگذاری آن است که مسیحیان معتقدند خدا با انسان دو پیمان بسته است: یکی پیمان کهن، به وسیله‌ی پیامبران پیش از عیسی مسیح، و دیگری پیمان نو، توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح.

مجموع کتاب‌های عهد عتیق و عهد جدید ۶۶ کتاب است، که ۳۹ کتاب آن، همان عهد عتیق و ۲۷ کتاب از آن عهد جدید می‌باشد.

که عهد جدید از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می‌شود:

۱- اناجیل؛

۲- اعمال رسولان، نوشته‌ی لوقا؛

۳- نامه‌های رسولان که مشتمل بر ۲۱ نامه است؛

۴- مکاشفه‌ی یوحنا‌ی رسول.

کلمه‌ی «انجیل» در زبان یونانی به معنای مژده است: مژده به فرا رسیدن ملکوت آسمان یا پیمان تازه. گروه زیادی از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه‌السلام به نوشتن سیره‌ی آن حضرت اقدام کردند و نوشته‌هایی به وجود آوردند که بعداً انجیل خوانده شد و اندک اندک چهار انجیل از آن‌ها رسمیت یافت. انجیل‌های کنونی که به نام نویسندگان آن‌ها معروفند، عبارتند از:

۱- انجیل متی (سیره و مواعظ مسیح با اشاره به پیش‌گویی‌های عهد عتیق)؛

۲- انجیل مرقس (قدیم‌ترین و کوتاه‌ترین کتاب سیره و مواعظ مسیح)؛

۳- انجیل لوقا (سیره و مواعظ مسیح با تکیه بر جزئیات)؛

۴- انجیل یوحنا (متأخرترین کتاب سیره و مواعظ مسیح با تأکید بر مافوق

بشر بودن او).

بنابر اعتقاد مسیحیان، آخرین نجات‌دهنده و تسلی‌دهنده همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان سراسر فساد و تباهی را نجات خواهد داد:

«لیکن شنیده و دانسته‌ایم که این مرد به راستی مسیح است و خلاص‌کننده‌ی عالم.»^۱

و در رساله‌ی چهاردهم از نامه‌های رسولان که به عبرانیان (یهودیان) بوده است چنین آمده:

«همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات.»^۲

ذکر این نکته در این جا لازم است که در عهد جدید وعده‌ی آمدن شخصی به جز عیسی مسیح، داده شده است. وی تسلی‌دهنده‌ی دیگری است که مسیح از خدا (پدر) برای امتش درخواست می‌کند و خدا او را اعطا می‌کند تا همیشه با ایشان باشد. جهان او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد، ولی آنان که به مسیح ایمان دارند، وی را باز می‌شناسند:

«و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد؛ یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند. زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد؛ اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در میان شما خواهد بود.»^۳

در بشارات انجیل برای زمان ظهور حضرت مسیح علیه‌السلام تاریخ مشخصی نمی‌یابیم، و از این جهت شباهت دقیقی با اعتقاد مسلمانان درباره‌ی زمان ظهور وجود دارد:

^۱ - انجیل یوحنا، فصل ۸، ص ۲۵۳، به نقل از کتاب مهدی علیه‌السلام تجسم امید و نجات، ص ۶۷

^۲ - رساله به عبرانیان، فصل ۹، آیه ۲۸، به نقل از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۵

^۳ - انجیل یوحنا، فصل ۱۴، آیه ۱۷، به نقل از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۵

«اما از آن روز و آن ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر باشید و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود.»^۱

و در جایی دیگر آمده است که:

«کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد ... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»^۲

بیشتر نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است، این تعبیر طبق نوشته‌ی مستر هاکس آمریکایی بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه‌السلام قابل تطبیق است و ۵۰ مورد دیگر از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد، حضرت عیسی علیه‌السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد.^۳

۳- موعود در آیین زرتشت

دین زرتشت، دین غالب ایرانیان - تا قبل از ظهور اسلام - بوده است و هنوز پیروانی در ایران و هند دارد. زرتشت پیامبر این مذهب حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد، متولد شده است.^۴

^۱ - انجیل مرقس، فصل ۱۳، آیه‌های ۲۶-۳۳، به نقل از کتاب یاد مهدی علیه‌السلام، ص ۴۸

^۲ - انجیل لوقا، فصل ۱۲، آیه‌های ۳۵ و ۳۶، به نقل از کتاب او خواهد آمد، ص ۱۲۵

^۳ - قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹، به نقل از کتاب یاد مهدی علیه‌السلام، ص

^۴ - تاریخ ادیان، ص ۳۰۲

کتاب زرتشتیان اوستا نام دارد که به معنای اساس و بنیان است. اوستای کنونی پنج بخش دارد:^۱

۱- یَسنا (= جشن و پرستش): قسمتی از این بخش گاتها نامیده می‌شود (به معنای سرود). این بخش که مشتمل بر ادعیه و معارف دینی است، معروف‌ترین قسمت اوستاست و به خود زرتشت نسبت داده شده است، در حالی که سایر قسمت‌های اوستا را به پیشوایان دین زرتشت نسبت می‌دهند؛

۲- ویسپَرَد (= همه‌ی سروران): مشتمل بر نیایش؛

۳- وِنَدیداد (= قانون ضد دیو): درباره‌ی حلال و حرام و نجس و پاک؛

۴- یَشْتها (= نیایش، سرود و تسبیح)؛

۵- خَرده اوستا (= اوستای کوچک): درباره‌ی اعیاد و مراسم مذهبی و تعیین

سرودهای آن‌ها.

زرتشتیان، علاوه بر اوستا، تفسیری به نام زَند اوستا و کتب مقدس دیگری به زبان پهلوی دارند. در این دین، یک قدرت کیهانی به نام «اهورا مزدا» مشخص است و در مقابل وی، یک قدرت کیهانی متضاد به نام «اهریمن» یا روح بزرگ شرّ، خودنمایی می‌کند. این مطلب نشان‌دهنده‌ی دوری مذهب زرتشت از توحید است.^۲

در آیین زرتشت سه اصل عملی گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک وجود دارد و احترام به آتش به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و افروخته نگه‌داشتن آن در معابدی به نام آتشکده، مشخص‌ترین ویژگی این آیین است.

بر خلاف دیگر ادیان، که معمولاً منتظر یک موعود نجات‌بخش‌اند، زرتشتیان منتظر سه موعود هستند که هر یک از آن‌ها به فاصله‌ی هزار سال از دیگری ظهور خواهد کرد. این منجیان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد:^۳

۱- هوشیدَر، ۱۰۰۰ سال پس از زرتشت؛

^۱ - آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۶۴

^۲ - ادیان زنده‌ی جهان، ص ۳۶۹

^۳ - آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۶۶

۲- هوشیدر ماه، ۲۰۰۰ سال پس از زرتشت؛

۳- سوشیانس (یا سوشیانت)، ۳۰۰۰ سال پس از زرتشت که با ظهور او جهان پایان می‌یابد. سوشیانس از ریشه‌ی «سو sav, su» به معنای سودمند است و در اوستا به معنای رها شده یا نجات‌دهنده ذکر شده است: «از این جهت سوشیانس نامیده خواهد شد زیرا که سراسر جهان مادی را سود خواهد داد.»^۱

زرتشتیان در مورد چگونگی تولد سوشیانت بر این عقیده‌اند که: «در آخرین هزاره از عمر جهان، از خاندان بهروز خدا پرست و پرهیزگار، آخرین آفریده‌ی اهورا مزدا، متولد می‌شود. در سی سالگی امانت رسالت به وی واگذار شده و به واسطه‌ی نشانه‌ی متوقف شدن خورشید در وسط آسمان، ظهور او به عالمیان بشارت داده خواهد شد. از ظهور وی، اهریمن و دیو دروغ، نیست و نابود گردد. یاران آن موعود که از جاودانان هستند، قیام می‌کنند و همراه وی خواهند بود تا مردگان برخیزند و جهان معنوی روی نماید.»^۲

و در جایی دیگر آمده است: «سوشیانت (نجات‌دهنده‌ی بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگ‌دستی را ریشه‌کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم‌فکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند.»^۳

۴- موعود در آیین هندو

آیین هندو در قدیم دین برهمایی خوانده می‌شد که به برهما (Brahman)، خدای هندوان اشاره می‌کرد. این آیین، گونه‌ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است.

^۱ - بخشی از بند ۱۲۹ فروردین یشت، به نقل از کتاب مهدی تجسم امید و نجات، ص ۶۲

^۲ - یشتها، فصل ۱۲، آیه‌ی ۱۰۱، به نقل از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۶۳

^۳ - جاماسب نام، ص ۱۲۱، به نقل از کتاب یاد مهدی علیه‌السلام، ص ۵۱

اصول دین هندو عبارت است از: ۱- اعتقاد و احترام به کتاب‌های باستانی و سنت‌های دینی پرهمنان ۲- پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره‌های قدیم عقیده داشته‌اند ۳- اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج ۴- احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو ۵- تقدس لفظ «أم» (om) به معنای آمین که اسم اعظم الهی به شمار می‌رود.

ادعیه و آیین‌های هندوان در مجموعه‌ای به نام «وداها» (Vedas) به معنای دانش، به زبان سانسکریت گرد آمده است و به آن شروتی (Sruti) یعنی وحی و الهام و علوم مقدس موروثی لقب می‌دهند. در کتاب مشهور اوپانشاد یا ودانتا (به معنای پایان وداها)، خدایان سه‌گانه‌ی هندوان این گونه معرفی شده‌اند:^۱

۱- برهما (Brahma)، خدای ایجاد کننده،

۲- شیوا (Siva)، خدای فانی کننده،

۳- ویشنو (Vishnu)، خدای حفظ کننده. جلوه‌های ده‌گانه‌ی این خدا برای مردم در طول تاریخ عبارت است از: ماهی، لاک‌پشت، گراز، موجود نیمه آدم و نیمه شیر، کوتوله، راما (Rama)، رامای تبر به دست، کریشنا (Krishna)، بودا (Buddha) و کالکی (Kalki).

در آیین هندو، موعود نجات‌بخش موسوم به «کلکی» در پایان آخرین دوره‌ی زمانی از ادوار چهارگانه‌ی جهانی، یعنی «کالی یوگه» ظهور خواهد کرد. بنابر تفکر هندویی، جهان از چهار دوره‌ی رو به انحطاط تشکیل شده است که عبارتند از:

۱- کریتایوگه (Krita Yuga)، ۲- ترتایوگه (Treta)، ۳- دوپارایوگه (Dvapara) و ۴- کالی‌یوگه (kali).

در این دوره که بنابر باورهای هندویی از نیمه شب بین ۱۷ و ۱۸ ماه فوریه سال ۳۱۰۳ قبل از میلاد مسیح شروع گردیده، و ما اکنون در آن به سر می‌بریم،

^۱ - آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۳۹

فساد و تباهی سراسر جهان را فرا می‌گیرد. زندگانی اجتماعی و معنوی به نازل‌ترین حدّ خود نزول می‌کند و موجبات زوال نهایی را فراهم می‌سازد.^۱

«مردمان این دوره گناهکار، ستیزه‌جو و چون گدایان، بد اقبال بوده و سزاوار اقبالی نمی‌باشند. چیزهای بی‌ارزش را ارج می‌نهند، آزمندانه می‌خورند و در شهرهایی زندگی می‌کنند که پر از دزدان است.»^۲ در پایان چنین دوران سیاهی، آخرین و دهمین تجلی ویشنو، موسوم به کالکی، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان ظهور خواهد کرد. وی سراسر جهان را سواره و با شمشیری آخته و رخشان در می‌نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. با نابود کردن جهان، شرایط برای آفرینشی نو مهیا می‌شود تا در مه‌ایوگای آتی، دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابد.

۵- موعود در آیین بودا

آیین بودا یکی از شاخه‌های کیش هندوست. این آیین از هندوستان بیرون آمده و به خاطر گسترش در مناطق پر جمعیت جهان، پیروان زیادی دارد و اخیراً به اروپا و آمریکا نیز سرایت کرده است.

بودا (Buddha) به معنای بیدار، لقب گوتاما شاکیامونی (Guatama Sakya-muni) بنیانگذار مکتب اصلاحی بودیسم است.

اندیشه‌های اصلاحی بودا در مخالفت با تعصب‌های برهمنان بود و اختلافات طبقاتی را باطل می‌شمرد. تعالیم اخلاقی وی در مجموعه‌هایی مانند تری‌پیتکا (Tri-pitaka) یعنی سه سبد، گرد آمده است. تری‌پیتکا - قدیمی‌ترین کتاب مقدس بوداییان - دارای سه بخش می‌باشد:

۱- قواعد رهبانیت؛

۲- وسیله‌ی رستگاری؛

۳- مفهوم فلسفی و روانشناسی؛

^۱ - فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۶. به نقل از ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ج ۱، ص ۲۸۲

^۲ - اساطیر هند، صص ۴۱ - ۱۲۵، به نقل از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۷

در آیین بودا، اندیشه‌ی منجی موعود با مفهوم میتریه (Maitreya) (واژه‌ای سنسکریت به معنای مهربان) تبیین می‌گردد. در الهیات بودایی، او را آخرین بودا از بودایان زمینی می‌دانند که هنوز نیامده است، اما خواهد آمد تا همه‌ی انسان‌ها را نجات دهد. در نمانگاری بودایی، او را به هیأت مردی نشسته که آماده‌ی برخاستن است، نمایش می‌دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام!

در مهاوتسه (Mahavansa) که به تاریخ سریلانکا می‌پردازد، روزشمارِ حوادث مربوط به قیام میتریه به وضوح چنین گفته شده است:

«پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آفتاب آموزه‌های بودایی افول می‌کند و طول عمر آدمیان به ده سال فرو می‌کاهد. در این زمان چرخه وارونه می‌گردد. زندگی متحول شده، به طوری که متوسط عمر مردم به هشتاد هزار سال می‌رسد. با این عمرهای طولانی و زمینه‌ی مناسب برای تعالیم بودا، یک راهنما خواهد آمد. او برای مردم رفاه و بهروزی می‌آورد و آموزه‌های بودا را ترویج می‌کند. آن‌گاه که چنین فضایی بهشت‌گون فراهم آمد، میتریه از آسمان توشیته (Tushita) نزول می‌کند، بودایی خویش را به کمال می‌رساند، و درمه را به فرهیختگان می‌آموزد.»^۱

ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

همان‌طور که اشاره شد، مسأله‌ی عقیده به ظهور مصلحی جهانی امری عمومی و همگانی است و مختص مکاتب و ادیان مذکور نبوده، بلکه چنین اندیشه‌ای با شکل‌های مختلف، در میان همه‌ی اقوام و ملل متمدن و غیر متمدن جهان و حتی قبایل بدوی وجود داشته و دارد.

در این‌جا فهرست مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مختلف جهان می‌آوریم:^۲

^۱ - مقاله‌ی گونه‌شناسی اندیشه‌ی موعود، ص ۱۲۴، به نقل از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۸

^۲ - ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، صص ۳۲ - ۵۸

- ۱- ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گزرآسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.
- ۲- گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که: «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده‌ی فرمانروایی، دیهیم پادشاهی را به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آن‌جا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.
- ۳- نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.
- ۴- نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.
- ۵- اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کراییه‌ویچ» (Markokralyevic) را داشتند.
- ۶- ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «آرتور» روزی از جزیره‌ی «آواکون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آن‌ها گردد.
- ۷- آسین‌ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، دروازه‌های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.
- ۸- سلت‌ها می‌گویند: پس از بروز آشوب‌هایی در جهان، «بوریان بور و یهیم» قیام کرده، دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد.
- ۹- اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می‌رسد، جنگ‌های جهانی اقوام را نابود می‌سازد، آن‌گاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می‌شود.
- ۱۰- اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می‌باشند.
- ۱۱- اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: «کوتزلکوتل» نجات‌بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.

- ۱۲- چینی‌ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد.
- ۱۳- یونانیان می‌گویند: «کالویبرگ» نجات‌دهنده‌ی بزرگ، ظهور خواهد کرد، و جهان را نجات خواهد داد.
- ۱۴- نصارا نیز به وجود حضرت مهدی علیه‌السلام معتقدند و می‌گویند که در آخر الزمان ظهور کرده، عالم را خواهد گرفت. ولی در اوصافش اختلاف دارند.
- آنچه در بالا بیان شد، اگرچه با مهدی موعود اسلام کاملاً تطبیق نمی‌کند و حتی برخی از آن‌ها اصلاً شباهتی به امام عصر علیه‌السلام ندارد، لکن از یک حقیقت مسلم حکایت می‌کند و آن این است که نوید مصلح جهانی به گوش آن‌ها رسیده و عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر در آخر الزمان در اعماق دلشان جا گرفته است، ولی چون از فروغ حق بیشتر از این برخوردار نبوده‌اند در تطبیق آن دچار اشتباه شده‌اند.

اسامی مقدس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان

- ۱- «صاحب» در صحف ابراهیم علیه السلام
- ۲- «قائم» در زبور سیزدهم
- ۳- «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم
- ۴- «ماشیح» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی
- ۵- «مهمیدآخر» در انجیل
- ۶- «سروش ایزد» در زمزم زرتشت
- ۷- «خجسته» (احمد) در کندرال فرنگیان
- ۸- «خسرو» در کتاب مجوس
- ۹- «میزان الحق» در کتاب اثری
- ۱۰- «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان
- ۱۱- «کلمته الحق» در صحیفه آسمانی
- ۱۲- «فردوس الکبر» در کتاب قبروس رومیان
- ۱۳- «فرخنده» (مصد) در کتاب وشن جوک
- ۱۴- «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیغمبر
- ۱۵- «بقیه الله» در کتاب دهر
- ۱۶- «قاطع» در کتاب قنطره

پرسش

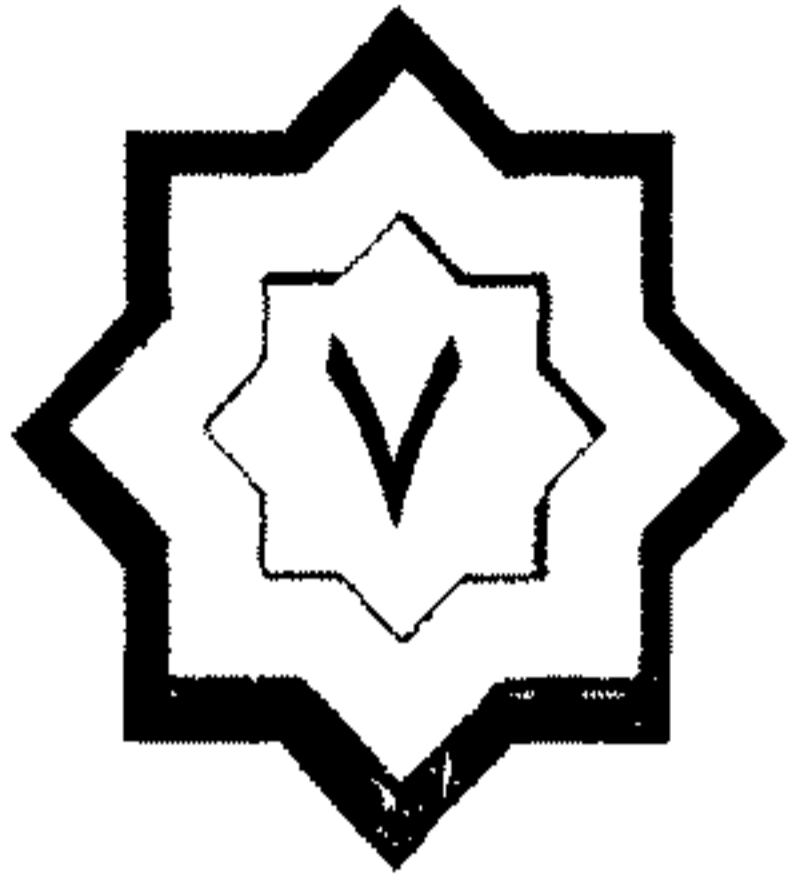
- ۱- اعتقاد به منجی در آیین زرتشت چگونه است؟
- ۲- موارد مشترک اعتقاد به منجی در اسلام و سایر ادیان را بنویسید؟
- ۳- اهمیت اعتقاد به منجی موعود را شرح دهید؟

عرصه‌های پژوهش

- ۱- وضعیت ادیان مختلف در حکومت امام زمان علیه‌السلام.
- ۲- وجوه مشترک موعود در اسلام و دیگر ادیان.
- ۳- چهل گفتار درباره‌ی موعود از انجیل و تورات.
- ۴- منجی موعود و صهیونیسم.
- ۵- بشارت ظهور در «عهد قدیم» و «عهد جدید».

معرفی منابع

- ۱- حضرت مهدی علیه‌السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان، سید اسد اله هاشمی شهیدی.
- ۲- مهدی علیه‌السلام تجسم امید و نجات، عزیز اله حیدری.
- ۳- یاد مهدی علیه‌السلام، محمد خادمی شیرازی، صص ۴۳ - ۵۳.
- ۴- حضرت مهدی علیه‌السلام در بشارت‌های آسمانی، محمد فقیه نیا.
- ۵- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، باور شناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف، سید حسن حسینی آصف.
- ۶- اتفاق در مهدی موعود، سید علی اکبر قریشی.
- ۷- او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.
- ۸- آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی.
- ۹- بازشناختی از یوسف زهرا علیه‌السلام، علی ناصری.
- ۱۰- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۱.
- ۱۱- موعود شناسی، علی اصغر رضوانی، ظهور منجی از دیدگاه ادیان،



غیبت امام

پیشینه غیبت

انواع غیبت

غیبت امام (ع) در قرآن

علل غیبت

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک واقعیت مسلم است که توسط پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام پیش بینی شده و موضوع جدیدی نیست؛ بلکه ریشه‌ی عمیق دینی دارد.

مفهوم غیبت برای کسی استعمال می‌شود که مدتی در جایی حضور دارد، بعد در آن محل حاضر نمی‌شود و در فرهنگ مهدویت، به معنی پوشیده بودن از دیدگان است و واژه‌ای است که از حیث مفهوم در مقابل «ظهور» است نه در مقابل «حضور»، درباره‌ی حقیقت غیبت امام مهدی علیه السلام و چگونگی پنهان زیستن آن حضرت، دو دیدگاه وجود دارد:

۱- ناپیدا بودن امام علیه السلام

اولین دیدگاه، همان است که به طور متداول در ذهن‌ها در مورد غیبت آن حضرت، وجود دارد؛ یعنی این که امام مهدی علیه السلام در طول مدت غیبت خویش، از نظرهای مردم به دور بوده و اگر چه حضرت در این مدت مردم را می‌بینند و از حال آن‌ها با خبر می‌شوند، اما کسی توان دیدن ایشان را نداشته و با حضرتش مواجه نمی‌شود.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ [الْمَوَاسِمَ] فَيَرَاهُمْ وَ لَا يَرَوْنَهُ»^۱ «در زمان غیبت مردم امام خویش را نمی یابند، با این که او در موسم (حج) حاضر می شود و مردم را می بیند اما کسی او را نمی بیند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در روایتی می فرمایند: «إِنَّ حَجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ، مَاشِيَةً فِي طَرْفِهَا، دَاخِلَةً فِي دَوْرِهَا وَ قُصُورِهَا، جَوَالَةً فِي شَرْقِ هَذَا الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَي الْجَمَاعَةِ تَرِي وَ لَا تُرِي إِلَى الْوَقْفِ وَ الْوَعْدِ وَ نِدَاءِ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا ذَلِكَ الْيَوْمَ فِيهِ سُرُورٌ وَ لِدِ عَلِي وَ شِيعَتِهِ»^۲ «حجت خدا بر روی زمین ایستاده، در راه های آن حرکت می کند و در قصرها و خانه های آن داخل می شود. او شرق و غرب زمین را طی می کند، سخنان مردم را می شنود و بر جماعت آن ها سلام می کند. او مردم را می بیند اما کسی او را نمی بیند تا زمانی که وقت ظهور فرا رسد و وعده های الهی تحقق یابد و ندای آسمانی طنین انداز شود. همانا آن روز، روز شادی و سرور فرزندان علی و شیعیان اوست.»

بنابراین طبق این دو روایت: در طول زمان غیبت، به دلیل مصالحی که بعد از این بدان ها اشاره خواهیم کرد، امام عصر علیه السلام به کلی از دیدگان مردم غایب بوده و جز در موارد بسیار اندک ظاهر نمی شوند.

۲- ناشناس بودن امام علیه السلام

دیدگاه دومی که می توان برای غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام، تصور نمود این است که: اگر چه آن حضرت در طول زمان غیبت در میان مسلمانان حضور می یابند و با آن ها مواجه می شوند، اما کسی آن امام را نمی شناسد و پی به هویت واقعی ایشان نمی برد. روایاتی وجود دارد که می توان در دیدگاه دوم به آن استناد کرد که از آن جمله به روایت زیر که از دومین نایب خاص حضرت یعنی محمد بن عثمان غمری، نقل شده، اشاره کرد:

^۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۷۵

^۲ - همان، ص ۱۴

«و الله إنَّ صاحبَ هذا الأمرِ لَيَحْضُرُ المَوسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، يَرِي النَّاسَ و يَعْرِفُهُمْ و يَرَوْنَهُ و لَا يَعْرِفُونَهُ»^۱ «به خدا سوگند، صاحب این امر هر سال در موسم (حج) حضور می‌یابد، در حالی که ایشان مردم را می‌بینند و آن‌ها را می‌شناسد اما مردم با این که او را می‌بینند وی را نمی‌شناسند.»

بنابر این دیدگاه، برای حفظ امام مهدی علیه‌السلام از شر دشمنان، لازم نیست که آن حضرت از نظر جسمی از جامعه دور و از دیدگان، پوشیده باشند. بلکه همین قدر که ایشان در میان مردم شناخته نشوند و هویت حضرتش بر آن‌ها پوشیده باشد، کفایت می‌کند.

وقتی از امام کاظم علیه‌السلام در مورد آیهی «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»^۲ سؤال شد، ایشان فرمودند: «نعمت ظاهر و آشکار امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان امام غایب است.» پرسیده شد: آیا از امامان کسی غایب می‌شود؟ ایشان فرمودند: «نعم، يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ»^۳ «آری، چهره‌اش از دیدگان مردم پنهان می‌شود لکن یادش در دل‌های مؤمنان غایب نمی‌شود.»

از همین روست که ائمه علیهم‌السلام از مردم می‌خواستند اسم و عنوان حضرت را پوشیده دارند و در پی شناسایی حضرتش نباشند. چنان که در توقیعی از ناحیه‌ی مقدس امام زمان علیه‌السلام برای محمد بن عثمان، نایب خاص آن حضرت صادر شده، در پاسخ کسانی که در پی دانستن اسم و عنوان حضرتش بودند، آمده است:

«إِمَّا السَّكُوتَ وَ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا الكَلَامَ وَ النَّارَ، فَإِنَّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَي الإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَ إِنْ وَقَفُوا عَلَي المَكَانِ دَلُّوا عَلَيهِ»^۴ «مردم باید سکوت کنند و در نتیجه بهشت را برگزینند، و یا در پی سخن گفتن [از امام مهدی علیه‌السلام] و در نتیجه داخل شدن در جهنم

^۱ - الغيبة طوسی، ص ۲۲۱

^۲ - لقمان / ۲۰

^۳ - منتخب الأثر، صافی گلپایگانی، ب ۲۲، ص ۲۳۹، ح ۳

^۴ - الغيبة طوسی، ص ۲۲۲

باشد. چرا که مردم اگر بر اسم آن حضرت واقف شوند، آن را منتشر می‌سازند او در نتیجه دشمنان نیز باخبر می‌شوند] و اگر از جایگاه او مطلع شوند، آن را به دیگران نیز نشان می‌دهند.»

از این توقیع به دست می‌آید که حضرتش، با مخفی داشتن نام و عنوان و مکان خویش می‌توانند از شر دشمنان در امان باشند و در این صورت دیگر نیازی نیست که حتماً آن امام از نظر جسمی هم از نظرها دور باشند.

آن چه معنای دوم را تأیید می‌کند، سخنان کسانی است که در زمان غیبت کبری، آن حضرت را مشاهده نموده و حالات مختلفی را برای آن حضرت برشمرده‌اند. چنان که از کلمات آن‌ها برمی‌آید حضرت مهدی علیه‌السلام، گاه در موسم حج و با لباس احرام، همچون سایر حجاج با آن‌ها روبرو شده، گاه در لباس تجار و شمایی که مخصوص تجارت پیشگان است، گاه در صورت یک عرب معمولی که در بیابان‌ها، راه را بر گمشدگان می‌نمایاند و ... بزرگانی چون علامه مجلسی، دیدگاه دوم را معتبر می‌دانند.

پیشینه‌ی غیبت

اهمیت توجه به پیشینه‌ی غیبت آن‌گاه روشن‌تر می‌شود که می‌بینیم، در توصیه‌ی امام زمان علیه‌السلام به شیخ صدوق (در عالم رؤیا) حضرت از وی می‌خواهد تا این پیشینه را مورد توجه قرار داده و در این زمینه کتابی تألیف نماید و در آن غیبت‌های انبیا را ذکر کند.^۱

به طور کلی علل اهمیت پیشینه‌ی غیبت به شرح زیر است:

۱- طولانی شدن غیبت سبب می‌شود بسیاری بلغزند و در حیرت و سرگردانی و شک و تردید قرار گیرند لذا، پذیرفتن یک امر با پیشینه‌ای محکم، قابل قبول‌تر از مسایلی است که دارای سابقه‌ی تاریخی نیستند.

^۱ - کمال الدین، مقدمه‌ی مصنف

۲- توجه به این نکته که غیبت حضرت علیه‌السلام امر جدیدی نیست بلکه از سنت‌های انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد، در اعتقاد و ثبات قدم مردم در زمان غیبت نقش مؤثری دارد و آنان را از لغزش و ناامیدی رهایی می‌بخشد. رجوع به منابع روایی نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که: جامعه‌ی شیعی از دیرباز با احادیث غیبت امام دوازدهم آشنا بوده و حتی گاه امامان ما با تعالیم دعا‌های زمان غیبت، شیعیان خود را در مسیر بیرون آمدن از سختی آن دوران مدد می‌رساندند و بی‌تردید یکی از روشن‌ترین اثرهای آن ایجاد زمینه و بستر ذهنی و علمی مناسب برای شیعیان، به منظور رویارویی با پدیده‌ی غیبت است. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه‌السلام وارد شدم، در حالی که قصد داشتم درباره‌ی امام مهدی علیه‌السلام سؤال کنم. امام علیه‌السلام بدون این‌که چیزی بگویم فرمودند:

«ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد شباهت به پنج پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم وجود دارد: یونس بن متی علیه‌السلام، یوسف بن یعقوب علیه‌السلام، موسی علیه‌السلام، عیسی علیه‌السلام و محمد صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم.

و شباهت او به یونس علیه‌السلام به خاطر آن است که از غیبت باز می‌گردد و پس از عمری طولانی، جوان به نظر می‌رسد.

و شباهت او به یوسف علیه‌السلام، غیبت او از خاص و عام و پنهان بودن از برادرانش و مشکل شدن امر او بر پدرش یعقوب علیه‌السلام می‌باشد، با این‌که او به پدر و خانواده‌اش نزدیک بود.

و شباهت او به موسی علیه‌السلام استمرار خوف و طولانی شدن غیبت و مخفی بودن ولادت اوست و این‌که پیروان او بعد از غیبت او با دیدن سختی‌ها و خواری‌های فراوان خسته شدند، تا آن زمان که خداوند اجازه‌ی ظهور به او داده و یاری‌اش نموده و بر دشمنانش پیروز گردانده.

اما شباهت او به عیسی علیه السلام، اختلاف کسانی است که درباره‌ی او به مخالفت یکدیگر پرداختند، برخی گفتند به دنیا نیامده، گروهی گفتند مرده است، گروهی دیگر گفتند کشته شده و به دار آویخته شده است.

و شباهت او به جدش پیامبر اعظم صلی الله وعلیه وآله وسلم، قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و ستمگران و مستکبران است و این که او به وسیله‌ی سلاح و القای وحشت بر دشمن غلبه می‌یابد و هیچ پرچمی از پرچم‌های او بدون پیروزی بر نمی‌گردد.^۱

اولین پیامبری که مدتی از قوم خود غایب بود، حضرت ادریس نبی علیه السلام بود که پس از ظهورش وعده‌ی فرج و قیام قائمی از فرزندانش یعنی حضرت نوح علیه السلام را داد. و بعد از آن پیروانش پیوسته در انتظار آن موعود بودند تا وقتی که وعده‌ی الهی محقق گردید.^۲

حضرت صالح علیه السلام نیز از قوم خود غایب گردید، در دوران غیبت، قوم ایشان به سه دسته تقسیم شدند:

دسته‌ی اول: عده‌ای بودند که به طور کلی ایشان را انکار کردند.

دسته‌ی دوم: در حالت شک و تردید باقی ماندند و ایشان را نپذیرفتند.

دسته‌ی سوم: اهل یقین بودند. پس از درخواست نشانه از ایشان، وی را

پذیرفتند^۳ و آن گونه که قرآن مجید از این قضیه خبر می‌دهد، آن‌ها گفتند: ﴿إِنَّا بِمَا

أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾^۴ «ما به آن چه که او به آن فرستاده شده است ایمان داریم.» امام

صادق علیه السلام پس از نقل ماجرای غیبت حضرت صالح علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّمَا

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، صص ۲۱۷ - ۲۱۸

^۲ - کمال الدین، ج ۱، صص ۱۲۷ - ۱۳۲

^۳ - همان، صص ۱۳۶ - ۱۳۷

^۴ - اعراف / ۷۵

مَثَلُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَثَلُ صَالِحٍ»^۱ «مَثَلُ قَائِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَمَانُنْدُ مَثَلُ صَالِحٍ اسْت.» این تشبیه بیانگر دو نکته‌ی مهم است:

۱- اصل غیبت، اصلی است از سنت انبیا و این که حضرت مهدی علیه السلام نیز دارای غیبت خواهند بود.

۲- تفرق و سه دسته شدن قوم صالح علیه السلام می‌تواند، هشدار باشد برای ما تا هنگام ظهور حضرت جزء گروه اول و دوم نبوده و سعی و تلاشمان را به کار گیریم تا این شاء الله جزء گروه سوم و اهل یقین باشیم.

از دیگر انبیای الهی که دارای غیبت بوده‌اند می‌توان به حضرت ابراهیم علیه السلام، اشاره کرد. خداوند ولادتشان را پنهان داشت تا زمان تقدیر شده‌ی ظهور ایشان فرا رسد.

حضرت یوسف علیه السلام نیز مدتی از محضر پدر بزرگوارشان حضرت یعقوب علیه السلام غایب بودند، این غیبت جنبه‌ی امتحان داشت. در حدیثی از معصوم علیه السلام آمده که حال شیعیان آگاه ما نسبت به امام غایب خویش همانند حال حضرت یعقوب است که می‌گفت: «يَا بَنِي! اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ»^۲ «ای فرزندان من! بروید و یوسف و برادرش را جست‌وجو کنید و از رحمت خداوند ناامید نشوید.» و حال ناآگاهان و معاندین در امر غیبت او همچون حال برادران یوسف است که می‌گفتند: «قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ»^۳ «به خدا سوگند تو در همان گمراهی سابق هستی.»

از دیگر انبیای الهی که مدتی از قوم خود غایب بود، حضرت موسی علیه السلام است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «پس از حضرت یوسف علیه السلام شدت و غیبتی برای بنی اسرائیل واقع شد که چهارصد سال طول کشید، در حالی که آنان همگی منتظر قیام قائم یعنی حضرت موسی علیه السلام بودند.»

^۱ - کمال الدین، ج ۱، ص ۱۶۸

^۲ - یوسف / ۸۷

^۳ - یوسف / ۹۵

در زمان حضرت موسی علیه السلام ایشان ۴۰ روز از قوم خود غایب گردیدند خود که آیه‌ی ۱۴۲ سوره‌ی اعراف بدان اشاره دارد. به خاطر طولانی شدن غیبت، قوم ایشان با فتنه و وسوسه‌ی سامری به گوساله پرستی روی آوردند. «وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خُلَيْتِهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ...»^۱ «قوم موسی بعد از او مجسمه‌ی گوساله‌ای که صدا می‌کرد و از طلا و زیور ساخته شده بود، پرستیدند.»

این بود پیشینه‌ای از «غیبت» انبیای الهی علیهم السلام، که بیانگر سنت بودن اصل غیبت در میان ائمه و پیشوایان دین است. نکند تاریخ تکرار گردد و دیگران هنگام ظهور از ما سبقت گیرند و ما در اثر دل‌بستگی به دنیا و عدم کسب معرفت نسبت به حضرت بلغزیم و دچار خسران ابدی شویم.

انواع غیبت

در مورد انواع غیبت، امام العارفین، سید الساجدین حضرت امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ... وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِي فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ»^۲ «و همانا برای قیام کننده‌ی از ما، دو غیبت وجود دارد که یکی از این دو طولانی‌تر از دیگری است ... و اما دیگری، پس مدت آن طولانی می‌شود تا این که غالب کسانی که به او اعتقاد داشتند، از این اعتقاد برمی‌گردند و کسی بر این امر ثابت نمی‌ماند مگر این که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد.»

۱- غیبت صغری

غیبت صغری به دوره‌ای از زندگی امام زمان علیه السلام گفته می‌شود که آن حضرت برای مدتی محدود از دید عموم پنهان بودند. این دوره با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هـ. ق آغاز شد و تا رحلت نایب چهارم امام زمان علیه السلام در سال ۳۲۹ هـ. ق ادامه یافت، بنابراین دوران غیبت صغری محدود به ۶۹

^۱ - اعراف / ۱۴۸

^۲ - کمال الدین، ص ۳۳۶، ج ۱۴

سال بود و در این دوره اگر چه حضرت غایب بودند و کسی اطلاعی از محل سکونت ایشان نداشت اما ارتباط به طور کلی قطع نبود و شیعیان از طریق نایب خاص حضرت می توانستند مشکلات خود را حل نمایند و مسایل خود را از حضرت بپرسند و در این مدت، حضرت چهار نایب برای خود منصوب نمودند که هر یک بعد از فوت دیگری عهده دار این مهم می گردید، اسامی آنان به ترتیب عبارت است از:

۱- ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، از سال ۲۶۰ ه. ق تا هنگام وفاتش که احتمالاً سال ۲۶۷ ه. ق بوده است.

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، بعد از فوت پدر، تا سال ۳۰۵ ه. ق.

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، از سال ۳۰۵ ه. ق تا ۳۲۶ ه. ق.

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری، از سال ۳۲۶ ه. ق تا ۳۲۹ ه. ق.^۱

۲- غیبت کبری

با فوت آخرین نایب حضرت در سال ۳۲۹ ه. ق این دوره‌ی طولانی آغاز گردید و تا زمانی که مشیت الهی تعلق گیرد، ادامه خواهد داشت. در آخرین روزهای عمر نایب چهارم، امام عصر علیه السلام در نامه‌ای خطاب به او فرمودند: «به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را درباره‌ی تو بزرگ فرماید. تو در فاصله‌ی شش روز می‌میری، کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد، چون غیبت دوم (تامه) واقع شده است ...»^۲

امام علی علیه السلام در بیان ویژگی‌های غیبت کبری می‌فرمایند:

«لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَةٌ طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ يَجُولُونَ كَجَوْلَانِ النِّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ أَلَا فَمَنْ ثَبَتَ مِنْهُمْ عَلِي دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسِ قَلْبُهُ لَطُولِ الْأَمَدِ غَيْبَتِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳ «قائم علیه السلام را غیبتی است که زمانش طولانی خواهد بود.

^۱ - غیبت طوسی، ص ۲۵۲ / منتخب الأثر، ص ۴۵۸، فصل ۴، ب ۳

^۲ - شیخ طوسی در الغیبه، ص ۲۹۷ / شیخ طبرسی در اعلام الوری

^۳ - کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۶

گویی شیعیان را می‌بینم که در زمان غیبت او به این سو و آن سو می‌روند. همانند گوسفندانی که چوپان خویش را گم کرده و به دنبال چراگاه هستند و چیزی نمی‌یابند. آگاه باشید پس کسی که بر دینش ثابت قدم بماند و به خاطر طولانی شدن غیبت امامش دچار قساوت قلب نگردد، پس او در روز قیامت در رتبه و درجه‌ی من، با من خواهد بود.»

در دوران غیبت کبری وظیفه‌ی شیعیان طبق توصیه‌ی خود حضرت، مراجعه به فقهای جامع شرایط است که نمایان عام ایشان محسوب می‌شوند. در توقیع صادر شده از حضرت این چنین آمده است:

«وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۱ «و اما در پیش آمده‌ها به روایان احادیث ما مراجعه نمایید که آن‌ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آن‌ها هستم.»

و امام صادق علیه‌السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ»^۲ «و اما کسی از فقها که خویشتن‌دار و نگهبان دینش و مخالف هوای نفسش و پیرو دستورات مولایش (ائمہ‌ی اطهار علیهم‌السلام) باشد، پس بر مردم لازم است از او تقلید نمایند.»

غیبت امام علیه‌السلام در قرآن

۱- «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ... أُولَئِكَ عَلَيَّ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳ «کسانی که ایمان به غیب دارند ... آنان بر هدایت پروردگارشان هستند و

^۱ - تاریخ عصر غیبت، صدر ص ۴۷، به نقل از احتجاج طبرسی، ص ۲۸

^۲ - احتجاج طبرسی، ص ۴۵۹

^۳ - بقره / ۳ و ۴

آنان رستگارانند.» امام صادق علیه السلام می فرماید: «ایمان به غیب همان ایمان به حضرت بقیه الله است.»^۱

همچنین جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که ایشان فرمودند: «طوبی للصّابرين فی غیبتہ طوبی للمقیمین علی محبتہم أولئک من وصفہم اللہ فی کتابہ: فقال: الذین یؤمنون بالغیب: ثم قال أولئک حزب اللہ، ألا إن حزب اللہ هم الغالبون.»^۲ «خوشا به حال صبر کنندگان در زمان غیبت قائم. خوشا به حال کسانی که بر محبت ائمه ی دوازده گانه پا بر جا می مانند. همان ها هستند که خداوند در کتاب خود قرآن، این چنین وصفشان نموده: آنان که به غیب ایمان آورند آن گاه فرمود: آنان حزب خدایند. آگاه باشید که حزب خداوند پیروزند.»

۲- ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾^۳ «بگو به من خبر

دهید که اگر آب شما فرو رود چه کسی آب روان در اختیارتان می گذارد.»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ بِأَخْبَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَحَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ» «اگر امام شما غایب گردید به گونه ای که نمی دانید او کجاست پس چه کسی امام ظاهری که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام الهی را بیان می کند، برای شما می آورد؟! به خدا قسم تاویل آیه هنوز نیامده و قطعاً تاویل آیه خواهد آمد.»

۳- ﴿... وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ

وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۴ «... پس مانند اهل کتاب (یهود) نباشید که مدت طولانی بر

آن ها گذشت و قلب هایشان قسی شد و بسیاری از آن ها از فاسقان هستند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا مراد از «أمد» زمان غیبت است و

مراد خداوند متعال این است که ای امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و یا ای جماعت

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴

۲- کفایه الأثر، خرازی، ص ۶۰

۳- ملک ۳۰/

۴- حدید ۱۶/

شیعه، همانند کسانی که قبل از این کتاب به آن‌ها داده شده (یهود) نباشید که زمان غیبت بر آن‌ها گذشت و دچار قساوت قلب شدند. پس تأویل این آیه در مورد مردم زمان غیبت می‌باشد نه زمان‌های دیگر. خداوند متعال شیعه را از شک در حجت الهی نهی نموده است.^۱

علل غیبت

عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمودند: «همانا برای صاحب این امر غیبتی است که چاره‌ای از آن نیست و در آن هر اهل باطلی در شک و تردید قرار می‌گیرد.» پس به امام عرض کردم: فدایتان شوم، این غیبت به خاطر چیست؟ امام علیه‌السلام فرمودند: «حکمت و جهت غیبت او همان حکمت در غیبت حجت‌های الهی که قبل از ایشان بودند، می‌باشد و جهت و سبب غیبت مشخص نمی‌گردد مگر بعد از ظهور حضرت. همان طوری که حکمت آن‌چه را که حضرت خضر علیه‌السلام انجام داد یعنی سوراخ نمودن کشتی و کشتن آن پسر بچه و بنای آن دیوار تا هنگام جدایی آن دو، برای حضرت موسی علیه‌السلام روشن و معلوم نگردید. ای فرزند فضل، این امر (غیبت)، امری است از ناحیه‌ی خداوند متعال و سرتی است از اسرار الهی و غیبی است از غیب‌های خداوند متعال و آن‌گاه که دانستیم خداوند عزوجل حکیم است، باید بپذیریم که همه‌ی کارهای خداوند بر اساس حکمت است گر چه سبب و جهت آن برای ما مشخص و معلوم نباشد.»^۲

آن‌چه که از این روایت و امثال آن به دست می‌آید این است که علت اصلی غیبت چیزی است که اطلاعی از آن نداریم و علت غیبت از مصادیق «غیب» قرار گرفته است که صلاح ما در پرده برداشتن از غیبت نبوده است تا آن‌گاه که هستی از پرتو نور آن نیر اعظم روشن گردد و راز غیبتشان را بر ما آشکار کنند. اما در عین

^۱ - غیبت نعمانی، ص ۳۲، مقدمه‌ی مؤلف

^۲ - منتخب الأنوار المضية، ص ۱۵۴

حال در برخی روایات حکمت‌هایی برای غیبت ذکر شده است که توجه به آن‌ها مفید می‌باشد. برخی از حکمت‌های غیبت عبارتند از:

۱- امتحان مردم در زمان غیبت

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «شکی نیست در این که غیبت حضرت، جایگاه امتحان انسان‌هاست. همان چیزی که مشیت الهی به آن تعلق گرفته است و مصلحت را اقتضا می‌نماید. آیا خداوند متعال در کتابش یادآوری فرموده است که امتحان برای مؤمنین از بندگانش خواهد بود. ﴿أَلَمْ نَحْشِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۱ «آیا مردم پنداشته‌اند همین که بگویند ما ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد امتحان قرار نمی‌گیرند.»

پس برای صبرکنندگان در امتحان ثواب و برای پیمان‌شکنان و خارجین از دین عذاب به دست می‌آید.

در جایی دیگر امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای این غیبت آزمونی است که خداوند با آن بندگانش را امتحان می‌کند.»^۲

امتحان غربالی است که مصلح را از مفسد، مؤمن را از منافق و حق را از باطل جدا می‌سازد و دو رویان را رسوا و باطن‌ها را آشکار می‌سازد. مگر نه این است که انسان برای به نمایش گذاردن عبودیت و بندگی خود به این جهان آمده تا بدین وسیله به مقام قرب الهی نایل شود و به بهشت برین راه یابد، اگر امور عالم بر وفق مراد و خواسته‌ی او باشد، هرگز این امر مُحَقَّق نخواهد شد و در روز قیامت هر کس می‌تواند مدعی لیاقت و شایستگی برای بالاترین درجات باشد. اما آن‌گاه که ناملایمات روی می‌آورند و صبر بر شدائد و سختی‌ها مطرح می‌گردد یا پای گذشتن از مال و جان به میان می‌آید و انسان بر سر دو راهی‌ها قرار می‌گیرد، ارزش او رقم می‌خورد و ایمان حقیقی از ایمان ظاهری جدا می‌گردد.

^۱ - عنکبوت / ۲

^۲ - غیبت طوسی، ص ۲۳۸

صبر بر غیبت خصوصاً هر چه طولانی‌تر گردد یکی از سخت‌ترین امتحانات الهی است چنان‌چه بسیاری در طول مدت غیبت از حق بریدند و از صراط مستقیم خارج شدند. اما کسانی که در این امتحان الهی با صبر و عمل به وظیفه سربلند بیرون آیند، به بالاترین درجات نایل شده و در بهشت همنشین رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خواهند بود چرا که ایشان خود فرموده‌اند:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفْقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ «خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک کند در حالی که در غیبت حضرت قبل از قیامت به او اقتدا نموده باشد و با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن باشد. چنین شخصی در روز قیامت از همراهان و دوستان و گرامی‌ترین امّت برای من خواهد بود.»

و در روایت دیگری حضرت ایمان مردم زمان غیبت را ارزشمندترین ایمان معرفی می‌نمایند.^۲

حسن ختام این بخش روایتی است از امام صادق علیه‌السلام که می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ يَأْسٍ، لَا وَاللَّهِ (لَا يَأْتِيكُمْ) حَتَّى تَمَيِّزُوا. لَا وَاللَّهِ (لَا يَأْتِيكُمْ) حَتَّى تَمَحَّضُوا وَ لَا وَاللَّهِ (لَا يَأْتِيكُمْ) حَتَّى يَشْقِي مَنْ شَقِي وَ يَسْعُدُ مَنْ سَعِدَ»^۳ «همانا این امر (فرج) شامل حال شما نمی‌شود مگر بعد از ناامیدی. به خدا قسم شامل حال شما نمی‌شود تا این که تشخیص داده شوید (مؤمن از منافق) به خدا قسم شامل حال شما نمی‌شود تا این که خالص گردید و به خدا قسم شامل حال شما نمی‌شود تا این که بدبخت گردد کسی که بدبخت بود و سعادت‌مند گردد کسی که سعادت‌مند بود.»

^۱ - کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸

^۲ - همان، ج ۸

^۳ - رک. منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۵۲

۲- نبودن بیعت کسی بر گردن ایشان

امام زمان علیه السلام آن مصلح بزرگی است که در راه برپایی انقلاب و حکومت عدل جهانی با هیچ قدرت ستمگری سازش نخواهد کرد. طبق روایات ایشان مأمور به مبارزه‌ی قاطع و آشکار با همه‌ی ظالمان است.

امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى وَلَا دَتُّهُ وَ يَغِيبُ شَخْصَهُ»^۱ «همانا قائم ما وقتی قیام کند بیعت احدی بر او نیست پس به همین خاطر ولادتش پنهان می‌باشد و از نظرها غایب می‌گردد.»

خود حضرت نیز در پاسخ به سؤالات اسحاق بن یعقوب می‌فرمایند: «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيهِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي»^۲ «هیچ یک از پدران من نبودند مگر آن که بیعتی از طاغوت زمان خود بر گردن داشتند، اما من وقتی قیام کنم، بیعت احدی از طاغوت‌های زمانه بر گردنم نیست.»

۳- حفظ جان و ترس از کشته شدن

یکی دیگر از حکمت‌هایی که برای غیبت حضرت ذکر شده است ترس از کشته شدن است. زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»^۳ «همانا برای قائم علیه السلام ما غیبتی است قبل از این که قیام نماید.» عرض کردم: سبب آن چیست؟ حضرت فرمودند: «ترس از کشته شدن.»

با این که کشته شدن در راه خدا آرزوی دیرینه‌ی معصومین علیهم السلام بوده و هست و حضرت مهدی علیه السلام فرزند همان امامی است که وقتی ضربت شمشیر بر فرق مبارکشان فرود آمد، نوای زیبای «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» او گوش عرشیان را نوازش

^۱ - کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۳

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲

^۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶

داد، اما علت این که حضرت غایب شدند تا کشته نشوند و زنده بمانند، دو مسأله‌ی مهم می‌باشد:

الف) وضعیت حضرت مهدی علیه‌السلام با همه‌ی ائمه‌ی قبل از خود کاملاً متفاوت بود. به جهت این که دوست و دشمن به واسطه‌ی اخبار و روایات فراوان در این زمینه، می‌دانستند کسی که بنا است ریشه‌ی ظلم و ظالم را بکند و عدالت را در صحنه‌ی پهناور گیتی بگستراند، کسی نیست جز ایشان، بنابراین خلفای جور لحظه و آنی در قتل ایشان درنگ نمی‌کردند و هرگز اجازه نمی‌دادند زنده بمانند.

ب) حضرت مهدی علیه‌السلام، بقیه‌الله و آخرین ذخیره‌ی الهی است. اگر ائمه‌ی دیگر به شهادت می‌رسیدند، امام دیگری بود که جانشین ایشان گردد، اما مشیت الهی بر این تعلق گرفت که جانشینان رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دوازده نفر باشند،^۱ به عدد نقبای بنی اسرائیل. در این صورت اگر امام ظاهر بود و کشته می‌شد زمین از حجت خالی می‌ماند و نظام آفرینش در هم می‌ریخت.

۴- قدر ناشناسی مردم

یکی دیگر از حکمت‌های غیبت قدر ناشناسی مردم از ائمه‌ی یازده‌گانه‌ی قبل از امام زمان علیه‌السلام می‌باشد.

خداوند متعال یازده حجت خود را در اختیار مردم گذاشت و نهایت توصیه را در حق آنان در قرآن مجید با آیاتی مثل آیه‌ی مودة^۲ و از طریق رسولش با روایاتی مثل حدیث ثقلین، منزلت، سفینه^۳ و امثال آن بیان داشت، اما مردم نه تنها به این توصیه‌ها توجهی نکردند، بلکه به گونه‌ای عمل نمودند که گویا به آن‌ها توصیه‌ی ظلم و آزار اهل بیت شده است. لذا هر یک را به گونه‌ای به شهادت رساندند. وقتی نوبت به آخرین ذخیره‌ی الهی بقیه‌الله الأعظم ارواحفداه رسید، غضب خداوند متعال شامل

^۱ - منتخب الأثر، ص ۴۵، فصل اول

^۲ - شوری/۴۲، ۴۳

^۳ - ر.ک. کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۸۱ به بعد

مردم گردید و آنان را به بلا و مصیبت سخت غیبت - که قبلاً هشدار آن را نیز داده بود^۱ - مبتلا نمود.

آری، به قول مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی: «وَجُودُهُ لَطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَ عَدَمُهُ مِنَّا»^۲ «وجود امام لطفی است برای مردم از ناحیه‌ی خداوند متعال و ظاهر بودن او لطف دیگری است و عدم امام یعنی غیبت او از ناحیه‌ی خود ما است و سبب آن خود ما هستیم و آلا هرگز غیبت صورت نمی‌گرفت.»

حاصل کلام این که: میان قابلیت‌ها و شایستگی‌های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم علیه‌السلام و میزان حضور امام در جامعه ارتباطی متقابل وجود دارد به هر اندازه که شایستگی و لیاقت خود را از دست داده و از ارزش‌های الهی فاصله بگیریم، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می‌آید، از جامعه فاصله گرفته و از حضور خود در جامعه می‌کاهد؛ چرا که رحمت الهی در جایی فرود می‌آید که سزاوار رحمت باشد. به بیان دیگر قرآن کریم می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَي قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»^۳ «این (کیفر) بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان، آن‌چه در دل دارند تغییر دهند.»

پرسش

- ۱- مفهوم غیبت چیست؟
- ۲- آیا ترس از کشته شدن برای امام قابل قبول است؟
- ۳- رابطه‌ی سنت امتحان و غیبت امام زمان علیه‌السلام در چیست؟
- ۴- نام چند تن از پیامبران الهی که - مشمول سنت غیبت شده‌اند - را نام

برید؟

^۱ - ملک / ۳۰ و ۶۷

^۲ - کشف الاسرار، ص ۳۶۲

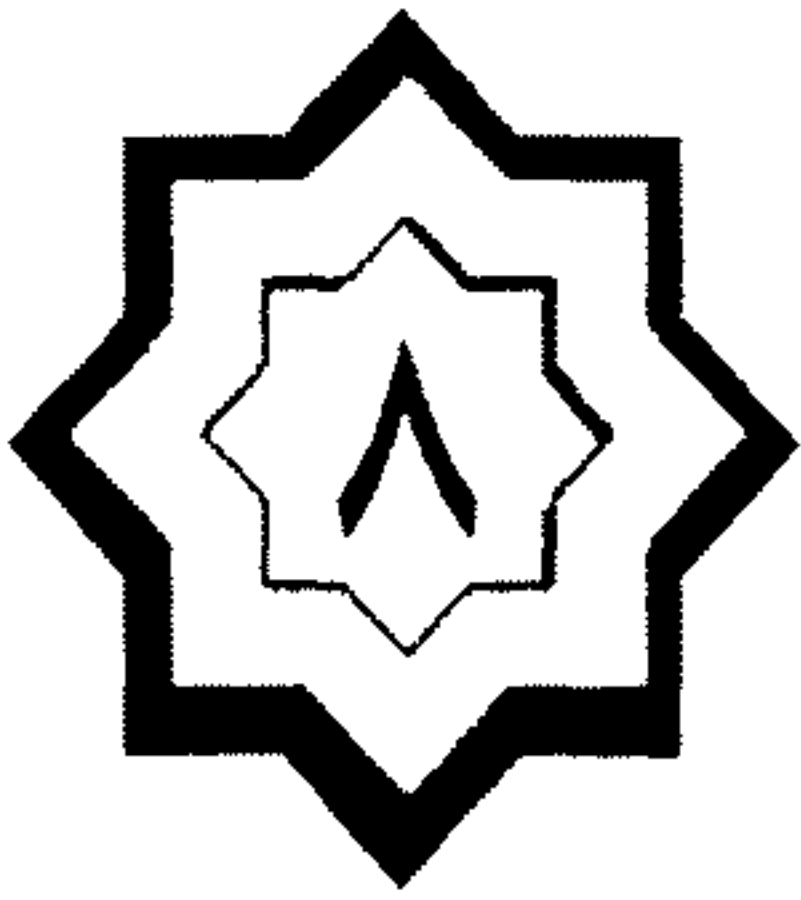
^۳ - انفال / ۵۳

عرصه‌های پژوهش

- ۱- بررسی تاریخی زندگی نواب.
- ۲- جایگاه ولی فقیه در عصر غیبت کبری.
- ۳- سازمان وکالت (پیشینه و اهداف).
- ۴- غیبت از دیدگاه علم کلام.
- ۵- غیبت در روایات.

معرفی منابع

- ۱- تاریخ عصر غیبت، سید محمد باقر صدر، ص ۲۶۷.
- ۲- امامت - غیبت - ظهور، واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران.
- ۳- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، سید مرتضی علم الهدی، ترجمه‌ی المقنع فی الغیبه.
- ۴- غیبت نعمانی.
- ۵- غیبت طوسی، ص ۸۵ به بعد.
- ۶- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۷.



برکات وجودی امام خمینی علیه السلام

واسطه فیض

هدایت تکوینی

امید بخشی

امنیت بخشی

تهذیب نفس

حفظ کیان شیعه

پاسخ گویی به سوالات

بهره مندی از دعا و استغفار حضرت (ع)

فایده‌ی امام غایب و چگونگی بهره‌مند شدن از الطاف قدسی ایشان، سؤالی است با سابقه‌ی بسیار طولانی که ذهن بسیاری را به خود مشغول نموده است. جابر بن عبد الله انصاری با شنیدن خبر غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: «فَهَلْ يَقَعُ لِشِيعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ فِي غَيْبَتِهِ؟ أَيَا دَرِ غَيْبَتِ حَضْرَتِ، شِيعِيَانِش بَهْرَه و فایده‌ای از او خواهند برد؟ حضرت رسول فرمودند: اَي و الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ و إِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ»^۱ «بله، قسم به آن کسی که مرا به نبوت برانگیخت، همانا شیعیانش به نور او روشنی می‌یابند و به وسیله‌ی ولایتش بهره‌مند می‌شوند همانند بهره‌مندی مردم از خورشید، آن‌گاه که ابر آن را پوشانده باشد.»

بدین‌سان از همان ابتدا در میان مباحث مهدویت یکی از سؤالاتی که پیوسته مطرح بوده است، این است که چگونه می‌توان از فیوضات امام غایب بهره‌مند شد؟ آیا امامی که در پس پرده‌ی غیبت قرار گرفته است، می‌تواند تأثیری در حیات بشری داشته باشد؟ به ویژه این که انگیزه‌ی جست‌وجو برای یافتن پاسخی مناسب و قانع

^۱ - منتخب الأثر، آیت اله صافی گلپایگانی، ص ۱۲۴، ح ۴

کننده، آن گاه اوج می گیرد که می شنویم، اهل سنت وجود امام غایب را امری بیهوده می شمارند.

قاضی عبدالجبار معتزلی می گوید: «اگر امام ظاهر نشود تا به وسیله‌ی او نقص‌ها جبران شود، چه فایده‌ای برای او مترتب است، پسان آن که اصلاً حجتی بر روی زمین نباشد!!!»^۱

همچنین تفتازانی یکی دیگر از علمای مشهور اهل سنت می نویسد: «مسأله‌ی اختفای امام از مردم، به این کیفیت که تنها اسمی از او در میان باشد جداً بعید است و امامت او در خفا امری بیهوده است!»^۲

در نگاه شیعه‌ی امامیه وظایف امام بر دو قسم است:

۱- فواید و وظایفی که مستلزم حضور و ظهور امام علیه‌السلام در جامعه می باشد: یعنی اموری که فقط با ظهور امام در جامعه، محقق می شوند، مانند: برقراری عدالت اجتماعی، بیان احکام و تفسیر و تبیین قرآن، اجرای حدود الهی، تکالیف اجتماعی مانند جهاد و دفاع، تقسیم بیت المال و ...

۲- فواید و وظایفی که مترتب بر وجود امام علیه‌السلام می باشند: یعنی اموری که غیبت نمی تواند مانعی برای عملی ساختن آن باشد. مانند موارد زیر:

اول: واسطه‌ی فیض

در ابتدا، باید این نکته را یادآور شد که، آن گاه که خداوند متعال اراده نمود خلقتی داشته باشد، گر چه در خالق هیچ نقص و عجزی وجود نداشت اما در مخلوق نیازمند به واسطه بود چرا که اولاً باید بین علت و معلول سنخیت و هماهنگی وجود داشته باشد و ثانیاً مشیت خداوند بر این تعلق گرفته که نظام هستی، نظام اسباب و مسببات باشد لذا برای فیض وجود و سایر فیوضات نیاز به واسطه‌ای بود که از طرفی بتواند با عالم ماده مرتبط باشد و در قالب انسان مادی تجلی یابد و از طرف دیگر

^۱ - شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ج ۲، ص ۲۲۴، به نقل از «المغنی»، ج ۱، ص ۵۷

^۲ - شرح مقاصد، تفتازانی، ج ۵، ص ۳۱۲

نزدیک‌ترین و مقرب‌ترین موجود در عالم هستی به خالق متعال باشد به همین جهت است که اولین چیزی که توسط آفریدگار هستی خلق شد، انوار طیبه‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام بود و به واسطه‌ی آنان فیض وجود به سایر موجودات افاضه شد.^۱ امام عصر علیه‌السلام واسطه‌ی فیض بین خالق و مخلوق است و نور وجود، علم و هدایت به واسطه‌ی او به مخلوقات می‌رسد. آن حضرت به عنوان یکی از معصومین علیهم‌السلام هدف نهایی آفرینش انسان و جهان است و مخلوقات همان‌گونه که در پیدایش خود نیازمند هدف نهایی هستند، در تداوم، استمرار و بقای خلقت نیز به آن محتاج‌اند.

بنابراین همه‌ی موجودات عالم، هم اصل وجودشان به واسطه‌ی امام است و هم نعمت‌هایی را که در طول حیات خود دارند به واسطه‌ی وجود بابرکت امام می‌باشد. «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رِزْقَ الْوَرِيِّ...»^۲ «دنیا به بقای او باقی است و مخلوقات به برکت او روزی داده می‌شوند.» این حقیقت در بیان نورانی معصومین علیهم‌السلام به خوبی بیان شده که نمونه‌هایی از آن به این قرار است.

الف) امام سجاد علیه‌السلام، در این رابطه می‌فرمایند: «بِنَا يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَ يَنْشُرُ الرِّهْمَةَ وَ يَخْرُجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ...»^۳ «باران به وسیله‌ی ما نازل، و رحمت به وسیله‌ی ما منتشر و برکات زمین به خاطر ما خارج می‌گردد...»

ب) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: أَتَبْقَى الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ فَقَالَ: لَا. قُلْتُ: فَإِنَّا نُرَوِّي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْحَطَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ، فَقَالَ: لَا تَبْقَى؛ إِذَا لَسَاخَتْ.»^۴

محمد بن فضیل می‌گوید: به امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام عرض کردم: «آیا زمین بدون حجت باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: نه. عرض کردم از امام صادق

^۱ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۷ و ص ۱۰۵

^۲ - مفاتیح الجنان، دعای عدیله

^۳ - کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۸، ب ۲۱، ح ۲۲

^۴ - همان، ص ۳۸۴، ح ۲

علیه السلام برای ما روایت شده که زمین بدون حجت باقی نمی ماند مگر این که خداوند بر اهل زمین یا بر بندگانش غضب کند پس امام فرمودند: باقی نمی ماند؛ در این صورت زمین اهلش را در خود فرو خواهد برد.»

(ج) عن أبي جعفر عليه السلام قال: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِبَلَاءِ إِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَهْلِكَهُمْ ثُمَّ لَا يَمِهُلَهُمْ وَ لَا يُنْظِرُهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنَهُمْ وَ رَفَعْنَا إِلَيْهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا شَاءَ وَ أَحَبُّ.»^۱

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «اگر زمین روزی بدون امامی از ما باقی بماند، اهل خود را فرو خواهد برد و خداوند آنها را به شدیدترین عذابها دچار خواهد نمود و پیوسته تا کسی از ما بین آنها وجود دارد، از فرو رفتن و نابودی در امان خواهند بود. پس آن گاه که خداوند اراده کند آنان را هلاک کند و مهلت ندهد، ما را از میان آنان گرفته و به سوی خود بالا خواهد برد سپس آن گونه که بخواهد انجام خواهد داد (زمین را زیر و رو خواهد ساخت).»

خود وجود نورانی حضرت درباره‌ی نحوه‌ی بهره‌مندی از ایشان در دوره‌ی غیبت می فرمایند: «وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»^۲ «بهره‌مندی از من در روزگار غیبتم مانند بهره‌مندی از خورشید است، آن گاه که با ابرها از چشمها پوشیده شده است.»
 علامه مجلسی در شرح این حدیث می فرماید:

۱- نور وجود و علم و هدایت به وسیله‌ی آن حضرت به خلق می‌رسد؛ زیرا آن بزرگواران علل غایی و هدف نهایی آفرینش هستند. اگر آنان نبودند نور هستی به دیگران، نمی‌رسید. پس علوم و معرفت‌ها به برکت ایشان و توسل به آن بزرگواران بر خلق آشکار می‌شود و بلاها از آنان دور می‌شود.

^۱ - کمال الدین، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۴

^۲ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۴۲

- ۲- همچنان که مردم از آفتاب پشت ابر استفاده می‌کنند و انتظار می‌کشند که ابرها کنار رود تا استفاده‌ی بیشتر از خورشید ببرند، منتظران واقعی آن حضرت در زمان غیبت، انتظار می‌کشند که هر لحظه آن حضرت ظهور کنند تا از فیض وجود مقدس آن حضرت، بهره‌ی بیشتری ببرند.
- ۳- کسی که در زمان غیبت، وجود آن حضرت را انکار نماید، همانند این است که خورشید پشت ابر را انکار کرده است.
- ۴- گاهی اگر خورشید پشت ابر قرار بگیرد، به صلاح مردم می‌باشد همچنین غیبت آن حضرت نیز بنا به مصالحی است که بعد از ظهور آشکار می‌شود.
- ۵- همچنان که روشنی خورشید به مقدار روزنه‌ها و پنجره‌ها وارد خانه می‌شود و به آن نور و انرژی می‌دهد، دل‌های مردم، هر اندازه که از حجاب شهوات و علایق جسمانی به دور بوده و روزنه‌هایی از قلب و دل آنان به سوی معرفت خداوند باز باشد، از نور هدایت امام بهره‌مند می‌شوند.^۱

دوم: هدایت تکوینی

هدایت بر دو گونه است:

الف) هدایت تشریحی: این هدایت از طریق فرستادن پیامبران و نازل شدن کتاب‌های آسمانی صورت می‌گیرد و در اصطلاح «ارائه‌ی طریق و نشان دادن راه» خوانده می‌شود. آیه‌ی ۳ سوره‌ی دهر (انسان) به این نوع هدایت اشاره دارد:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا﴾ «به حقیقت ما راه سعادت را به انسان نشان دادیم حال، خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت را بگذارد خواه آن را کفران نماید.»

ب) هدایت تکوینی: این نوع هدایت به صورت ایصال الی المطلوب و رساندن به مقصد است. از این نوع هدایت به هدایت باطنی نیز تعبیر می‌شود.

^۱ - منتخب الأثر، صص ۲۷۱ و ۲۷۲

رسالت اصلی همه‌ی انبیا و اوصیا علیهم‌السلام هدایت تشریحی و ارشاد و راهنمایی مردم می‌باشد اما سخن در این است که هدایت باطنی افراد و دستگیری از پویندگان راه حقیقت از مهمترین شئون امامت است و برای افراد لایق همچنان ادامه دارد.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه‌ی ۱۲۴ سوره‌ی بقره^۱ می‌فرمایند: «هدایتی که از شئون امامت است، هدایت تکوینی و ایصال الی المطلوب است نه صرف اراده‌ی طریق.» ایشان معتقدند که امام در این آیه به معنای نبوت نیست و حضرت ابراهیم علیه‌السلام در حالی که نبی است و وحی بر او نازل می‌گردد، مژده‌ی امامت به او داده می‌شود. ایشان اضافه می‌کنند که: هر کجا خداوند متعال در قرآن مجید به بحث امامت پرداخته، در کنار آن «هدایت به امر خدا» به عنوان تفسیر در کنارش قرار گرفته است. در آیه‌ی ۷۲ و ۷۳ سوره‌ی انبیا نیز می‌فرماید: ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿۷۲﴾ وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...﴾ «به حضرت ابراهیم علیه‌السلام اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه‌ی آن‌ها را از شایستگان قرار دادیم و آنان را امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند...» که جمله‌ی «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»، «ائمه» تفسیر شده است. در نتیجه امامت از دیدگاه قرآن مطلق هدایت نیست، بلکه هدایتی است که به فرمان حق تعالی صورت می‌گیرد و امام با یک امر ملکوتی، که همراه اوست دیگران را هدایت می‌کند و غیبت هیچ مانعی برای این نوع هدایت محسوب نمی‌گردد.^۲ در زیاراتی خطاب به امام زمان علیه‌السلام می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ»^۳ «سلام بر نور خدایی که هدایت شدگان به واسطه‌ی او هدایت می‌شوند.»

^۱ - ﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ...﴾ «و هنگامی که پروردگارش ابراهیم را آزمایش کرد پس آن‌ها را به پایان رساند خداوند گفت: همانا من تو را برای مردم امام قرار دادم.»

^۲ - تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۶۷ به بعد، ج ۱۴، ص ۳۰۴ به بعد

^۳ - مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب‌الامر در روز جمعه

در بیان نورانی امام علی علیه السلام جایگاه امامت بسیار زیبا ترسیم شده است. ایشان می‌فرمایند: «خداوندا! جز این نیست که باید حجتی از سوی تو در زمین باشد تا خلق را به سوی آیین تو رهنمون شود. اگرچه وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد، بی شک تعالیم و آداب او در دل‌های مؤمنین پراکنده است و آن‌ها بر اساس آن عمل می‌کنند.»^۱

سوّم: امید بخشی

یکی از نام‌های خداوند «یا منتهی الرجایا»^۲ «ای نهایت امیدها» است. نقش حیاتی و شگفت‌انگیز امید در سعادت و موفقیت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت.»^۳

امیدی که ما از آن گفت‌وگو می‌کنیم، امیدی تراکد نیست که سکون را توصیه کند. در این جا امید به شناختی پیوند می‌خورد که نور و تلاش می‌آفریند. امید به نجات - خبر از واقعیتی در طبیعت انسان و تبلور آن در یک برهه از تاریخ به وسیله‌ی یک ابرمرد - تفکری سازنده و حرکتی مسئولانه است.

تشیع با عرضه‌ی اعتقاد به امام مهدی علیه السلام، ابتکار عمل را در رفع این عطش انسانی به عهده گرفته است. اعتقاد به رهبری مردی که آرمان‌های حقیقی انسان را لباس واقعیت می‌پوشاند. «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ»^۴ «هرکس این مقصد را شناخته باشد برای او به واسطه‌ی انتظارش فرج حاصل شده است.»

۱- اثبات الهداة، حرّ عاملی، ج ۳، ص ۴۶۳

۲- مفاتیح الجنان، دعای جوش کبیره

۳- نهج الفصاحه، ص ۱۸۹، کلمه ۹۳۶

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸، ج ۳

آری، آنچه در طول تاریخ تشیع، با آن همه دشمنی و توطئه و مکر و نیرنگ، رمز پایداری شیعه بوده است، چیزی جز امید نیست؛ گرچه اهل سنت نیز اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام دارند، اما اعتقاد به مهدی موجود با اعتقاد به یک مهدی که هر وقت خداوند بخواهد به دنیا می آید و در وقت مناسبی ظهور می کند، هرگز قابل مقایسه نیست.

وجود شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: «أَنَا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمِرَاعَتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَزَلْ بِكُمْ الْأَلْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^۱ «ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر نبود (عنایت پیوسته ی ما) حتماً سختی ها و بلاهای فراوانی به شما می رسید و دشمنان شما را نابود می کردند.»

چه امیدی بالاتر از این که امام زمان علیه السلام ما را فراموش نمی کنند و چه شرمساری بالاتر از این که ما امامان را فراموش کرده ایم.

چهارم: امنیت بخشی

بدون تردید امنیت از اصلی ترین سرمایه های زندگی است. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجت الهی در مجموعه ی جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیت زمین و اهل آن شمرده شده است. قرآن کریم خطاب به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ»^۲ «(ای رسول ما) تا زمانی که تو در میان ایشان هستی، خداوند هرگز آن ها را به عذاب گرفتار نخواهد کرد.»

^۱ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶

^۲ - انفال / ۳۳

در زیر امنیت بخشی امام را در روایات معصومین علیهم السلام بررسی می‌کنیم:

(الف) رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «... الْأئِمَّةُ مِنْ وُلْدِكَ، بِهِمْ يَسْتَجَابُ دَعَاؤُهُمْ وَبِهِمْ يَصْرِفُ اللهُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ»^۱ «... خداوند متعال به واسطه‌ی ائمه از فرزندان تو، دعای آنان را به اجابت می‌رساند و بلا را از آنان برطرف می‌کند.»

(ب) امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يَصْرِفُ عَنْكُمْ الْعَذَابَ»^۲ «ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه‌ی ما عذاب را از شما برطرف می‌گرداند.»

و در جایی دیگر فرموده‌اند: «اگر یک روز زمین از امام و حجت خدا خالی بماند لَعَذَّبَهُمُ اللهُ بِأَشَدِّ الْعَذَابِ خَدَاوَنَدُ أَنَانَ رَا (مردم) به شدیدترین عذاب‌ها مبتلا می‌نماید.»^۳

(ج) وجود شریف حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در روایتی می‌فرمایند: «أَنَا أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»^۴ «همانا من امان اهل زمین هستیم، همچنان که ستارگان امان اهل آسمان‌اند.»

همچنین در روایتی دیگر بیان می‌دارند: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ بِي يَدْفَعُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَشِيعَتِي»^۵ «من خاتم وصیان پیامبر هستم به واسطه‌ی من خداوند بلا را از خانواده و شیعیانم دور می‌کند.»

^۱ - کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۸

^۲ - همان، ح ۲۰

^۳ - همان، ح ۱۴

^۴ - همان، ح ۲، ص ۲۳۹

^۵ - همان، ص ۱۷۱

پنجم: تهذیب نفس

قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسِرِّيَ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ»^۱ (ای پیامبر) به مردم بگو عمل کنید (ولی بدانید) که خداوند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان کارهای شما را می‌بینند.»

امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی کلمه‌ی «مؤمنون» در آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی توبه می‌فرماید: «هُمُ الْأَئِمَّةُ» «ایشان - که نظاره‌گر اعمال مردمان هستند و در قرآن، کنار خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار گرفته، کردار و رفتار همگان را می‌بینند - امامان معصوم سلام‌الله‌علیه می‌باشند.»

توجه به این مطلب که اعمال ما بر حضرت عرضه می‌گردد ما را به اصلاح کارهای خود وا می‌دارد. نظارت امام زمان علیه‌السلام بر اعمال شیعیان به دو صورت است:

الف) عرضه‌ی اعمال به ایشان: هر دوشنبه نامه‌ی اعمال ما به خدمت ایشان می‌رسد.

ب) شاهد بودن بر اعمال: آن بزرگوار از پس پرده‌ی غیبت شاهد و ناظر کارهای ماست.

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «وَاللّٰهِ اِنَّ اَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ»^۲ «به خدا قسم که اعمال شما هر صبح و شام بر من عرضه می‌شود ...»

این توجه ارزشمند و حرکت در مسیر تهذیب نفس و بهره‌مندی از دعای خیر حضرت می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای کسب قابلیت و لیاقت.

^۱ - توبه / ۱۰۵

^۲ - کمال الدین، ص ۳۱۹

ششم: حفظ کیان شیعه

در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط انگلیس و روس، حملات و هجوم دشمنان به ملت مظلوم ایران به اوج خود رسیده بود. به همین جهت مرحوم آیت الله العظمی نایینی بسیار پریشان و نگران اوضاع شیعه بود. شبی به امام عصر علیه السلام متوسل گردیدند و در حال گریه و توسل به خواب رفتند، در عالم رؤیا دیوار بزرگی به شکل نقشه ایران را دیدند که در حال سقوط است و عده‌ای زن و بچه زیر آن نشسته‌اند ... در این حال دیدند حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف آوردند و انگشت مبارکشان را به طرف آن دیوار گرفته و آن را سر جای خودش قرار دادند و فرمودند: «این جا شیعه خانه‌ی ماست، می‌شکند، خم می‌شود، خطر هست ولی ما نمی‌گذاریم سقوط کند. نگهش می‌داریم.»^۱

«در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می‌کرد، که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن‌جا، گوی سبقت از او ربوده بود. روزی وزیر بر او وارد شد و اناری به دستش داد، که به صورت طبیعی این واژه‌ها بر پوست آن نقش بسته بود: لا اله الا الله، و ابوبکر و عمر و عثمان و علی، خلفاء الله. فرمانروا از دیدن آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: این، نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است. نظر تو درباره‌ی شیعیان بحرین چیست؟ وزیر پاسخ داد: به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارائه دهیم. اگر نپذیرفتند که از مذهب خود دست کشند و گر نه آنان را میان سه چیز مخیر می‌کنیم: ۱- پاسخی قانع کننده بیاورند ۲- جزیه بدهند ۳- مردانشان را کشته و زنان و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را به غنیمت می‌بریم.

فرمانروا رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فراخواند. آن‌گاه انار را به ایشان نشان داد و گفت: اگر برای این پدیده، دلیلی روشن نیاورید، شما را می‌کشیم و زنان و فرزندانتان را اسیر می‌کنیم و یا این‌که باید جزیه بدهید.

^۱ - عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، محمدباقر باقی اصفهانی، حکایت ۱۵۱، ص ۳۱۵

دانشمندان شیعه، سه روز از او مهلت خواستند. آنان پس از گفت و گوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه والشریف استغاثه کن و از او، راه رهایی از این مصیبت را بپرس. زیرا ایشان امام ما و صاحب ماست. آن مرد چنین کرد ولی پاسخی نشنید. شب دوّم نیز نفر دوّم را فرستادند و او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، محمد بن عیسی را به بیابان فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می گوید: «محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمده ای؟» محمد بن عیسی خواهش کرد که او را به حال خود وا گذارد. آن مرد فرمود: «محمد بن عیسی! منم صاحب الزّمان.» حاجت خود را بازگو. محمد بن عیسی گفت: اگر شما صاحب الزّمانید، داستان مرا می دانید و به گفتن من نیازی نیست. فرمود: «راست می گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است به اینجا آمده ای.» عرض کرد: آری، شما می دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید. پس آن حضرت فرمودند: «ای محمد بن عیسی! در خانه ی آن وزیر - لعنة الله علیه - درخت اناری است. هنگامی که انارهای درخت تازه رسیده بود، او از گل قالبی به شکل انار ساخت، آن را نصف کرد و در میان آن، این جمله را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه ها بر روی آن نقش بست. فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه ی وزیر می دهم. چون به خانه ی وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان جا برو. کیسه سفیدی خواهی یافت که قالب گل در آن است. آن را به فرمانروا نشان بده. نشانه ی دیگر این که به فرمانروا بگو: که معجزه ی دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست.» محمد بن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آن چه امام زمان عجل الله تعالی فرجه والشریف

فرموده بودند، آشکار گشت. فرمانروا با دیدن این معجزه به تشیع گروید و دستور داد وزیر حيله گر را به قتل رساندند.^۱

هفتم: پاسخ گویی به سؤالات

یکی دیگر از برکات وجودی امام زمان علیه السلام حفظ و نگهداری علوم و اسرار الهی است. در زمان غیبت اگر چه دسترسی مستقیم و استفاده‌ی همه جانبه از محضر امام عصر علیه السلام ممکن نیست، ولی آن معدن علوم الهی به راه‌های مختلف گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می‌کند.

سید میر علام نقل می‌کند که: در ساعت‌های آخر شب، در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام بودم؛ دیدم در خلوت شب مردی به سوی مرقد می‌آید؛ به او نزدیک شدم، دیدم مقدس اردبیلی است. خود را به او نشان ندادم و مراقب او بودم. او به درب حرم - که بسته بود - رسید، اما با رسیدن او درب گشوده شد و وی وارد حرم شد، اما با کسی حرف می‌زد و سپس از حرم خارج شد و درب‌ها بسته شد. مقدس اردبیلی به سوی مسجد کوفه حرکت کرد و من نیز - به طوری که مرا نبیند - از پشت سر او حرکت کردم. وارد مسجد کوفه شد؛ به سوی محراب شهادت رفت و مدتی درنگ کرد و سپس به سوی نجف برگشت. در میانه‌ی راه، سرفه‌ام گرفت؛ او متوجه من شد و فرمود: میرعلام تو هستی؟ پاسخ دادم: آری. گفت: چه می‌کنی؟ گفتم: من از همان لحظات ورود شما به حرم مولا، تا کنون با شما بودم. شما را به صاحب این قبر سوگند، مرا از آن چه برایتان پیش آمده با خیر سازید! گفت: اگر تعهد کنی تا زنده‌ام به کسی نگوئی، حقیقت را به تو می‌گویم. تعهد دادم، او گفت: من در مسایل پیچیده‌ی علمی - فقهی آمدم از روح بلند مولا، پاسخ بگیرم؛ هنگامی که به حرم رسیدم، درها گشوده شد؛ ولی ندایی از جانب قبر آمد که برو مسجد کوفه، سؤال خود را از مهدی علیه السلام - که امام زمان توست - بپرس! به سرعت به مسجد کوفه

^۱ - ترجمه‌ی النجم الثاقب، محدث نوری، ص ۵۵۶ / بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۱۸۰-۱۷۸

آمدم؛ نزدیک محراب رفتم. حضرت، آن جا نیایش می کرد؛ مسایل خود را پرسیدم و او پاسخ گفت. اینک به خانه ی خویش برمی گردم.^۱

هشتم: بهره مندی از دعا و استغفار حضرت علیه السلام

یکی دیگر از برکات وجودی حضرت، بهره مندی مؤمنین از دعا و استغفار حضرت می باشد. امام زمان علیه السلام همانند «پدری دلسوز و مادری مهربان»^۲ پیوسته به فکر مؤمنین بوده و رشد و تعالی آنان را از خداوند می خواهد و آنان را مشمول دعای خیر خود می نماید.

عبدالله ابن ابان به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض می کند که برای من و خانواده ام دعا کنید. امام فرمودند: «آیا فکر می کنی من این کار را انجام نمی دهم؟ به خدا قسم هر روز و شب اعمال شما بر ما عرضه می شود.»^۳

آری هنگام عرضه ی اعمال بر امام زمان علیه السلام با دیدن اعمال خیر در نامه ی مؤمن برای توفیق بیشتر او دعا و هنگام دیدن معصیت و کوتاهی برای او طلب مغفرت و هدایت می نمایند و این همان چیزی است که در دعای ندبه از خداوند متعال می خواهیم: «و امْنٌ عَلَیْنَا بِرِضَاؤِهِ وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَیْرَهُ مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزاً عِنْدَكَ» «خدایا نعمت بزرگ خشنودی حضرت را شامل حال ما گردان و مهربانی و رحمت و دعای خیر او را به ما عطا کن تا به رحمت گسترده ی تو و رستگاری در محضرت نایل گردیم.»

امام عصر علیه السلام باران رحمت الهی است و در همه حال بر کویر جانها باریده و با دعای خود سبزی و خرمی را برای شیعیان به ارمغان آورده است. آن سجاده نشین آستان حضرت دوست دستهای خواهش را گشوده و برای ما این چنین خواسته است: «یا نُوْرَ التَّوْرِ یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ یا بَاعِثَ مَنْ فِی الْقُبُورِ صَلِّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۵

^۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰

^۳ - همان، ص ۲۱۹، ح ۴

وَجْعَلْ لِي و لِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجًا و مِنْ اِهْمٍ مَخْرَجًا و اَوْسَعَ لَنَا الْمُنْهَجَ و اَطْلُقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَفْرِجُ و اَفْعَلْ بِنَا مَا اَنْتَ اَهْلُهُ يَا كَرِيمٌ»^۱ «ای روشنایی نور، ای تدبیر کننده‌ی کارها، ای زنده کننده‌ی مردگان، بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من و شیعیانم در تنگناها گشایشی قرار ده. از غم و اندوه راه چاره‌ای باز کن و راه هدایت را بر ما وسعت بخش. راهی که در آن گشایش ماست، به روی ما بگشا و آن‌چنان که تو شایسته‌ی آن هستی با ما رفتار کن، ای کریم.»

پرسش

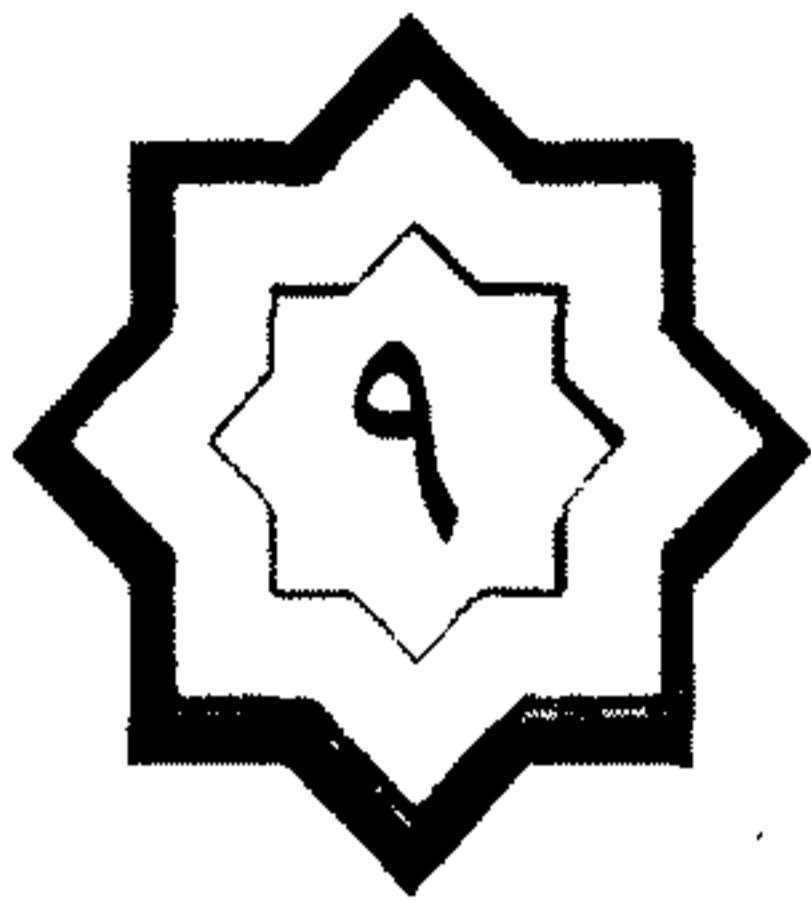
- ۱- هدایت باطنی امام از چه طریقی شامل حال افراد می‌گردد؟
- ۲- این تعبیر دعای عدیله «بیمینه، رزق الوری» مربوط به کدام یک از برکات امام غایب علیه‌السلام است؟
- ۳- چه شباهت‌هایی بین خورشید پشت ابر و امام غایب وجود دارد؟
- ۴- وجود امام علیه‌السلام چگونه باعث امیدواری می‌شود؟

عرصه‌های پژوهش

- ۱- بررسی سنت غیبت در میان دیگر انبیای الهی.
- ۲- وضعیت فکری و سیاسی - اجتماعی شیعه در عصر غیبت صغری.
- ۳- سازمان و کالت در عصر غیبت صغری.
- ۴- سیره‌ی حضرت علیه السلام در دوران غیبت.
- ۵- وضعیت شیعه در عصر غیبت (ولایت فقیه).
- ۶- بررسی واسطه‌ی فیض بودن امام علیه السلام در قرآن و ادعیه.
- ۷- علت نیاز مردم به پیامبر و امام.
- ۸- نمونه‌ای از امدادهای غیبی امام زمان علیه السلام به افراد و جامعه.

معرفی منابع

- ۱- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، (نعمت در پس پرده‌ی غیبت)، نیکو دیالمه، ص ۲۰۵.
- ۲- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، (غیبت، حکومت، انتظار)، محمد علی قاسمی، ص ۲۹۳.
- ۳- غیبت و حیرت، سید محمد جواد مهدی.
- ۴- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۷، (فلسفه‌ی غیبت از منظر روایات)، محمد هادی یوسفی غروری، ترجمه‌ی بهروز محمدی.
- ۵- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۴، (دلایل غیبت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات)، نجم الدین طبسی.
- ۶- غیبت امام عصر یا پنهانی خورشید عدالت، محمد خادمی شیرازی.
- ۷- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۸۳-۹۴ و صص ۱۰۹ و ۱۲۳.
- ۸- جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام، حسین علی پود.



دیدار با امام عصر علیه السلام

انکار دیدار

امکان دیدار

اقسام دیدار

فواید تشرفات و دیدارها

موانع دیدار

آسیب های بحث دیدار

اعتقاد به وجود امام زمان علیه السلام و حجّت حق از ضروریات مذهب شیعه است. طبق روایات وجود امام در هر زمانی لازم است و زمین بدون حجّت باقی نمی ماند. در عصر غیبت کبری مردم از فیض ظهور امام محروم هستند. امام العارفین، سید الساجدین حضرت امام سجاد علیه السلام در مورد ویژگی های دوران غیبت کبری می فرمایند:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ... وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمَدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِي فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَسْوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ»^۱ «و همانا برای قیام کننده ی از ما، دو غیبت وجود دارد که یکی از این دو طولانی تر از دیگری است ... و اما دیگری، پس مدت آن طولانی می شود تا این که غالب کسانی که به او اعتقاد داشتند، از این اعتقاد برمی گردند و کسی بر این امر ثابت نمی ماند مگر این که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد.»

در زمانی که حجّت الهی، در پرده ی غیبت به سر می برد این پرسش مطرح می شود که آیا دیدار حضرت امکان دارد؟ آیا شیعیان و دوستداران حضرت می توانند از نعمت ظهور ایشان بهره مند شوند؟

در پاسخ به این پرسش دو گرایش وجود دارد، گروهی بر این باورند که دیدار در دوران غیبت کبری ممکن نیست و برای اثبات مطلبشان به توقیع حضرت خطاب به علی بن محمد سمري، استناد می‌کنند و گروهی دیگر با پاسخ به اشکال موجود، دیدار با حضرت در غیبت کبری را اثبات کرده‌اند.

در این جا به دلیل حساسیت و اهمیت بحث دیدار در عصر غیبت کبری به بحث در مورد آن پرداخته و دیدگاه‌های مختلف را در این موضوع بررسی می‌کنیم:

الف) دیدگاه اول: انکار دیدار

گروهی از بزرگان شیعه بر این باورند که در زمان غیبت کبری، امکان ارتباط با امام زمان علیه السلام وجود ندارد و طبق دستور حضرت در توقیع شریف، مدعی دیدار را باید تکذیب کرد.

متن توقیع

شیخ صدوق در کمال الدین توقیع را چنین نقل می‌کند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ سَمَرِيَّ اعْظِمِ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَ لَا تَوْصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَّةُ [التَّامَّةُ] فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ أذنِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جُورًا وَ سِيَّاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ إِلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَّانِي وَ الصِّحْحَةُ فَهُوَ كَاذِبٌ (كَذَّابٌ) مَفْتَرٌ وَ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱ «به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را درباهی تو بزرگ فرماید. تو در فاصله‌ی شش روز می‌میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد چون غیبت دوم (تامه) واقع شده است و ظهوری نیست، مگر پس از اذن خداوند و آن پس از مدتی است طولانی که دل‌ها قسی و زمین از ستم پر شود و به زودی عده‌ای از شیعیان من خواهند آمد. کسانی که مشاهده و دیدن مرا ادعا کنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و

۱ - کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۸۱۶

صیحه‌ی آسمانی ادعا کند که مرا دیده است، او دروغ‌گوی افترا زننده است و نیست توان و نیرویی مگر از ناحیه‌ی خداوند بزرگ.»

بیان اشکال

طبق نظریه‌ی منکرین دیدار، توقیع بر نفی امکان دیدار و مشاهده، دلالت می‌کند. زیرا در فرازی از توقیع آمده است: «فَلَا ظُهُورَ...»، و این عبارت بیانگر نفی رؤیت و دیدار است زیرا ظهور به معنی بروز پس از خفاست و «لا» در این عبارت، لای نفس جنس است. به این معنی که هیچ ظهوری ندارد؛ از این رو عبارت بعدی توقیع که اذعان می‌دارد کسی که ادعای مشاهده را بکند، دروغ‌گوی افترازننده است، شامل حال افرادی است که حضرت را قبل از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی مشاهده کرده‌اند.

پاسخ به اشکال

در پاسخ به این اشکال می‌توان نکاتی را بیان داشت:

۱- توقیع، ناظر به نفی و تکذیب ادعای سفارت و بابیت است:

مرحوم مجلسی، این وجه را ارائه نموده است. وی در بحارالانوار^۱ برای رفع شبهه میان توقیع و کثرت تشرفات، این نظر را متذکر شده و می‌گوید: «ممکن است مراد توقیع، تکذیب کسانی باشد که مدعی نیابت و نمایندگی از سوی حضرت شده‌اند. چون سیاق توقیع دلالت دارد که ادعای مشاهده ناظر به ادعای رؤیت و پیام‌رسانی از جانب حضرت به شیعیان است. نظیر آنچه در عصر غیبت صغری در مورد نواب خاص انجام می‌شد مثلاً ادعای افرادی که خود را نایب خاص حضرت و واسطه و کانال حضرت معرفی می‌کنند و این در حالی است که در توقیع، امام علیه‌السلام می‌فرمایند: «و لا توص إلى احدٍ یقوم مقامک» «به هیچ کس وصیت نکن که جانشین تو بعد از مرگت باشد.»

۲- با توجه به سیاق توقیع می‌توان نتیجه گرفت که مشاهده در توقیع به معنای ظهور است و کسی که ظهور حضرت علیه‌السلام را قبل از خروج سفیانی و صیحه ادعا کند، کذاب مفتر خواهد بود. در روایات مختلفی نیز آمده است که ظهور ولی خدا، صاحب الأمر علیه‌السلام آن‌چنان آشکار است که همه متوجه آن خواهند شد. پس توقیع ربطی به ملاقات با حضرت ندارد، بلکه به ظهور حضرت اشاره می‌کند.

۳- بحث ادعا در توقیع، به ادعاهای خاصی از جانب افراد مربوط می‌شود برای مثال ادعای دوام دیدار (یعنی فردی مدعی شود هر هفته یا هر روز حضرت را دیدار می‌کند) یا ادعای افرادی که ادعان دارند نایبان خاص حضرت هستند. یا این‌که کسی ادعای مشاهده‌ی اختیاری کند بدین گونه که جریان ملاقات و مشاهده مربوط به اراده و خواست اوست و هر وقت و در هر کجا که بخواهد می‌تواند شرفیاب شود. این‌گونه ادعاهاست که مصداق تعبیر «کذاب مفتر» است.

۴- اگر بخواهیم تقابل روایت‌های وارده از امکان دیدار حضرت و توقیع را به عنوان یک منبع واحد بررسی کنیم، عقلاً برتری روایت‌ها و داستان‌های نقل شده از علمای موثق اثبات می‌شود. چرا که یک منبع در مقابل چند صد منبع، قابل استناد نخواهد بود. وجهی را هم محدث نوری نقل کرده و آن این است که:

این توقیع خبر مرسل است و خبر مرسل خبر ضعیف شمرده می‌شود و یک روایت مرسل نمی‌تواند در مقابل آن همه وقایع و حکایات نقل شده از جانب علما و بزرگان، معتبر باشد.^۱

بنابراین در وجه و سیاق متن می‌توان نتیجه گرفت که توقیع، ادعای مشاهده‌ی اختیاری و نیز ادعای مأموریت از ناحیه‌ی حضرت را تکذیب می‌کند نه مطلق دیدار و مشاهده را. پیام توقیع، بسته شدن کامل دیدار با حضرت نمی‌باشد، بلکه برای جلوگیری از سوء استفاده‌ی افراد فرصت طلب از ارزش‌های مذهبی با ادعای نمایندگی حضرت علیه‌السلام است. بسیاری افراد دنیا طلب و فریب‌کاری که علی‌رغم صدور این توقیع، ادعای بابیت و نمایندگی ویژه از سوی حضرت نموده‌اند و

ساده دلانی بی‌شمار را نیز گمراه کرده و بذر پراکندگی و تیره بختی را در میان آنان افشانده‌اند.

ب) دیدگاه دوم: امکان دیدار

گروهی از علمای شیعه بر این باورند که در غیبت کبری، امکان دیدار امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف وجود دارد. این دیدگاه از سید مرتضی شروع می‌شود و افرادی چون محدث نوری، کراجکی، و شیخ طوسی، نعمانی، شیخ مفید، سید بن طاووس، مقدس اردبیلی، علامه بحر العلوم و ... نیز بر آن اذعان داشته‌اند.

۱- دلیل عقلی

برای بیان این استدلال بیان ۳ مقدمه لازم به نظر می‌رسد:

الف) نیاز جامعه به امام و حضور ایشان، همچنان باقی است و با وقوع غیبت نیاز مردم به امام از بین نمی‌رود و اگر دسترسی مردم به امام معصوم علیه‌السلام مقدور نمی‌باشد به خاطر مصالحی است که پدیده‌ی غیبت را موجب گردیده است.

ب) در بحث غیبت اشاره شد که منظور از غیبت امام، خفای عنوان و شخصیت امام علیه‌السلام است. یعنی حضرت در زمان غیبت در میان مردم به طور طبیعی رفت و آمد دارند و هر ساله در مراسم حج شرکت می‌نمایند، ولی مردم ایشان را نمی‌بینند و نمی‌شناسند^۱ و این حالت تا زمانی که خداوند فرمان ظهور و قیام امام را صادر نکرده، ادامه دارد.

ج) غیبت کبری از سال ۳۲۹ هـ ق آغاز و تا زمانی که خداوند بخواهد ادامه پیدا می‌کند، حضرت در طول غیبت کبری در همین عالم، در کره‌ی زمین و به صورت طبیعی زندگی می‌کنند.

در نتیجه‌ی مقدمات ذکر شده، دیدن و رؤیت کسی که دارای زندگی طبیعی است و مثل سایر مردم، مسکن، خوراک، پوشاک و رفت و آمد دارد، هیچ‌گونه منع عقلی ندارد زیرا کسی که به طور طبیعی در میان مردم به صورت ناشناس به سر

۱- اصول کافی، باب فی الغیبه، ح ۴

می‌برد از نظر عقل قابل دیدن است و مخفی بودن و ندیدن ایشان بر خلاف انتظار و خلاف قانون طبیعی است و علت ناشناس بودن ایشان به خاطر مصالحی است که در بحث حکمت و فلسفه‌ی غیبت به آن اشاره شد.

باید توجه داشت که حکمت و فلسفه‌ی غیبت مبتنی بر مصالح کلی و عامه است. این مصالح کلی که مربوط به همه‌ی بشریت‌اند باعث شده‌اند تا حضرت ولی عصر علیه‌السلام از دیدگان عموم مردم مخفی باشند. بدیهی است که چنین چیزی منافاتی با رؤیت آنی و مقطعی بعضی افراد، در موارد نادر، بنا به مصالح خاص ندارد. چرا که فلسفه‌ی غیبت، امکان دسترسی و رؤیت عمومی و نیز امکان رؤیت افراد خاص به طور دایم و مداوم را نفی می‌کند.

۲- دلیل نقلی (روایات)

روایاتی که دلالت بر دیدار حضرت در عصر غیبت دارد، چند دسته روایت است که عبارتند از:

الف) روایاتی که به طور صحیح کلمه‌ی «یروئنه» را به کار برده است که دلالتش بر دیدن حضرت از سوی مردم واضح و روشن می‌باشد. از جمله روایت زیر که ابو بصیر از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که حضرت در مقام بیان سنت‌های جاری بر پیامبران و انبیای الهی در مورد حضرت مهدی علیه‌السلام، بعد از ذکر سنت موسی بن عمران علیه‌السلام فرمود: «... وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ يَوْسُفَ فَالْسَّتْرُ، يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَاباً يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»^۱ «اما سنت یوسف علیه‌السلام در مورد حضرت مهدی علیه‌السلام پنهان بودن او از دیدگان و ناشناس بودن او است که مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.»

ب) روایاتی که بیانگر رفت و آمد حضرت علیه‌السلام در میان مردم و ناشناس بودن امام علیه‌السلام می‌باشد:

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۲۹ / بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «فَمَا تَنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَفْعَلَ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ
يُوسُفُ وَإِنْ يَكُونُ صَاحِبُكُمْ الْمَظْلُومُ الْمَجْهُورُ حَقُّهُ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي
أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ فُرُوشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذِنَ اللَّهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفَرًا!»^۱ «چه شده است که این
امت غیبت صاحب الامر را انکار می کنند؟ چرا نمی اندیشند بر این که خداوند آن
کاری که با یوسف علیه السلام کرد در مسأله ی غیبت با حجتش نیز انجام می دهد و
صاحب امر شما در حالی که مورد ظلم قرار گرفته و حقیقتش انکار شده است در میان
مردم رفت و آمد می کند و در بازارشان حرکت می نماید و در خانه های آنان فرود
می آید در حالی که مردم او را نمی شناسد مگر این که به اذن الهی خودش خود را
برای افراد محدودی معرفی کند.»

(ج) روایاتی که بر استثنای عده ی خاصی دلالت دارد که از محل زندگی
حضرت آگاه اند. این دسته روایات، بعضی دلالت بر استثنای خواص شیعه و بعضی
دلالت بر خدمتگذار و متولی امور حضرت را دارند:

مفضل بن عمرو از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند: «إِنَّ
لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ أَحَدُهُمَا طَوِيلٌ حَتَّى يَقُولُ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ قُتِلَ وَ
بَعْضُهُمْ يَقُولُ ذَهَبَ فَلَا يَبْقِي عَلَيَّ أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ لَا يَطَّلِعُ عَلَيَّ مَوْضِعِي أَحَدٌ مِنْ
وَلِيِّ وَ لَا غَيْرُهُ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ»^۲ «برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی
از آن دو طولانی است به قدری که بعضی می گویند او مرده است و بعضی دیگر
می پندارند که او کشته شده است و بعضی خیال می کنند که او رفته است و اثری از
او باقی نیست! در آن زمان در زمره ی یاران وی افراد با وفا بسیار اندک می مانند. از
دوستان و غیر دوستان کسی از محل او آگاهی ندارد مگر افراد ویژه ای که عهده دار
کار حضرت می باشند.»

^۱ - اصول کافی، کتاب الحجج، باب فی الغیبه، ح ۴

^۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۶

با توجه به روایاتی که در چند دسته ذکر گردید روشن است که موضوع دیدار با امام زمان علیه السلام در زمان غیبت مورد تأیید می باشد. به روایات فوق می توان اقوال بعضی از بزرگان شیعه را نیز افزود.

سید مرتضی در جواب کسی که پرسش نمود: اگر امام غایب باشد به طوری که دست هیچ کس به او نرسد پس فرق بین وجود و عدمش چیست؟ می گوید: «ما نمی توانیم قاطعانه بگوییم دست هیچ کس به او نمی رسد و هیچ بشری او را نمی بیند»^۱ و در پاسخ دیگری می گویند: «خوف امام علیه السلام از دشمنان و ستمگران است که از مخالفین پرهیز می کند اما نسبت به اولیا و شیعیان این مانع وجود ندارد.»^۲

شیخ طوسی نیز در این رابطه می گوید: «ما نمی توانیم قاطعانه بگوییم که ایشان از همه ی دوستانش مخفی است.»^۳

بنابراین اثبات می شود که در زمان غیبت کبری عده ای از خواص شیعه و یا حداقل جمعی به عنوان همراهان حضرت خدمت ایشان می رسند و دیگران نیز حضرت را مشاهده می نمایند ولی نمی شناسند.

۳- دلیل عینی

بخش سوم از دلایل امکان دیدار، وقوع خارجی دیدار می باشد که مهم ترین و محکم ترین دلیل به شمار می رود زیرا بهترین و روشن ترین دلیل بر امکان یک چیز وقوع آن چیز در خارج و تحقق عینی آن می باشد که هیچ گونه ابهام و تردیدی را بر نمی تابد.

این دلیل را نیز در دو دسته بندی می توان بیان کرد:

الف) نقل تشرفات عده ای به محضر امام زمان علیه السلام در غیبت کبری.

^۱ - بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۱۹

^۲ - همان، ص ۳۲۳

^۳ - همان

ب) اذکار و ادعیه‌های وارده از ناحیه‌ی حضرت علیه‌السلام در عصر غیبت کبری.

الف) وقوع تشرفات

تشرّف عده‌ی بی‌شماری به محضر حضرت ولی عصر علیه‌السلام در طول دوران غیبت به صورت‌های مختلف، دلیل قاطع و محسوس بر اثبات ملاقات می‌باشد. دلایل صحت تشرفات و حکایات نقل شده از مشاهده‌ی حضرت علیه‌السلام چند چیز می‌باشد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تعداد حکایات نقل شده، مبنی بر دیدار حضرت علیه‌السلام در بیداری، از نظر کثرت «متواتر» است. لذا از بررسی اعتبار سند، بی‌نیاز می‌باشد چون بر اساس قواعد علم رجال، در تواتر، سند لحاظ نمی‌شود.

۲- بسیاری از ناقلین و تشرّف یافتگان جزء فقها و شخصیت‌های علمی و مذهبی شیعه می‌باشند مانند علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، آیت الله مرعشی نجفی، محمدعلی فشنندی تهرانی و ... که بر صحت تشرّف ایشان اتفاق نظر است. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه‌السلام آمده است: «فَأِنَّهُ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتِنَا»^۱ «جای هیچ عذری برای شیعیان و پیروان ما باقی نیست در شک و تردید کردن به آنچه که افراد راست‌گو و قابل اعتماد، از ما نقل می‌کنند.»

ب) دعاها و اذکار صادر شده از ناحیه‌ی حضرت علیه‌السلام

وجود آثار و برخی از ادعیه و اذکار منسوب به حضرت مهدی علیه‌السلام در عصر غیبت کبری، دلیل دیگری بر امکان دیدار می‌باشد. زیرا این آثار و ادعیه از راه تشرّف و ملاقات با حضرت قابل انتقال می‌باشند و ناقلین آن نیز مشخص و شناخته شده می‌باشند.

در برخی موارد دعاها و اذکار خاصی از حضرت نقل شده است نظیر آنچه که «سید بن طاووس» از زبان مطهر حضرت در سحرگاهان در سرداب سامرا نقل نموده

^۱ - بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۱۸

است^۱ و نیز ذکر مخصوص ایشان در حال رکوع^۲ و همچنین دستورالعمل چگونگی استخاره^۳، و دعاهای مأثور از ناحیهی حضرت و ...^۴

بنابراین، وقوع دیدار، هم از جهت دلایل محکم روایی و هم از جهت تحقق خارجی و مصداق یابی، پشتوانه‌ی محکم و قاطعی دارد.

اقسام دیدار

در این جا بنا داریم، دیدار حضرت علیه‌السلام را در دو قسمت مورد بررسی قرار دهیم:

۱- تقسیم‌بندی از نظر زمانی

دیدار امام زمان علیه‌السلام از نظر زمانی به سه دوره تقسیم می‌گردد:

الف) دیدار حضرت در دوران حیات امام حسن عسکری علیه‌السلام

بدون تردید، در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام، گروهی از شیعیان خاص و نزدیکان آن حضرت به شرف دیدار فرزند بزرگوار ایشان نایل شده‌اند تا در آینده دچار انحراف و شک و تردید نشوند و از طرف دیگر به عنوان شاهدانِ جانشین امام حسن عسکری علیه‌السلام، وظیفه‌ی معرفی امام مهدی علیه‌السلام را به دیگران برعهده داشتند.

از جمله‌ی این دیدارها می‌توان به دیدار محمد بن عثمان عمری دومین نایب خاص حضرت که با اجازه‌ی امام حسن عسکری علیه‌السلام به همراه چهل تن به حضور امام شرفیاب شده و جانشین بر حق ایشان را دیدار نموده، اشاره کرد.^۵

^۱ - میر مهر، ص ۱۰۱ / مفاتیح الجنان، ص ۱۹۴: الهی بحق من ناجاک و بحق من دعاک ...

^۲ - همان، تشرف آیت الله مرعشی نجفی

^۳ - همان

^۴ - منتخب الأثر، ص ۶۵۵

^۵ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۳

ب) دیدار حضرت در غیبت صغری

در دوران غیبت صغری، شیعیان از مناطق دور دست برای درک حضور حضرت به عراق و حجاز سفر می‌کردند و گروهی موفق به دیدار می‌شدند و گروهی با رسیدن به محضر نمایندگان ویژه‌ی حضرت، یقین به وجود مبارک امام علیه‌السلام پیدا می‌کردند و وجوهاتی را که برای آن حضرت آورده بودند، به نمایندگان ایشان می‌دادند. در این زمان دیدار و ارتباط با امام عصر علیه‌السلام از طریق نایبان خاص برقرار می‌شد. آنان پرسش‌های شیعیان را به خدمت حضرت ارسال می‌داشتند و پاسخ‌های دریافتی را به پرسش‌کنندگان باز می‌گرداندند. افراد موثقی چون ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی، مستقیماً تویع، دریافت می‌کردند.^۱

عبدالله بن جعفر گوید: از محمد بن عثمان عمری پرسیدم: آیا صاحب الأمر مرا دیده‌ای؟ گفت: آری و آخرین دیدار نزد بیت الله الحرام بود که دست به دعا برداشتند و فرمودند: «إِلَهِی أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي»^۲ «خداوندا! آنچه به من وعده فرمودی برآورده کن.»

۲- تقسیم بندی دیدار از نظر حالت و چگونگی

الف) دیدار در خواب: به این صورت که شخصی امام را در خواب می‌بیند و با ایشان در عالم خواب ملاقات می‌کند.

ب) مکاشفه: مکاشفه زمانی روی می‌دهد که شخص بین خواب و بیداری است و برخی امور غیبی و غیر محسوس را می‌بیند.

ج) دیدار بدون شناخت: بدین صورت که شخص، امام زمان علیه‌السلام را می‌بیند ولی ایشان را نمی‌شناسد. با توجه به این که امام در بین مردم زندگی می‌کنند، این گونه دیدار برای بسیاری از مردم اتفاق می‌افتد. به طوری که پس از

^۱ - غیبت طوسی، صص ۴۱۵ و ۴۱۷

^۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۱۷۰

ظهور و رؤیت ایشان می گویند امام را قبلاً هم دیده بودند و امام شخص آشنایی برای ایشان است.

(د) دیدار حضرت و شناخت پس از جدایی: در این حالت شخص ملاقات

کننده در حین دیدار، امام را نمی شناسد ولی پس از پایان دیدار با توجه به قرائن متعددی امام را می شناسد.

(ه) دیدار همراه با شناخت کامل: در این نوع دیدار، شخص ملاقات کننده

امام علیه السلام را در حین ملاقات می شناسد. این گونه دیدار بسیار کم نقل شده است. از این نوع دیدار، برای نمونه دیدار علامه بحر العلوم با امام زمان علیه السلام را می توان نام برد.

به دلیل تواتر روایات و داستان های نقل شده از جانب علمای معتبر، می توان

از داستان های نقل شده به عنوان یکی از دلایل یقینی دیدار با حضرت استفاده کرد.

فواید تشرفات و دیدارها

ممکن است این پرسش مطرح گردد که نقل تشرفات و ملاقات ها چه فواید و

آثار مثبتی دارد؟ در این رابطه، که این مسأله نیز همانند سایر مقدسات دینی و

مذهبی می تواند مورد سوء استفاده ی اشخاص سودجو برای رسیدن به اغراض

پلیدشان باشد. اما چنین کارهایی نباید ما را از آثار مثبت این مسأله غافل نماید. به

نظر می رسد راه اعتدال و روش صحیح این است که ما ضمن آسیب شناسی این

مسأله آثار تربیتی و فواید مثبت بحث دیدار با حضرت علیه السلام را که هم روشن گر و

هم بسیار سازنده است، مورد توجه قرار دهیم. در این جا به عنوان نمونه، به چند

مورد از آثار مثبت دیدار اشاره می کنیم:

۱- دلیل قاطع بر اثبات وجود امام زمان علیه السلام

اصل مهدویت و حیات طبیعی حضرت از مسلمات و ضروریات مذهب شیعه

می باشد. ولی باید توجه داشت که در این برهه ی زمانی از یک سو بسیاری از عموم

مردم مخصوصاً جوانان، اطلاعات چندانی نسبت به حضرت ندارند و از سوی دیگر

دشمنان هم که به اهمیت این محور تشیع پی برده‌اند، تبلیغات پیدا و پنهان، خود را در مسیر انکار وجود نازنین حضرت به کار گرفته‌اند. در این میان، وجود تشرفات و کرامات و نقل و تبیین آن‌ها دلیل قاطعی بر اثبات وجود حضرت و شبه‌زدایی از این وجود نورانی می‌باشد.

۲- افزایش یقین و ایمان شیعیان:

نقل تشریفات و کرامات مایه‌ی قوت قلب شیعیان می‌گردد. زیرا مشاهده‌ی مواردی از عنایات و کرامات حضرت و شرح حال تشریف یافتگان، اعتقاد و ایمان مردم را نسبت به حضرت ولی عصر علیه‌السلام راسخ‌تر خواهد نمود و پشتوانه‌ی محکمی در فشارها و شداید جهت توجه مردم به آن منبع فیض الهی می‌باشد.

۳- احساس آرامش و امنیت روانی:

وجود ارتباط میان حضرت و برخی از شیعیان و مشاهده جلوه‌هایی از کرامات و عنایات حضرت که به طور مکرر و مستمر در طول دوران غیبت رخ داده است، این حس را در وجود دوستداران و شیعیان پدید می‌آورد که همواره خود را متکی به این تکیه‌گاه مستحکم بدانند و از نظر روحی و روانی، احساس آرامش داشته باشند.

۴- اصلاح و تربیت:

یکی از مهم‌ترین آثار و فواید نقل تشرفات و دیدارها با امام علیه‌السلام، نقش سازنده و آموزنده‌ی آن در تربیت افراد است. مطالعه‌ی داستان‌های کسانی که در زمان‌های گذشته و حال، توفیق تشریف به محضر مقدس حضرت را داشته‌اند و مورد لطف و عنایت ایشان قرار گرفته‌اند، می‌تواند همگان، مخصوصاً افراد آلوده و بی‌پروا را منقلب نموده و آن‌ها را به سوی رحمت و عافیت رهنمون گردد.

۵- افزایش و تعمیق توجه:

کاربرد مهم دیگر مسأله‌ی دیدار، جلب توجه به سوی آن حضرت است. امروزه یکی از وظایف دینی و فرهنگی شیعیان، این است که در همه‌ی حالات و در تمام امور، همه‌ی توجهات، متمرکز به حضرت بقیه‌الله علیه‌السلام گردد زیرا فقط

ایشان امام عصر هستند و خداوند متعال فرمان تکوین و تشریح را در اختیار ایشان قرار داده و همه‌ی فیوضات از طریق ایشان به دیگران عطا می‌شود.

موانع دیدار

تا این‌جا، در پی اثبات دیدار افراد با امام زمان علیه‌السلام بودیم، از این قسمت، بنا داریم با توجه به حکایت‌ها و تشرفات افراد مختلف با امام زمان علیه‌السلام و همچنین سخنان ارزشمند ایشان در توقیعات و تشرفات و ... به بررسی موانع دیدار با حضرت پردازیم به این امید که با برطرف کردن این موانع در زمره‌ی دیدارکنندگان ایشان قرار بگیریم. ان شاء الله.

۱- قطع صله‌ی رحم، ثروت اندوزی، تضعیف مؤمنان

علی بن مهزیار اهوازی یکی از شیفتگان دیدار حضرت مهدی علیه‌السلام بود که در عصر غیبت صغری، نوزده بار به قصد دیدار مولای خود (حضرت مهدی علیه‌السلام) رنج سفر حج و درنوردیدن بیابان‌های خشک و بی‌آب و علف عربستان را به جان خرید و سرانجام در بیستمین سفر توفیق دیدار حضرت نصیب او شد و آن حضرت به وی فرمودند:

«من شبانه روز چشم به راه تو بودم، چه شد که دیر پیش ما آمدی؟» عرض کرد: مولای من، کسی که مرا به سوی شما راهنمایی کند پیدا نکردم. حضرت فرمودند: «کسی را پیدا نکردی؟» آن‌گاه با انگشت به زمین کوبیدند و پس از لحظاتی فرمودند: «نه، این‌طور نیست. دلیلش این است که شما به زیاد کردن مال و اموال خود پرداختید و به مؤمنان ضعیف، ظلم و ستم روا داشتید و قطع رحم کردید، چه عذری دارید؟» عرض کرد: هیچ جز توبه، توبه، گذشت، گذشت.^۱

۲- دلبستگی به دنیا

مردی صالح و خیر اندیش در بصره، عطاری می‌کرد خودش نقل می‌کند که روزی در مغازه نشسته بودم، دو نفر برای خرید سدر و کافور به دکان من آمدند از

^۱ - دلائل الإمامه، ص ۵۴۱، المختار من کلمات الإمام المهدی علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۷۶

گفتار و سیمای آنان دریافتم که از شخصیت‌های بزرگواری می‌باشند. از حال و دیار آنان پرسیدم آن‌ها کتمان کردند، من هرچه اصرار کردم آنان پاسخ نمی‌دادند تا این که آنان را به حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قسم دادم گفتند: ما از ملازمان درگاه حضرت ولی عصر علیه‌السلام هستیم، شخصی از نوکران آن درگاه از بین رفته است صاحب آن ناحیه ما را مأمور کرد که از تو سدر و کافور خریداری کنیم. عطار گفت: مرا نزد آن حضرت ببرید! آن‌ها از این کار خودداری کردند ولی چون پافشاری کردم، در خواست مرا اجابت کردند خوشحال و با شتاب سدر و کافور را به آن‌ها دادم و به دنبال آن‌ها روانه شدم. در میانه‌ی راه بودم که دیدم ابرها به هم در آمده و هوا صورت بارانی گرفت و شروع به باریدن کرد اتفاقاً من همان روز صابون را در قالب ریخته بودم و در پشت بام مغازه گذاشته بودم تا با تابش آفتاب خشک شود، همین که باران را دیدم، به خاطر صابون‌هایم پریشان خاطر شدم. در این هنگام به خیمه‌ای رسیدیم که مانند شجره‌ی طور، نور از آن ساطع بود همراهان گفتند: تمام مقصود این خیمه است. یکی از همراهان جلوتر رفت تا برای من اجازه‌ی ورود بگیرد. من صدای آن بزرگوار را می‌شنیدم ولی وجود نازنینش را نمی‌دیدم، فرمودند: «رُدْوَهُ فَإِنَّهُ رَجُلٌ صَابُونِي» «او را برگردانید او مرد صابون دوست و مادی است.» عطار می‌گوید: چون چنین شنیدم، نا امید و دل شکسته گشتم و دانستم که وقتی ممکن است به زیارت آن جناب برسم که دلم از آلودگی مادی و دنیوی زدوده و صاف شود.^۱

آسیب‌های بحث دیدار

۱- ترویج خرافات

در مورد دیدار با امام زمان علیه‌السلام کتاب‌هایی نوشته شده که سرشار است از حکایات و داستان‌ها و مطالبی که برخی از آن‌ها نادرست و برخاسته از تصورات و خیال‌بافی‌های نویسندگان آن‌هاست؛ نقل این داستان‌ها و حکایت‌ها باعث می‌شود که یک عقیده‌ی درست و صحیح به ناصواب‌هایی آمیخته گردد و عقاید خرافی و ناصحیح

^۱ - دار السلام عراقی، ص ۱۷۲

و غیر مستدل در میان مردم رواج یافته و مردمان معتقد از سرچشمه‌ی زلال اسلام ناب و راستین را در باتلاق خرافات فرو می‌برد. در نتیجه، مخالفان تشیع، امکان رشد و گسترش می‌یابند و عقاید نادرست و خرافی را به نام تشیع ثبت و به دیگران انتقال می‌دهند و عقیده‌ای را که در اصل آن تمام فرق اسلامی توافق دارند، به گونه‌ای مطرح می‌کنند که فرسنگ‌ها با اسلام فاصله دارد.

۲- هدف بودن دیدار

تجربه نشان می‌دهد کسانی که بدون داشتن معرفت و آثار و لوازم آن و صرفاً با نیروی احساس و عاطفه در مسیر عشق و ارادت امام زمان علیه‌السلام می‌افتند، چون معرفت و علم لازم را برای کنترل درجه‌ی شدید محبت ندارند، در اثر وسوسه‌های شیطان از مسیر خارج شده و به انواع و اقسام انحرافات عقیدتی و اخلاقی مبتلا می‌گردند و در پایان با تحمل شکست‌های جبران ناپذیر، از عشق به امام عصر علیه‌السلام سرخورده می‌گردند و دیگر هیچ‌گاه در آن مسیر قرار نمی‌گیرند. چه بسیار افرادی که به شوق دیدار امام زمان علیه‌السلام با نیت خالص و در مسیرهایی قدم گذاشته‌اند، اما به دلایل مختلف از مقصود اولیه‌ی خود، دور شده‌اند. بنابراین مطلوب‌ترین حالت این است که انسان با طلب کردن معرفت و سعی در عمل به آن از قبیل انتظار فرج، تقوا و ورع و ... ظرفیتی پیدا کند که بتواند حد بالای محبت و شیفتگی را با ادای تکالیف فردی و اجتماعی خود جمع کند. همان طور که بزرگانی نظیر سید بن طاووس چنین بوده‌اند.

۳- افراط و تفریط در نقل تشرفات

این نکته حایز اهمیت است که نباید در قضاوت نسبت به این موضوع، با انگیزه‌ی جلوگیری از سوء استفاده‌ی افراد مغرض و فرصت‌طلب، به کلی راه ارتباط با حضرت ولی عصر علیه‌السلام را مسدود و بسته اعلام کنیم و مطلقاً نقل تشرفات را دروغ قلمداد کنیم زیرا چنین رویکردی، علاوه بر این که اصلاً مستند و قابل قبول نیست، آثار منفی مخرب و زیان‌باری نیز در پی دارد. چون انعکاس آن در جامعه و در میان شیعیان و کسانی که هستی خود را در گرو عشق به آن حضرت می‌دانند، عواطف و

احساسات ناب آنها را خدشه‌دار می‌کند. و این ذهنیت را در جامعه دامن می‌زند که حضرت حجت علیه‌السلام به عنوان موجودی قدسی است که هیچ ارتباط و تعلقی در امور زندگی آنان ندارد. طبیعی است که چنین باوری در زمان غیبت، تأثیرات منفی عمیقی را به همراه خواهد داشت. و از سوی دیگر کسانی که اعتقاد به دیدار حضرت در عصر غیبت دارند نیز باید این نکته را در نظر داشته باشند که: در عصر غیبت، قاعده‌ی عمومی و کلی، غیبت حضرت و عدم ملاقات ایشان است و خروج از این اصل و بیان این که ملاقات واقع شده نیاز به دلیل محکم دارد و در این مورد بسیاری از ادعاها حتی قابل اعتنا نیست. مگر این که نقل کننده فردی کاملاً موثق، مورد اعتماد، با ایمان و پارسا باشد و قرینه‌های مطمئن و شواهد یقین آوری را به همراه داشته باشد. همچنین در تعالیم امامان معصوم علیهم‌السلام، دستور و سفارشی نسبت به تلاش برای ملاقات با حضرت در دوران غیبت، دیده نمی‌شود. آنچه به آن فراوان تأکید شده، تلاش در جهت کسب رضایت حضرت است و خود سازی عملی و آمادگی برای قیام جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام. در واقع آنچه مهم است این است که غیبت نباید مانع از ارتباط معنوی و پیوند روحانی بین ما و امام عصر علیه‌السلام باشد که مهم‌تر از دیدن و ملاقات، ارتباط معنوی با حضرت و به دنبال تحقق اهداف ایشان بودن و زمینه را برای ظهورشان فراهم کردن است:

ایشان می‌فرمایند: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ أَمْرِي مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبَ عَمَّا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا»^۱ «هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک نموده و از آنچه خوشایند ما نباشد و باعث کراهت و خشم ما است دوری گزیند.»

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است
گفتا نر خود حجابی ور نه رخم عیان است

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، پیام حضرت ولی عصر علیه‌السلام به شیخ مفید

پرسش

۱- دلایل موثق بودن داستان‌های منقول از تشرفات افراد با حضرت علیه‌السلام

چیست؟

۲- ادله‌ی امکان دیدار در عصر غیبت کبری را بیان کنید؟

۳- فواید نقل تشرفات چیست؟

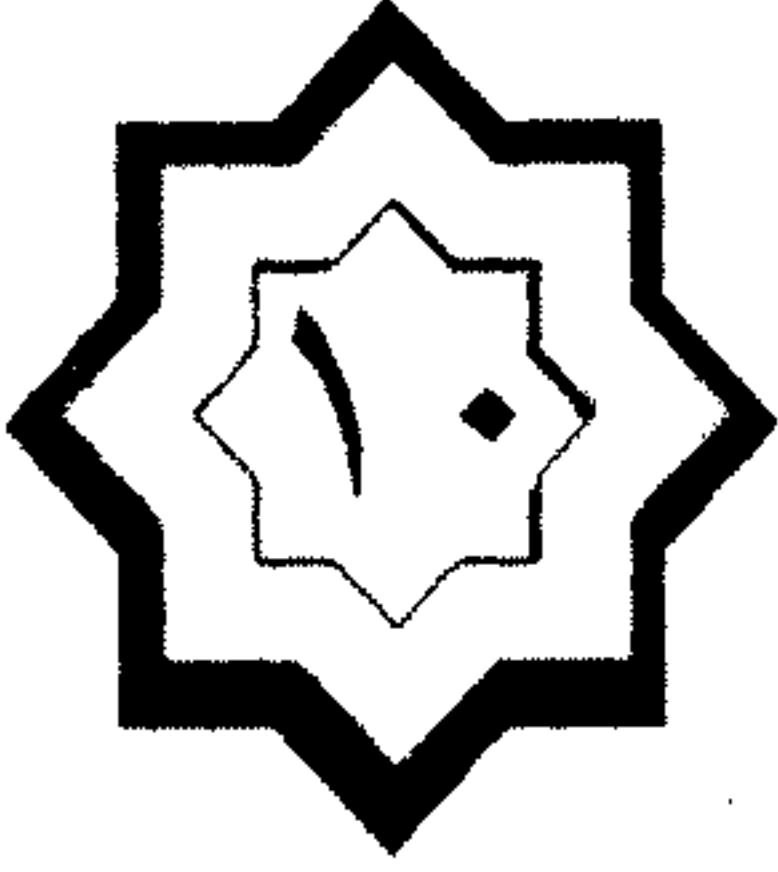
۴- دیدار با حضرت از نظر حالت و چگونگی به چند قسمت تقسیم می‌شود؟

عرصه‌های پژوهش

- ۱- دیدار امام علیه‌السلام در غیبت صغری.
- ۲- آسیب‌شناسی بحث دیدار.
- ۳- دیدگاه علمای معاصر درباره‌ی دیدار.
- ۴- تحقیق پیرامون افرادی که در سه دوره‌ی زمانی، حیات امام حسن عسکری علیه‌السلام، غیبت صغری و غیبت کبری، امام علیه‌السلام را دیده‌اند.
- ۵- عوامل دیدار با حضرت علیه‌السلام.
- ۶- آسیب‌شناسی بحث دیدار.
- ۷- بررسی دیدگاه‌های علما در مورد دیدار با امام زمان علیه‌السلام در غیبت کبری.
- ۸- بررسی توقیع شریف.

معرفی منابع

- ۱- میر مهر، پور سید آقایی، صص ۱۸۵ - ۱۹۰ و ص ۱۵۸.
- ۲- چگونگی ملاقات حضرت، محدث نوری.
- ۳- مکیال المکارم، موسوی اصفهانی.
- ۴- خواب و نشانه‌های آن، محمد شجاعی.
- ۵- برکات حضرت ولی عصر، العبقری الحسان، تألیف حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، بازنویسی سید جواد معلّم.
- ۶- ارشاد شیخ مفید.
- ۷- موسوعه الامام المهدی، سید محمد صدر.
- ۸- تحقیق اللطیف - حول توقیع الشریف، یداله دوزدوزانی.
- ۹- چشم به راه مهدی، ارتباط با امام زمان علیه‌السلام در عصر غیبت، مقاله‌ی علی اکبر ذاکری.



انتظار

مفهوم انتظار

وجوب انتظار موعود

فضیلت انتظار

آثار انتظار

مناجات منتظران

عظمت وجودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر علیه السلام باعث شده است که در طول بیش از هزار سال که از غیبت کبری می گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی بپردازند و هر گروه تنها درک و تصور خود از این موضوع را تصور درست و مطابق با واقع تلقی کنند.

در این میان گروهی به طرح معنای درست انتظار پرداخته و در صدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند، که امام خمینی رحمه الله علیه درخشان ترین آنان می باشند. ایشان با صراحت به نقد و بررسی یادداشت های مختلفی که از مسأله ای انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و درباره ای مفهوم انتظار می فرمایند:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند، و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود.»^۱

در این نوشتار برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده، مورد بررسی قرار می دهیم:

^۱ - صحیفه ی نور، ج ۲۰، ص ۱۹۹، به نقل از کتاب معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، ص ۱۱۳

مفهوم انتظار

انتظار در لغت یعنی «چشم به راه بودن»^۱ اما برای درک مفهوم آن باید دانست که انتظار یک امر کاملاً وجدانی است و اگر کسی واقعیت آن را درک نکرده باشد، هرگز با توصیفات ذهنی، حقیقت آن را نمی‌فهمد. در واقع معنای انتظار فقط برای شخص منتظر، روشن و آشکار می‌شود، یعنی کسی که حالت انتظار را چشیده است، به خوبی معنای آن را می‌فهمد. به چنین شخصی می‌توان یادآوری کرد که: «آن زمانی که یکی از عزیزانتان به سفر رفته بود و شما از او خبر نداشتید و او گفته بود تا فلان موقع برمی‌گردم و ... قبل از آمدن او چه حالی داشتید؟» آن حال وجدانی «انتظار» نام دارد.

به تعریف دیگری نیز که در مورد انتظار مطرح شده است، توجه کنید:

«معنی الانتظار ... هو کیفیة نفسانیة ینبعث منها التهیؤ لما تنتظره ... فکلما کان الانتظار أشدَّ کان التهیؤ أكداً. ألا أنه إذا کان لک مسافرٌ تتوقعُ قدومه، إزدادَ تهیؤک لِقدومه کلما قُربَ حیثه»^۲ «معنای انتظار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آن آماده شدن برای چیزی که در انتظارش هستی، برمی‌آید ... پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می‌شود. آیا نمی‌بینی که وقتی مسافری داشته باشی که منتظر آمدنش هستی، هر چه زمان آمدنش نزدیکتر می‌شود، آمادگی تو برای این امر بیشتر می‌شود.»

در این تعریف، انتظار یک حالت قلبی و نفسانی معرفی شده است و یکی از مهم‌ترین لوازم آن «تهیؤ» به معنای آماده شدن است. کسی که منتظر ظهور امام عصر علیه السلام باشد، لازمه‌ی انتظارش این است که خود را برای ظهور ایشان آماده سازد. ولی سؤال این جاست که چگونه می‌توان آمادگی برای ظهور را در خود ایجاد کرد؟ در پاسخ می‌توان گفت که: آماده شدن به این است که انسان زندگی خود را در

^۱ - لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل کلمه‌ی انتظار

^۲ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲

همه‌ی ابعادش مطابق میل و خواست امام علیه‌السلام قرار دهد. و معلوم است که خواسته‌ی ایشان این است که فرد دقیقاً مطابق احکام دین عمل کند.

وجوب انتظار موعود

در اندیشه‌ی شیعه، انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیهم‌السلام تصریح شده‌است. برای تأیید این سخن می‌توان به روایات زیر اشاره نمود:

۱- روزی امام صادق علیه‌السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند: «ألا أخبركم بما لا يقبلُ الله عزَّ و جلَّ، من العباد عملاً إلا به؟ فقلتُ: بلى، فقال: شهادةُ أن لا إله إلا الله و أن محمداً عبده و رسوله، والإقرار بما أمر الله و الولاية لنا، والبراءة من أعدائنا - يعني الأئمة خاصة - و التسليم لهم، والورع، والاجتهاد، والطمانينة، والانتظار. للقائم عليه‌السلام»^۱ «آیا شما را خبر دهم به آن چه خدای صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی‌پذیرد؟ یکی از ایشان در پاسخ گفت: بله، ایشان فرمودند: گواهی دادن به این که هیچ کس جز خداوند شایسته‌ی پرستش نیست و این که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنده و فرستاده‌ی اوست، و اقرار کردن به آن چه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزگاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه‌السلام.»

۲- از حضرت جواد الائمه علیه‌السلام نقل شده‌است که فرمودند: «إن القائم منّا هو المهدي الذي يجب أن يُنتظرَ في غيبته.»^۲ «همانا قیام کننده‌ی از ما اهل بیت علیهم‌السلام همان مهدی علیه‌السلام است که انتظار او در (زمان) غیبتش واجب است.»

تعبیر وجوب در فرمایش امام جواد علیه‌السلام نشان‌دهنده‌ی ضرورت حال انتظار در زمان غیبت امام علیه‌السلام است؛ در ضمن باید توجه داشت که انتظار همانند افعالی چون خوردن و آشامیدن، برای انسان اختیاری نیست و اگر کسی طالب ایجاد

^۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۰۰

^۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷

این حالت است، باید مقدمات آن را در خودش فراهم کند و در صورت تحقق آن مقدمات، انتظار حاصل می‌شود، پس امر به «انتظار» و وجوب آن، در حقیقت به ایجاد مقدمات آن برمی‌گردد. در مورد انتظار امام عصر علیه‌السلام نیز مقدماتی است که حال انتظار را در فرد به درجه‌ی قابل توجه و مؤثری می‌رساند، مهم‌ترین این مقدمات را در چهار عامل زیر خلاصه می‌کنیم:^۱

اول: یقین به ظهور حضرت: هر قدر علم و یقین شخص به ظهور امام عصر علیه‌السلام بیشتر و عمیق‌تر باشد، انتظارش نسبت به ایشان بیشتر است.

دوم: نزدیک دانستن امر ظهور: ممکن است کسی به اصل ظهور حضرت یقین داشته باشد ولی وقوع آن را در آینده‌ای دور ببیند، در این صورت انتظارش نسبت به آن سست و ضعیف می‌شود. همان‌گونه که در دعای عهد آمده است: «إِلَهُم يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً» «آن‌ها (کافران و ناباوران) ظهور امام عصر علیه‌السلام را دور می‌بینند، ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم.»

چنین اعتقادی خود به خود درجه‌ی انتظار را در انسان بالاتر می‌برد، البته لازمه‌ی نزدیک دانستن ظهور پیش‌بینی در مورد ظهور نیست و با «استعجال» نیز که در روایات مذمت شده کاملاً متفاوت است.^۲

سوم: دوست داشتن ظهور امام علیه‌السلام: کسی که به ظهور امام زمان علیه‌السلام صددرصد معتقد است و وقوع آن راه هم نزدیک می‌بیند، هر قدر آن وضعیت موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش برای تحقق آن بیشتر خواهد بود. البته این دوست داشتن تنها زمانی به وجود می‌آید که مؤمنان تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت داشته باشند تا نه تنها از آن نترسند، بلکه برای وقوعش لحظه‌شماری کنند.

چهارم: دوست داشتن خود امام عصر علیه‌السلام: هر کس محبت و علاقه‌اش به امام زمان علیه‌السلام بیشتر باشد، ظهور ایشان را بیشتر دوست می‌دارد و قهراً انتظارش نسبت به ظهور ایشان بیشتر و قوی‌تر خواهد بود.

^۱ - به نقل از کتاب سلک منتظران، سید محمد بنی هاشمی، ص ۲۷

^۲ - برای توضیح بیشتر رک به کتاب «معرفت امام عصر علیه‌السلام»، ص ۳۵۰

فضیلت انتظار

در روایات اسلامی، مقام و منزلت والایی برای منتظران فرج امام زمان علیه السلام بیان شده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم، وجود نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام در فضیلت انتظار فرموده‌اند:

- ۱- «إنتظار الفرج عبادة»^۱ «انتظار فرج عبادت است.»
 - ۲- «أفضل العبادة إنتظار الفرج»^۲ «والاثرین عبادت انتظار فرج است.»
 - ۳- «أحبّ الاعمال إلى الله عزّ و جلّ إنتظار الفرج»^۳ «محبوب‌ترین کارها به سوی خداوند متعال انتظار فرج است.»
 - ۴- «أفضل أعمال أمّتی إنتظار الفرج من الله عزّ و جلّ»^۴ «برترین کارهای امت من انتظار فرج از خداوند است.»
 - ۵- «أفضل عبادة المؤمن إنتظار فرج الله»^۵ «برترین عبادت مؤمن انتظار فرج از جانب خداوند است.»
 - ۶- «أفضل جهاد أمّتی إنتظار الفرج»^۶ «بالاثرین جهاد امت من انتظار فرج است.»
 - ۷- «المنتظر لأمرنا كما تشحط بدمه في سبيل الله»^۷ «منتظر امر ما مثل کسی است که در خون خود در راه خداوند می‌غلتد.»
- از این روایات می‌توان به نکات زیر دست یافت:

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲

^۲ - ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۶۹

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳

^۴ - کمال الدین، ج ۲، ح ۱

^۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱

^۶ - همان، ج ۵۱، ص ۱۵۶

^۷ - همان

الف) انتظار فرج، بندگی خداوند متعال است و در مسیر باید همان گونه که خداوند اراده می کند حرکت کرد. (عبادة)

ب) والاترین جلوه‌ی بندگی خداوند انتظار است. (أفضل العبادة)

ج) انتظار فرج، سکون و توقف نیست بلکه کار و تلاش و تکاپو است؛ و پسندیده‌ترین و با فضیلت‌ترین کارهاست. (أفضل أعمال)

د) انتظار حرکت و عملی است که در تحقق احکام الهی و آرمان‌های توحیدی نقشی تعیین کننده دارد؛ از این رو خداوند بیشتر از سایر اعمال آن را دوست دارد. (أحب الأعمال)

ه) مؤمن منتظر ظهور را از ناحیه‌ی خداوند متعال طلب می کند و برای تحقق امر فرج بر دستورات الهی گردن می نهد. (من الله)

و) تلاش منتظر نه یک حرکت عادی، بلکه حرکتی مجاهد گونه است. (جهاد امتی)

ز) عظمت منتظر به قدری است که با شهدا مقایسه شده است. (كألتشحط بدمه)

ح) منتظر واقعی همانند شهدا جان و مال و هستی خود را در این راه مصرف می کند. (كألتشحط بدمه)

آثار انتظار

۱- صبر: شرایط بسیار دشوار عصر غیبت، مستلزم آن است که هر شیعه‌ی منتظری، در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها بایستد و از موجودیت و هویت خویش دفاع کند و صبرش، مغلوب حوادث نشود. امام رضا علیه السلام در رابطه با همراهی و ملازمت صبر و انتظار فرج فرموده‌اند: «ما أحسن الصبر و انتظار الفرج»^۱ «چه قدر نیکوست صبر و انتظار فرج».

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰

نتیجه‌ی صبر در انتظار، پیروزی است. امام کاظم علیه‌السلام در این زمینه می‌فرمایند: «هر کس صبر کند و انتظار کشد، به فرج و پیروزی می‌رسد و انتظار فرج بخشی از فرج است.»^۱ این مسأله چنان حیاتی است که صابران دوره‌ی انتظار، از گروندگان به غیب، بلکه از مفلحان و رستگاران شمرده شده‌اند؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «طوبی للصّابرين في غيبته! طوبى للمقسيمين في محبته... اولئك وصفهم الله في كتابه، فقال: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ و قال: ﴿اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم السفلحون﴾»^۲ «خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی علیه‌السلام! آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند وصف ایشان را در کتاب خود آورده‌است، آن‌جا که می‌گوید: کسانی هستند که به غیب ایمان آورده‌اند و همچنین آنان حزب الله هستند، آگاه باشید حزب خداوند همان رستگارانند.»

۲- امید: انتظار فرج، از آن جهت مورد تأکید و توصیه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته‌است که در شیعه‌ی منتظر، امید به آینده پدید می‌آورد و همین امید، نقش بزرگی در زندگی او دارد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «إنتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله فإن أحب الأعمال إلى الله عزّ و جلّ إنتظار الفرج مادامَ عليه المؤمن»^۳ «منتظر فرج (از جانب خدا) باشید و از رحمت و دست‌گیری خداوند ناامید نباشید. همانا دوست داشتنی‌ترین کارها در پیشگاه خداوند عزّوجلّ انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند.»

انتظار فرج یعنی در گرفتاری‌ها امید به رحمت خداوند داشتن؛ هر قدر اعتقاد به توحید در انسان قوی‌تر باشد، انتظار فرج در او بیشتر و شدیدتر می‌شود. به همان اندازه که یأس از رحمت خداوند، مبعوض ذات مقدسش می‌باشد، انتظار فرج، محبوب اوست.

^۱ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۱۱

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳

^۳ - خصال، ج ۲، ص ۶۱۶

همچنین منتظر به در راه بودن می‌اندیشد نه رسیدن، و چون امیدوار است، در راه رسیدن به هدف کار می‌کند. و هر چه امیدش در این راه بیشتر باشد یقیناً سعی و تلاشش هم بیشتر خواهد بود، همان‌گونه که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «كُلُّ مَنْ رَجَا، عُرِفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ»^۱ «هر کس امید داشته باشد، این امید از عمل وی شناخته می‌گردد.»

۳- اصلاح و خودسازی: شاهد دانستن امام در همه‌ی امور - چه کارهای پنهانی و چه آشکار - سبب می‌شود تا منتظر فرج، دست از پا خطا نکند و همواره مسیری را در پیش بگیرد که به جلب رضای خاطر امامش، اطمینان حاصل کند. حفظ دین برای این شخص مهم‌تر از هر مسأله‌ی دیگری است و حاضر نیست به هیچ قیمتی و برای رسیدن به هیچ لذتی از کسب خشنودی امامش صرف نظر کند. این جاست که پرداختن به تهذیب نفس و شناخت راه‌های آن برای منتظر فرج اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»^۲ «هر کس دوست دارد از یاران قائم علیه‌السلام باشد باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.»

امام عصر علیه‌السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه‌ی شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فرا خوانده، می‌فرماید: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَةٌ فَجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَي حَوْبَةٍ»^۳ «پس هر یک از شما باید آن‌چه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه‌ی خود سازد و از هر آن‌چه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا امر ما به یکباره و

^۱ - نهج البلاغه فقیهی، ص ۵۰۲، خطبه‌ی ۱۵۸

^۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۰۷

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶

ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.»

۴- آماده کردن خود برای پیوستن به امام علیه‌السلام: زندگانی منتظر فرج

امام زمان علیه‌السلام با آرزوی یاری کردن امام علیه‌السلام و امید پیوستن به ایشان شکل می‌گیرد و این نوع زندگی خود از بالاترین فرج‌ها برای مؤمن منتظر می‌باشد. بنابراین او خود را برای نیل به آرزوی بزرگش آماده می‌کند. و برای رسیدن به این مقصود، در قدم اول، رابطه‌ی خود را با امام علیه‌السلام قوی‌تر می‌سازد. رابطه با امام عصر علیه‌السلام این است که انسان خود را ملزم سازد که در هیچ امری از ایشان فاصله نگیرد و در همه‌ی امور زندگی با حضرتش اتصال و ارتباط داشته و مقیند به تبعیت از ایشان باشد.

دومین قدم در ایجاد آمادگی برای پیوستن به امام علیه‌السلام این است که منتظر، همه‌ی نیروهای مادی و معنوی خود را در جهت یاری امام علیه‌السلام و در خدمت برآورده شدن اهداف ایشان قرار دهد.

۵- تربیت منتظران راستین: یکی از درخواست‌های منتظران واقعی از

خداوند متعال این است که: «وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَي طَاعَتِكَ»^۱ «و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار ده که مردم را به فرمان‌برداری از تو فرا می‌خوانند.»

با کمی تأمل در مفهوم این دعا در می‌یابیم که بودن جزء دعوت‌کنندگان به امام عصر علیه‌السلام در دولت ایشان آرزوی هر منتظری است لیکن باید دانست که این امر میسر نمی‌گردد مگر این که از دعوت‌کنندگان به حضرت، در دوران غیبت ایشان نیز باشد.

در واقع منتظران واقعی امام عصر علیه‌السلام تنها به آماده کردن خود برای استقبال از ایشان و پیوستن به حضرتش راضی نمی‌شوند، بلکه خود را موظف می‌دانند که این آمادگی را در سایر مؤمنان نیز ایجاد کنند و در حقیقت به تربیت منتظران واقعی می‌پردازند.

^۱ - مفاتیح الجنان، دعای افتتاح

از امام صادق علیه السلام در توضیح آیهی «مَنْ أَحْيَاهَا فَكأنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً»^۱ سؤال شد، فرمودند: «مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى، فَكأنَّمَا أَحْيَاهَا، وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ، فَقَدْ قَتَلَهَا»^۲ «هر کس انسانی را از گمراهی به سوی هدایت نجات دهد، گویی که او را زنده نموده. و هر که او را از راه صحیح به گمراهی بکشاند، هر آینه او را کشته است.»

مناجات منتظران

۱- دعا برای سلامتی حضرت

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحِجَّةُ ابْنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلِيَّ آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيّاً وَ حَافِظاً، وَ قَائِداً وَ نَاصِراً، وَ دَلِيلاً وَ عِيناً، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً، وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً»^۳

«بار خدایا! برای نماینده‌ات حضرت حجت بن الحسن، که درود تو بر او و پدرانش باد، در این ساعت و در تمامی ساعات، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و دیده‌بان باش. تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرما.»

این دعا در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان آمده است و بر این امر تأکید شده است که هر طور برایت امکان دارد و تا زمانی که زنده هستی، آن را تکرار کن.

نکته‌ی قابل توجه در این دعا این است که هر چند طبق وعده‌ی الهی حضرت زنده و باقی هستند، تا زمانی که پرچم توحید و عدل را در همه‌ی جهان به اهتزاز در آورند، ولی بالأخره بشر هستند و همانند سایر ائمه ممکن است در معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی قرار گیرند و از این نظر دعای ما برای سلامتی

^۱ - مائده / ۳۲

^۲ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب احیاء المؤمن، ح ۱

^۳ - مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

حضرت و حفظ ایشان از این آفات و حوادث، بدون شک در سلامتی وجود آن عزیز عالم وجود و آخرین در صدف امامت و ولایت، مؤثر و مفید است.

۲- دعا برای تجدید عهد و پیمان با حضرت

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنَّا وَ لِأَزْوَالِ أَبْدَانِ»^۱

«بار خدایا! من در این صبحدم و در ابتدای این روز، و تمامی ایام زندگانیم، بیعت و پیمان و قراردادی را با آن عزیز می‌بندم که هیچ‌گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم.»

و عهدمان با امامان این است که:

«... فابذل نفسي و مالي و ولدي و أهلي و جميع ما خولني ربي بين يدك و التصرف بين أمرک و نهيک و هو عهدی إليك»^۲ «... پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر آن چه که پروردگارم به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان‌ها و فرامینت، تقدیم می‌کنم و این همان من با توست.»

پس باید با ایشان برای انجام خواسته‌ها و آرمان‌هایشان عهد ببندیم (عهداً) و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (عقداً) و در نهایت با ایشان بیعت کرده و دست در دست ایشان نهاده و دل و سر به ایشان بسپاریم (بیعةً).

۳- دعا برای ظهور حضرت

«اللهم ... عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ أَوْسِعْ مَنَاجِزَهُ»^۳ «بار خدایا! در گشایش اسورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش گسترش ده.»

امام رضا علیه‌السلام در یکی از بهترین لحظات نیایش خود در قنوت نماز جمعه این چنین ظهور را از خداوند طلب می‌کنند که: «اللهم أصلح عبدک و خلیفتک

^۱ - مفاتیح الجنان، دعای عهد

^۲ - همان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه‌السلام

^۳ - همان، دعای عهد

بما أصلحت به أنبياء و رُسُلِكَ وَ حُفَّهُ بِمَلَانِكِكَ وَ أَيْدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ ...»^۱ «بار
الها! کار ظهور بنده‌ی شایسته و خلیفه‌ی راستینت را اصلاح فرما! همان‌گونه که کار
پیامبران و فرستادگانت را اصلاح نمودی، از سوی خویش و به وسیله‌ی روح القدس،
او را یاری و پشتیبانی فرما ...»

در دعای دیگری هم که از وجود مقدس حضرت مهدی علیه‌السلام در تعجیل
فرج خودشان نقل شده چنین آمده است:

«يا نورَ التور يا مدبّرَ الأمور ... اجعل لي و لشيعتي مِنَ الضيق فرجاً و مِنَ الهمّ
مخرجاً و أوسع لنا المنهج و أطلق لنا من عندك ما يفرج»^۲ «ای نور روشنایی و ای تدبیر
کننده‌ی امور ... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی‌ها قرار
بده و راه (پیروزی) را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آن‌چه فرج ما را برساند بر
ما ارزانی دار.»

امام صادق علیه‌السلام نیز در حالی که اشک می‌ریختند با خود زمزمه
می‌کردند که: «سَيَدِي غَيْثُكَ نَفْتٌ رُقَادِي وَ ضَيْقَتِ عَلِيٍّ مِهَادِي وَ الْبَثْرَتِ عَنِّي رَاحَةٌ
فُوَادِي»^۳ «سرور من، غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و زمین را بر من تنگ کرده
و آسایش قلبی را از من برده است.»

۴- دعا برای جزء یاران و همراهان حضرت بودن

«اللهم اجعلني من أنصاره و أعوانه، و الدّابّين عنه، و المُسارِعِينَ إليه في قضاء
حوائجه و الممثلين لأوامره و المُحاميين عنه و السّابقين إلي إرادته و المُستشهادين بين يديه»^۴
«خداوندا! مرا از یاران و کمک‌رسانان و حمایت‌کنندگان و مدافعان آن
بزرگوار قرار ده، جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سویش
می‌شتابند، جزو دسته‌ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند، جزو

۱- جماع الاسبوع، سید بن طاووس، ص ۲۵۶

۲- المصباح، کفعمی، ص ۳۰۵

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۱

۴- مفاتیح الجنان، دعای عهد

حمایت کنندگان از او و پیشی گیرندگان بر انجام امور دلخواه او و شهادت طلبان در پیش روی او قرار ده.»

همه‌ی این مضامین با اهتمام و جدیت در امر رسیدگی به نیازهای روحی و معنوی مؤمنان در زمان غیبت امام علیه‌السلام قابل وصول می‌باشند. در دعای امام رضا علیه‌السلام نیز آمده است:

«وَجَعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيكَ ... وَ جَعَلْنَا فِي حِزْبِهِ ... حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّبَةَ سُلْطَانِهِ»^۱ «و ما را از کسانی قرار ده که دین خود را به وسیله‌ی آن‌ها غلبه می‌دهی و به به سبب ایشان یاری ولی خود را عزت می‌بخشی ... و ما را جزء حزب ایشان قرار بده ... تا آن‌جا که ما را در قیامت در زمره‌ی یاران و یاوران و تقویت کنندگان سلطه‌ی ایشان محشور فرمایی.»

پرسش

- ۱- تفاوت نزدیک دانستن ظهور و عجله در امر ظهور حضرت علیه‌السلام در چیست؟
- ۲- آثار تربیتی انتظار را بیان کنید؟
- ۳- منتظران ظهور از نظر فردی چه وظایفی دارند؟
- ۴- در روایات ائمه‌ی معصومین علیه‌السلام چه اجر و ثوابی برای صبر کنندگان در امر فرج منظور است؟
- ۵- ارتباط دعا کردن برای فرج و انتظار در چیست؟

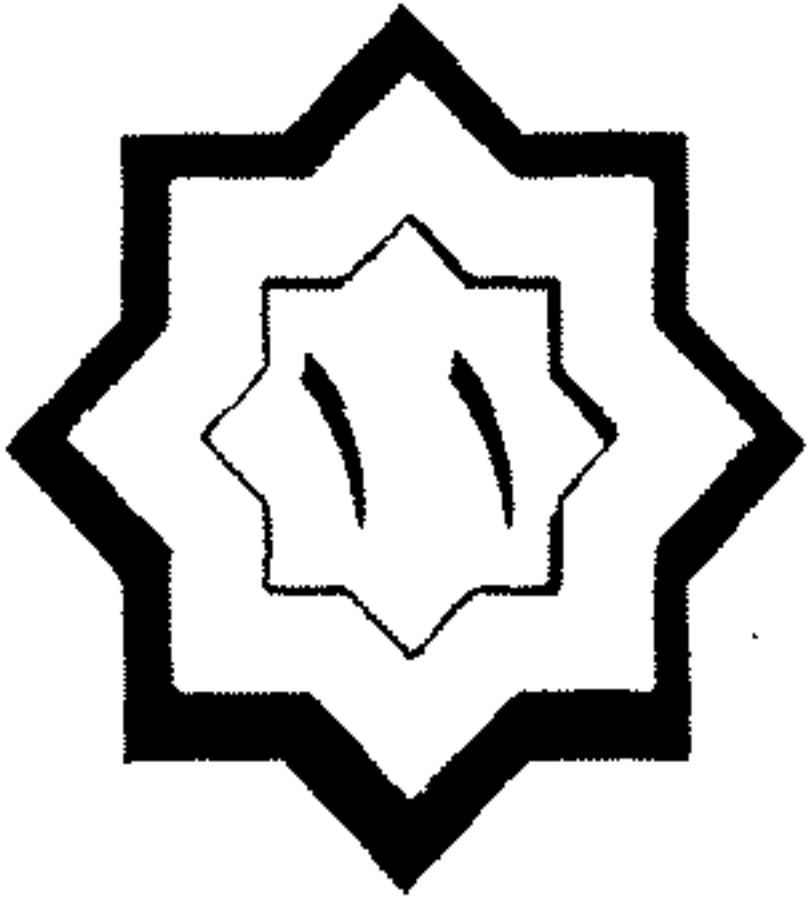
^۱ - جمال الاسبوع، ص ۳۰۹

عرضه‌های پژوهش

- ۱- نقش انتظار در اندیشه‌ی سیاسی شیعه پس از غیبت کبری.
- ۲- سیمای منتظران و ترسیم الگوی انسان منتظر.
- ۳- بررسی مقوله‌ی انتظار از دیدگاه روانشناسی.
- ۴- بررسی مقوله‌ی انتظار از دیدگاه جامعه‌شناسی.
- ۵- انتظار منجی در ادیان و مکاتب.
- ۶- نقش انتظار در خودسازی و پویایی اجتماع.

معرفی منابع

- ۱- استراتژی انتظار (۳جلد)، اسماعیل شفیعی سروستانی.
- ۲- سلوک منتظران، سید محمد بنی هاشمی.
- ۳- نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک.
- ۴- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۱۹۹ - ۲۲۵.
- ۵- انتظار، بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی سروستانی.
- ۶- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، صص ۲۵۷ - ۳۳۵.
- ۷- انتظار پویا، آیت الله آصفی.
- ۸- شناخت زندگی‌بخش، ابراهیم شفیعی سروستانی، صص ۹۱ - ۱۱۱.



مهدی یاوران

اهمیت موضوع

اوصاف و ویژگی های یاوران امام مهدی (ع) در قرآن

ویژگی های یاوران حضرت در آیینه روایات

هر جنبش و انقلابی، به یاران و همراهانی نیاز دارد. یارانی که ستون‌های انقلاب‌اند و سنگینی آن را به دوش می‌کشند. سستی و استواری هر یک از این دو، با سستی و استواری دیگری ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ یعنی هر اندازه حجم بنای انقلاب کمتر باشد، پایه‌های آن از استحکام کمتری برخوردار خواهد بود و به هر میزان که آن بنا، بلندتر و گسترده‌تر باشد، به ستون‌های محکم‌تری نیاز خواهد داشت. با نگاه به حجم و گستردگی این بنا می‌توان دریافت بر چه ستون‌هایی، افراشته شده؛ همچنان که با تأمل در اهداف و غایات آن نیز می‌توان، میزان، حجم ابزار، وسایل مورد نیاز و پدیدآورندگان آن را پیش‌بینی کرد.

در این نوشتار، به دنبال تبیین ویژگی‌های یاوران امام مهدی علیه‌السلام و همراهان ایشان هستیم. کسانی که در حرکت جهانی ایشان، به مثابه‌ی بازوان نیرومند آن حضرت، در خدمت ایشان و اهدافشان هستند.

اهمیت موضوع

۱- یکی از مهم‌ترین شرایط ظهور امام مهدی علیه‌السلام فراهم شدن یاران کارآمد است؛ یاران، همراهان و هم‌زمانی کارآمد و توانمند، که با فقدانشان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی‌های یاران حضرت و

تلاش در راه کسب آن‌ها، در واقع تلاش برای زمینه‌سازی ظهور و فرا رسیدن آن روز مبارک است.

۲- آگاهی از ویژگی‌های یاوران امام زمان علیه‌السلام معیاری است که به کمک آن، می‌توانیم خود را محک زده و بدانیم که آیا در زمره‌ی یاران آن حضرت قرار داریم یا نه؟

برترین یاران حضرت مهدی علیه‌السلام افراد مخصوصی هستند که در اولین فرصت، خود را به حضرت می‌رسانند. در روایات تعداد آنان ۳۱۳ نفر به عدد اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ بدر، مشخص شده است.

امام صادق علیه‌السلام به نام فضیل بن عمر فرمودند: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلِيٍّ مِنْبِرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا أَهْلُ الْبَدْرِ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلِيٌّ خَلَقَهُ»^۱ «گویا می‌نگرم قائم علیه‌السلام را بر منبر کوفه که سیصد و سیزده نفر به عدد اهل بدر، پیرامونش گرد آمده‌اند، آن‌ها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین برای خلق اویند.»

یاران خاص که از آن‌ها به اصحاب امام مهدی علیه‌السلام یاد می‌شود، چهره‌های حکومتی و اجرایی ایشان هستند. آن‌ها انسان‌هایی عادل، مقتدر، فقیه و کارآمدند که در تثبیت حکومت جهانی مولای خود نقش اساسی دارند.

در برخی از روایات، یاران امام مهدی علیه‌السلام ده هزار نفر یاد شده و این‌گونه آمده که تا آنان نیایند، قیام صورت نمی‌گیرد. امام صادق علیه‌السلام در این‌باره می‌فرمایند:

«سَيُصَدُّ وَ سَيُزَدُّ نَفْرَ يَارَانِ بَا أَوْ بَيْعَتِ مِي كُنُنْد. أَوْ تَا هُنْكَامِ كَامَلِ شُدْنِ دِهْ هَزَارِ نَفْرِ دَرِ مَكَّة، اِقَامَتِ مِي كُنْد وَ سِيَسِ رَهْسِيَارِ مَدِينَه مِي شُود.»^۲ معنای روایت این

^۱ - کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۷۲

^۲ - ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۳

است که یاران امام زمان علیه السلام منحصر در ۳۱۳ نفر نیستند، بلکه این تعداد کسانی هستند که در ابتدای قیام آن حضرت به گرد ایشان جمع می‌شوند.^۱

در آیات و روایات اگر چه از صفت‌هایی به عنوان ویژگی‌های یاران حضرت یاد شده است؛ اما بدون تردید، یکی از پیام‌های این روایات، برشمردن شرایط آرمانی یک منتظر است. اهدافی که یک منتظر واقعی برای خود ترسیم کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آن‌ها به کار بندد و اوج‌هایی که یک شیعه در تمام قرن‌ها و عصرها بدان‌ها چشم دوخته، خود را در مسیر دست یافتن بدان‌ها قرار دهد.

الف) اوصاف و ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام در قرآن

حرکت بزرگ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بدون برخورداری از امدادهای ویژه‌ی الهی، هرگز به آرمان‌های خود دست نخواهد یافت. توجه به وجود این تأییدات الهی، تأثیر شگرفی بر روان یاران امام بر جای خواهد گذاشت. یقین به آن امدادها، باعث می‌شود، ذره‌ای در درستی آرمان‌ها و مسیر خود تردید نکنند.

۱- آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی مائده

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود باز گردد (به خداوند زیانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراس ندارند. این فضل خداست که هر کس بخواهد و شایسته بیند، می‌دهد و (فضل) خداوند وسیع و خداوند داناست.»

۱- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند: «هُم اصحابُ القائمِ علیه السلام»^۱
 «آنان یاوران امام قائم علیه السلام هستند.» همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:
 «صاحب این امر، در پرتو این آیه (در حمایت چنین یارانی آگاه و دلاور) محفوظ
 است.»^۲

آیهی مبارکه، ویژگی یاران را این گونه ترسیم می کند:

۱- محبوب و دوستدار خداوند: يُحِبُّهُمْ و يُحِبُّونَهُ: خداوند آنان را دوست دارد و
 آنان او را دوست دارند.

۲- دوستی با دوستان خدا: أذِلَّةٌ عَلَيِ الْمُؤْمِنِينَ: در برابر مؤمنان، متواضع و
 فروتن هستند.

۳- دشمنی با دشمنان خدا: أُعِزَّةٌ عَلَيِ الْكَافِرِينَ: در برابر کافران سرسخت و
 نیرومند هستند.

۴- مجاهد در راه خدا: يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: در راه خدا جهاد می کنند.

۵- استوار و ثابت قدم: لَا يُخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ: از سرزنش هیچ ملامت‌گری
 هراس ندارند.

۲- آیهی ۱۰۵ سورهی انبیاء

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ «و ما
 بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار و صالح من زمین را به ارث
 خواهند برد.»

امام باقر علیه السلام فرمودند: «مراد از بندگان صالح، اصحاب حضرت مهدی
 علیه السلام هستند که در آخر الزمان می آیند.»^۳

^۱ - منتخب الأثر، آیت اله صافی گلپایگانی، ص ۴۷۵

^۲ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۷

^۳ - اثبات الهداة، باب ۳۲، ح ۴۱۹

در جای دیگری از قرآن خداوند ویژگی‌های عبد صالح را این گونه بیان می‌دارد:

﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾^۱ «به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای نیک از دیگران پیشی می‌گیرند و در حقیقت آنان از صالحین هستند. و هر کار نیکویی که انجام می‌دهند و هرگز درباره‌ی آن ناسپاسی نبینند و خداوند با متقین است.»

بنابراین بر اساس آیه‌ی شریفه ویژگی یاران حضرت علیه‌السلام به شرح زیر است:

- ۱- ایمان به خدا و روز قیامت دارند: يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
- ۲- امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند: يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
- ۳- سبقت گیرنده در نیکی‌ها هستند: يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ
- ۴- کار ایشان مورد تقدیر اله قرار می‌گیرد: وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ
- ۵- باتقوا و پرهیزکارند: وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

۳- آیه ۶۲ سوره‌ی یونس:

شاید بتوان گفت در میان همه‌ی ویژگی‌هایی که برای یاران امام منتظر برشمرده شد، یک ویژگی از همه بارزتر و با اهمیت‌تر است و آن این که آن‌ها مصداق کامل «اولیاء الله» هستند که در قرآن کریم بدان اشاره شده است، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ «آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی‌شوند.»

امام صادق علیه‌السلام در روایتی ویژگی پیروان امام زمان علیه‌السلام را چنین بیان می‌کند: «طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره أولئك

^۱ - آل عمران / ۱۱۴ و ۱۱۵

أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ «خوشا به حال شیعیان قائم علیه السلام که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیای خدا هستند، همان‌ها که نه ترس آن‌ها را فرا می‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند.»

امام علی علیه السلام نیز در وصف یاوران امام علیه السلام می‌فرماید: «... يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ وَ لَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ ...»^۲ «خداوند دل‌های آنان را به هم نزدیک می‌کند. آن‌ها از هیچ‌کس ترسان نمی‌شوند، و از این که کسی به آن‌ها بپیوندد، شادمان نمی‌گردند.»

این که انسانی از هیچ چیز ترسی به دل راه ندهد و از هیچ چیز اندوهگین نشود، تنها زمانی امکان‌پذیر است که جز خدا نبیند و به جز خدا نیندیشد و این کمال آدمی و بالاترین درجه‌ای است که یک انسان می‌تواند بدان دست یابد.

۴- آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی هود

«قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ» «(لوط) گفت: ای کاش در برابر شما، قدرت و اقتداری می‌داشتم یا به تکیه‌گاه استواری پناه می‌بردم.»
 صالح بن سعید از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «مراد از قوت، حضرت مهدی علیه السلام و مراد از رکن شدید، ۳۱۳ نفر از یاران وی می‌باشند.»^۳

از این آیه‌ی مبارکه اقتدار و قوت امام و یارانشان، حاصل می‌شود.

۵- آیه‌ی ۲۰۰ سوره‌ی آل عمران

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر

^۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴

^۲ - معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۰۰

^۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۱، باب ۳۲، ح ۶۵۴

دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.»

امام باقر علیه السلام درباره‌ی این آیه‌ی شریفه فرموده‌اند: «بر انجام واجبات و عبادات بردبار باشید و در برابر دشمن شکیبایی از خود نشان دهید و خود را برای یاری امام منتظر خود آماده‌ی نبرد سازید.»^۱

۶- آیه‌ی ۱۴۸ سوره‌ی بقره

﴿ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾

«هر جا باشید خداوند همه‌ی شما را (برای پاداش و کیفر در برابر نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند زیرا او بر هر کاری تواناست.»

ابوخالد از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که: منظور از آیه‌ی «أَيْنَمَا تَكُونُوا...» اصحاب حضرت قائم علیه السلام هستند که تعداد آن‌ها بیشتر از سیصد و ده مرد هستند و فرمود: «و آن‌ها هستند به خدا سوگند «امت معدوده» و آن‌ها در یک ساعت گرد هم می‌آیند مانند پاره‌های ابر پاییز (که کنار هم جمع می‌شوند).»^۲

از دیگر آیاتی که تأویل به یاران حضرت می‌گردد عبارت است از:

۱- آیه‌ی ۸ سوره‌ی هود.

۲- آیه‌ی ۴ تا ۷ سوره‌ی اسرا

(ب) ویژگی‌های یاوران حضرت در آینه‌ی روایات

۱- بینش عمیق: یاران امام مهدی علیه السلام از بینشی عمیق و ژرف، نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی برخوردارند:

الف) بینش عمیق نسبت به حق تعالی

اساسی‌ترین ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام، معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت آن چنان استوار است که نه شبهات در آن خللی

^۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۱، باب ۳۲، ح ۴۵۹

^۲ - روضه الکافی، ص ۳۱۳

ایجاد می کند و نه تردیدها و شکها در حریمش راه می یابد. امام علی علیه السلام می فرمایند:

«رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»^۱
 «مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته اند، و آنان یاوران مهدی علیه السلام در آخر الزمان اند.»

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

«رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبْرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ»^۲ «آنان مردانی اند که گویا دل هایشان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.»

این باور آن قدر با صلابت و استوار است که مرارتها و مصیبتها، در آن خللی ایجاد نمی کند و بلاها و امتحانات، آرامشش را به تلاطم نمی افکند و شبهات و سوالات در آن رخنه ای ایجاد نمی کند. آنان، از سرچشمه ی توحید ناب، سیرابند و به حضرت حق - آن چنان که شایسته است - اعتقاد دارند. امام علی علیه السلام در این باره می فرمایند: «فَهُمُ الَّذِينَ وَحَّدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ»^۳ «آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند.»

حرم دل هایشان را بت های نفس، ثروت، و مقام نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند حضور ندارد. نتیجه ی این بینش عمیق، ایمان و تقواست. این دو را هم در چهره ی عبادت ها و راز و نیازشان می توان دید و هم در آیینه ی تلاشی که در طریق عبادت و بندگی حضرت حق دارند.

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹ / منتخب الأثر، ص ۶۱۱

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

^۳ - يوم الخلاص، ص ۲۲۴، به نقل از بشارت الاسلام، ص ۲۲۰

ب) بینش عمیق نسبت به امام علیه‌السلام

یاران امام مهدی علیه‌السلام، امام خود را می‌شناسند و به او اعتقاد دارند. امام سجاد علیه‌السلام در این خصوص فرموده‌اند: «... الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»^۱ «آنان به امامت امام مهدی علیه‌السلام اعتقاد راسخ دارند.»

این معرفت شناخت شناسنامه‌ای و دانستن نام و نشان ایشان، و دانستن اسم پدر و مادر و محل تولد ایشان نیست؛ بلکه معرفت به «حق ولایت» است. یعنی، فهم این حقیقت که ایشان از من، به من نزدیک‌تر و سزاوارترند. نتیجه‌ی این بینش عمیق، محبت و اطاعت است.

ج) بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

یاران حضرت در اهداف بلند پایه و حرکت فراگیرشان، آرمان‌های کم ارزش و اهداف کم مایه را دنبال نمی‌کنند. با تأمل در خویشتن و استعداد‌های شگفت‌انگیزشان، عظمت قدر خود را می‌یابند و مسیر بودن دنیا و سالک بودن خویش را می‌فهمند. آنان با این نگاه به معبودی پیوند می‌خورند که از تمام کاستی‌ها و زشتی‌ها مبرا است و می‌تواند آنان را سرشار و ظرفیت‌هایشان را تکمیل کند.

عمق و ژرفای این نگاه آنان را از سیل امتحانات، سرافرازانه بیرون می‌برد: «إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ إِتْلُوا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ» وَ إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ يُتْلُونَ بِمِثْلِ ذَلِكَ»^۲ «سپاهیان طالوت، با نهر آبی آزمایش شدند، همان که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: «(خداوند) شما را با نهر آبی می‌آزماید»، و یاران امام مهدی علیه‌السلام نیز مثل آنان آزمایش می‌شوند.»

همچنین آنان را مشتاق شهادت و لقای الهی می‌کند: از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که: «... وَ يَمُنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳ «آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند.»

^۱ - منتخب الأثر، ص ۲۴۴ / بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ص ۳۳۶

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

۲- عبادت و بندگی: یاران امام مهدی علیه السلام از پیشوای خود الگو گرفته و روزها و شبها را با ذکر شیرین حق سپری می کنند. معرفت و ایمان در قلب هایشان ریشه دوانده و ایشان را به خضوع در برابر حق تعالی و تلاش در مسیر بندگی سوق می دهد. در این جا به بررسی روایاتی که عبادت و بندگی یاوران حضرت را توصیف می کند، می پردازیم:

الف) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مورد آنان می فرماید: «مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»^۱ «آنان در طریق عبودیت اهل جدیت و تلاشند.»

ب) امام صادق علیه السلام، عبادت و راز و نیاز یاوران امام مهدی علیه السلام را این گونه ترسیم می کنند: «لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ، كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حَزَنًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۲ «در دل شب، از خشیت خداوند، ناله هایی دارند مانند ناله ی مادران پسر مرده.»

ج) در روایتی دیگر آمده است: «رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَيَّ أَطْرَافَهُمْ وَ يُسَبِّحُونَ خِيُولَهُمْ»^۳ «مردان شب زنده داری که زمزمه ی نمازشان، مانند نغمه ی زنبوران کندو به گوش می رسد. شبها را با شب زنده داری سپری می کنند و بر فراز اسبها، خدا را تسبیح می گویند.»

د) امام صادق علیه السلام همچنین در مورد آنان می فرماید: «قَوَّامٌ بِاللَّيْلِ صَوَّامٌ بِالنَّهَارِ»^۴ «شبها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می برند.»

۳- محبت: دل های یاران امام مهدی علیه السلام، سرشار از محبت ایشان است. این علاقه مندی تا بدان حد است که حتی زین اسب ایشان را مایه ی برکت می دانند و به آن تبرک می جویند: امام صادق علیه السلام می فرماید: «يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ»^۵ «به عنوان تبرک بر زین اسب امام دست می کشند.»

^۱ - همان، ج ۳۶، ص ۲۰۷

^۲ - يوم الخلاص، ص ۲۲۴

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

^۴ - يوم الخلاص، ص ۲۲۴

^۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

به جهت همین عشق آتشین، آنان در آوردگاه رزم، ایشان را مانند نگینی در بر می‌گیرند و جانشان را سپر بالایشان می‌کنند: امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «يَحْفُونَ بِهِ وَ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ فِيهِمْ»^۱ «در میدان رزم، آنان او را در میان می‌گیرند و در جنگ‌ها با جان خود، از ایشان محافظت می‌کنند.»

چه بسیار است فاصله‌ی میان ما و یاران او، چرا که ما از جان و حتی وقت خود، برای ایشان سهمی قرار نداده‌ایم و چه اهداف و آرمان‌هایی از ایشان که به جهت سستی ما بر زمین مانده و چه دعوت‌هایی از ایشان که بی‌پاسخ مانده است!!!

۴- اطاعت: مقدم داشتن خواست حضرت، بر خواست خود از دیگر شاخصه‌های یاوران امام مهدی علیه‌السلام است. امام صادق علیه‌السلام در این خصوص فرموده‌اند: «هُمْ أَطْوَعُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا»^۲ «اطاعت آنان از امام، از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است.»

آنان نیک می‌دانند که حق، با امام است و امام با حق. آنان به بهانه‌ی نواندیشی از امام خود سبقت نمی‌گیرند و گر چه پشت سر ایشان در حرکتند ولی پای از دام‌ها برمی‌گیرند، تا از ایشان فاصله نگیرند. آنان نه تنها مطیع‌اند، بلکه بر خلاف بسیاری که بهانه‌ی فقدان زمینه، امکانات، سختی راه و ... را دارند، از خدمت به ایشان و اهدافشان شانه خالی نمی‌کنند. در اطاعت ایشان، اهل جدیت و تلاشند و برای بر زمین نماندن آرمان‌های ایشان، خود را به آب و آتش می‌زنند و از هیچ کوششی فرو گذاری نمی‌کنند: «... مُجِدِّونَ فِي طَاعَتِهِ»^۳

۵- شجاعت: اگر جهاد و مبارزه جهانی و فراگیر است، پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور و عزم‌هایی پولادین داشته باشند؛ چرا که بدون آن،

^۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

^۲ - همان

^۳ - پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یوم‌الخلاص، ص ۲۲۳

قدم‌ها یارای حرکت نخواهد داشت: اهل بیت علیهم‌السلام آنان را این گونه توصیف می‌کنند:

الف) امام علی علیه‌السلام در وصف شجاعت آن‌ها می‌فرماید: «كُلُّهُمْ لِيُوثُ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هَمَّوْا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا»^۱ «همه شیرانی‌اند که از بیشه‌ها خارج شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا بر می‌کنند.»

ب) امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «جُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ»^۲ «دل‌هایشان چون پاره‌های آهن شده است.»

ج) امام سجاد علیه‌السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا»^۳ «به هر کدامشان نیروی چهل مرد داده شده است.» «لَوْ مَرَّوْا بِالْجِبَالِ لَقَطَعُوهَا» «اگر به کوه‌های آهن روی آورند، آن‌ها را قطعه قطعه می‌کنند.»

د) امام باقر علیه‌السلام در مورد شجاعت و دلیری یاران می‌فرماید: «أَلْقِيَ الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَخَرَجَ مَهْدِينَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرِي مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضِي مِنَ السَّنَانِ وَ يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَتَيْهِ وَ يَقْتُلُ بِكَفْيِهِ»^۴ «امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و چون امر ما واقع شود و مهدی ما خروج کند، هر کدام از دوستان ما از شیر دلیرتر و از نیزه بران‌تر شوند و دشمنان را پایمال کنند و با دست و چنگ بکشند.»

۶- بردباری: در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام مهدی علیه‌السلام مشکلات و مصائب فراوانی را به جان می‌خرند ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را هیچ می‌پندارند و به جهت هجوم سختی‌ها و تحمل مشقت‌ها، بر خداوند منت نمی‌گذارند: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «قَوْمٌ ... لَمْ يَمْنُؤْا عَلَيَّ بِاللَّهِ بِالصَّبْرِ وَ لَمْ يَسْتَعْظَمُوا بِذَلِّ

^۱ - يوم الخلاص، كامل سليمان، ص ۲۲۴

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶

^۳ - همان

^۴ - اتبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۱۳

أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ»^۱ «یاران مهدی علیه السلام کسانی اند که به جهت بردباری شان بر خداوند منت نمی گذارند و از این که نقد جان خویش را در کف اخلاص نهاده اند، احساس بزرگی نمی کنند»

۷- یک دلی: یاوران امام مهدی علیه السلام، یک رنگ و یک دل اند: امام علی علیه السلام در مورد آنان می فرماید: «قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ»^۲ «یاران مهدی علیه السلام دل هایی متحد دارند.» امام صادق علیه السلام در مورد آنان می فرماید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْقَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبِي وَ أُمِّ»^۳ «اصحاب قائم علیه السلام به گونه ای با هم معاشرت می کنند مانند این که از یک پدر و مادر هستند.»

و این نیست مگر به این سبب که هواها و خودخواهی ها از جانیشان رخت بر بسته و به جای آن، خداخواهی و خدا پرستی نشسته است. با این اتحاد و یک رنگی است که می توان به اهداف جهانی دست یافت و آرمان های الهی را تحقق بخشید. سپاهی که از اختلاف و چند دلی رنج می برد، چگونه می تواند سرافرازانه بام دنیا را فتح کند، در دعای افتتاح هم، ما خود را راغب و مشتاق دولتی می خوانیم که نفاق و دو رویی در آن خوار و ذلیل است. «اللَّهُمَّ إِنَّا نُرْغَبُ أَلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ ... نُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ»

۸- ایشار: آن حرکت گسترده، برای هدایت و سازندگی است، نه جهان گشایی و زمین گیری. جهاد، مقدمه ی این آرمان الهی است و آن چنان که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از حق اهل بیت علیهم السلام خود چشم می پوشاندند، تا دیگران به رفاه برسند و از این رهگذر، دل های کافران را نرم و نسبت به دین متمایل می کردند.

یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز، سختی ها را به جان می خردند و از خوشی ها و لذایذ چشم می پوشند و با دست های مهربانشان، خوبی ها و خوشی ها را به دیگران

^۱ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۲۹

^۲ - یوم الخلاص، ص ۲۲۶

^۳ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰

هدیه می دهند؛ تا از این رهگذر، قلبها را نرم کنند و رهیندگان را به دامان پر از مهر و محبت دین برگردانند.

۹- علم و بصیرت: امام علی علیه السلام در سخنان زیبایی، مراتب فضل و کمال علمی یاران موعود آخر الزمان را چنین توصیف می کنند: «ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلِ، تُجَلِي بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارَهُمْ، وَ يُرْحِي بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَ يُغْبِقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ»^۱ «پس گروهی در آن فتنه ها صیقلی می شوند. مانند صیقل دادن آهنگر، شمشیر را، دیده های آنها به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته است. در شب، جام حکمت را به آنها می نوشانند بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند.»

امام سجاد علیه السلام نیز در مورد قوت عقل و اندیشه ی یاوران امام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغِيَّةُ عِنْدَهُمْ بِمَثَلَةِ الْمَشَاهِدَةِ»^۲ «خداوند تبارک و تعالی آنها را آن چنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده است که غیبت امام برای آنان به منزله ی مشاهده و حضور در آمده است.»

آری، یاران امام علیه السلام، همچنان که در بالاترین درجه ی تقوی و پرهیزگاری قرار دارند، از نظر کمال علمی نیز در بالاترین درجه قرار گرفته و از جام حکمت الهی و معرفت دینی، چنان که باید، سیراب گشته اند.

۱۰- نظم: امام علی علیه السلام در مورد نظام عمومی که بر یاوران حضرت علیه السلام حاکم است می فرماید: «كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ وَ الرَّيِّ وَ الْوَحْدِ وَ الْقَدِّ وَ الْوَحْدِ وَ الْجَمَالِ وَ الْوَحْدِ وَ اللَّبَاسِ وَ الْوَحْدِ»^۳ «گویا آنان را می نگرم، در شکل و هیأتی یکسان، قد و قامتی برابر و در جمال و برازندگی همانند و هم لباسند.»

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴

^۲ - همان، ص ۱۲۲

^۳ - ملاحم و الفتن، سید بن طاووس، ص ۱۴۸

پرسش

- ۱- آیهی ۵۴ سورهی مائده چه ویژگی‌هایی را برای یاوران امام زمان علیه‌السلام نقل می‌کند؟
- ۲- یاران امام زمان علیه‌السلام تا چه اندازه امام خود را می‌شناسند؟
- ۳- در روایات معصومین علیه‌السلام، عبادت و تقوای یاوران چگونه ترسیم شده است؟
- ۴- شوق شهادت در نتیجهی کدام یک از ویژگی‌های یاوران حاصل می‌شود؟
- ۵- اکثریت یاوران حضرت علیه‌السلام را چه گروهی تشکیل می‌دهند؟

عرصه‌های پژوهش

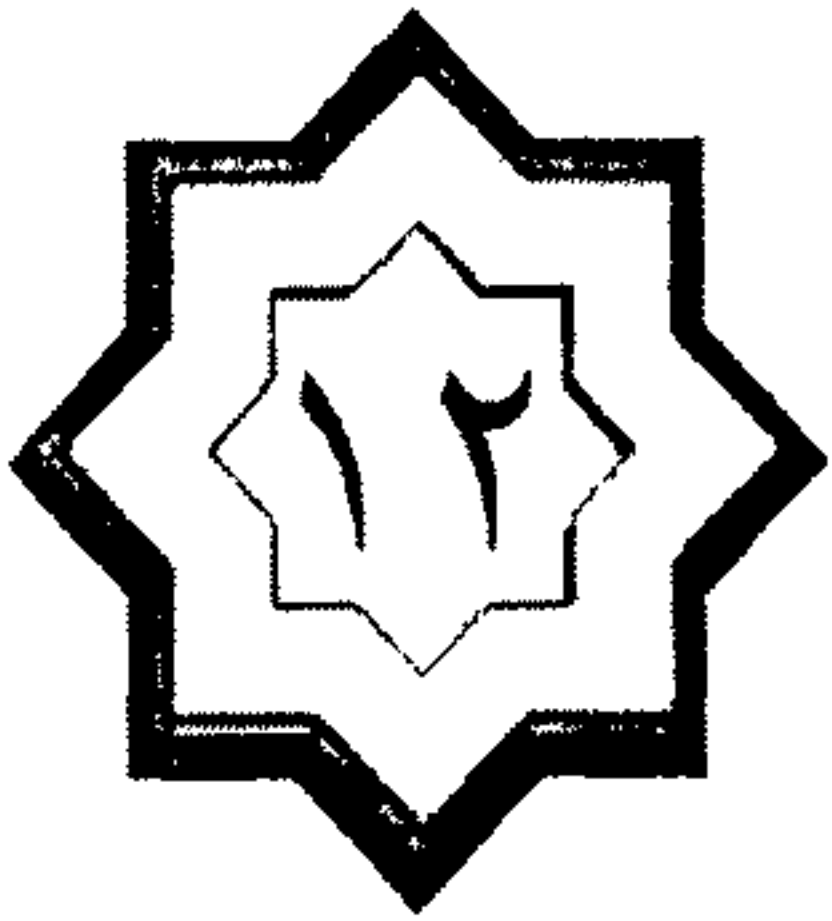
- ۱- عوامل زمینه ساز در تربیت یاوران امام علیه‌السلام.
- ۲- نقش جوانان و بانوان در ظهور حضرت.
- ۳- نقش ایرانیان در زمینه‌سازی برای ظهور و یاری‌رسانی به ایشان.
- ۴- ویژگی یاوران در دوران ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام.
- ۵- تفاوت یاوران امام مهدی علیه‌السلام با یاوران سایر ائمه‌ی بزرگوار

علیهم‌السلام.

- ۶- نقش جوانان در تحقق انقلاب‌ها در طول تاریخ.

معرفی منابع

- ۱- چشم به راه مهدی، موافقان و مخالفان مهدی علیه‌السلام، سید عباس رضوی، صص ۳۶۴ - ۳۸۴.
- ۲- سیمای آفتاب، دکتر حبیب‌الله طاهری، صص ۲۲۷ - ۲۴۲.
- ۳- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۳، مهدی یاوران، نصرت‌اله آیتی، صص ۷۳ - ۹۳.
- ۴- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۵، دولت زمینه‌ساز، مسعود پور سید آقایی، صص ۱۹ - ۵.
- ۵- پرچم هدایت، محمد رضا اکبری، صص ۱۱۰ - ۱۳۰.
- ۶- ره‌توشه‌ی مهدی یاوران.



شرایط قیام و نشانه های ظهور

شرایط و علائم

شرایط ظهور

نشانه های ظهور

در میان مباحثی که به قیام و ظهور برمی‌گردد، بحث شرایط و علایم ظهور برای مردمان زمان غیبت، جایگاه خاصی دارد. با توجه به میل فطری عدالت‌خواهی در آدمیان، مردم از همان صدر اسلام نسبت به وجود مقدس مصلح کل - نسبت ویژه پیدا کرده سخن از بزرگ مردی گفته‌اند که با ظهورش دامن ظلم برچیده می‌شود و زمین روی آرامش به خود می‌بیند. اکنون جای این سؤال است که آیا تحقق انقلاب جهانی امام مهدی علیه‌السلام مشروط به شرایط خاصی است؟ آیا برای پیدایش آن نشانه و علامتی وجود دارد؟ به راستی با توجه به مخفی بودن زمان ظهور و وجود مخالفان و سودجویان، آیا مردم دچار حیرت و سرگردانی نمی‌شوند؟

این‌جاست که بحث شرایط و علایم ظهور جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و توجه مردم را به خود جلب می‌کند. مردمی که نه روی امام خود را دیده و نه صدای ایشان را شنیده‌اند و تنها بر اساس عقل و روایات موجود، حضور و ظهور ایشان را باور دارند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی در وصف مردمان آخرالزمان، فرمودند: «یا علی! وَاَعْلَمُ أَنَّ اَعْجَبَ النَّاسِ اِيمَانًا وَ اَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُ فِي اٰخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَجَبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَاٰمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ»^۱ «ای علی بدان

^۱ - کمال‌الدین، ج ۱، ب ۲۵، ح ۸

که شگفت‌انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم‌ترین آن‌ها از جهت یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان خواهند بود، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ندیده و از امام نیز محجوبند ولی به سیاهی که بر سفیدی قرار گرفته (از روی احادیث و نوشته‌ها) ایمان دارند.»

شرایط و علایم (تعریف و تفاوت)

تعریف

شرایط: شرایط به اموری گفته می‌شود که تحقق ظهور، وابسته به وجود آنهاست و تا آن‌ها محقق نشوند ظهوری در کار نخواهد بود.

علایم: علامت به معنی نشانه است و مراد از آن پیدایش پدیده‌ای است که با مقصود و مطلوب مرتبط بوده و آدمی را به سوی آن راهنمایی می‌کند. به عبارت دیگر مراد از علایم ظهور، آن دسته از حوادثی است که بر اساس پیش‌بینی پیشوایان معصوم، قبل و یا در آستانه‌ی ظهور واقع خواهد شد و تحقق هرکدام نوید نزدیک شدن قیام حضرت علیه‌السلام را می‌دهد.

تفاوت علایم و شرایط

۱- علایم فقط جنبه‌ی کاشفیت دارند، یعنی تحقق آن‌ها کاشف این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است ولی شرایط محقق ظهور هستند، یعنی تا آن‌ها نباشند ظهور محقق نخواهد شد.

۲- علایم لازم نیست در یک زمان جمع باشند و می‌توانند یکی پس از دیگری تحقق یابند، ولی شرایط باید در یک زمان جمع باشند تا پدیده‌ی ظهور، تحقق عینی یابد.

۳- علایم به طور پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر می‌توانند بروز کنند ولی شرایط به یکدیگر مرتبط‌اند.

۴- علایم از بین رفتنی است ولی شرایط پایدار و باقی است.

۵- علایم قابل شناخت بوده و معمولاً به وجود آن می‌توان پی برد ولی تحقق بعضی شرایط چندان قابل شناخت نیست و نمی‌توان به وجود آن آگاهی حتمی و کامل داشت.

شرایط ظهور

بنابر این که عالم هستی، عالم اسباب و مسببات است و با نگاهی به موجودات پیرامون خود به خوبی درمی‌یابیم که تحقق هر پدیده مشروط به شرایطی است. مثلاً برای آن که بذر گندم به خوشه‌ی پر بار گندم تبدیل شود نیاز به شرایطی دارد مانند وجود نور خورشید، آب کافی، زمین مناسب و کشاورزی دانا. در کنار این شرایط باید موانع رشد مانند آفات نیز از بین برود.

انقلاب جهانی بزرگ منجی عالم بشریت نیز دارای شرایطی است که با تحقق آن‌ها، ظهور آن بزرگ مرد امکان‌پذیر خواهد بود. صاحبان اندیشه و فکر با تأمل در پدیده‌ی انقلاب و با توجه به بیانات بزرگان دین، چهار شرط را برای انقلاب جهانی امام مهدی علیه‌السلام ذکر کرده‌اند.

الف) قانون جامع

هر جنبش و خیزشی که برای درهم شکستن وضع موجود جامعه و برقراری وضع مطلوب، به وجود می‌آید نیاز به دوگونه طرح و برنامه دارد:

۱- قانونی مناسب و کامل برای حرکت رو به رشد جامعه و تحقق آرمان‌ها و ارزش‌ها و رسیدن به وضعیت مطلوب.

۲- برنامه‌ای جامع برای مبارزه با ناهنجاری‌های موجود.

قیام جهانی حضرت بقیه الله علیه‌السلام نیز دارای چنین شرایطی است. خداوند بزرگ و مهربان، با علم و حکمت و قدرت بی‌نهایت خود و با آشنایی کامل از حالات و روحيات برترین مخلوق خود یعنی انسان‌ها، برنامه‌ای جامع و مناسب تدوین نموده تحت نام، دین اسلام و کتاب قرآن. این برنامه که با توجه به تمام ابعاد وجود آدمی تهیه شده و در اختیار خاتم الأنبياء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار گرفته بود توسط خاتم الأوصیاء امام مهدی علیه‌السلام اجرا می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَيَّ مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَيَّ كِتَابَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ»^۱ «سیرت و سنت او، سیرت و سنت من است. مردم را به دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگام دعوت می‌کند.»

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می‌فرمایند: «يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَا يَرِي نَكْرَهُ إِلَّا أَنْكَرَهُ»^۲ «بر اساس کتاب خدا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ زشتی‌ای نمی‌بیند، مگر این که آن را انکار می‌کند.»

(ب) رهبری

شرط دیگری که برای یک حرکت اصلاحی و سازنده مورد نیاز است، وجود رهبر و پیشوایی آگاه و توانمند و دلسوز است تا با آشنایی کاملی که از برنامه و هدف و زمینه‌ها و موانع دارد، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت اصلاحی را به درستی هدایت کرده و به سرانجام مطلوب برساند. از جمله ویژگی‌هایی که قرآن کریم برای یک رهبر ترسیم می‌کند، علم و آگاهی و توانایی و قدرت است. آن‌جا که وقتی خداوند طالوت را برای آنان برگزید و آنان اشکال کردند، پیامبرشان در جواب آنان چنین می‌فرماید: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفِيَهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»^۳ «گفت: خداوند او را بر شما برگزید و او را در علم و قدرت جسم وسعت بخشید.»

قیام بزرگ امام مهدی علیه السلام دارای این شرط هست. زیرا رهبر این حرکت عظیم و جنبش بزرگ جهانی، شخصیتی است که در دامان امامت پرورش یافته و به سرچشمه‌ی وحی متصل است و به قرآن و معارف دینی احاطه‌ی کامل دارد، میراث‌دار علوم انبیای گذشته بوده و مورد تأیید الهی است.

^۱ - کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۱

^۳ - بقره/۲۴۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «آگاه باشید که مهدی علیه السلام وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد.»^۱

ج) یاران

یکی از شرایط مهم برای پیروزی و به ثمر نشستن یک خیزش و انقلاب، وجود یاران و فدائیان جان بر کفی است که با برنامه و اهداف قیام آشنا و به آنها اعتقاد داشته باشند، و برای به فعلیت رساندن آنها آماده‌ی هر گونه تلاش و جان‌فشانی بوده و با تمام وجود به یاری رهبرشان همت گمارند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزند. روشن است که بدون یار و یاور نباید منتظر حرکت و اقدامی بود. هرچند برنامه و رهبر آماده باشد.

حضرت عیسی علیه السلام برای پیشبرد دین و اهداف مقدس الهی خود که همان دعوت به سوی خدا و حرکت به سوی او بود، سخن یاری سر داد که «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»^۲ «کیست یاور من به سوی خدا گردد؟ خواریون گفتند: ما یاوران خداییم».

از طرفی مگر می‌توان داستان صلح امام حسن علیه السلام را که به خاطر جدایی یاوران از ایشان، بر آن بزرگوار تحمیل شد، فراموش کرد؟ یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: فدایتان کردم، به خدا قسم من، شما و هر کس دوستدار شماست را دوست دارم. ای سرورم چه قدر شیعیان شما زیاد است. امام فرمودند: «آنان چند نفرند؟» گفت: بسیار زیاد. امام فرمودند: «می‌توانی آنان را بشماری؟» گفت: تعدادشان بیشتر از این‌هاست. امام فرمودند: «أَمَا لَوْ كَمَلْتِ الْعِدَّةَ الْمَوْصُوفَةَ ثَلَاثِمِائَةً وَ بَضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ» «آگاه باش هرگاه آن تعداد وصف شده، سیصد و ده نفر و اندی کامل شود، آن‌گاه، آن‌چه شما می‌خواهید، خواهد شد.»^۳

۱- نجم الثاقب، طبرسی نوری، ص ۱۹۳

۲- آل عمران/۵۶

۳- غیبت نعمانی، باب ۱۲، ح ۴

بنابراین با نگاهی گذرا به تاریخ به خوبی می‌توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکت‌ها و خیزش‌ها دریافت، به راستی چرا غیبت به وجود آمد؟ اگر مردم دست از یاری اهل بیت علیهم‌السلام بر نمی‌داشتند و آن‌ها را تنها نمی‌گذاشتند آیا ما از فیض امام بی‌بهره می‌ماندیم؟

با توجه به روایات این نکته روشن می‌شود که همان‌گونه که عدم همراهی غیبت‌ساز است، همراهی و یآوری، ظهور آفرین خواهد بود. امام مهدی علیه‌السلام برای قیام خود یاور می‌خواهند، همراهانی فداکار و جان‌برکف، درد آشنا و ایثارگر، یاورانی که تاب و تحمل سختی‌ها را دارند و تحت هیچ شرایطی امام خود را تنها نمی‌گذارند.

(د) آمادگی و پذیرش عمومی

یکی دیگر از شرایط بسیار مهم برای تحقق و پیروزی یک قیام و انقلاب، پذیرش مردمی است. باید مردم بخواهند و بپذیرند؛ چرا که اگر بهترین برنامه را برگزیده و رهبری عالم و توانا، با یارانی بی‌نظیر و از جان گذشته بخواهد در جامعه قوانین پیاده کند ولی مردم آن را پذیرا نباشند قطعاً به انجام نخواهد رسید. و این به آن جهت است که خداوند انسان‌ها را آزاد آفرید و به آنان حق انتخاب داد و ایشان را بر سرنوشتشان مسلط و حاکم گردانید. اگر حکومت اسلامی پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه ایجاد شد بدان جهت بود که مردم یثرب آن را خواستند و روزها، انتظار مقدم مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را کشیدند تا آن یگانه‌ی دوران و رحمت واسعه‌ی الهی شهر مدینه را به نور خود روشن و حاکمیت الهی را اعلام نمود.

و اگر ما نیز به دنبال تحقق حکومت مهدوی هستیم تا در پناه آن به بالاترین درجات رشد و کمال دست یابیم، باید ایشان را بر دیگران ترجیح دهیم. و با تمام وجود برای استقرار حکومتشان تلاش کنیم. «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلِيَّ اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنَ بِلِقَائِنَا»^۱ «اگر شیعیان ما که خداوند توفیق. طاعتشان دهد در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند همدل شوند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.»

^۱ - امام مهدی علیه‌السلام، احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۰، ش ۳۶۰

بر همین اساس است که وقتی بشیر به امام باقر علیه السلام عرض کرد: «إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِي لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا» «آنان می گویند که مهدی اگر قیام کند کارها، به خودی خود برای او برقرار می شود» امام در پاسخ فرمودند: «كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ سَتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ...» «هرگز چنین نیست. سوگند به آن که جانم به دست اوست اگر کارها به خودی خود برای کسی برقرار و رو به راه می شد مسلماً برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چنین می شد.»^۱

پس بر همه‌ی دوستداران و ارادتمندان است تا با تلاش و کوشش و برنامه‌ریزی مناسب، آمادگی برای ظهور آن بزرگ منجی را ایجاد کنند.

با توجه به چهار شرط ذکر شده روشن می شود که دو شرط برنامه و رهبر مهیا و فراهم است و وجود یاران و آمادگی عمومی، وابسته به تلاش و حرکت مردم و شیعیان است.

نشانه‌های ظهور

ظهور و قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام نشانه‌هایی دارد. دانستن این علایم، آثار مهمی در پی خواهد داشت، چرا که این نشانه‌ها نویدبخش فرج مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است و وقوع هر یک از آنها نور امید را در دل‌های منتظران پرفروغ‌تر خواهد کرد.

همچنین این نشانه‌ها معیار خوبی برای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت است. بنابراین اگر کسی ادعای مهدویت کرد ولی قیام او همراه با این نشانه‌ها نبود، به سادگی می توان به دروغ گو بودن او پی برد.

نشانه‌های ظهور به دو دسته تقسیم می شوند: نشانه‌های حتمی و نشانه‌های غیر حتمی. چنان که فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمودند: «إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مَوْقُوفَةً وَأُمُورًا مَحْتَمَةً وَأَنَّ السُّفْيَانِيَّ مِنَ الْمُحْتَمِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ»^۲ «به

^۱ - غیبت نعمانی، ب ۱۵، ح ۲

^۲ - همان، ص ۴۲۹

درستی که بعضی از امور، امور موقوف (غیر حتمی) هستند و بعضی امور حتمی و به درستی که سفیانی از امور حتمی است که چاره‌ای از آن نیست.»

۱- نشانه‌های حتمی

منظور از نشانه‌های حتمی آن است که تحقق پدیدار شدن آن‌ها، بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود، به گونه‌ای که تا آن‌ها واقع نگردند، حضرت مهدی علیه‌السلام ظاهر نخواهد شد و اگر کسی پیش از واقع شدن نشانه‌های حتمی، ادعای ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را بکند، ادعایی است نادرست. از روایات معصومین، استفاده می‌شود که منظور از «حتمی» امری قطعی و مسلم است که خداوند تغییر و تبدیل آن‌ها را اراده نکرده است.^۱

البته باید توجه داشت که حتمی و یا مسلم بودن وقوع این نشانه‌ها، به این معنی نیست که پدید نیامدن آن‌ها محال است، بلکه به حسب فراهم بودن شرایط و مقتضیات و نبودن بازدارنده‌ها، پدید آمدن آن‌ها، اگر خداوند اراده کند، قطعی است.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «پیش از ظهور قائم علیه‌السلام پنج نشانه‌ی حتمی

است؛ یمانی، سفیانی، صیحه‌ی آسمانی، قتل نفس زکیه، و خسف پیدا.»^۲

الف) خروج سفیانی

سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور از سرزمین شام قیام می‌کند. امام صادق علیه‌السلام در توصیف او می‌فرمایند: «اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم رامشاهده کرده‌ای.»^۳

آغاز قیام او در ماه رجب است. وی پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق حمله می‌کند در آن‌جا به کشتار گسترده‌ای دست می‌زند و با دشمنان خود به شکل فجیعی رفتار می‌کند. او لشگری را برای مقابله با حضرت مهدی علیه‌السلام به حجاز می‌فرستد که لشگرش در منطقه‌ی پیدا فرو می‌رود و همه‌ی لشگریانش نابود

^۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹

^۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۶۵۰

^۳ - همان، ج ۲، ص ۵۵۷

می‌گردند. حکومت او به گونه‌ای است که شیعیان و انسان‌های درست‌کردار از حاکمیت وی در رنج و عذاب هستند.^۱ براساس بعضی روایات، از خروج تا کشته شدن او پانزده ماه به طول می‌انجامد.

(ب) خسف بیدا

خسف به معنای فرو رفتن است و بیدا منطقه‌ای میان مکه و مدینه است. مقصود از خسف بیدا این است که سفیانی برای مقابله با امام مهدی علیه‌السلام لشکری به سمت مکه روانه می‌کند. هنگامی که لشکر او به منطقه‌ی بیدا می‌رسد، به صورتی معجزه آسا در زمین فرو می‌رود.

امام باقر علیه‌السلام در این‌باره فرموده‌اند: «به فرماندهی سپاه سفیانی خبر می‌رسد که مهدی علیه‌السلام به سوی مکه رفته است، پس لشکری در پی او روانه می‌کند ... چون لشکر سفیانی به سرزمین بیدا رسید، ندا دهنده‌ای از آسمان آواز می‌دهد: ای سرزمین بیدا، آنان را نابود کن. پس آن سرزمین لشکر را در خود فرو می‌برد.»^۲

امام علی علیه‌السلام نیز در تفسیر آیه‌ی ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَا قَوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾^۳ می‌فرمایند: «قبیل قائمنا المهدي يخرج السفیانی ... و یأتي المدینة جیشةً حتّی إذا انتهى إلى البیداء خسف الله به»^۴ «در آستانه‌ی ظهور قائم ما مهدی علیه‌السلام، سفیانی. خروج می‌کند ... سپاه وی به سوی مدینه حرکت می‌کند و چون به سرزمین بیداء می‌رسند، خداوند آن‌ها را در کام زمین فرو می‌برد.»

^۱ - کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲

^۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۸۹

^۳ - سبأ/ ۵۱

^۴ - ینابیع المودة، قندوزی، ص ۴۲۷

ج) خروج یمانی

یکی دیگر از علامت‌های حتمی ظهور، خروج یمانی است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «وَ الْيَمَانِي مِنَ الْمَحْتَمِ»^۱ «یمانی از علایم حتمی است.» وی که گویا مردی از یمن است، هم‌زمان با خروج سفیانی از شام قیام می‌کند و مردم را به حق و راستی و عدالت دعوت می‌کند. از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که: «خروج السّفياني و اليماني و الخراساني في سنة واحدة ... و ليس في الرايات راية أهدي من راية اليماني»^۲ «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال است ... و در مسان پرچم‌ها، هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی نیست.»

همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند: «... در میان بیرق‌هایی که قبل از قیام مهدی علیه‌السلام بلند می‌شود، پرچمی هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد. آن پرچم هدایت است، چون به سوی صاحب شما (امام مهدی علیه‌السلام) دعوت می‌کند.»^۳

د) صیحه‌ی آسمانی

یکی دیگر از نشانه‌هایی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتد، صیحه‌ی آسمانی است. این ندای آسمانی که براساس بعضی از روایات ندای جبرئیل علیه‌السلام است، در ماه رمضان شنیده می‌شود و از آن‌جا که قیام امام مهدی علیه‌السلام قیامی جهانی است و همگان منتظر آن هستند، یکی از راه‌های آگاهی مردم جهان از این رویداد، همین ندای آسمانی خواهد بود. در روایات غیر از صیحه، از تعبیری چون ندا، صوت، فزعت و ... نیز استفاده شده است. آن‌چه از روایات به دست می‌آید این است که:

۱- وقوع آن بشارت ظهور را به همراه خواهد داشت و به گونه‌ای خواهد بود که مردم را متوجه ظهور خواهد کرد.

^۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۵۲

^۲ - همان، ب ۱۴، ح ۱۳

^۳ - همان، ص ۲۸۴

۲- محتوا و مضمون دعوت، بیان حقانیت و ظهور دادگستر الهی، حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود به گونه‌ای که مردم به درستی آن را درک کرده و متوجه آن می‌شوند که وی همان موعود و منجی حقیقی می‌باشد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «يُنَادِي مَنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ، لَا يَبْقِي رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَامَ عَلَي رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنِ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ الرَّوْحِ الْأَمِينِ»^۱ «ندا کننده‌ای از آسمان، نام قائم را ندا می‌کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می‌شنود. از وحشت این صدا، خوابیده‌ها بیدار، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می‌ایستند. رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت گیرد و ندای وی را اجابت کند، زیرا صدای نخست صدای جبرئیل روح الامین است.»

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا نَادَى مَنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَي أَفْوَاهِ النَّاسِ وَ يَشْرَبُونَ حَبَّةً وَ لَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ»^۲ «هرگاه گوینده‌ای از آسمان صدا بزند که حق با اولاد محمد صلی الله علیه و آله وسلم است، آن هنگام، ظهور مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها می‌افتد، به گونه‌ای که غیر از او یاد نمی‌کنند.»

درباره‌ی محتوای این ندای آسمانی روایات مختلفی رسیده است. از جمله امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «ندا دهنده‌ای از آسمان به نام قائم علیه السلام و نام پدرش آواز می‌دهد.»^۳

ه) قتل نفس زکیه

نفس زکیه به معنای شخصی است که به رشد و کمال رسیده یا انسان پاک و بی‌گناهی است که قتلی مرتکب نشده. در قرآن کریم حضرت موسی علیه السلام در

^۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۵۴

^۲ - تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۷۶

^۳ - همان، ص ۱۸۷

اعتراض به کار حضرت خضر علیه‌السلام می‌فرمایند: «أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ»^۱ «آیا جان پاکی را بی آن که قتلی انجام داده باشد، می‌کشی».

مقصود از قتل نفس زکیه این است که اندکی پیش از قیام امام مهدی علیه‌السلام، شخصیت برجسته یا بی‌گناهی به دست مخالفان حضرت کشته می‌شود. زمان این رخداد بر اساس بعضی از روایات پانزده شب پیش از قیام امام مهدی علیه‌السلام است.

امام صادق علیه‌السلام در این‌باره فرمودند: «بین قیام قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب فاصله است»^۲.

۲- نشانه‌های غیر حتمی

منظور از نشانه‌های غیر حتمی، اموری است که رخ دادن آن‌ها قطعی نیست و ممکن است به دلیل عدم تحقق شرایط یا ایجاد مانع، به وقوع نپیوندند. نشانه‌های غیر حتمی بیان شده در روایات فراوان است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

خروج دجال (موجودی پلید و حيله‌گر که بسیاری از انسان‌ها را گمراه می‌کند)، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در ماه مبارک رمضان، آشکار شدن فتنه‌ها و قیام مردی از خراسان.

پرسش

- ۱- تفاوت‌های علایم ظهور و شرایط برپایی قیام را نام برید؟
- ۲- کدام یک از شرایط قیام حضرت محقق شده است؟
- ۳- از دیدگاه امام باقر علیه‌السلام نشانه‌های ظهور بر چند دسته‌اند و تفاوت هر دسته را بیان کنید؟
- ۴- چند نمونه از علایم غیر حتمی را با توجه به روایات بیان کنید؟

^۱ - کهف / ۷۴

^۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۴

عرصه‌های پژوهش

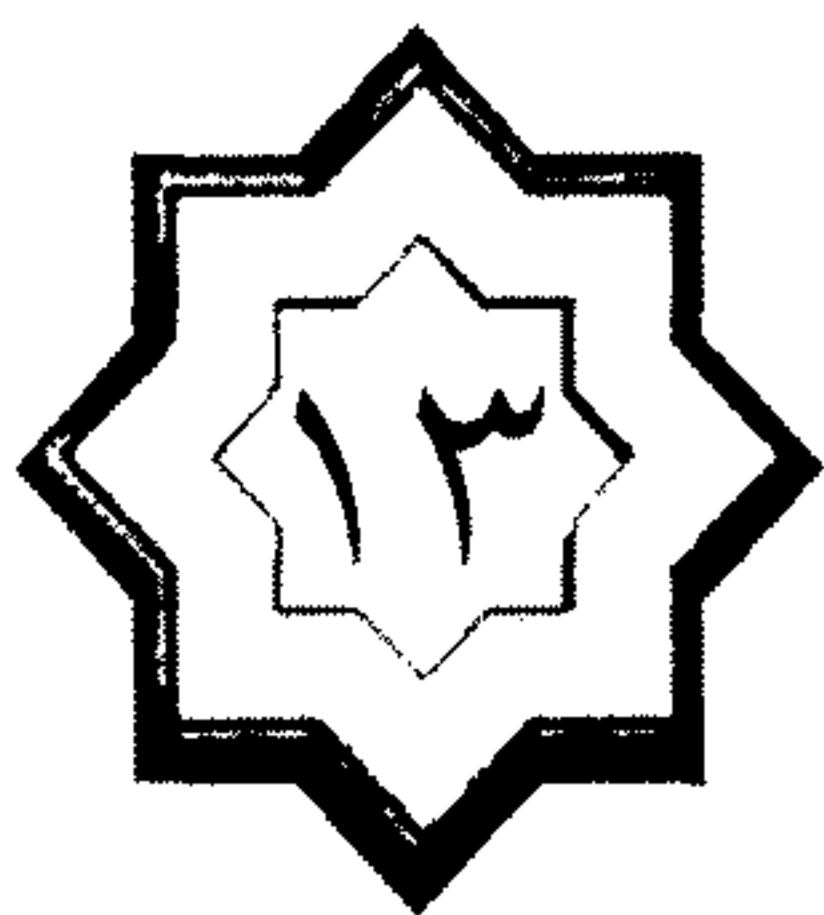
- ۱- شناسایی شرایط ظهور حضرت در جهان معاصر و گسترش آن‌ها.
- ۲- موانع قیام حضرت در عصر غیبت.
- ۳- قرآن کریم و نشانه‌های ظهور.
- ۴- سفیانی از ظهور تا افول.
- ۵- پژوهشی پیرامون شخصیت «یمانی» و نقش آن در قیام حضرت مهدی

علیه‌السلام.

- ۶- نقش «نفس زکیه» و «سید خراسانی» در قیام امام مهدی علیه‌السلام.
- ۷- راه‌های آشنا کردن اجتماع با حضرت علیه‌السلام و اهداف ایشان.
- ۸- شیوه‌های یاری امام زمان علیه‌السلام.

معرفی منابع

- ۱- نشانه‌های ظهور او، محمد خادمی شیرازی.
- ۲- عصر ظهور، علی کورانی.
- ۳- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۲۶۹ - ۲۷۹.
- ۴- چشم به راه مهدی، مقاله بررسی نشانه‌های ظهور، اسماعیل اسماعیلی.
- ۵- نشانه‌های ظهور امام زمان علیه‌السلام، سید بن طاووس.
- ۶- تاریخ عصر غیبت، سید محمد باقر صدر.
- ۷- سفیانی از ظهور تا افول، نصراله آیتی.
- ۸- پیشامدها و نشانه‌های آخرالزمان، ترجمه‌ی ملاحم و الفتن، سید رضی الدین علی بن طاووس (ره)، مترجم حجت الاسلام صادق حسن‌زاده.



حکومت

هدف تشکیل حکومت

برنامه های حکومت

دستاوردهای حکومت

ویژگی های حکومت

اداره‌ی سرزمینی به گستردگی دنیا، کار دشواری است که تنها با برخورداری از رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان‌پذیر است. آری امام علیه‌السلام برای اداره‌ی سرزمین‌ها افرادی را می‌گمارد که به غیر از مصالح اسلام و خشنودی خداوند، به چیز دیگری نمی‌اندیشند. روشن است، کشوری که مسئولانش دارای این ویژگی‌ها باشند، بر دشواری‌ها پیروز می‌شود و ویرانی‌های حکومت‌های پیشین با موفقیت به آبادانی تبدیل می‌گردد.

از سویی مردم جهان، دولت‌ها، احزاب و سازمان‌های بسیاری را دیده‌اند که مدعی بوده‌اند، اگر زمام امور را به دست گیرند، می‌توانند به جهان و جهانیان خدمت کنند و آرامش و امنیت را به ارمغان آورند، ولی در عمل هر کدام از دیگری بدتر رفتار کردند و جز فساد و کشتار و ویرانی چیزی به ارمغان نیاوردند.

هدف تشکیل حکومت

حکومت جهانی امام عصر علیه‌السلام در پی فراهم آوردن زمینه‌های بندگی خداوند منان رشد معنوی جامعه و رساندن انسان به سر حد کمال می‌باشد. اهمیت و زیبایی حکومت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در خداجویی و اعتلای کلمه‌ی توحید است.

بسیاری از روایات به زنده شدن انسان و جهان در پرتو انوار حیات بخش نهضت مهدوی بشارت داده و این موضوع را یکی از ویژگی‌های بارز این نهضت برشمرده‌اند. همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۱ «ای گروه مؤمنان! آن‌گاه که خداوند و پیامبر، شما را فرا می‌خوانند به سوی آن‌چه شما را زنده می‌کند، آن‌ها را اجابت کنید و به ندای آن‌ها لبیک گویند.»

در روایتی که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده، آن حضرت پس از اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيْنَا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۲ «بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی آیات خود را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید.» می‌فرماید: «یعنی بموتها کفر أهلها و الکافر میت، فیحیها الله بالقائم علیه‌السلام فیعدل فیها فیحی الأرض و یحیی أهلها بعد موتهم»^۳ «منظور از مردن زمین، کفر ورزیدن اهل آن است و کافر مرده است، پس خداوند آن را به ظهور حضرت قائم علیه‌السلام زنده خواهد کرد. پس او در زمین عدالت می‌ورزد، زمین را زنده می‌سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده می‌کند.»

در زیارت حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام در روز جمعه نیز از آن امام به عنوان سرچشمه‌ی زندگی یاد شده و آمده است: «السلامُ علیک یا عینَ الحیوةِ» «درود بر تو ای سرچشمه‌ی زندگی.»

و در دعای ندبه نیز از امام عصر علیه‌السلام به عنوان زنده‌کننده‌ی کتاب خدا و حدود آن و همچنین زنده‌کننده‌ی آثار دین و دین باوران یاد شده است: «أینَ المؤمنِ لِأحیاءِ الکتابِ و حُدودِهِ، أینَ مُحیی مَعالمِ الدِّینِ و أهْلِیهِ» «کجاست آن‌که برای زنده کردن کتاب و حدود آن به او امید بسته شده؟ کجاست زنده‌کننده‌ی آثار دین و دین باوران؟»

^۱ - انفال / ۲۴

^۲ - حدید / ۱۷

^۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸

حال با مشخص شدن نقش امام زمان علیه‌السلام در تحقق حیات معنوی انسان‌ها می‌توان به تصویری روشن از چگونگی تحقق حیات طیبه در عصر ظهور رسید. چون در آن عصر که عصر تجلی کامل ولایت الهی است، خداوند متعال به برکت وجود حضرت ولی عصر علیه‌السلام همه‌ی حجاب‌ها و موانعی را که پیش روی انسان‌ها وجود دارد برمی‌دارد و آن‌ها را به مراتب بالای ادراک، آگاهی و ایمان نائل می‌سازد تا جایی که همه‌ی مظاهر شرک، کفر، گناه، ظلم و بی‌عدالتی از زمین رخت برمی‌بندد و این‌جاست که آن حیات پاکیزه که انسان‌ها قرن‌ها به دنبالش بودند، محقق شده و آدمی امکان نیل به مراتب عالی کمال را پیدا می‌کند.

برنامه‌های حکومت

پس از آشنایی با هدف حکومت، باید به بررسی برنامه‌های حکومت برای رسیدن به آن پردازیم. با استفاده از روایات فراوانی که درباره‌ی دوران حکومت امام علیه‌السلام موجود است، سه محور عمده‌ی برنامه‌های آن حکومت عبارتند از برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های اقتصادی و برنامه‌های اجتماعی.

الف) برنامه‌ی فرهنگی

در حکومت جهانی امام مهدی علیه‌السلام تمامی فعالیت‌های فرهنگی، در مسیر رشد و تعالی علمی و عملی مردم خواهد بود و با جهل و نادانی در همه‌ی زمینه‌ها مقابله خواهد شد. مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی در حکومت حضرت عبارتند از:

۱. احیای کتاب و سنت

امام علی علیه‌السلام در بیانی رسا حکومت قرآنی امام مهدی علیه‌السلام را چنین توصیف کرده‌اند: «... يعطفُ الهوي علي الهدى إذا عطفوا الهدى علي الهوي، و يعطفُ الرأي علي القرآن إذا عطفوا القرآن علي الرأي...»^۱ «در روزگاری که هوای نفس حاکم است، امام مهدی علیه‌السلام ظهور می‌کند و هدایت و رستگاری را به جای هوای نفس

^۱ - نهج البلاغه، سید رضی، خطبه‌ی ۱۳۸

می‌نشانند و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را به قرآن توجه می‌دهد و آن را بر جامعه حاکم می‌کند.»

۲. گسترش معرفت و اخلاق

حکومت امام مهدی علیه‌السلام که حکومت خدا و ارزش‌های الهی بر جهان است، ترویج ارزش‌های اخلاقی را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «اِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَي رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا اخْلَاقَهُمْ»^۱ زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد، عقل‌ها و اخلاق ایشان را به کمال خواهد رساند.

۳. نهضت علمی

از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که فرمودند: «... تَأْسَعُهُمْ قَسَائِمُهُمُ الَّذِي يَمَلَأُ اللَّهُ — عَزَّوَجَلَّ — بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا ...»^۲ «... نهمین امام از فرزندان امام حسین علیه‌السلام قائم ایشان است که خداوند به دست او همه‌ی زمین را از روشنایی پر می‌کند، پس از آن که گرفتار تاریکی شده است و تمام زمین را از عدالت و دادگری سرشار می‌کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و سراسر عالم را از علم و دانایی بهره‌مند می‌کند پس از آن که به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد ...»

۴. مبارزه با بدعت‌ها

بدعت در مقابل سنت و به معنی نوآوری در دین و داخل کردن اندیشه‌ها و آرای شخصی در دین و دینداری است. امام علی علیه‌السلام در معرفی بدعت‌گذاران می‌فرمایند: «بدعت‌گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می‌ورزند و براساس رأی و هواهای نفسانی خود عمل می‌کنند.»^۳

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

^۲ - همان، ج ۳۶، ص ۲۵۳

^۳ - میزان الحکمه، ج ۱۶۳۲

امام باقر علیه‌السلام در توصیف زمان ظهور آن حضرت می‌فرمایند: «... و لا یتْرک بدعةً الا ازالها و لا سنّةً الا اقامها...»^۱ «هیچ بدعتی را وا نگذارد مگر این‌که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر این‌که آن را بر پا خواهد فرمود.»

ب) برنامه‌ی اقتصادی

در حکومت قرآنی حضرت مهدی علیه‌السلام برای اقتصاد جهان و مردم آن برنامه‌ی مطلوبی تدوین شده است که براساس آن اولاً امر تولید سامان می‌یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره‌برداری می‌شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه‌ی طبقات توزیع می‌شود.

۱. بهره‌وری از منابع طبیعی

در زمان حاکمیت آخرین حجت حق، همه‌ی زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می‌گیرد تا سرمایه‌ای کلان برای پی‌ریزی اقتصادی سالم فراهم شود. امام علی علیه‌السلام فرموده اند: «... و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها و لاخرجت الارض نباتها...»^۲ «... و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد...»

۲. توزیع عادلانه‌ی ثروت

امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند: «اذا قام قائم اهل البیت قسم بالسوية و عدل في الرعية»^۳ «وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند (اموال را) به تساوی تقسیم و میان خلق به عدالت رفتار می‌کند.»

ره‌آورد این مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهی‌دستی ریشه‌کن می‌شود و فاصله‌های طبقاتی از بین می‌رود.

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۸، ح ۱۱

^۲ - همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴

^۳ - غیبت نعمانی، ح ۲۶، ص ۲۴۲

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «... امام مهدی علیه السلام میان مردم به مساوات رفتار می‌کند، به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.»^۱

۳. عمران و آبادانی

در حکومت امام مهدی علیه السلام که امر تولید و توزیع ساماندهی می‌شود، همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد.

امام باقر علیه السلام در توصیف روزگار امام مهدی علیه السلام می‌فرمایند: «... فلا یبقی فی الارض خراب الا عمر...»^۲ «در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند جز این که آباد می‌شود.»

ج) برنامه‌ی اجتماعی

در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان بخشی اجتماع، برنامه‌هایی براساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام در نظر گرفته شده است که به سبب اجرای آن‌ها، محیط زندگی زمینه‌ای آماده برای رشد و تعالی افراد خواهد بود.

۱. احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر آن است که رییس حکومت و کارگزاران آن، امر کننده‌ی به خوبی‌ها و باز دارنده از زشتی‌ها باشند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «المهدی و اصحابه... یأمرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۳ «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.»

۲. مبارزه با فساد و رذایل اخلاقی

در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از یار غایب است، می‌خوانیم: «أَیْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّیْغِ وَ الْأَهْوَاءِ أَیْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْکِذْبِ وَ الْإِفْتِرَاءِ» «کجاست آن که

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۹۰

^۲ - کمال الدین، ج ۱، ح ۱۶، ص ۶۰۳

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷

ریسمان‌های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد کرد؟»

۳. اجرای حدود الهی

در حکومت امام مهدی علیه‌السلام با کسانی که راه تجاوز به حقوق دیگران و زیر پا گذاشتن احکام الهی را می‌پیمایند و چارچوب قانون را نمی‌پذیرند، به گونه‌ای شدید مقابله می‌شود تا سد راه تبه‌کاری آن‌ها شود و آن اجرای حدود الهی درباره‌ی مفسدان است.

در روایتی از حضرت جواد علیه‌السلام، در ضمن بیان خصوصیات امام مهدی علیه‌السلام آمده است: «او حدود الهی را اقامه (و اجرا) خواهد کرد.»^۱

۴. عدالت قضایی

حاکمیت عدل گستر امام مهدی علیه‌السلام پایان همه‌ی ظلم‌ها و نهایت همه‌ی حق‌کشی‌هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه‌هایی دادگستر ایجاد می‌کند و قاضیانی صالح و مجریانی دقیق و خداترس می‌گمارد تا به هیچ‌کس، در هیچ‌جای عالم کمترین ستمی نرود.

امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند: «فَإِذَا خَرَجَ اشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلَمُ أَحَدٌ أَبَدًا»^۲ «وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن شود و آن حضرت ترازوی عدالت در میان خلق نهد، پس (چنان عدالت را جاری کند که) هیچ‌کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.»

دستاوردهای حکومت

دستاوردهای انقلاب عظیم امام مهدی علیه‌السلام با آن هدف واقعی و اصیل و همچنین برنامه‌هایی که براساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام تنظیم شده، بسیار چشمگیر و قابل توجه است و در یک جمله باید گفت دستاوردهای حکومت

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۴

^۲ - همان، ص ۳۲۱

امام مهدی علیه السلام پاسخ‌گوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است.

۱- عدالت فراگیر

بزرگ‌ترین زخم پیکر جامعه‌ی بشری در طول تمامی قرون و اعصار گذشته، ظلم و ستم موجود در اجتماعات انسانی بوده است. و انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات روز شماری کرده و رسیدن به دوران شکوفایی عدالت را به انتظار نشسته است.

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی علیه السلام است. جالب است دانسته شود که عدالت و دادگری از آشکارترین دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام است، به گونه‌ای که در بعضی دعاها به آن لقب گرفته‌اند:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِي أَمْرِكِ الْقَائِمِ الْمُؤْمِلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ»^۱ «خداوندا! به ولی امر خود درود فرست. همان که قیام‌کننده‌ی آرمانی و عدالتی که همگان انتظارش را می‌کشند.»

از بررسی روایاتی که در زمینه‌ی ویژگی‌های حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام وارد شده، چنین برمی‌آید که در آن عصر، جهان با همه‌ی وسعتش در دایره‌ی حاکمیت عدل مهدوی قرار گرفته و هیچ جای جهان از حوزه‌ی نفوذ عدالت موعود خارج نمی‌ماند.

فراگیری عدالت و گسترش آن به حدی است که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «أَمَّا وَ اللَّهُ لَيَدْخُلَنَّ (القائم) عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقَسْرُ»^۲ «به خدا قسم، عدالت را در خانه‌های مردم خواهد برد آن‌چنان که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند.»

^۱ - مفاتیح الجنان، دعای افتتاح

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲

۲- رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

همه‌گیر شدن عدالت در جامعه، به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است و در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمانی مردم در حاکمیت امام مهدی علیه‌السلام تصریح شده است.

زنان نیز در آن دوران سعادت‌بار، در شناخت مبانی دین به پایگاه بلندی می‌رسند. همان‌طور که امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «وَتَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بَكْتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۱ «در زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام به همه‌ی مردم حکمت و علم بیاموزند تا آن‌جا که زنان در خانه‌ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قضاوت کنند.»

۳- اتحاد و همدلی

بر اساس روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی علیه‌السلام به سر می‌برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی به یکدیگر در دل‌های بندگان خدا نخواهد ماند.

امام صادق علیه‌السلام در وصف روزگار سبز مهدوی فرموده است: «وَيُؤَلَّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلَفَةٍ...»^۲ «در آن ایام، خداوند وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار می‌کند.»

۴- سلامت جسمی و روانی

در دولت کریمه‌ی مهدوی که روزگار عدالت‌گستری و حکومت فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست، بیماری‌های جسمی و روانی انسان از بین می‌رود.

امام صادق علیه‌السلام در این‌باره می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم علیه‌السلام قیام کند، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌کند و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند.»^۳

^۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۹

^۲ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۴۸

^۳ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴

۵- خیر و برکت فراوان

در بهار دولت امام زمان علیه السلام همه جا سبز و خرم می شود و نشاط و حیات می یابد. آسمان می بارد و زمین می رویاند و برکات الهی سرشار و بی شمار می شود.

به فرموده ی امام صادق علیه السلام: «... خداوند به سبب او (امام مهدی علیه السلام) برکات آسمان ها و زمین را جاری می کند. (در ایام دولت او) آسمان می بارد و زمین دانه می دهد»^۱.

۶- ریشه کن شدن فقر

وقتی همه ی منابع زمین برای امام مهدی علیه السلام آشکار شود، و برکات آسمان و زمین بر مردم زمان او بی دریغ جریان یابد و اموال بیت المال مسلمین به عدالت تقسیم شود، جایی برای فقر و تهی دستی نمی ماند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «... امام مهدی علیه السلام هر سال دو بار به مردم می بخشد و در هر ماه دو بار به آنها روزی (و نیاز زندگی) عطا می کند و در این کار به مساوات بین مردم عمل می نماید تا آن جا که به دلیل بی نیازی مردم، هیچ نیازمندی به زکات پیدا نمی شود...»^۲

فراوان شوند، از درون، روح بی نیازی در آنها پیدا می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف روزگار دولت مهدی علیه السلام فرموده اند: «... خداوند (روح) بی نیازی را در دل های بندگان قرار می دهد.»^۳

۷- حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قرآن کریم در سه جا وعده داده است که خداوند متعال دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد:

^۱ - غیبت طوسی، ص ۱۸۸

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ...»^۱ «او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند ...»

و شکی نیست که وعده‌ی خداوند محقق شدنی و تخلف‌ناپذیر است، چنان‌که در قرآن آمده است: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۲

ولی روشن است که با وجود همه‌ی مجاهدت‌ها و تلاش‌های بی‌دریغ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اولیای خدا علیهم‌السلام، تاکنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است؛ بنابراین در سایه حاکمیت آن ولی پروردگار بانگ توحید همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند: «... هر آینه (در زمان امام مهدی علیه‌السلام) دین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به هر جا که شب می‌رسد، خواهد رسید و عالم‌گیر خواهد شد به گونه‌ای که بر سطح زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان‌گونه که خداوند وعده کرده است.»^۳

۸- امنیت عمومی

در حاکمیت امام مهدی علیه‌السلام که دوران فراگیری همه‌ی خوبی‌ها در همه‌ی عرصه‌های زندگی است، امنیت که از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و از عالی‌ترین آرزوهای انسان است، به دست می‌آید.

امام علی علیه‌السلام فرمودند: «و بنا يدفع الله الزمان الكلب ... و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحنا من قلوب العباد، و اصطلحت السباع و البهائم حتى تمشي المرأة من العراق إلى الشام ... علي رأسها زينتها لا يهيجها سبغ و لا تخافه»^۴ «به دست ما و در حکومت ما روزگار سختی‌ها سپری می‌شود ... و چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون

^۱ - توبه / ۳۳، فتح / ۲۸، صف / ۹

^۲ - آل عمران / ۹

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵

^۴ - منتخب الاثر، ص ۴۷۴

رود و حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. (در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود) که زن با همه‌ی زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود ... و چیزی او را نترساند.»

۹- گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی آشکار می‌شود و دانش بشری به گونه‌ای غیرقابل تصور توسعه می‌یابد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفُ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعَشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يُبْثَّهَا سَبْعَةٌ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا»^۱ «علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه‌ی آن‌چه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار کند و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آن‌ها بیفزاید و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر کند.»

ویژگی‌های حکومت

در بخش‌های گذشته درباره‌ی هدف، برنامه‌ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه‌السلام سخن گفته شد. در پایان به برخی از ویژگی‌های حکومت می‌پردازیم:

الف) قلمرو و مرکز آن

تردیدی نیست که حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام حکومتی جهانی است، زیرا که او موعود همه بشریت و تحقق بخش آرزوهای همه‌ی انسان‌هاست.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «الْقَائِمُ مِنَّا ... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ...»^۲ «قائم علیه‌السلام از (خاندان

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶

^۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۶۰۳

پیامبر) است ... (او کسی است که) فرمانروایی او شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه‌ی ادیان غلبه می‌دهد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.»

مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان وسعت زیادی خواهد یافت، به گونه‌ای که شهر نجف را که در چند کیلومتری کوفه است، شامل می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «مرکز حکومت او (حضرت مهدی علیه‌السلام) شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت او مسجد بزرگ کوفه.»^۱

(ب) مدت حکومت

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی علیه‌السلام آغاز می‌شود، تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمان تکرار نخواهد شد.

خداوند بزرگ حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بشارت می‌دهد و در پایان می‌افزاید: «پس از آن که مهدی علیه‌السلام به حکومت رسید، دولت او را دوام خواهم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار (و حاکمیت زمین) را در دست اولیا و دوستان خود دست به دست خواهم کرد.»^۲

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام را بیان می‌کند، بسیار گوناگون است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «مهدی علیه‌السلام از فرزندان من است و بیست سال حکومت می‌کند.»^۳ و جابر بن عبد الله انصاری هم از امام باقر علیه‌السلام پرسید: امام زمان علیه‌السلام چند سال زندگی خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: «از روز قیام تا روز وفات، نوزده سال طول می‌کشد.»^۴

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱

^۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۴۷۷

^۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱

^۴ - غیبت نعمانی، ص ۳۳۱

امام صادق علیه السلام نیز درباره‌ی مدت حکومت ایشان فرموده‌اند: «(حضرت مهدی علیه السلام) هفت سال حکومت می‌کند که برابر هفتاد سال از سال‌های حکومت شماست.»^۱

بیان علامه مجلسی (ره) این است که: «روایاتی را که درباره‌ی مدت حکومت امام مهدی علیه السلام رسیده است، باید به این احتمال‌ها توجیه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره می‌کند و برخی به مدت ثبات و استواری حکومت. بعضی مطابق سال‌ها و روزهایی است که ما با آن آشناییم و بعضی مطابق سال‌ها و ماه‌های روزگار حضرت است که طولانی است و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.»

ج) سیره‌ی حکومتی امام

امام موعود، مهدی منتظر علیه السلام وقتی حکومت جهان را به دست گیرد، در تدبیر نظام جهانی خود روش و شیوه‌ی خاصی دارد از جمله این که ارزش‌های اسلامی و الهی را بر ویرانه‌های جاهلیت مدرن بنا خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَاللَّيْلُ الْجَاهِلِيَّةُ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»^۲ (امام مهدی علیه السلام) مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم عمل خواهد کرد. همان گونه که پیامبر آن چه از روش جاهلیت در میان مردم مرسوم بود از میان برد، همین گونه روش‌های جاهلی پیش از ظهور خود را از بین خواهد برد و اسلام را از نو پی‌ریزی خواهد کرد.

۱. سیره‌ی جهادی و مبارزاتی

امام مهدی علیه السلام با انقلاب جهانی خود بساط کفر و شرک را از گستره‌ی زمین برمی‌چیند و همگان را به دین مقدس اسلام دعوت می‌کند.

^۱ - غیبت طوسی، ص ۴۸۴

^۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۶

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در این باره فرموده‌اند: «شیوهی او (امام مهدی علیه السلام) شیوهی من است و مردم را بر آیین و شریعت من قرار می‌دهد.»^۱

البته آن حضرت در شرایطی قیام می‌کند که حق به گونه‌ای آشکار، معرفی شده و از هر نظر بر مردم جهان، حجت تمام شده است و تنها کسانی در جبهه‌ی باطل باقی می‌مانند که به کلی هویت انسانی و الهی خود را از دست داده باشند. این جاست که شمشیر برنده‌ی عدالت مهدوی از نیام برمی‌آید و کسی از آن‌ها را باقی نمی‌گذارد.

۲. سیره‌ی قضایی امام

امام مهدی علیه السلام در مقام قضاوت مانند حضرت سلیمان علیه السلام و حضرت داوود علیه السلام عمل می‌کند و همچون آن‌ها با علمی الهی که دارد حکم می‌کند و چنان به عدالت رفتار می‌کند که مطابق روایات، زندگان آرزو می‌کنند مردگان برگردند و از برکت عدل او بهره‌مند شوند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی قائم آل محمد قیام کند مانند داود و سلیمان علیهم السلام داوری می‌کند، یعنی شاهد و گواه طلب نمی‌کند.»^۳

۳. سیره‌ی مدیریتی امام

حضرت برای بخش‌های مختلف مناطق گوناگون عالم، حاکمانی از میان بهترین یاوران خود بر می‌گزیند و به صورت مداوم عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعَمَالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ»^۴ «علامت مهدی علیه السلام آن است که با کارگزاران خود شدید و دقیق است. دست بخشنده‌ای دارد و به مسکینان مهربان است.»

^۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۱۲۲

^۲ - الفتن، ص ۹۹

^۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷

^۴ - معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۲

۴. سیره‌ی اقتصادی امام

امام علیه‌السلام که مظهر عدالت و دادگری است، بیت‌المال مردم را ثروتی عمومی قرار می‌دهد که همگان در آن شریک‌اند به گونه‌ای که هیچ تبعیضی در آن راه نداشته باشد.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «اِذَا قَامَ قَائِمُنَا اضْمَحَلَتِ الْقَطَاعِ فَلَا قَطَاعِ»^۱ «زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع (زمین‌هایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود در آورده یا واگذار کرده‌اند) از بین می‌رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.»

د) سیره‌ی شخصی امام

امام علیه‌السلام در کرسی حکم‌فرمایی یادآور حکومت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمومنین علی علیه‌السلام است و با وجود آن که همه‌ی اموال و ثروت‌ها در اختیار اوست، در زندگی شخصی خود در پایین‌ترین سطح به سر می‌برد و به کمترین‌ها قناعت می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «اِنَّ قَائِمَنَا اِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيٍّ وَ سَارَ بِسِرَّتِهِ»^۲ «وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی علیه‌السلام را در بر می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد.»

او که درباره‌ی خود سخت‌گیر و دقیق است، با امت چون پدری مهربان است و آسایش و راحت آن‌ها را می‌خواهد به گونه‌ای که در روایت امام رضا علیه‌السلام این‌گونه توصیف شده است: «الامامُ، الانيسُ الرفيقُ و الوالدُ الشفيقُ و الاخُ الشفيقُ و الامُّ البرّه بالولد الصغیر مفرغ العشباد في الداهیه الناد»^۳ «امام، آن همدم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) است و مادر دلسوز به فرزند خردسال است و پناهگاه بندگان در واقعه‌ی هولناک.»

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸

^۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۵

ه) مقبولیت عمومی

از ویژگی‌های اساسی حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام این است که مقبول همه‌ی افراد و اجتماعات بشری است و نه تنها همه‌ی اهل زمین، که ساکنان آسمان نیز از آن حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر رضایت کامل دارند.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «شما را بشارت می‌دهم به مهدی علیه‌السلام ... اهل آسمان و زمین از او (و حکومت او) راضی‌اند. و چگونه ممکن است که کسی از حاکمیت مهدی علیه‌السلام ناراضی باشد و حال آن‌که برای همه‌ی جهانیان روشن می‌شود صلاح امر بشر و سعادت او در همه‌ی جنبه‌های مادی و معنوی تنها در سایه‌ی حکومت الهی آن حضرت میسر است.»^۱

پرسش

- ۱- برنامه‌های فرهنگی حکومت امام زمان علیه‌السلام را نام برید؟
- ۲- دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه‌السلام چیست؟
- ۳- وضعیت علم و دانش در دوران پس از ظهور چگونه است؟
- ۴- سیره‌ی مبارزاتی حکومت امام مهدی علیه‌السلام را شرح دهید؟

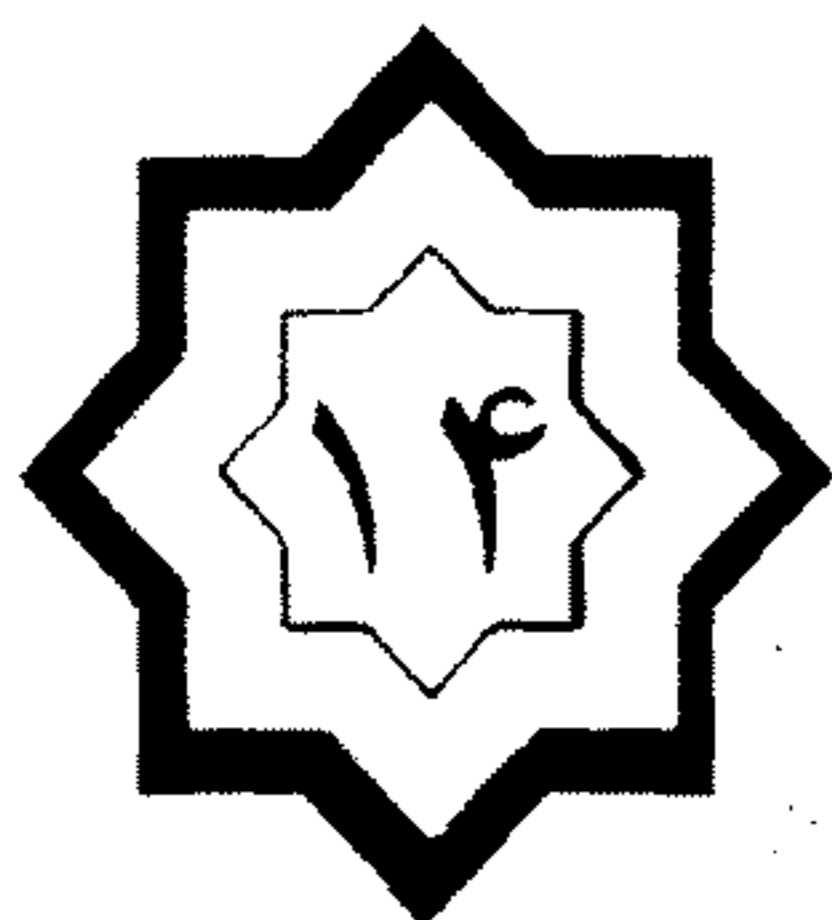
^۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱

عرصه‌های پژوهش

- ۱- صفات مدیران و کارگزاران حکومت عدل امام مهدی علیه‌السلام.
- ۲- رشد، صنعت و فن‌آوری در عصر ظهور.
- ۳- منابع مالی حکومت مهدوی.
- ۴- حکومت جهانی در قرآن.
- ۵- دولت کریمه در ادعیه.
- ۶- ابعاد عدالت مهدوی.
- ۷- قضاوت در دوران ظهور.
- ۸- راه‌های برقراری امنیت در دوران حکومت.
- ۹- احیای دین و سنت در حکومت مهدوی.
- ۱۰- تفاوت رجعت و تناسخ.

معرفی منابع

- ۱- عصر زندگی، محمد رضا حکیمی.
- ۲- روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه‌ی مهدی پور.
- ۳- حکومت جهانی امام مهدی علیه‌السلام، آیت الله مکارم شیرازی.
- ۴- عصر ظهور، علی کورانی.
- ۵- چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه‌السلام، نجم‌الدین طبسی.
- ۶- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۶، حکومت واحد جهانی حضرت، رحیم کارگر.
- ۷- فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۷، جهانی شدن و مقایسه‌ی آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام، حبیب‌اله طاهری.
- ۹- آینده‌ی جهان (دولت و سیاست در اندیشه‌ی مهدویت)، رحیم کارگر.
- ۱۰- سیمای آفتاب، دکتر حبیب‌اله طاهری.



رجعت

معنای رجعت

ویژگی های رجعت

تاریخچه رجعت

اهمیت رجعت

معاد و رجعت

ادله وقوع رجعت

تصریح ادعیه و زیارات به عقیده رجعت

آثار رجعت در زندگی معتقدان

رجعت یکی از عقاید حیات بخشی است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد. این عقیده ی نورانی به منتظران ظهور آن حضرت، آرامش بخشیده از سقوط در منجلاب فساد و خودباختگی جلوگیری نموده، به تلاش و کوشش مضاعف برای زمینه سازی حکومت جهانی و برچیده شدن ظلم و فساد و می دارد؛ زیرا فرد با این عقیده هرگز از درک محضر آن حضرت و شرکت در تشکیل حکومت جهانی ناامید نمی شود. لذا ائمه ی اطهار علیهم السلام این عقیده را یک بشارت و موهبت الهی، برای مسلمانان دانسته اند.^۱

معنای رجعت

رجعت با کلماتی چون «رجع، کرّ، عود، رتّ و ...» استعمال شده است که همه ی آن ها با قیودی، به معنای برگشتن است و جامع همه ی آن ها کلمه ی «رجع» است.^۲

راغب می گوید: رجوع به معنای برگشتن و برگرداندن به مکان، حالت و گفتار سابق است. «الرجعة» به معنای برگشتن به دنیا پس از مرگ است. وقتی گفته

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲

^۲ - التحقیق، مصطفوی، ج ۳ و ۴، ص ۵۶ و ...

می‌شود؛ فلانی ایمان به رجعت دارد؛ یعنی ایمان دارد که بعد از مرگ به دنیا برمی‌گردد.^۱

کلمه‌ی «رجع» در قرآن به همان معنای لغوی خودش استعمال شده‌است و مقصد رجعت کنندگان، خداوند^۲، حق^۳، مردم^۴، مکان^۵، دنیا^۶ و ... ذکر شده‌است.

ویژگی‌های رجعت

بر اساس آیات و روایات، ویژگی‌های رجعت به شرح زیر است:

۱- رجعت عمومی نیست، بلکه مخصوص عده‌ای از مؤمنان صالح و کافران معاند است و سرسلسله‌ی رجعت کنندگان انبیا و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و دشمنان آنها هستند. امام صادق علیه‌السلام در بیان این ویژگی می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحَضًا»^۷ «رجعت امری همگانی نیست، بلکه امری اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می‌کنند که به ایمان خالص یا شرک خالص رسیده باشند.»

۲- زمان رجعت مشخص و معین نیست. در حدیث آمده است: «فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ. قَالُوا مَتَى هَذَا؟ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿قُلْ [يَا مُحَمَّد] إِنْ أُدْرِي أَقْرَبٌ مَا تَوَعَّدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾»^۸ «آن هنگام که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مردم را نسبت به وقایع رجعت آگاه کرد مردم از آن حضرت پرسیدند رجعت در چه

^۱-المفردات، ج ۲، ص ۱۸۸

^۲- بقره / ۴۶

^۳- اعراف / ۱۶۸

^۴- یوسف / ۴۶

^۵- منافقون / ۸

^۶- مؤمنون / ۹۹

^۷- البرهان، بحرانی، ج ۲، ص ۴۰۸

^۸- جن / ۱۲۵

- زمانی اتفاق می‌افتد؟ خداوند به پیامبرش وحی فرمود: «بگو نمی‌دانم که آن چه وعده داده شده نزدیک است و یا آن که خداوند برای آن مدت (طولانی) قرار داده است.»^۱
- ۳- رجعت کنندگان با تمام خصوصیات و ویژگی‌های دنیایی خودشان برمی‌گردند.
- ۴- رجعت کنندگان همه از دنیا رفته‌اند و بعد از مرگ دوباره زنده شده به دنیا برمی‌گردند و زندگی جدیدی را شروع می‌کنند.^۲
- ۵- همه‌ی رجعت کنندگان هم‌زمان رجعت نمی‌کنند، بلکه به تدریج برگردانده می‌شوند.^۳
- ۶- فرمان رجعت، همانند فرمان ظهور از طرف خداوند متعال صادر می‌شود. زیرا جز قدرت بی‌نهایت خداوند، کلام قدرتمندی توان آن را ندارد که مردگان را فرمان بازگشت داده و استخوان‌های پوسیده را زندگی مجدد ببخشد.^۴
- ۷- افرادی که برای انتقام و تنبیه، رجعت می‌کنند، هرگز به میل و اراده‌ی خود بر نمی‌گردند، زیرا رجعت برای آن‌ها بسیار ذلت‌بار و سخت است ولی در مورد مؤمنین رجعت اختیاری است. چنان‌چه در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «هنگامی که مهدی علیه‌السلام قیام کند، مأمورین الهی در قبر به اشخاص مؤمن می‌گویند ای بنده‌ی خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر می‌خواهی به او پیونندی آزاد هستی و اگر نخواهی در نعمت الهی متنعم بمانی، باز هم آزاد هستی.»^۵

^۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۳

^۲ - اوائل المقالات، شیخ مفید، ص ۷۸

^۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳

^۴ - رجعت، خادمی شیرازی، ص ۱۸

^۵ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲

تاریخچه‌ی رجعت

با توجه به مستندات تاریخی می‌توان برای عقیده به رجعت در بستر تاریخ، سه دوره را در نظر گرفت:

الف) دوره‌ی پیدایش عقیده‌ی رجعت

اعتقاد به رجعت هم‌زمان با نزول آیات قرآن در مکه، «سوره‌های نمل، انبیا، اسرا و ...» مطرح و سپس در سوره‌های مدنی «بقره، نور و ...» دنبال شده است و قرآن این عقیده را تحت عناوین «خروج، حشر، احیا و ...» برای پیروان خودش بیان نموده است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای افرادی چون امیرالمؤمنین علیه‌السلام^۱، امام حسین علیه‌السلام^۲، عمار یاسر^۳، برید اسلمی^۴، سلمان فارسی^۵، و ... آیات مربوط به رجعت را قرائت و بعضی از مصادیق رجعت کنندگان را معرفی می‌نموده‌اند.

در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به دلیل عدم اطلاع خلفا از معارف دینی، عدم مرجعیت واحد در بیان معارف الهی، منع کتابت احادیث نبوی و حجیت پیدا کردن اجتهاد صحابه و ... محیط خفقان‌زا و تاریکی به وجود آمده بود، ولی حضرت امیر علیه‌السلام در حدی که شرایط اجتماعی و اعتقادی جامعه‌ی نو پای اسلامی اجازه می‌داد، سعی کردند روایات و احادیثی که از طرف پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تفسیر رجعت وارد شده و به بعضی از اصحاب آن حضرت گفته شده بود، تأیید نموده و برای مسلمانان شرح و تفسیر می‌نمایند.

^۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۱

^۲ - همان، ص ۶۱؛ ج ۵۴، ص ۸۰

^۳ - همان، ص ۵۳

^۴ - همان، ص ۶۵

^۵ - همان، ص ۱۴۲

در این میان کسانی که ظرفیت شنیدن این گونه معارف را نداشتند به انکار رجعت روی آوردند که اولین منکر رجعت، عبدالله بن ابی بکر یشکری، معروف به «ابن الکوا» از سران خوارج بود و با امیر المؤمنین علیه السلام در مورد روایات رجعت مناظره کرد.^۱

این وضعیت تا پایان عصر امام سجاد علیه السلام (۹۵ هـ ق) ادامه داشت.

ب) دوره‌ی رشد و بالندگی عقیده‌ی رجعت (۹۵ تا ۲۶۰ هـ ق)

با توجه به انحرافات خلفای سه‌گانه و خستگی مردم از درگیری‌های داخلی (مارقین، ناکثین، قاسطین)، و جوسازی‌های بنی امیه بر علیه معارف دینی، مردم به کلی از خاندان وحی فاصله گرفتند و معارف دینی را به فراموشی سپردند به طوری که در زمان امام سجاد علیه السلام مردم مواردی چون تعداد رکعات نماز روزانه و انجام اعمال حج، و ... را نمی‌دانستند.^۲

در عصر امام باقر علیه السلام، به دلیل زمینه‌سازی‌های امام سجاد علیه السلام در نشر معارف دین، آثار نهضت عاشورا و نفرت عمومی از هیئت حاکمه‌ی اموی، امام با درایت و بصیرت جنبش علمی و دامنه‌داری را پایه‌گذاری نمودند، که در زمان امام صادق علیه السلام به اوج رشد و بالندگی خود رسید و اگر فعالیت فرهنگی این دو امام همام علیهما السلام نبود، امروز از معارف اسلام ناب محمدی خبری نبود. در ابتدای امامت امام باقر علیه السلام گروهی به نام «قدریه»^۳ به انکار در عقیده‌ی رجعت پرداختند.

همچنین، صاحبان قدرت اندیشه‌ی انکار رجعت را موافق با رفتار و عملکرد خودشان یافتند، از آن حمایت نموده و معتقدین به آن را مورد اذیت قرار می‌دادند. لذا امام باقر علیه السلام به شاگردانشان سفارش می‌کردند که از بردن اسم رجعت

^۱ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۷۲؛ رجال شیخ طوسی، ص ۷۵

^۲ - مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۳۱ و ۳۶

^۳ - قدریه کسانی هستند که تقدیر الهی را انکار می‌کردند.

خودداری نموده و با احتیاط درباره‌ی آن سخن بگویند.^۱ امام صادق علیه‌السلام نیز اعتقاد به رجعت را به عنوان یکی از ویژگی‌های فکری و فصل ممیز شیعه معرفی نموده و از منکران آن برائت جستند، لذا اعتقاد به رجعت یک فکر سیاسی فعال و مخالف با ظلم و ستم دستگاه خلافت به شمار می‌رفته و معتقدان به آن به عنوان مجرمان سیاسی قابل تعقیب بوده و شهادت آن‌ها در هیچ دادگاهی قابل قبول نبوده‌است.^۲

در زمان امام کاظم علیه‌السلام به دلیل فشار و اختناق، از مباحث فکری و مناظرات فقهی و کلامی که در عصر امام صادق علیه‌السلام رایج بود، دیگر خبری نبود. در عصر امام رضا علیه‌السلام، مأمون پس از تحمیل مقام ولایت عهدی، جلسات بحث و مناظره تشکیل می‌داد و امام هم از این فرصت‌ها برای نشر فرهنگ اسلام، استفاده می‌نمودند، یکی از مناظراتی که ایشان با مأمون داشته‌اند، بحث رجعت است.^۳

از امام جواد علیه‌السلام، به دلیل شدت فشارهای دستگاه خلافت، اثری در مورد رجعت دیده نشده است. ولی عده‌ای از شیعیان مثل فضل بن شاذان نیشابوری،^۴ احمد بن داوود جرجانی، محمد بن مسعود عیاشی و ...، با توجه به روایات ائمه‌ی گذشته و با تشویق ائمه‌ی معاصر، کتاب‌های مستقلی را درباره‌ی رجعت به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند.^۵

^۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹

^۲ - همان، ص ۱۳۲

^۳ - عیون اخبارالرضا علیه‌السلام شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۱۸

^۴ - فضل بن شاذان از اصحاب امام جواد امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام، کتاب‌هایی به نام اثبات الرجعه، الرجعه، و... تحریر کرده‌است. جرجانی که از رجال اهل سنت بوده کتاب‌هایی چون الرجعه را تألیف کرده‌است.

^۵ - الفهرست، شیخ طوسی، ص ۲۱۲

امام هادی و امام عسکری و خود امام مهدی علیهم السلام نیز با توجه به اهمیت و نقش سازنده‌ی رجعت در استقامت شیعیان، این عقیده‌ی قرآنی را در قالب دعا و زیارت‌نامه بیان نموده‌اند و با این کار، اعتقاد به رجعت را نهادینه ساختند.

ج) دوره‌ی گسترش و تکامل (۲۶۰ هـ ق به بعد)

علمای شیعه به پیروی از امامان معصوم علیهم السلام در جهت گسترش و بالندگی این عقیده تلاش فراوانی انجام دادند و با مناظرات علمی^۱ و یا نوشتن کتاب و مقاله و با استفاده از آیات و روایات، این عقیده‌ی نورانی را همراه با برهان و استدلال برای مردم بیان کردند. به موازات آن از طرف اهل سنت این عقیده به شدت انکار شده و معتقدان به آن را به کفر، فسق، کذب، اهل هوی، بدعت و ... متهم می‌نمودند.

اهمیت رجعت

الف) رجعت، یوم الله

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی، روز رجعت را یکی از روزهای خداوند برشمرده که قدرت و عظمت خداوند در آن متجلی خواهد شد. ایشان می‌فرمایند: «ایام الله ثلاثة: یوم یقوم القائم و یوم الکرّة و یوم القیامة»^۲ «روزهای الهی سه تاست: روزی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت.» منظور از یوم الله روزهای خاصی است که امر خدا چنان ظهور می‌یابد که برای هیچ روز دیگری این ظهور پیدا نمی‌شود. به تعبیر دیگر، منظور از ایام الله روزهایی است که امر الهی اعم از نعمت یا نعمت، عزت یا ذلت، ظهور تام می‌یابد.^۳

^۱ - بحار انوار، ج ۵۳، ص ۱۳۲

^۲ - الخصال شیخ صدوق، ص ۱۸۰

^۳ - المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸ و ۱۹

ب) اعتقاد به رجعت، ویژگی شیعه

امام صادق علیه السلام، یکی از ویژگی‌های شیعه را اعتقاد به رجعت برشمرده‌اند و می‌فرمایند: «لِيسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا»^۱ «از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد.»

ج) اعتقاد به رجعت، شرط ایمان

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ أَقْرَبَ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءٍ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَ ذَكَرَ مِنْهَا الْإِيمَانَ بِالرُّجْعَةِ»^۲ «هر کس به هفت چیز ایمان داشته باشد، مؤمن است و در میان آن هفت چیز، ایمان به رجعت را ذکر فرمودند.»

د) انکار رجعت، انکار قدرت خداوند:

«تلك قدرة الله فلا تُنكروها»^۳ «رجعت تجلی قدرت خداست آن را انکار نکنید.»

اعتقاد به رجعت، از ضروریات مذهب شیعه‌ی امامیه به شمار می‌رود و بسیاری از بزرگان شیعه، مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، امین الاسلام و ... بر حقانیت و صحت رجعت از دیدگاه شیعه‌ی امامیه ادعای اجماع و اتفاق کرده‌اند.

معاد و رجعت

۱- رجعت در این جهان مادی با همه‌ی مشخصات و عوارض، محقق می‌شود و همان‌گونه که در تعریف رجعت آمد، مردمان در همان شکل و صورتی که در گذشته بودند، برمی‌گردند، اما معاد در جهان دیگر اتفاق می‌افتد. در جهانی که از عوارض مادی خبری نیست.

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲ و ۱۲۱

^۲ - همان

^۳ - همان، ص ۷۴

- ۲- در معاد همه‌ی خلائق برای حسابرسی حاضر می‌شوند در حالی که رجعت به کافران و مؤمنان خالص اختصاص دارد.
- ۳- انکار اصلی از اصول دین موجب کفر می‌شود بر خلاف انکار اصول مذهب، معاد از اصول دین است و انکار آن، خروج از دین را موجب می‌گردد ولی انکار رجعت به عنوان یکی از اصول مذهب، موجب خروج شیعه از امامیه خواهد شد.
- ۴- بازگشت کنندگان به دنیا در زمان رجعت دوباره خواهند مرد یا کشته خواهند شد، اما در معاد دیگر مرگ و ارتحالی نخواهد بود، چرا که آن‌جا سرای ابدی است.

ادله‌ی وقوع رجعت

۱- رجعت در قرآن

مرحوم شیخ حر عاملی بیش از ۶۰ آیه^۱ و مرحوم طبرسی بیش از ۷۰ آیه^۲ را بر رجعت منطبق و تفسیر نموده‌اند. این آیات در ابتدا به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) آیاتی که بر وقوع رجعت در امت‌های گذشته دلالت می‌کند.

ب) آیاتی که از تحقق رجعت در آینده قبل از قیامت خبر می‌دهد.

الف) رجعت در امت‌های پیشین

در ده‌ها حدیث از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از طریق شیعه و سنی نقل شده که ایشان فرمودند: «آن‌چه در امت‌های پیشین واقع شده همان‌گونه در امت من نیز واقع خواهد شد.»^۳

آیه‌ی اول: ﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۴ «آن‌گاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاسگزار باشید.»

۱- الایقاظ، حر عاملی، ص ۹۷ و ۷۲

۲- الشیعه و الرجعه، طبرسی، ج ۲

۳- الایقاظ حر عاملی، ص ۴۱ و ۹۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹

۴- بقره/ ۵۶

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم حضرت موسی علیه السلام است که حضرت موسی علیه السلام آن‌ها را با خود به طور سینا برد تا بر جریان مکالمه‌اش با خدا و گرفتن الواح از جانب خدا شاهد باشند و در نتیجه بنی اسرائیل صدور الواح را از جانب خدا تکذیب نکنند. چون به طور رسیدند و مکالمه‌ی حضرت موسی علیه السلام را با خدا مشاهده کردند، گفتند: ﴿لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرِيَ اللَّهَ جَهْرَةً﴾^۱ «ای موسی، ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر این که خداوند را آشکارا به ما بنمایانی»، هر چه حضرت موسی علیه السلام آن‌ها را از این خواسته‌ی جاهلانه منع کرد، آن‌ها بر خواهش خود اصرار ورزیدند تا سرانجام صاعقه آمد و همه‌ی آن‌ها را نابود کرد. حضرت موسی علیه السلام عرضه داشت: «بار پروردگارا! اگر این هفتاد نفر زنده نشوند، من چگونه به سوی قوم بروم؟ آن‌ها مرا به قتل متهم خواهند کرد.» خداوند بر او منت نهاد و آن‌ها را زنده کرد و همراه حضرت موسی علیه السلام به سوی خانه و کاشانه‌ی خود بازگشتند. در مورد سرگذشت این هفتاد نفر هیچ اختلافی نیست و تصریح قرآن است که آن‌ها در اثر صاعقه جان سپردند و به درخواست حضرت موسی علیه السلام از نو زنده شدند که معنای «رجعت» چیزی جز زنده شدن پس از مرگ نیست. در این آیه، قرآن کریم تعبیر «مرگ» را به کار برده تا تصور نشود که آن‌ها مثلاً به خواب رفته بودند و یا از هوش رفته بودند، بلکه صریحاً می‌فرماید: «شما را پس از مرگتان برانگیختیم».

حضرت علی علیه السلام در مناظره با عبدالله بن ابی بکر یشکری - اولین انکار کننده‌ی رجعت - برای اثبات رجعت فرمودند: «این هفتاد نفر برگزیدگان حضرت موسی پس از مرگ، زنده شدند و به خانه‌های خود بازگشتند، آن‌گاه مدتی زندگی کردند، غذا خوردند، ازدواج کردند، صاحب اولاد شدند و پس از فرا رسیدن اجلشان از دنیا رفتند.»^۲

^۱ - بقره / ۵۵

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، صص ۷۳ و ۱۲۹

آیه‌ی دوم: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ، فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا، ثُمَّ أَحْيَاهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾^۱ «آیا ندیدی آنان را که از بیم مرگ از خانه‌های خود بیرون رفتند و آن‌ها هزاران تن بودند پس خداوند به آن‌ها گفت بمیرید. سپس آن‌ها را زنده کرد، بی‌گمان خدا بر مردم صاحب فضل است و لکن بسیاری از مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.»

این آیه در مورد قومی است که از ترس بیماری از وطن خود گریختند و خداوند آن‌ها را مدتی طولانی بمیراند و به سبب دعای یکی از پیامبران به نام «حزقیل» همه‌ی آن‌ها را زنده کرد و روزگاری زندگی کردند و به اجل طبیعی از دنیا رفتند.^۲

آیه‌ی سوم: ﴿وَكَذَلِكَ بَعَثْنَا هُم لِيَسْأَلُوا بَيْنَهُمْ، قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ﴾^۳ «این چنین آنان را برانگیختیم تا از یکدیگر بپرسند. یکی از آن‌ها گفت چقدر درنگ کرده‌اید؟ گفتند: یک روز یا قسمتی از یک روز. گفتند: پروردگارتان داناتر است که چه قدر درنگ کرده‌اید.»

این آیه در مورد اصحاب کهف است که مدت ۳۰۹ سال در غاری خفتند. داستان اصحاب کهف از شگفتی‌های تاریخ است و خود گواه روشنی از قدرت بی‌نهایت حضرت احدیت و سند زنده‌ای بر امکان بازگشت انسان به این جهان است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «گروه بسیاری از مردگان به این جهان بازگشته‌اند که اصحاب کهف از آن‌هاست. مدت ۳۰۹ سال خدا آن‌ها را بمیراند و سپس آن‌ها را در زمان قومی که رستاخیز را نمی‌پذیرفتند برانگیخت تا حجت بر آن‌ها تمام شود.»^۴

^۱ - بقره / ۲۴۳

^۲ - المیزان، طباطبایی، ج ۲، ص ۲۸۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۴

^۳ - کهف / ۱۹

^۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۹؛ تفسیر صافی، کاشانی، ج ۳، ص ۲۳۷

ب) وقوع رجعت در آینده (قبل از قیامت)

در زیر به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

آیه‌ی اول: «و یوم نحشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِآیَاتِنَا فَهُمْ یوزَعُونَ»^۱ «به یاد آور روزی را که از هر امت یک گروه از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم پس آن‌ها نگه داشته می‌شوند.»

این آیه یکی از روشن‌ترین آیات قرآن است که بر رجعت دلالت می‌کند، زیرا مراد از حشر در آیه، حشر عمومی و قیامت کبری نیست. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «آن حضرت با اشاره به این آیه فرمودند: ای حماد! مردم از این آیه چه دریافت می‌کنند؟ عرض کرد: حشر قیامت را. حضرت فرمودند: این‌گونه نیست. این آیه مربوط به رجعت است. آیا خداوند در قیامت گروهی را محشور و بقیه‌ی مردم را رها می‌کند؟»

حشر قیامت در آیه‌ی ۴۷ سوره‌ی کهف بیان شده است: «و حَشَرْنَا هُمْ فَلَمِ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»^۲ «همه را محشور می‌کنیم، حتی یک نفر را رها نمی‌کنیم.»
همچنین کلمه‌ی «فوجاً» در آیه دلالت بر حشر گروهی از مردم می‌کند نه همه‌ی مردم.

آیه‌ی دوم: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُکَ إِلَىٰ مَعَادٍ»^۳ «به راستی خداوندی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به بازگشت‌گاه بازگرداند.»
از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که «منظور از این آیه عالم رجعت است»^۴.
ابوخالد کابلی از امام سجاد علیه‌السلام روایت می‌کند که در تفسیر این آیه فرمودند:

^۱ - نمل / ۸۳

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶ / تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، ج ۳، ص ۲۱۰

^۳ - قصص / ۸۵

^۴ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰

«رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، امیر مؤمنان علیه السلام و امامان علیهم السلام به سوی شما باز می گردند.»^۱

آیه ی سوم: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۲
 «همانا ما فرستادگان خویش و مؤمنان را در دنیا، آن روزی که شاهدان اقامه شوند، یاری خواهیم کرد.»

این آیه یادآوری می کند، وعده ی الهی بر آن تعلق گرفته است که همه ی انبیا و مؤمنان را در همین دنیا یاری خواهد کرد. چنان که از ظاهر آیه دریافت می شود، این نصرت و یاری انبیا و مؤمنان به صورت گروهی و دسته جمعی صورت خواهد پذیرفت، نه جدا از یکدیگر و از آن جا که چنین نصرتی در گذشته اتفاق نیفتاده، پس قطعاً در آینده به وقوع خواهد پیوست، چرا که وعده ی الهی تخلف ناپذیر است.

از طرفی، لفظ نصرت در جایی به کار می رود که دو گروه مشغول مخاصمه باشند و بعد شخصی یا گروهی یکی از طرف های مخاصمه را کمک کند تا بر طرف مقابل چیره شود و طبیعی است که چنین معنایی با رجعت سازگاری دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «وَاللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ كَثِيرٌ لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا وَ الْأَنْبِيَاءُ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَ لَمْ يُنْصَرُوا ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ»^۳ «به خدا سوگند این آیه درباره ی رجعت است. مگر نمی دانید که پیامبران بسیاری و امامان بعد از ایشان هم در دنیا یاری نشدند و کشته شدند. این آیه در رجعت محقق خواهد شد.»
 آیه ی چهارم: ﴿وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾^۴ «چون سخن بر آن ها فرود آید، از زمین جنبنده ای

^۱ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹ ریال نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۴۴

^۲ - غافر / ۵۱

^۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۸

^۴ - نمل / ۸۲

برایشان بیرون می‌آوریم که با آنها سخن گوید به درستی که مردم به آیه‌های ما یقین ندارند.»

امام رضا علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی فوق فرمودند: «دابه‌الأرض علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است.»^۱

امام صادق علیه‌السلام از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کنند که در شب معراج گفته شد: «ای محمد! علی اول است، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته‌است. علی آخر است، زیرا او آخرین امامی است که روحش را قبض می‌کنیم. او همان «دابه» است که با مردم سخن می‌گوید.»^۲

خود وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در بیانات خویش می‌فرمایند: «إني دابة الله التي تكلمهم الناس»^۳ «من همان دابه‌ای هستم که با مردم سخن می‌گویم.»

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مسجد النبی به سراغ علی علیه‌السلام آمدند. ایشان را در حال استراحت دیدند. خطاب به وی فرمودند: «قم يا دابة الله! فقال رجل من اصحابه: يا رسول الله! انسمي بعضنا بعضاً بهذا الاسم؟ فقال: لا والله ما هو الا له خاصة وهو دابة التي ذكرها في كتابه و اذا وقع القول...»^۴ «بلند شو ای جنبنده‌ی خدا! مردی با شنیدن این لقب گفت: ای پیامبر خدا! ما نیز می‌توانیم با این لقب یکدیگر را صدا بزنیم؟ فرمودند: نه این لقب مخصوص علی علیه‌السلام است که خداوند در قرآن به وی مرحمت فرموده و سپس آیه‌ی مذکور را قرائت کرد، آن‌گاه به علی علیه‌السلام فرمود: در آخر الزمان خداوند تو را از زمین به صورت زیبایی خارج می‌کند و وسیله‌ای در اختیار تو قرار می‌دهد تا به آن وسیله، دشمنان را علامت گذاری.»

^۱ - مناقب آل ابی‌طالب، شهر آشوب، ج ۱، ص ۵۷۹: بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۴

^۲ - بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۸

^۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۷

^۴ - المیزان، ج ۱۵، ص ۴۴۵ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۲

۲- رجعت در روایات

روایات در یک تقسیم‌بندی به «واحد» و «متواتر» تقسیم می‌شوند. منظور از خبر واحد روایتی است که به سر حدّ یقین نرسیده باشد، در حالی که مراد از خبر متواتر روایتی است که در اثر کثرت نقل آن یقینی شده و جای هیچ گونه ابهامی در آن وجود نداشته باشد. پس از روشن شدن این دو اصطلاح، باید گفت که اخبار و روایاتی که از ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در موضوع رجعت نقل شده آن قدر فراوان است که به طور قطعی می‌توان متواتر بودن آنها را پذیرفت. در این باره اظهار نظر برخی کارشناسان احادیث را مرور می‌کنیم:

- ۱- مرحوم مجلسی می‌گوید: «اگر مثل این روایات [روایات رجعت] متواتر نباشد پس در چه چیزی می‌توان ادعای تواتر نمود.»^۱
 - ۲- مرحوم شیخ حر عاملی می‌نویسد: «هیچ شکی نیست که احادیث رجعت به حد تواتر معنوی رسیده‌است، زیرا موجب یقین هستند؛ برای هر کسی که قلب خویش را از هر شبهه‌ای و تقییدی پاک کند.»^۲
 - ۳- محدث جزایری در شرح تهذیب ادعا کرده که ۶۲۰ حدیث پیرامون رجعت دیده‌است.^۳
- برای آشنایی اجمالی و مختصر با روایات، لازم است که آنها را دسته‌بندی کرده و مفاد هر دسته را اجمالاً بررسی کنیم:
- الف) روایاتی که رجعت را به عنوان یک عقیده‌ی حق و لازم در ردیف سایر معارف و اعتقادات اسلام ذکر می‌کند. به بعضی از این روایات در بحث «اهمیت رجعت» اشاره شد.
- ب) روایاتی که آیات مربوط به «رجعت» را تفسیر می‌کنند. علامه مجلسی بیش از ۱۲۵ آیه را همراه با روایت ذکر نموده‌اند.

^۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳

^۲- الايقاظ، حر عاملی، ص ۳۳

^۳- بیان الفرقان، قزوینی خراسانی، ج ۵، ص ۲۸۸

ج) روایاتی است که رجعت کنندگان را معرفی می‌کند. مرحوم شیخ حر عاملی بیش از ۱۷۰ روایت را در این زمینه گردآوری کرده است که ذکر آنها در محدوده‌ی این درس نمی‌گنجد.

تصریح ادعیه و زیارات به عقیده‌ی رجعت

۱- زیارت جامعه‌ی کبیره

«مُعْتَرَفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ»^۱ «به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم، رجعت شما را تصدیق می‌کنم، امر شما را انتظار می‌کشم.»

۲- زیارت آل یس

«وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا...»^۲ «همانا رجعت شما حق است و تردیدی در آن نیست.»

۳- زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم

«إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكِرُ لِقُدْرَةِ اللَّهِ قُدْرَةً وَلَا أَزْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»^۳ «من به مقام والای شما معتقدم، به رجعت شما باور دارم و قدرت خدا را انکار نمی‌کنم و جز مشیت حضرت پروردگار چیزی را اراده نمی‌کنم.»

۴- زیارت امام حسین علیه السلام

«فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ»^۴ «آن روز من با شمایم، حتماً با شما هستم، نه با دشمن شما، من به رجعت شما باور دارم.»

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱

۲- همان، ج ۱۰۲، صص ۸۲ و ۹۴؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۴

۳- همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹

۴- کامل الزیارات، قولویه، ص ۲۱۸

۵- زیارت وارث

«... أَنِّي بَكْمَ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ...»^۱ «من به شما ایمان دارم و بازگشت شما را یقین دارم.»

۶- زیارت حضرت بقیه الله علیه السلام در روز نیمه‌ی شعبان

«... وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظَهْوَرِكِ وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكِ...»^۲ «به خدای تبارک و تعالی متوسل می‌شوم و از او می‌خواهم که برای من بازگشتی در ظهور شما و رجعتی در روزگار شما قرار دهد.»

۷- دعای عهد

«اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ ... فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرّاً كَفَنِي، شَاهِراً...»^۳
«خداوندا اگر مانع شد میان من و ایشان، آن مرگی که قرار داده‌ای ... پس مرا از قبرم بیرون بیاور در حالی که کفنم را به خود پیچیده‌ام ...»

آثار رجعت در زندگی معتقدان

۱- امید و حرکت

اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا در زمان دولت کریمه نقش مهمی در نشاط دینی و امید به حضور در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ایفا می‌کند. زیرا ممکن است افرادی که تمام عمر خود را در انتظار ظهور ایشان سپری کرده‌اند، دچار یأس شوند! اما اگر شرایط بازگشت آن‌ها به دنیا و حضور در محضر آخرین امام فراهم باشد، در امیدواری ایشان نقش به‌سزایی خواهد داشت.

^۱ - بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰

^۲ - همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸

^۳ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۳۵

۲- زنده نگه داشتن روحیه‌ی انتظار

انتظار ظهور، رجعت را به انسان نوید می‌دهد. اعتقاد به ظهور و به دنبال آن وقوع رجعت، انسان را مطمئن می‌کند که روزی شاهد انتقام دنیایی مظلوم از ظالم خواهد بود.

۳- ایجاد روحیه‌ی استقامت برای مؤمنان

انسانی که آینده را روشن ببیند به راحتی می‌تواند مشکلات زودگذر را تحمل کرده و استقامت کند، لذا ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام مؤمنان را به صبر و بردباری دعوت نموده، با وعده‌ی رجعت در زندگی در سایه‌ی دولت کریمه‌ی اهل‌بیت علیهم‌السلام آنان را امیدوار می‌کردند. امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا اصحابشان را با رجعت تسلی داده و به صبر و بردباری امر نمودند. در زیارت‌نامه‌های ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و دعاها، این امر بسیار مشهود است و سفارش به خواندن آنها، ما را به این هدف راهنمایی می‌کند؛

۴- تسکین دل مؤمنان

آنان که دلشان از ظلم ظالمان در طول تاریخ پر از درد شده‌است، با رجعت و انتقام تسکین و التیام پیدا می‌کند.^۱ زیرا انسان مظلوم وقتی با چشم خود ببیند که انتقامش گرفته شده دردهایش بهبود پیدا می‌کند. اگرچه در قیامت از ظالمان به طور کامل انتقام گرفته خواهد شد.

مَوْلَايَ، فَإِن أَدْرِكْنِي الْمَوْتُ، قَبْلَ ظُهْرِكِ ... أَن يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهْرِكِ وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ
 إِن شَاءَ اللَّهُ

^۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۴

پرسش

- ۱- ویژگی‌های رجعت را بیان کنید؟
- ۲- امام باقر علیه‌السلام برای تبیین عقیده‌ی رجعت، به چه اقداماتی دست

زدند؟

- ۳- منظور از دابه الارض چیست؟
- ۴- روایات رجعت در کدام دسته‌بندی قرار دارند؟
- ۵- رجعت‌کنندگان به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ نام برید.
- ۶- آثار رجعت در زندگی معتقدان را بیان کنید؟

عرصه‌های پژوهش

- ۱- رجعت در قرآن و روایات
- ۲- ارتباط رجعت با معاد
- ۳- رجعت‌کنندگان
- ۴- اندیشه‌ی رجعت، در طول تاریخ (مخالفان و موافقان).
- ۵- موضع‌گیری ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام در مقابل منکران رجعت.
- ۶- ادعیه‌ی منقول در مورد رجعت.
- ۷- منکران رجعت در طول تاریخ.
- ۸- تفاوت رجعت و تناسخ.

معرفی منابع

- ۱- سیمای آفتاب، حبیب‌اله طاهری، صص ۳۳۷ - ۳۵۱.
- ۲- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، حسن طاهری.
- ۳- شیعه و رجعت، حمید رضا طبسی.
- ۴- رجعت، محمد رضا ضمیری.
- ۵- فرهنگ‌نامه‌ی مهدویت، حرف راه.
- ۶- جهان پس از مرگ.
- ۷- عصر رجعت طلایی، سید مجتبی نظام آبادی.
- ۸- رجعت یا حیات دوباره، احمد علی طاهری ورسی.
- ۹- رجعت، محمد خادمی شیرازی.

پہل حدیثہ از

حضرت مہدی

عجل الله تعالی فرجه الشریفہ

بقیه الله

۱- احمد بن اسحاق در محضر امام حسن عسکری علیه السلام، آن حضرت را دیده و از ایشان چنین شنیده که می فرمایند:
«أنا بقية الله في أرضه و المنتقم من أعدائه»^۱ «من بقیه الله در روی زمین و دست انتقام خدا از دشمنان او هستم.»

آگاهی از شیعیان

۲- «فأنا لُحِيطُ علماً بِأَبَائِكُمْ ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»^۲ «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.»

امان

۳- «وَ آتِي لَأَمَانُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ التُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»^۳ «همانا، من امان و مایهی ایمنی برای اهل زمینم؛ همان گونه که ستاره‌ها سبب ایمنی اهل آسمان اند.»

^۱ - الزام ناصب، ج ۱، ص ۲۵۳

^۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷

^۳ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰ / الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷ / احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴

تسلیم در برابر او

۴- «فَأَتَقُوا اللَّهَ وَ سَلَّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأُمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْرَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادُ»^۱
 «از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کار را به ما واگذارید بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب آوریم چنانچه شما را به سرچشمه بردیم.»

حضرت فاطمه سلام الله علیها الکوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵- «وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۲ «دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (فاطمه ی زهرا سلام الله علیها) برای من اسوه و الگویی نیکو است.»

سعادت دیدار

۶- «وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِبِطَاعَةِ - عَلِيٍّ اجْتَمَعَ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ كَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»^۳ «اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق اطاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند هم دل می شدند، میمنت ملاقات ما به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت.»

حفظ شیعیان

۷- «أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^۴ «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند.»

^۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷

^۲ - الغیبه، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵ / احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۹

^۳ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹

^۴ - احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳ / الخرائج و الحرائج، ج ۲، ص ۹۰۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷

وجود همیشگی امام

۸- «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا وَإِمَامًا مَغْمُورًا»^۱ «زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی ماند چه ظاهر باشد و چه پنهان.»

— «أنا المهديُّ و أنا صاحبُ الزَّمانِ و أنا القائمُ الَّذِي أَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ... فَهَذِهِ أَمَانَةٌ لَا تُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا إِخْوَانِكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ»^۲

«من مهدی هستم، من صاحب الزمان هستم، من آن قیام کننده ای هستم که روی زمین را پر از عدالت می کنم، چنان که از بی عدالتی پر شده باشد. هرگز روی زمین خالی از حجت نمی ماند ... این امانت است نزد تو، جز به برادران بر حقت مگو.»

نماز اول وقت

۹- «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقَضِيَ النُّجُومُ»^۳ «ملعون و از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را آن قدر تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.»

فضیلت تسبیح تربت سید الشهداء

۱۰- «مِنْ فَضْلِهِ، أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسِي التَّسْبِيحَ وَ يُدِيرُ السُّبْحَةَ فَيَكْتُبُ لَهُ التَّسْبِيحُ»^۴ «از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گر چه دعایی هم خوانده نشود.»

^۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲/ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹، ح ۱۱۹/ الخرائج و الحرائج، ج ۳، ص ۱۱۱۰، ح ۲۶

^۲ - ينابيع المودة، ص ۴۶۴

^۳ - الغيبة، طوسی، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶

^۴ - احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۲/ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۶۵، ح ۴

حسن عاقبت

۱۱- «وَالْعَاقِبَةُ بِجَمِيلٍ صُنِعَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ»^۱ «با عنایت نیکوی خداوند فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند پسندیده و نیکو خواهد بود.»

عاقبت به خیری

۱۲- «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ، وَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى، وَمِنْ مُوبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَ مُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ»^۲ «از نابینایی پس از بینایی و از گمراهی پس از هدایت و از رفتار هلاکت بار و فتنه‌های نابود کننده به خدا پناه می‌برم.»

کیفیت در خواست حاجت

۱۳- «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ الْيَلِّ وَ يَأْتِي مُصَلًّا»^۳ «هر کس حاجت و خواسته‌هایی از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و برای مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد.»

به سوی او

۱۴- «وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمُؤَدَّةِ عَلَيَّ السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ»^۴ «با محبت و دوستی و بر اساس سنت آشکار الهی راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید.»

^۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸

^۲ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲ / الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱-۱۹۰، ح ۱۹

^۳ - مصباح، کفعمی، ص ۳۹۶

^۴ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷

تقوا در کلام امام مهدی علیه السلام

۱۵- «وَمَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا أَعَارَهُ مِنْ نِعْمَةِ عَلِيٍّ مِنْ أَمْرِهِ بِصِلَتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فَاسِدًا بِذَلِكَ لِأَوْلَادِهِ وَآخِرَتِهِ»^۱ «و آن کس از نعمت‌هایی که خداوند به او کرامت فرموده به کسانی که فرمان رسیدگی به آن‌ها را داده بخل بورزد در دنیا و آخرت خویش زیان کار خواهد بود.»

نابودی باطل

۱۶- «أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا اِتِّمَامًا وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهْوَقًا»^۲ «خداوند ابا دارد از این که حق را ناتمام گذارد و باطل را از بین نبرد.»

مشیت خداوند و خواست اهل بیت علیهم السلام

۱۷- «قُلُوبُنَا أَوْ عِيَّةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا، وَاللَّهُ يَقُولُ: وَ مَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»^۳ «دل‌های ما ظروفی برای خواست خداوند است؛ اگر خدا چیزی را اراده کند و بخواهد ما نیز اراده کرده، خواهیم خواست. خداوند متعال می فرماید: و شما نمی‌خواهید مگر این که خداوند بخواهد.»

عمل به سنت مبنای مودت

۱۸- «اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَيَّ السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَ عَلَيْكُمْ»^۴ «هدف و مقصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما اهل بیت عصمت و طهارت بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید. پس

^۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹

^۲ - همان، ص ۲۷۹

^۳ - الغیبه، طوسی، ص ۲۴۷، ح ۲۱۶

^۴ - الغیبه، طوسی، ص ۲۸۶۰، ح ۲۴۵ / احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹

همانا که موعظه‌ها و سفارش‌های لازم را نمودم و خداوند متعال نسبت به همه‌ی ما و شما گواه است.»

محبت امام زمان علیه السلام

۱۹- «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا»^۱ «پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از آن چه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ماست دوری گیرند.»

نهی از تکلف

۲۰- «لَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفِّتُمْ»^۲ «خود را برای دانستن آن چه از شما نخواستند به مشقت نیندازید.»

آزار دهندگان امام زمان علیه السلام

۲۱- «قَدْ آذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ، وَ مَنْ دِينَهُ جِنَاحُ الْبَعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ»^۳ «نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه از دین داری آنان برتر و محکم تر است ما را آزار می دهند.»

حکم منکرین امام زمان علیه السلام

۲۲- «لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قِرَابَةٌ وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ»^۴ «بین خداوند عزوجل و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست و هر که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه فرزند نوح است.»

^۱ - احتجاج، ج ۹، ص ۳۲۳ و ۳۲۴ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۷

^۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۵۸، ح ۱۰ / احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹

^۳ - احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹ / بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۷، ح ۹

^۴ - کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳

نهی از شک

۲۳- «لَا تُشْكِنَنَّ، فَوَدَّ الشَّيْطَانُ أَلَّا تُشْكِنَنَّ»^۱ «هرگز شک به خود راه مده زیرا

شیطان دوست دارد که تو شک کنی.»

نهی از تشکیک

۲۴- «لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا»^۲ «در تشکیک

نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می‌کنند احدی از شیعیان ما عذری ندارند.»

حرمت اموال مردم

۲۵- «فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ»^۳ «برای هیچ کس جایز

نیست که بدون اذن صاحب مال در مالش تصرف کند.»

دفع بلا از شیعه

۲۶- «أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَ شِيعَتِي»^۴ «من

خاتم اوصیایم، خداوند به سبب من بلا را از اهل و شیعیانم دفع می‌کند.»

دعا برای تعجیل فرج

۲۷- «أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۵ «برای شتاب در

گشایش حقیقی و کامل بسیار دعا کنید، زیرا همانا فرج شما در آن است.»

^۱ - کافی، ج ۱، ص ۵۱۸، ح ۴ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۹، ح ۲۵

^۲ - رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۶ / بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸ و ۳۱۹، ح ۱۵ / وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸، ح ۶۱

^۳ - کمال الدین، ص ۵۲۱، ح ۴۹ / احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۹

^۴ - همان، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۲ / الغیبه، طوسی، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵

^۵ - همان، ص ۴۸۵، ح ۴ / همان، ص ۲۹۳، ح ۲۴۷

خمس، پرداخت مال

۲۸- «أما أموالكم فلا تقبلها إلا لتطهروا، فمن شاء فليصل و من شاء فليقطع فما أتاني الله خيراً مما آتاكم»^۱ «اما اموال شما پس آن‌ها را نمی‌پذیریم مگر به خاطر این که پاک شوید. پس هر که می‌خواهد بپردازد و هر که نمی‌خواهد نپردازد، آن‌چه خدا به ما عطا کرده از آن‌چه به شما عطا نموده بهتر است.»

استغفار در حق یکدیگر

۲۹- «لو لا استغفار بعضهم لبعض لهلك من عليها»^۲ «اگر طلب مغفرت و آمرزش برخی از شما برای یکدیگر نبود تمام اهل زمین هلاک می‌گشتند.»

استغفار سبب غفران

۳۰- «إذا استغفرت الله فالله يغفر لك»^۳ «اگر از خداوند طلب مغفرت کنی خداوند نیز تو را خواهد آمرزید.»

بر آوردن حاجات مردم

۳۱- «من كان في حاجة الله عزوجل كان الله في حاجته»^۴ «هر کس که به دنبال حاجت خداوند عزوجل باشد خداوند نیز دنبال کننده و برآورنده‌ی حاجت او خواهد بود.»

^۱ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴ / الغیبه، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷

^۲ - دلائل‌الامامه، ص ۲۹۷

^۳ - کافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۳ / کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۹۰

^۴ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۹۳، ح ۱۸ / الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۲۴

دوری از شیطان به وسیله نماز

۳۲- «مَا أَرْغَمَ أُنْفَ الشَّيْطَانِ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا وَ أَرْغَمِ أُنْفَ الشَّيْطَانِ»^۱

«هیچ چیز به مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید. پس نماز بگذار و بینی ابلیس را به خاک بمال.»

اهل بیت محور حق

۳۳- «الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا وَ لَحْنُ صِنَائِعِ رَبَّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صِنَائِعُنَا»^۲

«حق با اهل بیت است و کناره‌گیری عده‌ای از ما هرگز سبب وحشتمان نمی‌شود چرا که ما دست پرورده‌های پروردگاریم و دیگر مخلوقین خداوند دست پرورده‌های ما هستند.»

فلسفه امامت

۳۴- «أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَ أَغْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ

لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۳ «آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید و علم‌هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون.»

سجده‌ی شکر

۳۵- «سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَ أَوْجِبِهَا... فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ

الْفَرَائِضِ عَلَي الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ التَّوَائِفِ، كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَي التَّوَائِفِ وَ السَّجْدَةُ دُعَاءٌ وَ تَسْبِيحٌ»^۴ «سجده شکر، از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات الهی است... همانا فضیلت

^۱ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹

^۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹

^۳ - همان، ص ۱۷۹، ح ۹

^۴ - کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰

دعا و تسبیح پس از واجبات بر دعای بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل است، سجده، دعا و تسبیح است.»

بهره‌مندی انسان از امام غایب

۳۶- «أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَأَنَّ الْإِنْتِفَاعَ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»^۱ «اما چگونگی استفاده از من در غیبتم، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارد.»

غیبت از مقدرات الهی است

۳۷- «أَقْدَارُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَ إِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَ تَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ»^۲ «تقدیرهای خداوند عزوجل مغلوب نمی‌شود و اراده‌اش برگشت ندارد و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی‌گیرد.»

امید به اجابت دعا

۳۸- «رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ وَ مَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبَتْهُ أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدَتْهُ»^۳ «پروردگارا! چه کسی تو را خواند و تو دعایش را اجابت نکردی، و چه کسی از تو در خواست نمود و به او عطا نفرمودی و چه کسی با تو مناجات کرد و او را نا امید ساختی، یا خود را به تو نزدیک نمود و او را دور ساختی؟!»

هدف بعثت

۳۹- «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا، وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدْيً، بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ جَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا وَ أَلْبَابًا، ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ مَبْشُرِينَ وَ مُنْذِرِينَ،

۱- کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲

۲- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، ح ۳۴

۳- همان، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱

يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ يُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهَلُوا مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَ دِينِهِمْ، وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا^۱ «به راستی، خداوند متعال مردم را بیهوده نیافرید، و بیکاره رها نساخت، بلکه آنان را به قدرت خود آفرید و به آنان گوش و دیده و دل و عقل داد، سپس پیامبران علیهم السلام را به سوی آنان بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستاد تا مردم را به اطاعت خدا امر کنند و از معصیت او باز دارند و آنچه را از امر خالق و دین خود جاهل‌اند، بدان‌ها بیاموزند، و برای آنان کتابی نازل کرد ...».

دعای برای فرج

۴۰- حمیری می‌گوید: به خدمت جناب سعید بن عثمان، رسیدم و از ایشان پرسیدم: آیا امام را دیده‌ای؟ گفت: بله و آخرین بار در کنار خانه‌ی خدا دیدم که می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي» «خداوندا، آنچه به من وعده فرمودی امضا بفرما».^۲

^۱ - الغیبه، طوسی، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶

^۲ - اعیان الشیعه، ص ۱۰۵

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- مفاتیح الجنان.
- ۳- نهج البلاغه .
- ۴- استراتژی انتظار، ۳ جلد، اسماعیل شفیعی سروستانی. انتشارات موعود عصر(عج)، تهران، ۱۳۸۳.
- ۵- اثبات الهداة، محمد بن الحسن الحر العاملی.
- ۶- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، ۱۴۰۱ هـ ق.
- ۷- الإحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ هـ ق.
- ۸- الأیقاظ من الهجعه، شیخ حرّ عاملی.
- ۹- الخصال، شیخ صدوق، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۶۲.
- ۱۰- الزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب، علی یزدی حائری، چاپ بیروت، ۲ جلد، ۱۹۸۴ م .
- ۱۱- امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.

- ۱۲- امید منتظران مهدی علیه السلام، مهدی مهدوی، انتشارات دانش هوشیار، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱.
- ۱۳- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الإسلامیه.
- ۱۴- برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، العبقری الحسان، تألیف شیخ علی اکبر نهاوندی، باز نویسی سید جواد معلم.
- ۱۵- تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر.
- ۱۶- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ۳ جلد، انتشارات مرتضوی، زمستان ۱۳۸۳.
- ۱۷- تشیع و انتظار، محمد تقی خلجی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ۱۸- تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۱۹- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی.
- ۲۰- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱.
- ۲۱- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۲- توجهات حضرت ولی عصر (عج) به علما و مراجع تقلید، عبدالرحمن باقرزاده بابلی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۳- چشم به راه مهدی علیه السلام، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۲۴- چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، نجم الدین طیبسی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۲۵- حق الیقین، دو جلد، سید عبد الله شبر.
- ۲۶- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۲۷- درسنامه‌ی تاریخ عصر غیبت، پور سید آقایی- جباری- عاشوری- حکیم، انتشارات حضور، قم، ۱۳۸۳.

- ۲۸- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشمی العمیدی، ترجمه‌ی مهدی علیزاده، چاپ ۱۳۷۹.
- ۲۹- رجعت، محمدرضا ضمیری، انتشارات موعود، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
- ۳۰- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث، حسین طارمی زیر نظر جعفر سبحانی، حوزه‌ی علمیه‌ی قم، جامعه‌ی مدرسین، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
- ۳۱- رجعت یا دولت کریمه‌ی خاندان وحی، محمد خادمی شیرازی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۳۲- سفیانی از ظهور تا افول، نصرت اله آیتی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴.
- ۳۳- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، اسوه، تهران، ۱۴۲۲ هـ.ق.
- ۳۴- سلوک منتظران، سید محمد بنی هاشمی، چاپ دوم، ۱۳۸۳، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- ۳۵- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، انتظارات زائر، بهار ۱۳۸۴.
- ۳۶- سیمای مهدویت در قرآن، محمد جواد مولوی‌نیا، انتشارات امام عصر علیه‌السلام، چاپ اول، مهر ۱۳۸۱.
- ۳۷- شمیم، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.
- ۳۸- شناخت زندگی بخش، ابراهیم شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰.
- ۳۹- صحیفه‌ی نور، امام روح الله الموسوی الخمینی.
- ۴۰- ضرورت طرح مباحث مهدویت، روح الله شاکری زوارده‌نی، پاییز ۱۳۸۴.
- ۴۱- ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، سید اسد الله هاشمی شهیدی.
- ۴۲- عصر زندگی و چگونگی آینده‌ی انسان و اسلام، محمد حکیمی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.
- ۴۳- عصر ظهور، علی الکورانی، مترجم مهدی حقی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۴۴- غیبت امام عصر علیه‌السلام یا پنهانی خورشید عدالت، محمد خادمی شیرازی، انتشارات رسالت، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷.

- ۴۵- غیبت نعمانی، محمد بن ابراهیم جعفر نعمانی، مترجم: محمد جواد غفاری، صدوق، ۱۳۷۶.
- ۴۶- غیبت طوسی، شیخ ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، معارف الإسلامیه، قم، ۱۴۱۷ هـ ق.
- ۴۷- فرهنگ‌نامه‌ی مهدویت، خدا مراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه‌السلام، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.
- ۴۸- فصل‌نامه‌ی انتظار، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه‌السلام، مرکز تخصصی مهدویت قم.
- ۴۹- قاموس قرآن کریم، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.
- ۵۰- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، مترجم: پهلوان، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰.
- ۵۱- معانی الأخبار، شیخ صدوق.
- ۵۲- معجم الأحادیث الإمام المهدی، علی کورانی و جمعی از محققان، ۱۴۱۱ هـ ق.
- ۵۳- معرفت امام زمان علیه‌السلام و تکلیف منتظران، ابراهیم شفیعی سروستانی، تهران، موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴.
- ۵۴- مکیال المکارم، آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی، دو جلد، ایران نگین، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۱.
- ۵۵- منتخب الأثر، لطف‌الله صافی گلپایگانی، السیده‌المعصومه قم، ۱۴۱۹ هـ ق.
- ۵۶- مهدی تجسم امید و نجات، عزیز اله حیدری شاهرودی، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۲.
- ۵۷- میزان الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، مترجم: حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۷.
- ۵۸- نجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.
- ۵۹- نگین آفرینش، حائری‌پور - یوسفیان - بالادستیان.
- ۶۰- یاد مهدی علیه‌السلام، محمد خادمی شیرازی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۴.